هذا الکتاب بسم الله الرحمن الرحیم میزان الطبایع

زیب دیباچهٔ هر رسالهٔ لطایف‌نشان صنایع حکیمی‌ست که قلوب ارباب عقول را بشناخت حکمت علی و علی اعلای [illegible]
نمود و زینت خطبهٔ هر نسخه که بعد درود رسول گرامی سزاست که زنگ ظلمت علایق جرم و کثافت از مرآت عقول صاحب
قلوب بصیقل عنایت زدود صلی الله علیه و آله و الصلوات [illegible] الملک المعبود فقیر حقیر تقی الدین محمد بن صدر
الدین علی دهدار عرض میدارد که روزی از ایام عشرت در حرم که سحر لیلة القدر [illegible] جانفزای نسیم
کسب انفاس سعادت کردی و صبح نوروز نسیم را که بستانش گلهای [illegible] گلشن در تکاپو دیدی
این فقیر ساعتی بمساعدت بخت و معاونت دولت بحضور مجلس فلک رتبت و جلوس محفل [illegible]
[illegible] نواب کامیاب [illegible] سلیمان مرتبت کسری معدلت قطب سپهر [illegible] مرکز دایرهٔ کشور
کشائی سکندر ارسطو [illegible] افلاطون جمشید [illegible] جام [illegible] وزیر
جهانبانی روشن رای که شعاع ماه [illegible] شمع راه عقل [illegible] تاریک [illegible] ماهیت
[illegible] که [illegible] چراغ خلوت [illegible] ظلمات [illegible] حقیقت
اسم [illegible] جلوهٔ انجمن سخاوت [illegible] جولان معرکهٔ شجاعت صد هزار اسفندیار
و رستم عناد در [illegible] صیقل آیینهٔ فتح و نصرت و هوای [illegible] بهار گلشن عیش و عشرت از نفحات

دایرۀ

دایرۀ عالم قدس مشام روحش معطر و از انوار مصابیح مجلس انسش صحن جانش منور تمام خاطر و ملکوت ناطق منش
از [illegible] لوح محفوظ نقوش [illegible] معرفت [illegible] حق [illegible] از نسیم بهار قدس [illegible] شکفته مطلع
انوار شهنشاهی مخزن اسرار و عنایات الهی [illegible] عالم [illegible] خطاب تا بود در سایهٔ خلق
عالم را پناه ماه برج شهریاری شمع جمع سروری آفتاب اوج شاهی سایهٔ لطف اله [illegible] اسکندر
دارا حشم خسرو صاحب‌قران سلطان محمد قطبشاه من الله تعالی علی کافة الانام بنظام سلطنة علی الدوام
و قیام خلافة [illegible] القیام سرافراز بود و چنانچه دأب صاحب مجلس و رسم اصحاب انجمن است از اشتغال
بانواع علوم معقول و منقول ایراد سخن میشد تا بتقریب بعضی مفرحات و معاجین که دلهای بزم عشرت
آیین را [illegible] و تفریح خاطرهای [illegible] سید که فلان چند کتاب [illegible] رساله
مشتمل بر تشخیص امزجه [illegible] تراکیب و قواعد تحقیق آن تالیف نموده [illegible] نسخه [illegible] در کتابخانهٔ خاصه موجود است
بعد از استماع این حرف [illegible] که معدن جواهر حکمت و منبع زلال معرفت
جاری شد که اگر درین نسخهٔ [illegible] مضمون صدق [illegible]
[illegible] ترکیب الفاظش [illegible] اصحاب [illegible] حقیقت [illegible]
ترتیب معانی [illegible]
و احسان [illegible]
[illegible]

وازچشم
و ذ یاد فی بعضی غایبا و البیش جدید دادامید که از بوی انطو خون وشید ایشان ستم یاد ذیه بن و ذ بهر مند باد
زخم کوته بینان اسیبش مرساد و این رساله که موسوم است بمیزان الطبایع قطبشاهیه مرتبست بر صغری
مقدمه اول
وکبری و نتیجه اما صغری مشتمل است بر چند مقدمه
انچه وارد بدن میشود از قسم ماکول
ومشروب چهار قسم است زیرا که حال خالی از ان نیست که اول بدن در ان تصرف نموده او را تغیر میکند
یس یا فی الحال ان ماکول یا مشروب تغیر میدهد بدن را نقل میکند بدن را بمزاجی مثل مزاج خودش
این قسم را الجمله دوای مطلق میگویند مثل زنجبیل و فلفل و انچه مانند ان است یا انکه آن مشروب
وماکول در بدن تصرف میکند و تغیر مزاج بدن میکند و بدن را تقویت و نمیتوان نیست که در و تصرف
کند و تغیر ان دهد ان را دوای قتال مینامند چون بیش و مانند ان یا انکه ان ماکول ومشروب
تغیر میدهد بدن را اولا پس بدن در ان تصرف نموده تغیر ان میدهد ثانیا چون غذای که اولا
قوت دوا باشد چون ملح الشعیر و انچه مانند ان است این قسم را غذای دوائی خوانند یا انکه
ابتدای بدن در ان تصرف نموده تغیر ان میدهد و ان را مستحیل ساخته جزو اعضا میسازد و این
غذای مطلق گویند پس دوای مطلق و غذای دوائی که از تقویت دواست مساوی قوت بدن
بانی دو قسم بان و لیهذا هر دو هم تغیر میدهند بدن را و هم از بدن متغیر میشوند لیکن دوای مطلق
اولا از بدن متغیر میشود پس بدن را تغیر میدهد و غذای دوائی اول بدن را تغیر میدهد پس
از بدن متغیر میشود و دوای قتال مثل سم افعی است از بدن بنا بر ان قادر نیست که تغیر دهد
بلکه از و متغیر میشود و بدن اقوی است از غذای مطلق بان نحو سبب تغیر ان میدهد و از متغیر
نمیشود بباید دانست که احتیاج بغذا بواسطه ان است که بدل شود ان چیزی را که از بدن
تحلیل میباید با قسام تحلیل ظاهر و خفی و غذا سبب نمو بدن و زیادتی ان است در اقطار ثلثه و نفع
میرساند به بدن بسبب جوهر و بسبب کیفیت و غذا مختلف میباشد بجهة کیفیت چون غذای معتدل
یا غذای گرم یا سرد یا رطب یا یابس و از حیثیت جوهر نیز مختلف میباشد چون غذای لطیف و غلیظ
و میان و غذا گاه از نبات میباشد و گاه از حیوان انچه از نبات است یا از دانه و مغز است یا از برگ
یا از

میکند نشا
یا از میوه یا بیخ و انچه از حیوانات است یا از حیوان لطیف که بر بدن بمنزلت ترکی در منا بد یا از حیوان بری است که لطیف میکند باد
و غذا گاه از اعضای حیوانات است و گاه از فضلات ان چون عسل اما اشربه استعمال آن بواسطه ترطیب بدنست و بدل
شدن انچه از رطوبات بدن تحلیل رود یا بجهة نرم ساختن غذا و سرعت نفوذ ان در اعضا و سایر ان و اشربه
بر سه قسم است اب و نبیذ و اشربه که قایم مقام ادویه است اما اب غرض از ان ترطیب بدن و ترقیق غذا و سرعت
نفوذ ان است باعضا چنانکه مذکور شد و بانفراده غذای بدن نمیشود و گوشت و اصیل که نیک دانی منعقد
نمیشود در طبخ معده و اما نبیذ غرض از ان رسانیدن غذاست بسایر اعضا و تغذیه بدن و گرم ساختن
ان بسبب انکه نشر حرارت غریزی میکند بسایر بدن و غذا را خوب هضم میسازد و اشربه که قایم مقام
ادویه است مثل سکنجبین و دوب و شربت خشخاش و عناب و ترنج و مانند ان غرض از ان تقویت غذای
جمیع اعضا و تغذیه بدن و قایم مقام ادویه بودن در نفع و معالجه و یا اجسام نباتی است یا اجسام حیوانی
یا اجسام معدنی انچه یا اجسام نباتی است یا بیخ ان است یا بیرک یا میوه و تخم چنین بیانش نیست که
از ان بی غذا امده و منعقد شده چون تداوی ممنوع یا منعقد نشده چون تداوی تا انکور و تداوی
یا اجسام حیوانی یا شرط است که از حیوان زنده باشد چون تداوی نیست و این قسم یا اجزای
حیوان است یا بفضله ان و تداوی یا اجسام معدنی چون طلا و نقره و طلا جوهر و غیر ان دربیان اغذیه
که مکروه است جمع کردن ایشان در معده اطبا مکروه داشته اند جمع کردن میان دو طعام که هر دو حاد
باشند یا هر دو بارد یا هر دو لزج یا هر دو منفخ یا هر دو قابض یا هر دو غلیظ یا هر دو و هم چنین
مکروه داشته اند خوردن شیر که بعد از ترنج و ماست با ترب یا بعد از ترب و گوشت مرغ با ماست
بعد از هریسه و اب گرم بعد از طعام شور و اب سرد بعد از میوه و حلوا و طعام گرم و طعامهای تخمین
جمع میان ایشان بسبب انکه بعضی اصلاح بعضی دیگر میکنند از جمله طعام شیرینست با طعام ترش
که هر یک اصلاح دیگر میکند از جمله طعام شیرینست با طعام ترش که هر یک اصلاح دیگری میکند
تا بعضی اصلاح چرب شود و طعام چرب ترش شود اصلاح یکدیگر مینمایند چرب و شیرین
اصلاح تا بعض مینمایند و ترش مصلح شور است و بعضی را زعم اینست که جایز است جمع نمودن
میان هر قسم غذای که باشد زیرا که حال خالی از ان نیست که این هر دو غذا متشابهند یا متضاد
اگر متشابهند پس مثل ان است که از یک قسم طعام بیشتر خورده شود و این خود ممنوع نیست
و گر متضادند هر یک دفع مضرت دیگر میکند و تعدیل حاصل میشود لیکن این زعم باطل است زیرا که این تقسیم
صحیح نیست چه میتواند بود که هر دو غذا نه متشابه باشند و نه متضاد بلکه مختلف باشند در صفت
دو غذا بسبب مخالفت باشد نه بسبب تضاد و تشابه یا انکه ممکن است که دو چیز ضد یکدیگر باشند و
هیچ کدام مصلح دیگری نباشد و از جمع ایشان تعدیل حاصل نگردد چنانکه هر دو متفق باشند در
غلظت یا در فساد جوهر یا اسناد کیفیتی که عارض هر دو شده باشد نه تضاد یکدیگر نباشند با قوت حادة
از هر یک از متضادین متاثر شود بسبب غذائی که او یابد چنانکه از آتش سوخته باشد بر ان

برف و یخ کمتر باشد یقین که از هر دو متاذی خواهد بود و هم چنین میتواند که دو شیء متشابه باشند و احدهما دوا و صالح
دیگری
باشد چنانکه اتفاق افتد که یکی از آن دو شیء تلطیف ترکیبی نماید و همچنین میتواند بود که میان دو شیء متشابه
ضد کند بجهة کیفیتی که عارض هر دو شده یا بسبب خاصیتی که لازم از اجتماع است یا آنکه مزاج هر دو و متشابهت
در میان مزاج ادویه و اغذیه یا بتجربه است یا بقیاس در تجربه چند شرط مرعی باید داشت تا اعتماد
بدان توان کرد اول آنکه دوای مجرب خالی باشد از کیفیت مکتسبه چون آب مادام که گرم باشد احداث حرارت
کند و چون حرارت عارضی زایل شود بمزاج اصلی که برودت است عاید گردد دوم آنکه تجربه دوا بر بدن
معتدل نمایند و آنچه ظاهر شود از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست حکم کنند که آن در او
کیفیت است که ظاهر شده و بعضی گفته اند که سزاوار آن است که بر علل متضاده تجربه نمایند تا معلوم شود
که کدام را نفع میکند و کدام را ضرر و باید که بر علت غیر مرکبه تجربه نمایند که اگر تجربه بر علت مرکبه نمایند
معلوم نخواهد شد که بهر یک از آن دو علت نفع کرده یا ضرر نموده و باید که قوت دوا مقاومت کند
با قوت علت زیرا که برودت بعضی ادویه گاه عاجز میباشد از حرارت علتی و در آن اثر تمامی نمیتواند
کرد و همچنین گاه حرارت ادویه عاجز میباشد از برودت علتی پس اگر تجربت خواهد که کار دوا
مشکل نشود باید که اول بر علت ضعیفی تجربه نماید و بعد بر علت قوی تر تجربه نموده قوت
دوا را معلوم نماید سیم رعایت زمانی نماید که فعل و اثر دوا در آن زمان ظاهر میشود پس اگر
در اول استعمال ظاهر شود از دوا فعلی که مضاد فعلی باشد که در آخر ظاهر میشود
فعلی از او ظاهر نشود در آخر ظاهر شود حکم آن است که آنچه اولا از او ظاهر شده باید اول
و آنچه در آخر ظاهر شود بالعرض باشد چه توان بود که ابتداء از دوا بالذات فعلی خفی ظاهر شده
باشد و در آخر بالعرض فعلی از او ظاهر گردد چهارم باید که مراعات استمرار فعل نماید یعنی باید
که فعل دوا دائمی باشد یا اکثری که اگر گاهی ظاهر شود و گاهی در اوقات نشود صد در آن خلل آید و
بالعرض خواهد بود نه بالذات پنجم باید که حکم کند بر دوا بقیاس ابدانی که آن دوا در آن ابدان تجربه
نموده یعنی اگر آن دوا در بدن انسان تسخین نماید حکم کند که آن دوا گرم است در بدن انسان و بس
در باقی حیوان حکم بگرمی نماید زیرا که بسیار اتفاق میافتد که دوائی قیاس ببدن انسان خاصیتی
دارد و قیاس ببدن باقی حیوانات آن خاصیت ندارد چون شوکران که غذای جانوری است که
آن را از [illegible] گویند و خربق غذای جانوری است که آن را اسمانی گویند و بیش غذای جانوری است
که آن را موش بیش نامند و اینها که مذکور شد هم نسبت به بدن انسان سم قاتل اند در تجربه
مخاطره بسیار است چنانکه بقراط اشاره بآن نموده و بسیار باشد که تجربه موجب هلاک
نفوس شود بجهة آنکه آن دوا از سموم باشد و لهذا اطبای ماتقدم وصیت نموده اند که دوا را تجربه

کراده

طعم
که اراده تجربه آن داشته باشی پیش از تناول باید که ملاحظه طعم آن نما و بوی آن دوا نمائی اگر بوی ناخوش و
کریه داشته باشد آن دوا خالی از مضرتی نخواهد بود باید که احتیاط استعمال آن نمائی اگر نفرت بسیاری از طبیعت
بنا بر استعمال آن توان نمود و چنان نیست که حقیقت و مزاج جمیع ادویه را بتجربه دریافته باشند بلکه اکثر ادویه را ابتداء
بطریق اتفاق از آن کیفیتی یافته اند بعد از آن تجربه نیز کرده اند مکرر و موافق آن اتفاق یافته اند پس حکم کرده اند
که فلان دوا از کیفیت مزاج این است و بفلان مرض نفع داده یا ضرر و گویند که حقیقت بعضی از ادویه
بخواب معلوم شده که فلان دوا را مزاج این است و فلان مرض را نافع است بعد از تجربه چون موافق یافتند
اعتماد بر آن یافته نمودند و حقیقت بسیاری از ادویه باشاره و ارشاد انبیا و اولیا صلوات الله و سلامه
علیهم اجمعین معلوم شده و بعضی از حیوانات ملهم شده اند که بعضی از بیماریها را به بعضی از ادویه
مخصوصه معالجه نمایند و مردم بعد از ملاحظه استعمال نموده اند و همان نفع بر آن مترتب
شده چنانکه مشهور است که بقراط حکیم استخراج علم حقنه از طایری نمود که در دریا ماهی
بسیار میخورد و چون از آن ممتلی و متاذی میشد آب دریا در دهن گرفته منقار را در موضع
مخصوص میبرد و آن آب را در آن موضع میریخت آنچه خورده بود مستفرغ میشد و مشهور است
که مار در ایام زمستان در زیر درخت زمین پنهان میباشد و چشم او بجهة آن تاریک کم
نور میشود چون فصل و برودت زمستان تخفیف میابد از مکان خود بیرون آمده طلب
نبات رازیانه مینماید و از آن میخورد و چشم خود بر آن میمالد تا ظلمتی که عارض شده مرتفع میگردد
و بحالت اول معاودت مینماید بنابر این اطبا مباشره رازیانه را بجهة رفع ظلمت چشم و تقویت
بصر و حدت آن استعمال مینمایند و نفع مطلوب بر آن مترتب میگردد و گویند که باز هر گاه که درد
درونی در وی بهم میرسد صید طایری میکند که یونانیان آن را طائر و قوس مینامند
و از جگر آن میخورد آن درد مرتفع میگردد و میتواند بود که حقیقت بسیاری از ادویه که
بر کسی معلوم نبوده بعد از این معلوم شود و اما دانستن امزجه ادویه بقیاس پس چند شرط
است از آنجمله سرعت استحاله و بطوء آن است که سرعت جمود و بطوء آن طعم و رایحه و الوان اما
سرعت استحاله و بطوء آن باین نحو است که آنچه زودتر مستحیل بآتش شود گرم خواهد بود
نسبت بآنکه دیرتر شود بشرط آنکه هر دو متساوی باشند در تخلخل و تکاثف یعنی
که اگر مختلف باشند در تخلخل و تکاثف متخلخل زودتر مستحیل شود یا در بدن انسان
احداث حرارت نماید حکم نخواهیم کرد که آن دوا گرمتر است چه میتواند بود که سرعت استحاله

بجهة تحلخل آن دو نابوده باشد نه بجهة زیادتی حرارت و امّا سرعت جمود و بطوء این بر نمونه الاست که اگر دو شیء
متساوی باشند در غلظت و لطافت و یکی از آن دو زودتر منجمد شود از برودت آن شیء ابرد خواهد بود
از آن شیء دیگر که اگر مختلف باشند در غلظت و لطافت و غلیظ زود منجمد گردد از برودت حکم نخواهیم
کرد که آن سردتر است در مزاج چه جایز است که جمود آن از غلظت باشد نه از برودت مجملاً آنچه
سردتر و غلیظتر است زود منجمد میشود و آنچه لطیفتر و برودت کمتر است دیرتر منجمد میگردد
و امّا طعوم مفرده اش هشت است دسومت حلاوت مرارت ملوحت حموضت حرافت عفوصت
قبض امّا دسم بجهة مائیت و هوائیت که در وست ترطیب و تلیین میکند و مرخیست فی الجمله
گرم سازد و بسط لسان مینماید و نرم و هموار میسازد آنرا و طبیعت را نرم میسازد امّا حلو معتدل
الحراره مرخی و منضج است بغیر اسخان قوی و زبان را املس میسازد و تسکین کن نزدیکی آن مینماید و
لذت میدهد و حلو قوی الحراره زبان را درشت میگرداند و در یکدیگر میکشد و تشنگی میآورد
امّا مر دان ارضیتی هست جلا میدهد و قطع بلغم میکند از سطح اعضا و فی الجمله گرم میسازد
و زبان را بسیار درشت میگرداند و میشوید رطوبات لزجه که بر سطح آن باشد امّا مالح ارضیتست
و گرم جلا میدهد بی اسخان قوی و زبان را درشت نمیسازد چنانکه تلخ درشت میسازد و زبان
میشوید زبان را کمتر از آنکه تلخ میشوید و منع تعفن میکند امّا حریف قوی الحرارت تامت و ناری
و لطیف بالکثره میسازد محلّل است و معفن و میشو ذانه بجهة گرمی بسیاری که در اوست و
بجهة لطافت جوهر وی و احداث میکند در زبان گزندگی بسیار امّا حامض آبی و لطیف است
و تلطیف و تقطیع میکند و سدّه میگشاید و صفراویرا پاک میگرداند و احداث برودت و خشکی
مینماید و در جوهر زبان فرو میرود و میگزد زبان را کمتر از گزیدن حریف و گرمی نمیسازد و
تسکین میدهد صفرا را و مولد ریاح است و مضرّت میرساند بعصب امّا قابض بارد ارضیست
جمع میگرداند اجزای اعضا را و تنگ میسازد مسامات را و احداث سردی و خشکی مینماید
و کند و درشت میسازد زبان را و منقبض میکند زبان را کمتر از قبض عفص و تقویت شهوت
میکند امّا عفص بارد ارضیست جمع میگرداند اجزای اعضا را و کثیف و صلب میسازد
زبان را بسیار در یکدیگر میکشد بحدی که میفشارد آن را و درشت میسازد و گاه
هست که دو طعم یا زیاده در یکجا جمع میشود چون تیزی و شیرینی در عسل و بعضی
دلیل گفته اند بر آنکه طعوم منحصر در هشت است باین نحو که هر دوایی یا غذایی که
هست خالی از آن نیست که جوهرش کثیف است یا لطیف است یا معتدل است در کثافت
و لطافت

و لطافت هریک از این سه قسم خالی از آن نیست که مزاجش یا بارد است یا معتدل است میان حرارت
و برودت بنابرین تقسیم نه قسم حاصل میشود هشت قسم از آن صاحب طعم است و یکی بی طعم
کثیف حار تلخ است کثیف بارد عفص کثیف معتدل در گرمی و سردی حلو لطیف حار حرّیف
لطیف بارد حامض لطیف معتدل دسم متوسط در کثافت و لطافت حار مالح متوسط در کثافت
و لطافت بارد قابض متوسط در کثافت و لطافت معتدل تفه که بی طعم است و گاه هست یک
شیء مرکب از دو چیز است یکی بارد بی طعم و یکی حار با طعم و مرکب بارد است بواسطه آنکه جوهر بارد
غالب است بر وی و جوهر حار مغمور و منضم است در وی پس طعم آن مرکب طعم جوهر حار است
و فعلش بالضد بارد چون افیون که او تلخ و سرد است با آنکه تلخی آن از جوهر حار است و تاثیرش
از جوهر باردی که طعم وی غالب نیست بر وی و اکثر این قسم که اتفاق میافتد در طرف
سردی میباشد یعنی طعم وی دلالت بر حرارت میکند و غالب بر مزاج آن شیء برودت
چون این حرارت قوی تر است و ظاهرتر طعمی که مقتضای حرارتست از آن ظاهر میشود و غالب آست
بیان از جمله اموری که توضیح این مطلب نماید و موجب زیادتی بیان آن باشد این است که اگر اندکی
از صبر در بسیاری از دهن توتیا اندازی همه را تلخ میسازد امّا مزاج آن را گرم نخواهد ساخت پس
هرگاه بطریق صناعت ممکن باشد که چیزی طعم دهد و تغییر مزاج ندهد جایز خواهد بود که
بطریق طبیعت این قسم چیزی موجود گردد امّا از رایحه ممکن است که از آن استنباط مزاج اشیا
نمایند و لهذا بسیاری از اشیا مزاج و حیاز بوی وی معلوم میشود بعنی آنکه جسته شود و
بسیاری واقع میشود که طعم با بوی مخالف میباشد مثل گل خوشبوی که با وجود بوی
خوشش طعمش تلخ است و عفوصت خالی نیست و اکثر آن است که رایحه از جوهر حار میباشد خصوصا
گاهی که مایل بشیرینی باشد یا از وی گزندگی محسوس شود یا بوی تند لطیف داشته باشد
و آنچه از وی حموضت و تکرّج محسوس شود بارد خواهد بود و اکثر خوشبوی ها گرم میباشد
مگر آنچه با تسکین نفسی باشد چون کافور و نیلوفر و افاویه بجمیعها گرم میباشند و لهذا
مصدّع اند و درد سر میآورند و آنچه بو ندارد مزاجش از طعم و فعلش معلوم توان کرد و رایحه
او را آنچه باشد دلالت میکند بر لطافت مزاج امّا در همه جا حکم نمودن بر مزاج و
استنباط آن از رایحه نمودن موثوق به نیست و اعتماد را نمیشاید و امّا الوان استدلال
بآن دون استدلال برایحه است و اضعف چیزها نیست که از آن استدلال مینمایند بر مزاج
و وجه ضعف استدلال بالوان مثل آنست که در طعوم گفته شد زیرا که جایز است که

یک شیء مرکب باشد از دو جوهر حار و بارد
الوان نباشد و جوهر حاره و بارده و بارد را لونی باشد که دلالت کند بر برودت و حار
صاحب لون را و گاه هست که جوهر حار غالب باشد بر آن شیء بحیثیتی تا آنکه جوهر حار غالب را خواهد نه بارد
بیان و گاه هست که استدلال نمایند بر افراد یکنوع عقاقیر بعضی بر بعضی بلون مثل
حبوب و بزر و ریاحین که افراد یکنوع که هر کدام که سفیدتر است باردتر است و آنچه سفیدی
کمتر است حارتر است و بعضی بر آن استدلال را قبول ندارند و میگویند که استاد کی که از یک حار باشند
آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است حرارتش بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است حرارتش کمتر است
و نوع بارد آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است برودتش بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است برودتش
کمتر است لیکن رای قول اصح و اظهر است زیرا که شراب نوع از حار است و سفیدتر آن کم منفعت است
بخلاف آنچه قایل دوم ذکر کرده و اعتقاد نموده بنابر قول قایل دویم بایست که شراب سفید
کم منفعت باشد و دلیل بر صحت قول اول آثار و افعالات که از شراب سفید ظاهر میشود و همین
دلیل کافی است این مطلب را مقدمه خامسه در معرفت امزجه مرکبات مزاج مرکبات و درجه
آن از امزجه مفردات و درجات آن معلوم باید کرد پس اگر مرکب باشد از کیفیات متضاد
مقابله باید کرد درج حار را با درج بارد و رطب را با یابس اگر هر دو متساوی باشند حکم باعتدال
مرکب باید کرد و اگر احدهما فاضل باشد حکم کنیم بر مرکب بمزاج فاضل و اگر مرکب باشد از کیفیات
متشابه مثلا مجموع اجزا حار باشند یا مجموع بارد اگر مساوی باشند در درجه مزاج آن مرکب
مثل مزاج مفردات آن مرکب باشد و اگر یکی از مفردات در درجه اولی باشد و دیگری در ثانیه
اولی مزاج مرکب مختلف باشد مثلا اگر یکی از مفردات گرم باشد در درجه اولی و دیگری گرم
باشد در درجه ثالثه مزاج مرکب از آن دو جزو گرم خواهد بود در درجه ثانیه چنانکه اگر
ترکیب کنیم گرم را با آب گرم ممزوج سازیم از آب ممزوج نیم گرم و سرد تر از آب گرم خواهد بود اگر کسی
گوید که بنابر آنکه تو بیان کردی لازم میاید که حار و بارد مساوی باشند در افعال ذاتیه زیرا
که اگر بارد در درجه اولی را اضافه نمائیم با حار در درجه ثالثه مزاج مرکب از آن دو جزو میباید
که گرم باشد در درجه ثانیه بواسطه آنکه یکدرجه از برودت مقابله شد با یکدرجه
از حرارت و باقی ماند مرکب حار در دو درجه پس فرق نباشد میان حار در درجه اولی جواب گوئیم
که مرکب از بارد در درجه اولی و حار در درجه ثالثه حار در درجه ثانیه زیرا که چون در
یک درجه از برودت مقابله شد با درجه از حرارت باقی ماند نصف مرکب حار در دو درجه و نصف
دیگر از مرکب معتدل نسبت بجهة تقابل درجه برودت با درجه حرارت و چون اضافه نمودیم
معتدل

معتدل را با حار در دو درجه مرکبی حاصل شد که حرارت آن کمتر از دو درجه است پس حار با رد مساوی
نباشند و تفرقه باشد میان هر دو و توضیح این مقام آن است که مراد اطبا از این قول که فلان دوا گرم است در
درجه اول آن است که در آن دوا دو جزو گرم است و یکجزو بارد یک جزو بارد مقاومت کرد با یکجزو
حار و معتدل شد و آن دوا باقیماند در یکجزو گرم و مراد از آنکه فلان دوا گرم است در درجه سیم
آن است که در آن دوا چهار جزو گرم است و یکجزو سرد یک جزو گرم مقاومت نمود با یکجزو سرد
و آن دوا باقی ماند در سه جزو گرم پس چون در مثال مذکور مرکب سازیم آنرا جزو و دوا ز آن مرکب
شش جزو گرم باقیماند نصف مرکب گرم در چهار جزو و چون از چهار جزو گرم سرایت کند در مجموع
مرکب گرم خواهد بود در دو درجه و اگر مرکبی فرض کنیم از یکجزو بارد در یکدرجه و یک جزو گرم
در سه درجه در این مرکب سه جزو بارد خواهد بود و پنج جزو حار بعد از مقابله باقی ماند
نصف مرکب گرم در دو جزو بعد از سریان گرم خواهد بود در یکدرجه پس ظاهر شد که مرکب
از حار در یکدرجه و حار در سه درجه حار است در دو درجه و مرکب از بارد در یکدرجه و
حار در سه درجه حار است در یکدرجه و اما کیفیت دانستن اعمالات هر چند کلیه اولی
در معرفت قانون ترکیب ادویه در اکثر کتب طبی مذکور است که طبیب را سزاوار آن است
که اگر دوای مفرد را در مرضی که علاج میکند کافی داند از آن تجاوز ننماید زیرا که مفرد اخف
است بر طبیعت از مرکب دیگر آنکه دوای مفردی که در مرکبات میباشد اکثر آن است که شربت
تام نیست پس فایده که بر شربت نام مترتب میشود بر آن مترتب نخواهد شد و اگر احیانا آن
دوای مفرد را در مقصود خود کافی نیابد در آن صورت جایز است او را که ترکیب نماید و بدوای
مرکب معالجه کند و اینکه دوای مفرد در مقصود کافی نباشد بواسطه دو امر میتواند بود
اول آنکه در آن دوا صفتی حالی باشد که علاج مقتضی و مستدعی آن باشد که اصلاح آن دوا
باید کرد بجهة آن علاج و ممکن نباشد اصلاح مگر بضم نمودن دوائی دیگر بآن دوای مفرد
دوم آنکه مرضی که طبیعت علاج میکند مرکب باشد و مقتضی آن باشد که دوای دیگر
بآن ضم باید کرد اما اول منقسم بچند قسم میشود اول آنکه دوای مفرد حار با طعم باشد و
طبیعت بسبب حدتی که آن دوا دارد قبول نکند در آن صورت چیزی دیگر بآن اضافه باید
کرد تا حدت دوا را زایل سازد مثلا زنجبیل چون حدتی در وی موجود است با عسل
ضم نمود مرتا میسازند تا حدت طعم آن شکسته شود دوم آنکه حاد الرائحه باشد پس
چیزی بآن اضافه باید کرد تا حدت آن را ساقط کرداند مثلا خیار شنبر چون حدت

دایمه بجهت دوری موجود است که لابد با آن منضم میسازند تا طبیعت و معده ازان متنفر
نماید و موجب غثیان نشود سیم آنکه ضعیف القوه باشد و وفا بمقصود نکند پس چیزی با آن
منضم باید کرد تا تقویت آن نماید مثلاً تربد زنجبیل را با آن اضافه میکنند تا بقوت آن بلغم غلیظ
دفع کند و ازین قبیل است ضم نمودن دوای گرم باد دوای گرم دیگر تا بسبب انضمام حرارت و
سخونت آن قوی شود و در امری که ازان مطلوبست اتم و اقوی باشد چه حرارت دوای
مفرد وفا بمقصود نمیکند و همچنین ضم نمودن دوای بارد با دوای بارد دیگر گاهی که احتیاج
به تبرید زاید بوده باشد چهارم آنکه دوای مفرد قوی القوه باشد و مقصود بکمتر ازان حاصل
شود و زیادتی قوت ضرر داشته باشد مثلاً زنجار ضم مینمایند با وصمغ تا در تقلیل زنجار
تا قوت زنجار را بشکنند و کم سازد و ازین مقوله است ضم نمودن دوای حار با دوای بارد
پنجم آنکه دوای مفرد سریع النفوذ باشد و در موضعی که مقصود عمل آن دواست توقف ننماید
پس چیزی با آن اضافه مینمایند که آن دوا را در آن موضع نگاه دارد تا مطلوب از آن بحصول
پیوندد مثلاً ادویه که مفتح سدد جگر است مثل تخم رازیانه و تخم کرفس و انیسون که سریع
النفوذند را جگر پس با ایشان ادویه جاذبه ضم باید نمود که آن دوا را بجهت جگر جذب
نماید مثل تخم ترنج که جاذب است بغیر معده پس دوا را در جگر آن قدر نگاه میدارد که منفعتی
که ازان دوا مطلوبست بجگر برسد بعد ازان نفوذ کند ششم آنکه دوای مفرد بطیء النفوذ باشد
و پیشتر ازانکه بعضو مقصود برسد قوت آن باطل میگردد یا ضعیف میشود و این قسم منقسم
بدو قسم میگردد بواسطه آنکه بطوء نفوذ آن دوا یا بواسطه آنست که آن دوا منقسم بدو
قسم میشود یک قسم متوجه عضوی میشود که مقصود علاج آن عضو است و قسمی دیگر
متوجه عضوی دیگر و بهمین سبب که بعضی ازان دوا بعضوی دیگر میرود موجب بطوء
نفوذ با تقلیل بعضو مقصود خصوصاً گاهی که بیشتر متوجه عضو غیر مقصود باشد و یا نه
بواسطه آنست در صورت دویم چیزی بآن اضافه باید نمود که مسرع نفوذ آن دوا باشد و
این بدو وجه است بواسطه آنکه مسرع یا آن دوا را بعضو مخصوص میرساند یا بجمیع اعضا آنکه
بجمیع اعضا میرساند مثل سرکه بواسطه حدتی که در اوست و روغن گل را
با وجود لزوجت بجمیع مسالک و مجاری میرساند و آنکه بعضو مقصود میرساند چون رسانیدن
زعفران کافور را در قرص کافور بدل و بعد از رسانیدن طبیعت را از ابطال نموده

عمل

عمله زعفران مینماید و دل را بکافور میرساند و همچنین با بونه که دران دو قوت است
قوت تحلیل و قوت قبض عمل قوت تحلیل در نفس عضو الم است و عمل قوت قابضه در بعض ماده که منع میکند آن ماده میتماید دران مجاری و در صورت اول که بطو نفوذ بواسطه آن است
که آن دوا منقسم بدو قسم میشود بعضی متوجه عضو مقصود و بعضی متوجه عضو غیر
مقصود لازم است که چیزی با آن منضم سازند که مخصوص سازد آن دوا را بعضوی که مقصود
علاج آن عضو است چنانکه ذراریح را با ادویه مدره منضم میسازند تا آن ادویه مدره
ذراریح را با ادویه مدره منضم میسازند تا آن ادویه از جهت عروق برگردانیده بطرف
کلیه و مثانه متوجه کردانند اما امر دوم که موجب ترکیب ادویه ترکیب مرض باشد آن
نیز منقسم بچند قسم میشود اول آنکه مرض مرکب از دو حال باشد که دوای مفرد مقابله
با آن دو حال نتوان کرد چنانکه در قرحه متوسخه دوای مفردی که هم اصلاح قرحه
کند و هم چرک و وسخ از او دور کند بهم نمیرسد بالضروره چیزی که گوشت رویاند اضافه
مینمایند بچیزی که چرک و وسخ را خورده دور کند چنانکه در مرهم زنجار را تنقیه را که
گوشت میرویاند با زنجار که چرک و وسخ را میخورد اضافه مینمایند دویم آنکه مرض
مرکب از دو حال باشد دوای مفردی که مقاومت با آن دو حال کند بهم میرسد
اما یکی از دو قوت دوای مفرد ضعیف است و وفا بدفع یک مرض نمیکند پس چیزی
با آن منضم میسازند که آن قوت را قوی سازد و معالجه و مقابله با آن مرض بکند
و شیخ ابو علی عنتل بابونه فرموده اند که دران قوت تحلیل بیشتر است و قوت
قبض کمتر پس اگر محتاج بقبض شدید باشیم دوای بسیط قابضی با آن منضم میسازیم
تا در امر مقصود تمام باشد سیم آنکه مرض مرکب از دو حال باشد و دوای مفرد
دو قوت باشد که هر یک ازان دو قوت وفا کند بمقصود اما احدهما اقوی باشد
و موافق مقصود نباشد پس چیزی با آن اضافه باید نمود که یکی ازان دو قوت
دوای مفرد را ضعیف سازد تا موافق مطلوب شود مثلاً چیزی منضم میسازیم
به بابونه که تحلیل آن را فی الجمله کمتر سازد و تعدیل کند تا مساوی مرض شود چهارم
آنکه مرض مرکب از دو حال باشد و دوای مفردی بهم رسد که آن را دو قوت باشد

که دفع کند پس هر دو دلیل یکی از آن دو حال که مرض را دافع است قوی‌تر باشد از دیگری پس محتاج شویم که چیزی
اضافه دوای مفرد نمائیم که تقویت آن قوت نماید که در مقابل یکی از آن دو حال مرض است چنانکه
در مرض سل نهب کسی که آن را مرکب میدانند حرارت دقیه اقوی باشد از قرحه شش و
ب ورد ماء الشعیر دفع نکند بتطفیه حرارت دقیقه و اگر جه جلائی که در داروست دفع میکند
بقرحه شش بالبنی ورده کافور و اضافه ماء الشعیر باید نمود تا ب ورد ماء الشعیر
کافور و تقویت یابنده و دفع کند بدفع حرارت دقیه کلمه ثانیه در بیان مقادیر اوزان اجزای مرکبات
شیخ ابو علی در قانون میفرماید که هرگاه که محتاج شوی بجمیع امر که در یک دوا بهم نرسد
و بالفعل ورده ترکیب چند دوا باید کرد تا آن مدعیات بفعل آید مثلا محتاج شوی باستفراغ
سقمونیا و شحم الحنظل و صبر و تربد واجب است بر تو که ملاحظه نمائی اگر آن مدعیاتی که
دوای همه بکرییه اند و هیچ یک را زیادتی بر دیگری نیست باید که هر یک ازین چهار دوا
ربع شربت آن دوا اخذ نموده ترکیب نمائی و اگر آن مدعیات مختلف باشند و بعضی
احتیاج بیشتر از بعض دیگر باشد و بعضی کمتر باید که حدس صناعی را بکار داشته
تفریق و تخمین قدر حاجت نمائی و نسبت حاجت را بحاجت دیگری نوعی سازی و بهمان نسبت
از شربات بعضی از دواهای کم کنی و بر بعضی دیگر چیزی بیفزائی و ترکیب نمائی
تا مطلوب حاصل گردد و اجزای مرکب بعضی اصل و عمود اند در آن مرکب که اگر اهمال در آن
جزو شود باید آن جزو دیگری داخل نمائی فایده که مقصود است از آن مرکب بالکلیه باطل
و منتفع میشود بالکلیه میشود مثل گوشت افعی در تریاق فاروق و صبر در ایارج فیقرا
و شحم در ایارج لوغاذیا و بعضی دیگر اصل و عمود نیست اند اگر اسقاط آن نمائی یا
بدل آن کنی یا بعضی را کم کنی و بعضی را زیاد جایز است و فایده که مقصود است از آن مرکب
باطل نمیشود و بعضی اجزا ازین قبیل است که اگر زیاد کنی ضرر دارد مثلا اگر در تریاق بلادر
زیاده کنی از وزن مقرر ادویه را فاسد میسازد خصوصا گوشت افعی را و بعضی
چنان است که اگر زیاد کنی ضرر ندارد چون جوز بوا در تریاق و صاحب منهاج الادویه
ازین مطلب را به بسطی هرچه تمامتر ذکر کرده میفرماید اما مقادیر اوزان ادویه مفرده
که در مرکبات ماخوذ است مختلف میشود بقلت و کثرت و توسط بواسطه اختلاف
حالات ادویه در قوت و ضعف و غیر آن و آن بدو طریق معلوم میشود یکی مفرد و دیگری
مرکب

مرکب اما طریق مفرد چنان است که گوئیم اختلاف اوزان ادویه مفرده در مرکبات یا بسبب قوت
دواست یا ضعف آن و یا بجهة کثرت منافع است یا بجهة قلت آن و یا بسبب شرف آن دواست یا خست
آن و یا بواسطه آن است که آن دوا منفرد و مخصوص است بنفعی و غیر از دوا آن شریکی نیست یا غیر
در آن منفعت با آن دوا شریکیست و یا موضعی که معالجه میشود از معده دور است یا نزدیک
است یا آن دوا منفعت است ببعضی اعضا یا در آن مرکب بعضی از ادویه موجود است که مضرت میرساند
بآن دوا پس اگر دوا قوی باشد اندکی از آن در مرکب باید کرد و اگر ضعیف باشد بسیار باید
کرد و اگر کثیر المنافع است بسیار باید کرد و اگر قلیل المنافع است اندک و اگر شریف المنافع است
بسیار باید کرد و اگر خسیس المنافع است اندک مخصوص و منفرد است بنفعی که در باقی ادویه
آن مرکب نیست بسیار باید کرد و اگر در مرکب ادویه دیگر باشد که همان نفع دهد کمتر
باید کرد و اگر موضع عضوی که معالجه میکنیم دور باشد از معده بسیار باید کرد و اگر
نزدیک باشد اندک و اگر آن دوا مخصوص باشد ببعضی اعضا یا کم کند نفع بعضی از ادویه را
که در آن مرکب است اندک باید کرد و اگر در مرکب بعضی ادویه باشد که قوت دوائی را کم کند
آن دوا را در مرکب بسیار باید کرد پس معلوم شد که اسباب بسیار کردن دوائی مفرد در مرکب
یکی از چند امر است ضعف دوا و کثرت منافع و شرف آن و دوری عضو مداوی از موضعی
که این دوا بآن میرسد و منفرد بودن دوا بنفعی و بعضی دوائی در مرکب که از شان آن دوا باشد
که ضعیف سازد قوت دوای نافع را همچنان اضداد این اسباب موجب آن است که دوائی مفرد را در مرکب
کم کنند و آن قوت دواست و قلت منفعت و خست دوا و قرب عضو مداوی از موضعی که دوا
بآن میرسد و مشارکت غیر با آن دوا در منفعت و آنکه در مرکب دوائی نباشد که از شان آن باشد
که قوت دوای نافع را ضعیف سازد و اما طریق مرکب که معلوم میشود از آن مقدار وزن دوای
مفرد که در مرکب داخل میکنند و آن ترکیب طریق مفرد است که مذکور شد و بالجمله هرگاه که
در دوا دو سبب یا بیشتر ازین اسباب که مذکور شد بهم رسد اگر آن اسباب مقتضی اکثار است
بسیار باید کرد و اگر مقتضی تقلیل است کم باید کرد و اگر بعضی از اسباب مقتضی اکثار است و باقی
اسباب مقتضی تقلیل میانه باید کرد مایل بکمی یا اگر اسبابی که مقتضی اکثار است بیشتر باشد میانه باید کرد
مایل ببسیاری و اگر اسباب کثرت و قلت متساوی باشد بمقدار معتدل باید کرد نه بسیار و نه کم کلمه
ثالثه در شناختن آنکه داروها را چگونه ترکیب باید کرد صاحب ذخیره خوارزمشاهی میفرماید
که داروهای مرکب بعضی معجونها باشد و بعضی اقراص و بعضی جوارش و بعضی شیاف سازند و بعضی
ضماد و مرهم و آنچه بدین ماند هرگاه که ترکیب خواهد کرد نخست دارو باید شناخت و باید

کنید تا بهتر بو باشد پس از خاک و چیزهایی که بآن آمیخته باشد پاک باید کرد و بر سنگ و تباه
کشته دور باید کرد وا دار وها هرچه کوفتنی باشد بهاون سنگین بباید کوفت و بحریر بباید بیخت
و دارو هرچند نرم تر ساید ترکیب آن خوبتر آید و منفعت آن تمامتر بود مگر دارو های گوارش
که بسبب نرم شاید کرد خاصه گوارش زیره چنانکه جالینوس میگوید که من گوارش زیره بکار داشتم
و آن منفعت که از وی توقع کردم نیافتم لیکن ادرار بول آورد و از آن رنج دیدم اندوهکن
شدم که مزاج من بدان حد نیا هست که مرا ازین دارو منفعت نمیباشد و مضرت همی باید
لیکن گمان بردم که اخلاط آن سخت نرم بود دیگر باره بساختم و اخلاط آن سخت درشت تر کردم
منفعت آن پدید آمد دانستم که اخلاط چنین گوارشها سخت نرم نمیباید و دارو ها هر یک
جدا باید کرد و کوفت و از آن آن راست باید کرد و هرچه صمغها و عصاره ها باشد آن را اندر
شراب و غیر آن تر باید کرد و حل کرد و اندر دارو ها مالید تا هموار شود پس او را با انگبین
باید آمیخت پس دارو های کوفته بر وی بباید برآن کندن و سرشتن اما آنچه زمستان سرشتند
انگبین سه بار هم سنگ دارو ها و آنچه تابستان سرشتند انگبین دو بار و نیم هم سنگ داروها
و انگبین صاف کرده باید و از موم جدا کرده و کفک بر داشته و معجون اندر ظرف چینی
باید که چهار انگشت ناقص بود تا اگر ترکیبی باشد که بجوش شده دم زند تباه نشود و ظرف
نشکند و معجونهای بزرگ را هرچند گاهی بباید جنبانید تا بخار از وی بیرون رود و دم زند تا آن قوت
که تمام شود و بعد از آن نگاه باید داشت و اقراص را نخست دارو ها نرم باید کرد اندر هاون بکلاب
یا بدان عصاره که اقراص بدان خواهند سرشت و کلاب یا عصاره اندک اندک بر دارو میباید
چکانید و میکوفت تا هموار سرشته شود چنانکه اقراص توان کرد و اندر سایه خشک باید
کرد و هر بامداد و شبانگاه میباید گردانید و از غبار دور نگاه باید داشت تا خشک شود
و تباه نشود و چنگوج نگردد و اگر اقراص لک سازند نخست لک را پاک باید کرد و شستن چنانکه
مکیه دیگر اذخر در بوند چینی اند زآب بر بپزند و لک را بکوبند و بحریر فرو گذارند و اندر هاون
کنند و این آب بر وی میچکانند و میمالند و میسایند تا تمام بحریر بیرون گذرد و چهار کاه اندر
وی مقل و کثیرا و دیگر صمغها بود نخست آن را بکلاب یا بعصاره که اندر کتاب یاد کرده شد
حل باید کرد و در هاون مالیدن تا هموار شود پس دارو بر وی بیز کنند و کوفتن تا سرشته
شود پس حب کردن کلمه را تعبیه در دالسانق بعضی دارو ها باید شستن و بباید سوخت و بریان
باید

باید کرد بریان کردن هلیله نخست هلیله را پاک کنند و بکوبند و بر بپزند و اندر آب بجوشانند و نگاه
دارند تا آب را نشف کند پس او را بروغن زیت یا روغن گاو بجوشانند و نگاه دارند تا سوخته نشود بریان
کردن تخمها تخم را باید کرد و سفال نو بر آتش نهاد تا گرم شود پس او را از آتش بر دارند و تخم در وی کنند و میگردانند
تا تخم از سفال گرم شود و بوی آن ظاهر شود و نگاه باید داشت تا سوخته نشود شستن سنگها که اندر داروهای
چشم بکار آید چون توتیا و شادنج و قلیمیا و غیر آن نخست آن را نرم باید کرد و آب صافی اندر هاون
کردن و آن آب را بسودن و از هاون بر پیاله چینی یا آن میگردانیدن تا هرچه با آب برود اندر
پیاله گرفته شود باقی را سودن باب و در پیاله میگردانیدن تا هرچه گوهر دارو بود و بتوان
سودن سوده شود و با آب برود و آنچه ریگ بود بماند پس پیاله را بباید جنبانید و بنهاد تا دارو
در بن پیاله نشیند پس آب از وی بریزند و آن را بخته و باقی را در آفتاب خشک کردن و از گرد
نگاه داشتن مروارید و بسد را که در مفرحات بکار دارند همچنین باید کرد و آن را معسول خوانند
و حجر ارمنی و حجر لاجورد که اندر داروها بکار دارند همچنین معسول باید کرد سوختن بسد
و مرجان و گوهر یا و صدف و غیر آن هر یک را اندر کوزه سفالین باید کرد و کوزه در گل حکمت باید
گرفت و در تنور گرم باید نهاد یکشب تا چنان شود که بتوان سود سوختن آبگینه گوهر آبگینه را
اندر آتش باید نهاد تا سرخ شود پس اندر آب تنها سرد اندر افکندن تا دیگر آن شود و آسان توان
سود و یاقوت و لبشب را و هرچه مانند آن باشد همچنین باید کرد تا کفته و سوده شود
لیکن اندر آب سرد بباید انداختن تا اشجار سوختن سرطان تابستان که آفتاب در اسد باشد
سرطان را بباید گرفت و اطراف او را دور کردن و شکم او را پاک شستن و اندر کوزه نو نهادن
و کوزه را در گل حکمت گرفتن و یکشب اندر تنور گرم که آتش از وی بیرون کرده باشند نهادن
تا خاکستر نشود لیکن بریان شود و اگر اندر شیشه نو نهند بهتر باشد و کژدم را اندر شیشه
باید کرد تا آبگینه رطوبت او را نگاه دارد و نشف نکند عمل قیروطی نخست روغن گرم باید
کرد و موم اندر وی گداخت مانند ده درم روغن و دو درم موم باید کرد و آنچه در وی تر
کیب خواهند از عصاره ها و غیر آن پاره پاره اندر هاون بر این موم میباید افکند و بدسته
هاون مالیدن تا هموار گردد مرهمها و ضمادها هم برین گونه بباید ساخت خاصه آنچه اندر
وی موم و روغن بود و هر موم و روغنی که اندر فصل تابستان سازند در ده درم روغن
سه درم موم باید کرد و در فصل زمستان دو درم عمل روغنها هر تخمی و گیاهی که بر روغن

آن حاجت آید نخست آن دانه را کوفته باید کرد و آنرا در آب خوب بسایند و یکشبانروز بگذارند و آب
چندان باید کرد که دو انگشت بالای دارو بود پس دیگر روز باید بجوشانند و بدست بمالند و
و بفشرند و صاف کرده و سه یک وزن آب روغن کنجد باوی باید آمیختن و باتش نرم بجوشانند
تا روغن بماند و آب برود و اگر سخت باشد دارویی آن را شش ساعت باید پخت و هر ساعت آب
گرم زیادت میکردن پس بمالیدن و آنرا در دیگ کنند و در میان آب بجوشانند تا دارو پخته
شود پس بمالند و بپالایند و آب را که نشسته باز گیرند و روغن بر افکنند و دیگر بار هم در میان
آب کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند نتیجه در بیان طریق دانستن طبایع مرکبات
از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست و تحقیق درجات آن و ذکر اکثر مرکبات مشهوره
و معجونات مقرره که در کتب معتبره چون قانون و ذخیره و منهاج و جوامع و قرابادین قلانسی
و قرابادین نجیبی و غیر آن مذکور است و بیان درجات طبایع آن و آن مشتمل است بر مقدمه
و مطلبی مقدمه در بیان دانستن طبایع مرکبات از حرارت و برودت و یبوست و رطوبت
و تحقیق درجات لا آن و ذکر اکثر مرکبات مشهوره و معجونات مقرره که در کتب معتبره
چون قانون و ذخیره و منهاج الی آخر هر دوای مرکب خالی از آن نیست که بسیط آن متساوی
الشربه باشد یعنی هر یک از بسیط آن نیم شربت یا هر یک یک شربت است و علی هذا القیاس
یا متساوی نباشد یعنی بعضی یک شربت است و بعضی کمتر یا بیشتر و بر هر یک از این دو تقدیر
کیفیات بسیط آن مرکب متضادند یعنی بعضی حارند و بعضی بارد و بعضی رطب اند و بعضی
یابس یا متضاد نیستند باین معنی که همه حارند یا همه بارد یا همه رطب اند یا همه یابس و بر
هر یک از این تقادیر اربعه در آن مرکب دوایی معتدل هست یا نیست پس اقسام هشت است در
چهار قسم که شربات آن متساوی است بعد از معرفت امزجه و تحقیق درجات و جمیع شربات اجزای
حاره و بارده آن را هر یک علیحده جمع باید نمود و اقل اکثر نقصان کرد و باقی را بر عدد شربات تقسیم
نمود خارج قسمت درجه آن مرکب است در کیفیت اکثر و اگر اجزای حاره با اجزای بارده متساوی
باشند آن مرکب معتدل خواهد بود و اما آن چهار قسم دیگر که شربات ایشان مختلف است
ضابطه آنست که از اکثر مثل اقل اخذ نموده بطریقی که در چهار قسم اول مذکور شد درجه
آن معلوم نمائیم پس نظر کنیم در باقی اگر مساوی آن مرکب است که درجه آن معلوم نموده ایم
بطریقی که مذکور شد ترکیب نموده درجه آن معلوم نمائیم و اگر اکثر از مرکب است مثل
مرکب باز دیگر از آن اخذ نموده تحقیق درجه آن نمائیم تا آنکه مساوی باقیمانده یا اقل اگر
مساوی

مساوی باقیمانده طریقش همانست که مذکور شد و اگر اقل باقیمانده مثل آن از مرکبی که تحقیق درجه
آن نموده ایم اخذ کنیم و بطریقی که مذکور شد تحقیق درجه نمائیم و همچنین چند مرتبه عمل باید کرد
و در هر مرتبه تفاوت کمتر شود و بتحقیق اقرب گردد چنانکه شارح سدیدی بیان کرده لیکن
اگر اجزا بسیار باشد چنانکه در اکثر تراکیب متداوله مشهوره واضح است باین طریق عمل نمودن
خالی از اشکالی نخواهد بود و مزاج آن ترکیب به تحقیق معلوم نخواهد شد اگر بقاعده که شارح
اسفراینی ذکر کرده و نسبت آن قاعده بخلاق المبادا دره عمل شود بغایت سهل و آسان میگردد
زیرا که آن قاعده ایست خفیف المؤنه سهل الاستعمال جاری در جمیع اقسام و معرفت درجه
مرکب از آن قاعده بتحقیق معلوم میشود و آن قاعده اینست که دوای اعظم را در رتبه منفعت فرض
دوا کنی بقدر شربت آن پس مرکب از سه دوا که یکی از آن چهار شربت باشد و دیگری پنج شربت
و دیگری شش باشد در دواء حق کنی و استخراج درجه آن نمائی بطریقی که در چهار قسم اول که عدد
شربات ایشان متساوی بود مذکور شد مثلا خواستیم که تحقیق درجه این نسخه جوارش
کمونی نمائیم زیره کرمانی مدبر و ورق سداب زنجبیل فلفل سیاه از هر یک پنج استار که سی و
یک درم و نیم است تحقیق بود ده ارم فرض نموده درم اول تحقیق شربت هر جزو وی نمودیم زیره شربتی
از آن دو درم سداب شربتی سه درم زنجبیل شربتی دو درم فلفل سیاه شربتی یک درم و نیم و
شربتی نیم درم پس زیره در این نسخه شانزده شربت است و سداب ده شربت و نیم و زنجبیل
شانزده شربت و فلفل سیاه سی و یک شربت و نیم بوده بیست شربت مجموع شربات
نود و چهار بعد از آن تحقیق مزاج و درجات اجزا نمودیم باین طریق زیره کرمانی گرم است
در درجه دوم خشک است در درجه سیم سداب خشک بستانی گرم و خشک است
در درجه سیم زنجبیل گرم است در آخر درجه سیم خشک است در درجه دوم فلفل سیاه
گرم و خشک است در آخر درجه سیم بوره ارمنی گرم و خشک است در آخر درجه دوم پس
زیره کرمانی و بوره ارمنی هر دو گرم اند در درجه دوم و عدد شربات این هر دو سی و شش
چون در درجه دوم گرم اند ضعف آن که هفتاد و دو باشد اجزای حار در این دو خواهد
بود سداب و فلفل سیاه و زنجبیل هر سه گرم اند در درجه سیم و عدد شربات این هر سه
پنجاه و هشت چون در درجه سیم گرم اند که مثل آن یکصد و هفتاد و چهار باشد
صح اجزای حار در این هر سه خواهد بود پس مجموع اجزای حار دویست و چهل و چهار است

بر عدد شربات که نود و چهار است قسمت نمودیم خارج قسمت دو و نیم شد پس این ترکیب حار باشد
در دو درجه و نیم و بجهت تحقیق درجه آن در رطوبت و یبوست زنجبیل و بوره ارمنی خشک‌اند
در درجه دویم و عدد شربات این هر دو چهار خواهد بود زیره کرمانی و سداب و فلفل سیاه خشک‌اند
در درجه سیم و عدد شربات این هر سه جزو پنجاه و هفت و نیم است مثلاً آن یکصد و هفتاد و دو و نیم
اجزاء یابس در این هر سه جزو خواهد بود مجموع اجزای یابس دویست و چهل و چهار و نیم بر عدد
شربات مجموع که نود و چهار است تقسیم نمودیم خارج قسمت دو و نیم شد تخمیناً پس خشک باشد
در دو درجه و نیم مطلب در ذکر اکثر مرکبات معجونهای معتدله که در اکثر کتب متعارفه معتبره
چون قانون و ذخیره و منهاج و جوامع و قرابادین نجیبی و قرابادین قلانسی و غیر آن مذکور است
و بیان درجات طبایع آن تریاق فاروق چون از همه معاجین مشهورتر و پرنفع‌تر تریاق‌ها
تر است و اکثر اطبا در کتب طبی آن را بر جمیع تراکیب مقدم داشته‌اند ما نیز متابعت ایشان نموده
ابتدا بذکر آن کردیم و چون نسخه‌ها متعدد اند و ما احسن بهترین نسخه‌ها است چنانکه شیخ در قانون ابتدا
اشاره بآن نموده آن را مقدم داشتیم اخلاط آن قرص اسقیل بیست و هشت مثقال قرص تریاق فاروق
افعی قرص اندروخورون فلفل سیاه افیون از هر یک بیست و چهار مثقال دارچینی بیست و
چهار مثقال گل سرخ دارچینی دوازده مثقال و تخم شلغم بری اسقوردیون که آن را ثوم بری
خوانند ایرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال زعفران
زنجبیل ریوند چینی تخکشت بود نه کوهی فراسیون قطرا سالیون اسطوخودوس قسط
تلخ فلفل سفید دار فلفل کندر مشکطرامشیع فقاح اذخر علک البطم سلیخه سنبل
هندی جعده از هر یک شش مثقال میعه تخم کرفس سلیسا لیوس تخم سپندان سفید کمادر
یوس ناخواه کمافیطوس عصاره لحیة التیس سنبل رومی ساذج هندی موحیطیا تخم
بادیان گل مختوم قلقطار نیم سوخته حماما حب بلسان هیوفاریقون فو دوقو بازرد حما
صمغ عربی قند ما نامقل الیهود جاوشیر قنطوریون باریک زراوند مدحرج از هر یک
دو مثقال انیسون قاقیا جند بیدستر سکبینج از هر یک چهار مثقال مقل الیهود جاوشیر
قنطوریون باریک زراوند مدحرج از هر یک دو مثقال عسل مصفا ده رطل بغدادی
ماء العسل بدل شراب هشت رطل عدد ادویه این نسخه شصت و چهار است وزن
مجموع

مجموع ادویه چهار صد و شصت و شش مثقال صفت قرص افعی باید که افعی ماده بگیرند در علامات
ماده آن است که دم او زیاده اندر پیش باشد و افعی نر را دم پیش زیاده نمی‌باشد و باید که از یک انا سفر
باشد و سریع الحرکه در وقت راه رفتن سر از زمین بر داشته میرفته باشد و حربه و سرخ چشم
و پهن سر باشد در اواسط فصل ربیع صید کرده باشند و باید که اندر دیار شهرهای بزرگ
و کوچک نگرفته باشند و از زمین شوره یا موضعی که نزدیک بآب شور باشد نگیرند چون
صید کنند فی الفور چهار انگشت از سر و دم آن بیکدفعه قطع نمایند و بعد از قطع نمودن سر
و دم اگر حرکت و اضطراب نماید خوب است و اگر از آن خون بسیار روان باشد خوب است و موافق
و الا ترک آن نموده و دیگری اختیار کنند که باین صفات موصوف باشد پس پوست آن را کنده
احشای آن را خصوصاً زهره از شکمش بر آورده بیندازند و آن را بآب شیرین بشویند و قطعه
قطعه نموده در دیگ سنگین پاکیزه با آب و نمک و شبت طبخ نمایند تا مهرا شود و گوشت از
استخوان باسانی جدا گردد پس استخوانهای آن را از گوشت پاکیزه ساخته بیندازند و گوشت
آن را از عرق جدا سازند و باید که با انگشت بلوط طبخ نمایند و بعد از آن گوشت افشرده رطوبتی
که در آن باشد دور سازند و وزن نموده مقدار ربع آن نان کاک که قریب بفطیر باشد و
در آن ترشی نباشد اصلا و آرد آن را نرم چون سرمه کرده باشند داخل نمایند و با گوشت در
هاون بکوبند و چند مرتبه که دانند بکوبند تا خوب بیکدیگر مخلوط شود بعد از آن قرصهای
باریک تنک ساخته در سایه خشک سازند و بخفی که مرتکب این عمل باشد باید که انگشتان
و دماغ خود را بروغن بلسان چرب کند و هر ساعت آن قرصها را میگردانیده باشد تا نیک خشک
شود پس در ظرف آبگینه نهاده محافظت نماید صفت قرص افعی منقول از ذخیره خوارزمشاهی
بباید دانستن که انواع افعی بسیار است آنچه اندر تریاق بکار آید ماده است ازرا بفارسی کرزه گویند
و ماده باید و نشان ماده گی آنست که اندر دهان او چهار دندان بود که آن را نیش دندان گویند
از هر جانبی دو و نشان نر یکی باشد و بهترین آن باشد که بلون اشقر گویند بعد از آن آنکه سیاه سخت
زهرناک باشد و سفید ضعیف باشد و اشقر معتدل باشد و زهر در ماده ضعیفتر باشد از زهر
نر بود و مخرج ثقل او و فرج بر بنال نزدیک باشد و دنبال او دراز نباشد و این جنس را ماد
کیران کلته دنب گویند و جوان باید و تند رفتن و نشان جوانی آنست که حرکتهای او قوی
باشد و نشان قوت او آن باشد که سر او برافراشته باشد و چشمهای وی سرخ بود و تن
و دلیر باشد و تن نکو و شکم و لیشنه صلب باید از بهر آنکه صلابت نشان آن باشد که در تن

وی وطرف بیتهای فرو رفتی کم است وسر او پهن باید از بهر آنکه نشان آن باشد که دماغ وی قوی است
واندر میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب اندر ثور بود واگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر
بهار واول تابستان باید گرفت تا قوی باشد وجایگاه او اندر میان درختان نباید خاصه درخت
بلوط وپای نزدیک نباید واندر زمین شوره نباید لیکن صحرایی پاکیزه باید ودر حال که او را
بگیرند نکشند تا اضطراب بسیار نکند وخشم آلوده نشود وتشنه وبیمار نشود پس اگر ممکن باشد
که او را بی تیغ وآزار بیاورند تا نزد طبیب کشته شود صواب بود وکشتن او چنان باید که چهار
انگشت از سر ودم او بیک زخم بیفکنند از بهر آنکه فضله زهر او اندر دهان وجانب سر او
باشد وفضلهای بد اندر جانب دنبال او باشد وچون کشته باشند بنگرند اگر از وی
خون بسیار رود وحرکت بسیار کند نیک باشد واگر خون ورد وحرکت باز ایستد ضعیف باشد
بدین کار نشاید وآنچه شایسته آید شکم او بباید شکافت وپاک کردن وپوست او باز
باید کردن از بهر آنکه او در پوست همه جا هوف وان آن فضلها که اندر تن بود قبول کنند وآب
وان را باب صافی واندکی نمک بسیار باید شست پس او را در آب صافی واندکی نمک اندر اندازد
که شور نکرد وخوش طعم آید وشاخی چند از شبت اندر وی باید پخت اندر دیگ سفالین
بی نمک با ارزیانه ودوه وپاکیزه باتش نرم میباید پخت تا مهرا شود وگوشت استخوان
جدا شود وسر دیگ باید داشت وبباید نهاد تا سرد شود وآب از وی بباید پالود
ونگاه باید داشت وگوشت از استخوان جدا باید کرد وبهاون سنگین بکوفتن وچهار یک
گوشت نان سمید پاکیزه وبریان دخمیا وخاسته کوفته وبیخته با وی میباید سرشتن
تا هموار شود واگر اندر سرشتن بآب حاجت آید از آن آب گوشت او قطره میباید چکانید
ومیکوفت تا هموار شود پس قرص باید کردن پهن وتنک هر یک بوزن یک مثقال واندر
سایه خشک باید کرد واز آفتاب غبار وباد آن نگاه باید داشت بامداد وشبانگاه میباید
گردانید تا هموار خشک شود واگر نمی اندر وی بود نباید داشت تا متکرج وضایع
نشود واندر ظرف چینی یا آبگینه نگاه باید داشت اما شبت اندر پختن از بهر آن را باید
که شبت تحلیل کننده است تا فضلهای بد را که اندر وی مانده باشد تحلیل کند
وسرشتن

وسرشتن اقراص با نان از بهر آن باید که تا نان رطوبت را نشف کند وگوشت را نگاه دارد وچون
اقراص میکوبه باشند دستها بروغن بلسان بباید مالید واقراص را نیز بدان چرب باید کرد ونگاه
داشت صفت قرص اسقیل اسقیل پیاز کوهیست بهترین آن باشد که سخت خرد نباشد
وسخت بزرگ نبود چه آنچه سخت خرد بود در وی رطوبت فضلی بود وآنچه سخت بزرگ
بود سخت خشک بود میانه بود معتدل باشد ورنگ ظاهر ومیل بسرخی دارد باید بیفشی
آن را سر وبن بیفکنند واندر خمیر پاکیزه کنند واندر تنور یا در تنوره نهند تا خمیر پخته شود
همچون نان پس از تنور بیرون آرند وبنهند تا سرد شود بگشایند وآن را از خمیر بیرون آرند و
پوست او دور کنند وبکوبند تا هموار سرشته شود امّا اندر وی ماش بکجری و اسقیل با دو
جزو آرد سرشته است ودیگر آن یک واسقیل کوفته وبکجری وآرد پس چون هموار
سرشته شود اقراص کنند همچون اقراص افعی ودستها بروغن چرب کنند تا تیزی اسقیل
باز دارد ومنفعت آید وگرسنه آنست که تا زود رطوبت را نشف نکند ونگذارد که گره
گیرد وعفن شود واندر تریاق بدانست که احشا را از گرمی که از زهر اندر دود وتولد کند باز کند
ومضرت زهرهای زیانکار بشکند صفت قرص اندر وجه کردن این اقراص بانسخها
مختلف است امّا این نسخه اختیار چنین است اجزای آن دارشیشعان شش مثقال فقاح
اذخر دوازده مثقال قصب الذریره فراسادون عود بلسان از هر یک شش مثقال
دارچینی بیست چهار مثقال حماما بیست وچهار مثقال سلیخه شش مثقال انجدان سفید
بیست مثقال سنبل هندی شانزده مثقال جعده شش مثقال مر بیست وچهار مثقال
مصطکی شش مثقال زعفران دوازده مثقال ادویه را کوفته وبیخته بآب العسل بدل الشراب
معجون سازند وقرص نمایند ومحافظت کنند بطریقی که مذکور شد در اقراص دیگر یاد
کردن مدت قوت تریاق وآزمودن آن بباید دانست که تریاق را کودکی وجوانی وپیری است
نخست از پس شش ماه رسیده شود وحکم آن حکم کودکی باشد مهره وقوت آن میفزاید
امّا اندر شهرهای گرم تا ده سال میفزاید واندر شهرهای سرد تا بیست سال وحکم
آن حکم نوعمری باشد پس هم برین قیاس اندر شهرهای گرم تا ده سال بر آن قوت بماند و
اندر شهرهای سرد تا بیست سال ودرجه آن درجه جوانی باشد پس اندر شهرهای گرم
از پس سی سال قوت آن نقصان گیرد تا چهل سال برسد ودرجه آن درجه پیری باشد

واندر شهرهای سرد از پس چهل سال نقصان همی کرد تا به شصت سال رسد و از پس شصت سالگی
بدرجه معجونهای دیگر آید چون دواء المسك و غیر آن مار گزیده را و از جهة دفع مضرت زهرهای
هرچند قوی و تازه تر باید آزمودن تازگی و جوانی آن چنان باشد که داروی مسهل بخیرا
بدهند و توقف کنند تا دارو در کار آید پس شربتی تریاق بدهند اگر دارو را از کار بازندارد
تازه است و اگر باز ندارد یا پیر است یا مغشوش طریقی دیگر آن است که خروس یا بشتی را بگیرد
یعنی تشنه و دارو را ... شربت تریاق بدهند پس ماری کشنده را بدو فرو گذارند اگر
از گزیدن آن اخلاص یابد تریاق تازه است و اگر اخلاص نیابد یا پیر است یا مغشوش و اگر
نخست فرو گذارند پس تریاق دهند همان باشد و خروس و دشتی را شرط آن بهر آن کرده اند
که مزاج او خشک تر است از تریاق اندروی زودتر پدید آید و به دفع مضرت طرقهای
دیگر توان آزمود چنانکه کسانی را که افیون و شوکران و مانند آن داده باشند یک شربت
تریاق بدهند و بنگرند تا مضرت آن دفع کند یا نه اگر دفع کند تریاق تازه است و اگر نکند
پیر باشد یا مغشوش بیان کردن مقدار شربت تریاق و آنچه با وی دهند اندر بهر
بیماری اما مار گزیده را یکمثقال اندر چهار اوقیه شراب دهند و کسی را که سگ دیوانه
گزیده باشد یکمثقال با یک درم سرطان نهری دهند اما بریان کرده اند و یک اوقیه شراب
و کژدم زده را هم اندر شراب دهند و کسی را که زنبور گزیده باشد با سرکه دهند و هم
اندر سرکه حل کنند و بر آن موضع طلا کنند و از برای دفع مضرت چیزهای زیانکار
چون افیون و شوکران و فرفیون و ذراریح و مانند آن اندر شراب دهند و خداوند
شهوت کلبی را اندر مقدار سه اوقیه شراب ممزوج و خداوند تب نافض که گرم نشود
نیم درم اندر آب گرم دهند و خداوند یرقان و طحال را یک ترمس اندر طبیخ اسارون دهند
و خداوند استسقا را یک بندق با سرکه ممزوج و خداوند ضیق النفس را یک ترمس اندر یک
اوقیه سکنجبین عنصلی دهند سه روز پیاپی و خداوند سرفه بلغمی را و خداوند درد
سینه و درد پهلو را یک ترمس اندر سه اوقیه شراب دهند یا در آب گرم و خداوند
صرع را سکنگبین عنصلی دهند و هم اندر سکنگبین حل کنند و بدان غرغره فرمایند
و خداوند فالج و رعشه و لقوه و مانند آن را با ماء الاصول دهند و خداوند جذام را

اندر

ماء الجبن شیر بریده ببیا

اندر ماء الجبن دهند و خداوند بهق و برص را اندر ماء العسل دهند و خداوند قولنج را اندر طبیخ
بادیان و زیره دهند و خداوند راحب القرع اندر طبیخ زیره دهند و خداوند درد گرده و
مثانه را اندر طبیخ کرفس دهند و خداوند اسهال خونی و خداوند قرحه امعا را با آب سماق
دهند هیضه را اندر مقدار دو دانگ شراب حل کرده دهند و خداوند نفث دم را اندر
اول علت با سرکه ممزوج دهند و اندر آخر با ماء العسل دهند و کسی را که او را ناباطل شده
باشد اندر ماء العسل دهند و اگر تریاق با ماء العسل اندر دهان کیرند و نگاه دارند
تا میکدازد صواب بود از جهة حیض که باز گرفته باشد و از جهة بچه که اندر شکم مادر
مرده باشد اندر طبیخ سداب دهند یا اندر طبیخ مشکطرامشیع و یا اندر طبیخ ابهل
و ترمس فایده بدهد و الذین قلانسی در قرابادین میگوید که زمان ادراک تریاق بنحوی
که صاحب کامل ذکر کرده آن است که بعد از ده سال استعمال نمایند و اقل از آن
بعد از هفت سال و بعضی بعد از پنج سال استعمال نموده اند و اما اطبا زمان بعد
از هفت ماه یا هشت ماه استعمال نموده اند از نصف مثقال تا چهار مثقال بقدر
حاجت با آب فاتر یا بعضی اشربه و در بعضی نسخ شربتی از آن نصف مثقال است
تا ربع مثقال و از پنج سال تا سی سال تازه و جوان و مقویست و بعد از سی سال کهنه است
تا شصت سال و فعل وی درین مدت میانه است و بعد از شصت سال ضعیف
میشود و معلوم نیست که عملی کند و اگر کند عملش ضعیف خواهد بود و اما تازه و
جوان تریاق را استعمال میکنند در گزیدن هوام و افاعی و جمیع مارها و سگ دیوانه
و سموم وادویه قتاله زیرا که مضرت آنها قویست بنا بر آن محتاج بعلاج قویست و
تریاق بعد از آنکه هفت سال بر آن بگذرد تا سی سال در نهایت قوت است و چون
از سی سال بگذرد در مداوای علل و امراضی استعمال میکنند که محتاج بنا شد یادویه
که قوتش از مثل قوت تریاق تازه باشد و باقی مرکبات در ادراک سن چهار طبقه است
چنانچه در قرابادین کفایه و کامل الصناعه و کناش ابن سرابیون مذکور است طبقه
اولی از مرکبات که زمان ادراک ایشان شش ماه است ایشت متر و دیطوس شلیشیا

کاسکبنج اصفر سلیم را مهران اثاناسیا الکبری اثاناسیا الصغری معجون الکبریت معجون هرمس
معجون بناد الملک سوطیرا سجرنیا انقردیا ارسطون تریاق الطین معجون العنبر شادریطوس
الاکبر شادریطوس الاصغر معجون جوز بوا قرص کوکب قرص مماسفطوماطون ایادج
ارکاغانیس وجمیع ایارجات بزرک بادزهرج دحمرثانی مروارید قنطاریغان بزرک قنطاریغان
کوچک صاحب کامل میکوید که اکر قنطاریغان اکبر را استعمال نمایند بیش از شش ماه
کشنده است و امّا فلونیای فارسی صاحب کامل ازین طبقه شمرده و یوحنا بن سرابیون
و صاحب کفایه از طبقه ثانیه شمرده اند که زمان ادراک ایشان سه ماه است و تریاق
اربعه و دحمرثانا مروارید دواء الکرکم الکبیر دواء الکرکم الصغیر دواء اللک الکبیر دواء
اللک الصغیر در کفایه از طبقه اولی شمرده اند و در بکناش یوحنا از طبقه سیم که زمان
ادراکشان دو ماه است طبقه ثانیه که زمان ادراکشان سه ماه است معجون قیصر معجون
اصطمخیقون طبقه ثالثه که زمان ادراکشان دو ماه است قرصهایی که در تریاق کبیر استعمال
میکنند و آن قرص اسقیل است و اقراص افاعی و اقراص اندروخورون اثرو سیاه معجون تفی
تریاق غزنه معجون الخطاطیف فنجنوش دواء المسک الحلو دواء المسک المر معجون کلکلانج
طبقه رابعه که زمان ادراکشان همان روز است که ساخته میشود حبوب ادویه مسهله
سفوفات اقراص خفیفه اشربه مراهم ضمادات امّا زمان انتهای قوت مرکبات آن نیز چند
طبقه است طبقه اولی مثرودیطوس از هفت سال تا ده سال تا بانزده سال ثلثیاث از هفت
سال تا ده سال تریاق اربعه کاسکبنج معجون معجون هرمس دحمرثانا قنطاریغان تا پنج سال
طبقه ثانیه امروسیا سوطیرا معجون الخطاطیف تریاق غزنه سجرنیا انقردیا را مهران
بادزهرج ارسطون الطین معجون العنبر معجون قیصر معجون اصطمخیقون ایارجات جمیعا
تا سه سال و ایارجات نزد بعضی تا چهار سال طبقه ثالثه دواء اللک دواء الکبریت
معجون المسک الکلکلانج قرص کوکب جمیع معجونات کوچک و جوارشنات و اطریفلات
و اشربه مقومه و حبوب جمیعا تا دو سال جالینوس ذکر کرده که آب سفرجل نزد من تا هفت
سال باقی ماند که طعم آن تغییر نیافت و مراد ازین آب سفرجل آن نیست از سفرجل که آن تدبیر کرده
باشند

باشد که دو ثلث آن رفته باشد و یک ثلث باقی مانده مثرودیطوس پادشاهی بوده اند در
یونان این معجون وی ساخته و این نام نام اوست و داروهای این معجون را اندر بیماریهای کوناکون
آزموده است و در آن روزکار تریاق این بوده و اندر دفع مضرت زهرهای آزموده است تا
بدان وقت که اندروماخس کوشت افعی اندر تریاق فاروق زیادت کرد و اندر دارو زیاده
و نقصان کرد تریاق تمام کشت و اندر دفع مضرت زهرها قویتر آمد و امّا اندر منفعتها این معجون
مثرودیطوس با تریاق برابر است و اندر بعضی کارها نافع تر است خاصه اندر قوت باه و شهوت
آن و هر چه اندر منفعت تریاق یاد کرده آمده است منفعت این معجون همانست لیکن شربت
این اندکی زیادت از شربت تریاق باید اخلاط آن زعفران مر غاریقون زنجبیل دارچینی کتیرا
نسخهٔ مثرودیطوس
از هر یکی ده درم سنبل هندی کندر تخم شلغم سفید اذخر عود بلسان اسطوخودوس قسط
سیسالیوس کمافیطوس قته علک البطم دار فلفل عصاره لحیة التیس جندبیدستر سادج
هندی میعه جاوشیر از هر یکی هشت درم سلیخه فلفل سفید و فلفل سیاه سورنجان
جعده اسقوردیون دوقو اکلیل الملک خیطیانا روغن بلسان اقراص قوقیون مقل از هر یکی
هفت درم سنبل رومی دو درم اشق ناردین مصطکی صمغ عربی فطراسالیون قردمانا تخم بادیان
از هر یکی پنج درم انیسون وج موسکبنج اساروف از هر یکی سه درم افیون برک کل سرخ
مشکطرامشیع فوقاقیاسیر سقنقور بوزهیو فاریقون از هر یکی چهار درم و نیم شراب ریحانی
کهنه چندانکه صمغها اندر آن حل کنند انکبین مصفا و مثل داروها ادویه را در آن بسرشند
چنانکه رسم است و از پس شش ماه استعمال نمایند و این تمامی این نسخه است اجزای آن پنجاه
شش است و وزن آن سیصد و هفتاد درم و نیم و اندرین نسخه سیزده داروست که در نسخه
جالینوس نیست و آن غاریقون است و سورنجان و سداب و اشق و سکبینج و اسارون
و کتیرا و اسطوخودوس و کمافیطوس و اکلیل الملک و عود بلسان و فلفل سیاه و مقل
و در نسخهٔ جالینوس دو داروست که اندرین نسخه نیست و آن پنج سوسن است و نمک
هندی و در نسخهٔ شابور بن سهل تخم سداب هست و درین نسخه نیست و خیطیانا پنج
درم است ـ صفت قرص قوقیون که درین معجون بکار دارند همین دانه بیخ
کرده چهار درم علک البطم بیست و چهار درم انزروت از هر یکی دوازده درم دارچینی
و مقل و اظفار الطیب و سنبل رومی و دوست سلیخه و اکلیل الملک و سعد و حب الغار

از هر یکی سه درم وقصب الذریره نه درم زعفران یک درم وقرص الکهوکه دو درم و نیم آنرا بعضی از نسخها قرص الکهوکه نیست و آنرا بعضی دو درم و نیم اسارون هست و در نسخه دیگر عوض دو درم و نیم دارشیشعان است این نسخه پانزده جزو است ووزن آن هشتاد وهشت درم و نیم فایده شیخ بوعلی در رساله قلبیه میفرماید که تریاق فاروق ومثرودیطوس دو ترکیبانند که هیچ یک از تراکیب دیگر در نفع با این دو ترکیب نمیرسند در ملایمت بمزاج انسانی وتقویت آن و تقویت دل و ازاله توحش ومقاومت با جمیع سموم وعقلا که اهل نظر جلیل اند که هدایت یافتن بتالیف این دو دوا باشد وعنایت الهیست و امری که آن وحی است باشد وحی واگر فعل تریاق بسبب بساط آن بودی نه از جهة مزاج یافتنی که تازه آن انفع بودی از کهنه وحال آنکه برعکس است ودر تازه آن اندک منفعت است ونفع کلی در متخمر در سیده آن است وتخمیر آن نزد متاخرین بعد از ده سال است ونزد جالینوس بعد از بیست سال واین تفاوت ظاهر بجهت تفاوت بلدان باشد در سردی وگرمی ومباتفاق بعد از شش ماه نفعی که از آن متوقع است ظاهر میگردد وهیچ یک از اطبا از جالینوس وجمعی که پیشتر از وی بوده اند این گمان نبوده که این قسم نفعی بر این ترکیب بعد از امتزاج مترتب خواهد شد وچون بالهام الهی ساخته وپرداخته شد بعد از تجربه زیاده از آن نفعی که مامول ومتوقع بود ظاهر گردید وبعضی از اطبا را اعتقاد آنست که در تریاق ومثرودیطوس حرارت زیاده از حد است ودر استعمال نصف مثقال آن توقف مینمایند ودر استعمال چهار مثقال از گلو فی وفلافلی توقف نمینمایند وقیاس آنست که در یک شربت از این دو معجون حرارت بیشتر باشد بمراتب از باقی معاجین چه نصف مثقال تریاق فاروق که در بعضی بیماریها شربت مقرر است دو دانگ و یک طسوج عسل است وسه طسوج دیگر ادویه با آنکه قوت آن ادویه در عسل نفوذ کرده وهمچنین اجزای بادیه نیز دارد ودر برودت موافق تنها که بکجز و آن است کافی است لیکن ترکیب بعد از تخمیر و امتزاج قوتش مضاعف میشود خواه گرم باشد وخواه سرد وهمچنین تخمیر وامتزاج موجب زیادتی سخونت وحرارت است در جوهر اجزای رطب حتی زنج دیگر طبیعت انسانی قبول تریاق بیشتر از معاجین دیگر میکند بنابر این تاثیر تریاق در طبیعت انسانی بیشتر از تراکیب دیگر است لیکن این زیادتیها باعث این نمیشود که در استعمال قلیلی از آن خوفی باشد وچون تامل کردم در این دو ترکیب حرارت تریاق را در آخر درجه دویم یافتم وحرارت مثرودیطوس را اندکی از آن کمتر واین عجیب قوت بساط واو نازل است والحاصل بعد از امتزاج وترکیب وتخمیر آن

ظاهر

ظاهر میگردد دانسته که بقیاس ادراک آن نمیتوان کرد واما افعال وآثار شریفه قوی بر که از تریاق ومثرودیطوس ظاهر میگردد نه بسبب شدت حرارت است ونه بسبب شدت برودت بلکه بسبب خاصیت آن دو ترکیب است که حاصل شده از خواص بسائطها واز امزاج پس نفعی که بر این دو ترکیب مترتب میشود از تراکیب دیگر ظاهر نمیگردد واگر انسان معتدل المزاج در اوقات وازمان معتدله یا بارده بشیء معتد للمقادیر از این دو ترکیب استعمال نماید بشرط آنکه بسر حد قوانین واکثار نرسد در تقویت قلب منفعت عظیم خواهد یافت وصحتش محفوظ میماند واز عفونات وبائی وحرکات ردیه اخلاط ایمن خواهد بود وهیچ یک از سمومات را در وی اثری نخواهد بود وقوی بالتمام قوت خواهند یافت وعمرش دراز خواهد بود وکسی را که سوء المزاج حار باشد یا در فصل حار و بلد حار باشد رخصت نیست استعمال این ترکیب وهمچنین جمیع جوارشنات ومعاجین حاره وبعد از این دو ترکیب در نفع واثر دواء المسک است ودواء المسک تلخ موافق است کسی را که مزاجش معتدل باشد ودواء المسک شیرین کسی را که مزاجش گرم باشد ودواء المسک در تفریح قلب از تریاق کمتر نیست شاید که در تقویت قلب اندکی از تریاق کمتر باشد وهمچنین در تقویت جمیع اعضا ومقاومت با جمیع سموم نمیتواند کرد بلکه مقاومت میکند بسمومی که جاری مجری بیش باشد وفایده وی در ملدوغ کمتر است از فایده وی در مسموم وبعد از دواء المسک مفرحین صغیر وکبیر اند وبعد از آن معجون نجاح تریاق اربعه این تریاق نافع است کزندگی عقرب وعنکبوت وجمیع بیماریهای سرد وبادهای غلیظ که در معده و روده وجگر وسپرز بود وصرع وخفقان را سود دهد واگر زنجبیل را بجهه زیادتی یادشوار زاید یکمثقال از این تریاق فزود بود سهل وآسان کرده اخلاط آن خبیثانانی ورمی حب الغار زراوند طویل مر اجزای مساوی بکدیگر عسل بقدر کفایت شربتی یکمثقال با آب گرم وصاحب جوامع میگوید که بعضی بجای مر قسط تلخ میکنند مزاجش گرم است در دو درجه و نیم خشک است در آخر دو درجه تریاق ثمانیه بعد از تریاق اربعه این تریاق ساخته شد ومنفعت این زیاده است اجزای آن زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صافی

تریاق اربعه

تریاق ثمانیه

قسط خبطیانا عرو قاجزا مساوی بکیرند یکی همه را بکوبند و با نکبین بسرشند شربتی یکمثقال مزاج گرم است
وخشک در آخر دو درجه تریاق الطین تریاقیست آزموده کسی را که زهر داده باشند یا حیوانی
زهرناک گزیده باشد این تریاق بدهند قی آورد تا قوت زهر تمام از تن بیرون کشد و بعد از آن هم
میباید داد تا تن پاک شود اگر تهمتی افتاده باشد که زهر داده اند و نداده باشند بدین تریاق معلوم
شود که داده اند یا نه از بهر آنکه اگر اندر تن زهر باشد هر چند از این تریاق دهند قی کند اجزای
آن حب الغار گل مختوم راست است بکوبند و بروغن گاو چرب کنند و بعسل مصفا بسرشند
شربتی مثل یکفندق در سه وقیه ماء العسل مزاج گرم است وخشک در آخر یک درجه
ونیم تریاق غرزه آن تریاقیست که غرزه راست کرده و خلیفه تریاق فاروق است در جمیع
امور و اخلاط آن حماما دوازده مثقال فقاح اذخر هشت مثقال عاقرقرحا شش مثقال
زعفران بهی و شش مثقال دارچینی شش مثقال مر دوازده مثقال فطراسالیون دو وقیه
از هر یک سه مثقال کثیراسی مثقال عصاره لحیة التیس هشت مثقال بیخ سوسن آسمانجونی
پانزده مثقال تخم رازیانه شش مثقال مقل ازرق هشت مثقال لبان سفید بلیسان و
هشت مثقال کبریت شش مثقال بزر البنج بیست و هشت مثقال سلیخه نه مثقال خشخاش
سفید سی مثقال سنبل هندی دوازده مثقال تخم سداب یکمثقال تخم اترج پوست
کنده سماق شامی از هر یک دو مثقال تخم شبت کبر اماالف اسارون فوه مامافوفی ن
افیون از هر یک شش مثقال فلفل سیاه سی مثقال گل سرخ خشک منزوع الاقماع بنفشه
سادج دوازده مثقال دهن بلسان بیست و چهار مثقال ناردین قلیطی فقاح الکروم
از هر یک شش مثقال و دحالدقلی شش مثقال لک منقی دوازده مثقال مامیثا قرنفل از
هر یک دوازده مثقال فقاح سنبل رومی سه مثقال ریوند چینی دوازده مثقال فو شش
مثقال فقاح مو چهار مثقال و نیم فیمولیا دوازده مثقال عصاره قیصوم بیست مثقال
بیخ کاسنی بیست مثقال قسط تلخ خبطیانا از هر یک دوازده مثقال ورق اترج سیزده
مثقال قرص اندروخورون نه مثقال انیسون شش مثقال اذخر دوازده مثقال عسل
بقدر کفایت این نسخه پنجاه و یک جزو است وزن آن پانصد و هفتاد و هفت مثقال و نیم
مزاجش گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم صفت قرص اندروخورون که داخل این ترکیبهاست بابونه سرخ بابونه سفید سماق فو انیسون اسارون
ابهل
غب

تریاق طین

تریاق غرزه

قرص اندروخورون

قصب الذریره عود بلسان اجزا مساوی بکیرند یکی بکوبند و بمیویزج خمیر کنند و تا سه روز زهره دهند و قرص سازند هر یک بوزن یکمثقال و در سایه خشک کنند اجزای این نسخه نه است مزاج
گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در آخر دو درجه مخلص اکبر و آنرا سوطیرا نیز گویند خداوند
صرع و فالج و تشنج بلغمی و نقرس و اوجاع مفاصل و رعشه و صداع کهن و دوار و درد دندان
و سواس را سود دارد و خداوند درد چشم بلغمی را و مادتها از چشم باز دارد و از پس آنکه چشم را
آب کشاده باشند اندر چشم کشند سود دارد و از معاودت آن ایمن کند و خداوند درد سینه
و پهلو و شراسیف را در ماء العسل بدهند سود دارد و کسی را که بقی خون آید اندر آب لسان
الحمل و آب عصا الراعی بدهند سود دارد و خداوند درد معده و آروغ ترش و بادها و درد سپرز را
اندر آب بادیان بدهند سود دارد و یرقان و طحال را زایل کند و کرده را صافی کند و قروح امعا
و مثانه را و بحبس دردها را سود دارد و فضله گرده و مثانه را با درار بیارد و غضب طلا
کند شهوت جماع بجنبانند و نعوظ بدید آید و بثهای کهن زایل کند و آماس را تحلیل کند و اندر
حقنه بکار دارند شکم اطلاق کند و مضرت زهرهای جانور را از زیان کار باز دارد
اجزای آن سلیخه اذخر از هر یک یک وقیه و نیم جندبیدستر فطراسالیون از هر یک پانزده
مثقال تخم کرفس دو وقیه سیسالیوس یکمثقال قسط تلخ دارچینی قرص اندروخورون میعه
سایله اسارون از هر یک شش مثقال انیسون ده مثقال فلفل سفید دوازده مثقال
دار فلفل چهار مثقال سنبل الطیب چهار مثقال حماما زعفران از هر یک چهار مثقال افیون
ده مثقال عسل مصفا سه وزن داروها چنانکه رسم است بسرشند و از پس شش ماه بکار
دارند شربتی از یک درم تا یکمثقال در ذخیره مرصافی یک وقیه و نیم هشت و سنبل هفت
مثقال است و در جوامع سنبل پنج مثقال است و این نسخه قانون بنحوی که مذکور شد
هجده جزو است وزن آن یکصد و چهل و شش مثقال و نیم مزاج گرم است در یک درجه و نیم
خشک است در دو درجه و نیم قرص اندروخورون که داخل این ترکیبهاست حماما
شیشعان قسط تلخ قصب الذریره قرنفل فلفل سفید نانخواه از هر یک سه مثقال فو
یکمثقال سنبل هندی سادج از هر یک هفت مثقال دارچینی مصطکی زعفران مرصافی
از هر یک شش مثقال اجزا را بماء العسل یا بشراب بسرشند و اقراص کنند هر یک بوزن

مخلص اکبر

قرص اندروخورون

یکمثقال ودر سایر خشک نماید اجزای این نسخه چهارده است وزن آن شصت مثقال مزاج گرم است
در نصف اول درجهٔ سوم خشک است در آخر درجهٔ دوم بزرگ دارو از جمله داروهای فاد
زهراست منفعت آن چون منفعت فلونیا و تریاق است و اندر قولنج سخت سود مند است اخلاط
آن زعفران بزر البنج سفید از هر کدام یک ماشا دامونی فرفیون از هر یک بیست درم سنبل لبنی
از هر یک دو ماشا ساذج قرنفل از هر یک چهار درم فلفل سفید سیاه دو درم مروارید
ناسفته نوشادر تخم سداب ریشتی کافور مشک قاقله دارچینی سلیخه از هر کدام یکدرم سنبط
هشت درم تخم هزار اسفند عاقرقرحا دارفلفل از هر یک چهار درم سکبینج جاوشیر جندبیدستر
از هر یک دو درم زرنباد درونج روغن بلسان از هر یک هشت درم صاحب ذخیره میگوید
که در بعضی نسخها مرچهار درم آورده اند عسل مصفا بقدر حاجت داروها را بخیسانند بماء
العسل یا بشراب تر کنند بعد از آن بعسل بسرشند و پس از شش ماه استعمال نمایند شربتی
از یکدرم تا یکمثقال این نسخه بیست و هفت جزو است وزن ادویه یکصد و چهل و هفت
درم مزاج گرم است در درجه سیم درجه اول خشک است در آخر سیم درجه فلاسفه این معجون را
مادة الحیوة نیز گویند فضلهای بلغمی را بگدازد و شهوت طعام آرد و قوت هاضمه را یاری
دهد و دفع آروغ کند و حفظ زیاده کند و خرد بیفزاید و مردم را بقوت جوانی باز آرد
و خداوند سلس البول را سود دارد و منی را زیاده کند و دندانها را سخت کند و درد
پشت و درد تهیگاه و درد مفاصل را سود دارد اجزای آن پنج فلفل دار فلفل زنجبیل
دارچینی آمله بلیله شیطرج زراوند مدحرج بیخ بابونه مغز چلغوزه جوز هندی خصیة
الثعلب از هر یک اوقیه تخم بابونه نیم اوقیه مویز دانه بیرون کرده سه اوقیه مویز را
بیرون کنند و بکوبند چنانکه پوست از وی جدا شود و داروها با وی بکوبند و با دو برابر
اجزا عسل بسرشتند شربتی دو درم این نسخه چهارده جزو است و وزن آن پانزده اوقیه
و نیم که قریب بصد و شانزده مثقال ربع است بحساب درم یکصد و شصت و شش
درم و بخش از هفت بخش یکدرم باشد مزاج گرم است در آخر درجه خشک است در
یک درجه و سه ربع انوشدارو این معجون هندی است و مفرح است آزموده گونه روی
صافی کند و زردی روی ببرد و بوی دهان و بوی عرق خوش کند و جگر را سخت
سود

بزرگ دارو

فلاسفه

انوش دارو

سود دارد پیش از طعام و بعد از طعام خوردن روا باشد اخلاط آن گل سرخ شش درم سعد پنج
درم قرنفل و مصطکی سنبل اسارون از هر یکی سه درم قرفه زبیب زعفران بسباسه قاقله هیل
جوزبوا از هر یک دو درم آب آمله بطریقی که در کتب معتبره مسطور است سه رطل فانید سجزی
یا دو رطل عسل و ترکیبش آنست که رطل آمله در نه رطل آب بجوشانند تا به سه رطل باز
آید و صاف کرده و در دست بمالند و صافی کنند بعد از آن فانید یا عسل را با آن بقوام آورند
و داروها را بدان بسرشند و بچوب بید برهم زنند تا نیک سرشته شود شربتی از یکمثقال تا دو
مثقال این نسخه سیزده جزو است بغیر آمله و فانید وزن آن سی و هفت درم مزاج گرم است
در اول درجه دوم و خشک است در دوم درجه و ربع و تحقیق این مزاج بنا بر آنست که چون
شیر آمله و صاف آمله است عدد شیر با شش دوازده اخذ نمائیم و اگر با جمیع اخذ نمائیم
و عدد شیر با شش بیست و پنج قرار دهیم گرم خواهد بود در نیم درجه و باعتدال نزدیک خواهد
بود چنانکه بدر الدین قلانسی در قرابادین تصریح نموده که این مفرح معتدل که مصر وضعت
با نوشدارو و تالیف کرده است دفع ضغط و غم و وهم مینماید و نافع است خفقان و خناق را
گاهی که ملاومت نمایند بآن و نفس را بنشاط می آورد تا بحدی که شبیه برعونت باشد
از خنده و فرح بسیار و مقوی قلب است و رنگ روی را نیکو میکند و مقوی معده است
و بوی دهان و بوی عرق را خوش میکند معجون هندی که اکثر اطبا ذکر کرده اند و
نفعش نزدیکیست بنفع انوشدارو و بتقویت بصر کند و معده را پاک کند و طبیعت را نرم
دارد و بواسیر را نفع تمام دهد اجزای آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه بلیلهٔ آمله من کل
النوعین قنطوریون از هر یک چهار ماشا بعسل انقدر که کفایت باشد اجزا را بروغن
گاو چرب کنند و بعسل مصفا بسرشند شربتی از یکمثقال تا دو مثقال اجزای این نسخه شش
جزو است و وزن آن بیست و چهار ماشا که یکصد و پنجاه درم باشد مزاج گرم است و
خشک در آخر درجه انوشدارو که بدر الدین قلانسی در قرابادین ذکر کرده اجزای
آن قاقله ده درم گل سرخ شش درم صندل سفید قسط آمله هلیله از هر یک پنج
درم قرنفل سنبل اسارون بادرنجبویه بهمن سرخ از هر یک سه درم قرفه زرنب مصطکی
شقاقل تودری سفید تودری سرخ خولنجان از هر یک دو درم بسباسه هیلجو ز

مفرح معتدل انوشدارو

انوشدارو قلانسی

بوا زعفران از هرکدام یکدرم لسان الثور پنج درم عنبر اشهب نیم درم ادویه را کوفته و بیخته تشو را آمله نیم
من در چهار من و نیم آب بپزد تا ثلث آن بماند بعد از آن فرو آورده بدست بمالد و صاف نماید و یکمن نبات سفید
در آن ریخته طبخ نماید تا بقوام عسل آید بعد از آن ادویه را در آن ریخته خوب بسرشند شربتی نیم مثقال تا یکمثقال
و نیم این نسخه بیست و چهار جزو است وزن آن هفتاد و چهار درم و نیم مزاج گرم است قریب بیک درجه خشک است
در آخر درجه و اگر جرم آمله حساب شود گرم خواهد قریب به نیم درجه چنانکه بیشتر ازین مذکور شد

تریاق کبیر

معجون تریاق کبیر که شیخ در قانون ذکر نموده و منسوب بخود ساخته و صاحب ذخیره نیز ذکر کرده
و منسوب بشیخ ساخته دل را قوت میدهد و قوت باه زیاده میکند و مجربست در منافع معاجین
که بیشتر ازین مذکور شد اخلاط آن تشو را ترنج خبطیانا حب بلسان ورق بادرنجبویه تخم
بادرنجبویه تخم فرنجمشک زرنباد درونج از هریک چهار درم مشک عنبر از هریک یکمثقال عود
هندی دو مثقال کافور نصف مثقال قسط دارچینی وج زعفران ناردین فستیان از هریک
سه درم فودنج فطراسالیون از هریک دو درم و نیم تخم خرچه تخم شلغم تخم کراث لسان العصافیر
حب القلقل از هرکدام دو درم افیون سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی یکمثقال
پس از شش ماه استعمال نمایند این نسخه بیست و هشت جزو است وزن آن قریب بهشتاد و یک درم
مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک در اول سه درجه

تریاق صغیر

معجون تریاق صغیر ایضا منسوب
بشیخ در قانون و ذخیره مذکور است اجزای آن حب بلسان قسط خبطیانا دارچینی فلفل
سفید عود هندی فطراسالیون از هرکدام یکجزو مشک ثلث جزو جند بیدستر ربع جزو اجزا را
کوفته و بیخته بادو وزن و نیم ادویه عسل معجون سازند این ترکیب ده جزو است و در بعضی
نسخه قسط مرکی جزو است بنابران نه جزو خواهد بود مزاج گرم است در دو درجه و نیم
خشک است در دو درجه و نیم

نجاح

معجون نجاح نافع است امراض سوداوی را خصوصا مالیخولیا
و صرع را نفع میدهد بالخاصیه اختناق رحم را و این نسخه ایست که جمهور اطبا در کتب خود
ذکر نموده اند اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله هلیله سیاه از هریک ده درم تربد
سفید سطوخودوس بسفایج افتیمون از هریک پنج درم عسل بقدر کفایت این نسخه هشت
جزو است وزن آن شصت درم مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در اول درجه
سیم و در بعضی نسخه غاریقون سه درم و ثلث حجر ارمنی مغسول و لاجورد مغسول

از هریک ده درم و نیم سقمونیا ده درم اضافه نموده اند بنابراین نسخه دوازده جزو خواهد
بود وزن آن هفتاد درم و دو ثلث مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در اول درجه
سیم و در نسخه دیگر دو درم نانخواه و مشک سنبل ختائی بول التان الثور مصطکی قشور ترنج از هریک
ده درم نموده یکدرم زعفران یکدرم تربد دو استار اضافه نموده اند بنابرین نسخه بیست
و یک جزو خواهد بود وزن آن هشتاد و هشت درم و چهار دانگ مزاج گرم است در یک درجه
و ربع خشک است در اول درجه سیم

معجون زنجبیلی

معجون مشهور زنجبیلی نفع میدهد قره صفرا و مره
سودا را و ملیله جرب و سرسام ... مقوی معده است و نفع میدهد قولنج و جمیع بادهای
غلیظ را و اشتهای طعام بدید آورد و قوت باه و جماع دهد اخلاط آن سقمونیا الباب تربد
دار فلفل از هریک شش درم عاقرقرحا تخم کرفس نانخواه زنجبیل ملح هندی از هرکدام زن
یکدرم مصطکی زرنب از هریک نیم درم انزروت بکمال محلب مقشر ده درم شکر طبرزد زعفران
از هریک سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی ده درم و نیم تا سه درم این نسخه چهارده
جزو است وزن آن سی و سه درم و نیم تخمینا مزاج گرم است و خشک در دو درجه و نیم

معجون منشط

معجون منشط مقوی که شیخ در قانون گفته که منشط و مقوی نفس است و تفریح بدن
میکند و رنگ روی خوب گرداند و بوی دهان و عرق خوش کند و نفع میدهد جگر
و معده را و در آن مضرتی نیست بیش از طعام و بعد از طعام خورده اجزای آن کابلی سرخ
شش جزو سعد هشت جزو قرنفل و مصطکی سنبل الطیب ... از هریک سه جزو
ورق ... زرنب زعفران از هریک دو جزو بسباسه قاقله هیل بواحی از هرکدام یک
جزو اجزا را کوفته و بیخته و بازای هر سه جزو و دو ثلث از تمام اجزا یک رطل آمله پاکیزه
تازه گرفته در هفت رطل آب بجوشانند تا به سه رطل باز آید بعد از آن آن را صاف کرده بازای
یک رطل آمله یک رطل فانید سنجری بگدازند و صاف کنند تا بقوام لعوق آید پس از آن ادویه را
در آن بریزند و چندان حرکت دهند که بیکدیگر خوب مخلوط شود و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی یکمثقال تا یکمثقال و نیم اجزای این ترکیب بعینه اجزای نوشدارو است
و اندک تفاوتی در وزن آن هست اجزای این نسخه پانزده است با آمله و فانید و زیاده
بطوریکه هر جزوی را یکدرم فرض نمائیم سی و شش درم وزن هریک از آمله و فانید نیز
تخمینا ده رطل مزاج گرم است در ربع درجه اول خشک است در اول درجه دوم

[illegible]

معجون
که منقی بدن است از رطوبات فلفل سیاه دارچینی دارفلفل قرنفل سلیخه سعد پنج کابلی

مقشر جوزبوا از هریک یکمثقال حب النیل شش مثقال تربد سفید شکوفه زد از هریک بیست و چهار درم
عسل بقدر احتیاج شربتی بجهت صاحب برص و فالج یکمثقال در آب گرم و بجهت استفراغ پنج درم تا
هفت درم این نسخه یازده جزو است با شکر و وزن آن شصت و هفت درم مزاج گرم است و خشک
در اول درجه سیم معجون قیصر خداوند صرع و فالج و خفقان که از سردی بود و بیماری کهن را
و درد معده و ضیق النفس را و خداوند فواق و امتلاء بی راسو دا دارد و طعام بکوارد اخلاط
آن جندبیدستر ربتا السوس سلیخه قسط فلفل سیاه دارفلفل میعه افیون زعفران سنبل از هر یک
سه درم جاوشیر یک درم مشک یکدانگ زرنباد درونج مروارید از هر یک نیم درم اجزا
کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بقدر حاجت معجون سازند شربتی بقدر نخودی و در ذ
خیره مذکور است شربتی از یک درم تا یکمثقال این نسخه پانزده جزو است و وزن آن سی و
دو درم و چهار دانگ مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سیم
راسن کبیر این معجون هندیست نافع است سوء مزاج بارد و ضعف معده را و باه را ز
یاده کند و وسواس و سودا را بر طرف سازد و مصلح حرکات بد ذات است و محافظت نماید
جمیع حواس را و مصلح کلیه و مثانه است و نسخه این ترکیب اینست اجزای آن مروج قسط تلخ زراوند
طویل زراوند مدحرج از هر یک سه استار دار فلفل زنجبیل از هر یک پنج استار تخم کرفس نانخواه
کرویا تخم رازیانه تخم اسپست تخم خرفه تخم جرجیر تودری سرخ سفید مرزنجوش زیره کرمانی
تخم شبت از هر یک شش استار قرنفل اشنه قصب الذریره عیدان بلسان از هر یک سه استار
اکلیل الملک شیح زرنب حب بلسان سلیخه بسباسه قاقله قرفه از هر یک چهار استار
هلیله زرد بلیله شیر آمله منزوع النوی از هر یک هشت استار لفاح یا تین خربق سفید
آس مرماخوز بزر البنج البری بزر البنج البستانی خسک بستانی شیطرج زرشک حب الاترج
مقشر زعرور بسفراس هندی بهمن سرخ بهمن سفید لسان العصافیر از هر یک چهار ده
مثقال جوز بواسی عود پنج قثا بری که اترابل خوانند تخم فجنکشت از هر یک سه استار
تخم کردماما از هر یک شش درم افیون فرفیون جندبیدستر از هر یک سه درم هلیله
سیاه منزوع النوی چهار درم ساذج حلبه فوذنج سالیون دوقو بوزیدان چینی از هر یک
شش درم فانید سفید جوز بوا ادویه کوفته و فانید و روغن گاو و فانید را در دیگ کرده
سه رطل

سه رطل در آن ریزند و چندان طبخ نمایند که بقوام عسل شود پس عسل در آن ریزد و روغن گاو را
سرد کرده ادویه را با آن چرب نمایند بعد از آن فانید و عسل را در هاون بزرگ کرده ادویه را در آن
ریزند و حرکت کنند چندانکه جمیع اجزا مساوی یکدیگر شود بعد از آن برآورده در ظرفی کنند که عسل
در آن چندان وقت بوده باشد و بعد از آن شش ماه برآورده استعمال نمایند شربتی از آن بقدر ب
لک مان و در اول ماه و آخر ماه سه روز با آب گرم یا ببعضی از اشربه که موافق بوده باشد این
نسخه شصت و چهار جزو است و وزن آن هشتصد و ده درم و چهار دانگ مزاج گرم است در
یکم درجه و نیم خشک است در یک درجه و سه ربع راسن صغیر نفع این ترکیب نزدیک است
بنفع نسخه که گذشت اجزای آن وج قسط تلخ زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک سه
استار حب الرشاد تخم خردل از هر یک ده استار فلفل دارفلفل زنجبیل از هر یک پنج استار
تخم کرفس کرویا سعد تخم اسپست تخم پیاز تخم جرجیر دغره تودری سفید تودری
سرخ تخم کندنا تخم کتان تخم حندقوقی تخم رازیانه نانخواه تخم ترنج مقشر تخم خرفه فوتنج نار
جیل حلبه تخم مرزنجوش زیره کرمانی تخم شبت تخم کنر از هر یک ده درم قرنفل هیل
اشنه ساذج قاقله قرفه راسن جوزبوا قصب الذریره زرنب اکلیل الملک مرماخوز حب
بلسان از هر یک بیست درم سلیخه بسباسه حب الاس زرشک لسان العصافیر سنبل
از هر یک بیست و چهار درم گل سرخ خشک پنج درم هلیله سیاه هلیله کابلی بلیله
آمله از هر یک سه استار بزر البنج سفید افیون فرفیون از هر یک سه درم جندبیدستر
یک استار شیطرج هندی خسک زرنباد بهمن سرخ بهمن سفید بوزیدان چینی درونج
خولنجان میعه از هر یک سه استار فاسقیون جمیع ادویه را با اجزا کوفته و بیخته
بروغن گاو چرب کرده بعسل کف گرفته آنقدر که کفایت کند معجون سازند شربتی
یکمثقال با آب نیم گرم این ترکیب و نه جزو است و وزن آن هزار و صد و هفت درم و نیم فانید
مثل ادویه مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سیم معجون نجاح
لینوس کرده و مثانه را سود دارد و گرم کند و سده بگشاید اخلاط آن فلفل سفید فلفل
سیاه حماما قسط تلخ سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران بزر الکرفس انیسون
عاقرقرحا بزر الجرجیر تخم سداب سداب جبلی اجزا همه مساوی بکوبند و بیزند و با انگبین مصفا

بسرشته شربتی از یکدرم الی دو درم بماء الاصول یا الی رآب بادیان و آب کرفس این نسخه سیزده جزو است مزاج
گرم است در دو درجه و ربع خشک است در اوّل درجه سیم معجون هرمس خداوند نقرس و اوجاع مفاصل و اوجاع کلیه را معده و قوت دهد امعاء را سود دارد و بادها را بشکند و خداوند استسقا
و یرقان و سودا و اسود دارد و با وجاع مفاصل و نقرس مخصوص است فالج و لقوه و قولنج بلغمی
و بلغمی و تشنج و استرخاء اعصاب را سود دارد و فضلها که اندکوده و مثانه باشد فرود
آورد و حیض بگشاید اجزای آن غاریقون اسارون قردمانا تخم شداب فرفیون فو ذوقی
خشک از هریک یک اوقیه زراوند طویل اصل عرطنیثا از هریک دو اوقیه ناخواه قرنفل
از هریک دو اوقیه خطیانان و مجتشل و قیه فنطوریون باریک هشت اوقیه حاشا تخم کرفس
از هریک دو اوقیه سلیخه قسط تلخ مر از هریک سه اوقیه سنبل الطیب قنح جبلی فطراسالیون
از هریک دو اوقیه جعده فراسیون از هریک سه اوقیه کمافیطوس کمادریوس اسقوردیون
از هریک هشت اوقیه جمله بکوبند و بپزند و با انگبین مصفا بسرشته و اندر ایام ربیع بکار
دارند از یکمثقال تا دو درم این نسخه بیست و هفت جزو است وزن آن هفتاد و نه اوقیه
مزاج گرم است و خشک در دو درجه و نیم معجون دیگر از هرمس نفع میدهد زحیر را که هر روز
که سه درم از آن با آب سرد بخورند و بجهت درد جگر با آب جلنجبین و بجهت تب با آب نیم گرم و
از برای درد معده بسرکه خمر وج و بجهت درد کرده بمخیز خمر وج و بجهت ترفا الدم بسرکه
خمر وج مقدار باقلا و بجهت درد خاصره مثل آن و بجهت درد شکم و درد و بادهای
غلیظ بمخیز کهنه خمر وج و بجهت درد سر و وسواس و جنون در شب باید نوشید و بجهت
سرفه خشک در اوّل شب بشراب خمر وج باید خورد و بجهت کزندگی مار ترنجبین و مرهم صنع
کزیده باید طلا کرد و نفع میدهد سموم قاتله را چون با آب خطیا نا بنوشند و بجهت کزیده
کلب با شیره دیوار بنوشند و زعم واضع این ترکیب آن است که جمیع آنچه مذکور شد بتجربه
معلوم شده اخلاط آن فلفل دار فلفل از هریک پنج استار زعفران افیون از هریک ده استار
فرفیون اشق ساذج عاقرقرحا بیخ لفاح الفخ سلیخه سنبل تخم کرفس از هریک شش استار
عود بلسان سه استار عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی بمقدار آنچه در ترکیب مقدم
کذشت این نسخه چهارده جزو است وزن آن هشتاد و هفت استار که پانصد و پنجاه و یکدرم
باشد

باشد مزاج گرم است در دو نیم درجه خشک است در دو درجه و نیم معجون کاسکنیج بیماریهای کود
سود دارد چون لقوه و کزاز و قولنج که ایشان را بود و خداوند اختناق رحم را و بیماریهای آنرا
سود دارد و افراط با اعتدال با از رد اجزای آن سلیخه حفت آفریدیج بهمن تخم ج ملیح دار یانه
حب بلسان زراوند طویل زراوند مدحرج مشک عنبر از هریک چهار درم هیل چهار درم
افیون قسط جوز بوا هلیله زرد از هریک دوازده درم قرنفل بلبیت چهار درم قرنفه معجون
کشوثا از بیخ تخم سوسن از هریک دو درم و ج هشت درم سکبینج دو بیخ مردو غن دسته خان از
هریک شش درم با غست بیسباسه سعد زعفران از هریک ده درم مغاث پانزده درم میعه سایله
پانزده درم مورد اسفرم باد رنجبویه جوز السرو تخم ابهل دو سه درم دار و های خشک را بکوبند
و ببیزند و آنچه سقان کداخت در میفختج حل کنند و جمله با انگبین بقدر حاجت بسرشته شربتی
پس از شش ماه از یکدرم تا دو مثقال اجزای این نسخه سی و چهار است وزن آن دویست و
سی و پنج درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در اوّل درجه سیم ترکیب کشوثا
که داخل این ترکیب است قضبان ریوند افار الطیب کنند و از هریک چهار درم اشنه قرفه
زعفران از هریک یکدرم میعه سائله چهار درم مشک عود از هریک نیم درم بماء العسل
بالشراب تحبب نمایند و داخل ترکیب کنند این نسخه نه جزو است وزن آن بیست درم
مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک است در یکدرجه و نیم در دو خیره خوارزمشاهی
سعد چهار درم قرنفل دو درم اضافه این ترکیب نموده و اندک تفاوتی در وزن آن
هم هست معجون مشک دل را قوی کند و خفقان سوداوی و همه بیماریهای سوداوی را
سود دارد و تنگ نفسی بلغمی را ببرد اخلاط آن زرنباد درونج مروارید ناسفته
کهربا بسد از هریک یکدرم ابریشم خام بهمن سرخ بهمن سفید ساذج هندی سنبل
قاقله قرنفل جند بیدستر از هر کدام یکدرم و نیم زنجبیل دار فلفل از هریک دو دانگ
مشک سه طسوج انگبین دو مقدار مجموع ادویه شربتی مقدار نخود بنوک اندر
شراب ریحانی یا اندر جلاب کرم بنوشند این نسخه شانزده جزو است وزن آن هفده
درم و چهار دانگ و سه طسوج مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در یکدرجه
و سه ربع نسخه دیگر درد جگر و معده و ضعیفی هر دو را سود دارد و بادها را بشکند
و سده بگشاید اجزای آن مشک دو درم سنبل الطیب سلیخه ساذج هندی لک باک

کرده بعید چینی از هر یک دو درم عود هندی قرنفل مر از هر یک یکدرم و نیم جنطیانا رومی دو درم زعفران
نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک چهار درم دارچینی زراوند مدحرج از هر یک سه درم بعسل مصفی
بقدر کفایت بسرشند مقدار یکدانه نخود تا اندکی و آب کرم در جامع شربتی از آن مقدار یک باقلا
گفته این نسخه شانزده جز واست وزن ادویه چهل درم و نیم مزاج کرم است در اول درجه سیم
خشک است در آخر درجه دوم دواء المسک تلخ رطوبت معده را ببرد و آماس حنجره و خفقان
سودائی را سود دارد اخلاط آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم ریوند
چینی هشت درم نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار درم مشک تا درین سادج
هندی مر از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم و نیم بانکبین بسرشند این نسخه یازده
جز واست وزن آن چهل و پنج درم و نیم مزاج کرم است و خشک در یکدرجه و سه ربع
دواء المسک شیرین بیماریهای سودائی را و خفقان را و تنگی نفس و صرع و فالج
و لقوه و تب ربع را سود دارد اخلاط آن زرنباد درونج از هر کدام یکدرم مروارید
ناسفته کهربا بسد ابریشم خام محرق از هر کدام یکدرم و نیم بهمن سفید بهمن سرخ
قاقله اشنه سادج هندی سنبل قرنفل جند بیدستر از هر یک چهار دانک زنجبیل دار
فلفل از هر یک دو دانک مشک یکدانک و نیم بانکبین بسرشند شربتی یکمثقال این
نسخه هفده جز واست وزن آن چهارده درم و یک دانک و نیم مزاج کرم است در آخر
درجه اول خشک است در یکدرجه و سه ربع دواء المسک بارد منقول از قرابادین
قلانسی نافع است خفقانی را که حادث شود از حرارت و تقویت میکند جمیع قوی را
اجزای آن گل سرخ طباشیر کشنیز خشک لسان الثور کهربا بسد از هر کدام یکدرم مروارید
ناسفته نیم درم مشک یکدانک بشکر طبرزد و آب سیب ترش معجون سازند این نسخه
هشت جز واست وزن آن شش درم و چهار دانک مزاج معتدل است مایل بسردی و
خشک است در آخر دو درجه دواء المسک که در بیمارستان سجستان در ایام
ابو یزید معمول بوده نفع میکند فالج و لقوه و خفقان و فزع و وحشت و خبث نفس
نفع میکند استرخاء و کزازی که عارض از امتلا و تقویت دل و معده میکند و معده را
پاک میسازد و نشف رطوبت از آن مینماید و اعانت معده مینماید بر هضم و مجربست
و مفید

بعینه اخلاط آن زرنباد درونج مروارید کهربا بسد از هر کدام ده درم ابریشم شش درم بهمن سفید
بهمن سرخ سنبل سادج قاقله قرنفل از هر یک پنج درم اشنه دار فلفل زنجبیل از هر یک چهار درم
مشک سه درم عسل یکمن ابریشم را خوب مقرض نماید چنانچه مثل غبار شود بعد از آن در هاون
کند با مروارید و بسد و کهربا خوب بکوبد و باقی ادویه را نرم سازد و بیزد و بعسل معجون
سازد شربتی نیم مثقال با آب نیم کرم این نسخه شانزده جز واست وزن آن صد و یکدرم مزاج کرم است
در آخر درجه دوم خشک است در آخر درجه سیم سنجرینیای بزرگ این معجون خداوند مزاج
سرد و بیماریهای سرد و بادهای غلیظ و خداوند درد دندان خورده شدن آن و قولنج
و عسر البول را که از بلغم بود سود دارد و سدد جگر بکشاید و صلابت آن را تحلیل کند و
معده را کرم کند و تخمه را زایل سازد اجزای آن جند بیدستر افیون دارچینی اسارون فودنج
و قوا از هر کدام یکدرم فلفل دار فلفل بادنج مر قسط از هر یک شش درم زعفران نیم درم باز رد
بانکبین بکدازند و داروهای خشک بدان بسرشند و شش ماه نگاه دارند تا برسد و بعد از آن
استعمال نمایند شربتی نیم مثقال با آب نیم کرم ناشتا این نسخه دوازده جز واست وزن آن
سی و یکدرم و نیم مزاج کرم است در آخر دو درجه خشک است در دو درجه و ربع جند
بیدستر افیون دارچینی فودنج و قوا سارون از هر یک ده درم فلفل دار فلفل قنه
مر قسط از هر یک شصت درم زعفران ربع اوقیه اجزا را کوفته و بیخته بعسل معجون سازد
چنانچه رسم است و بعد از شش ماه استعمال نماید شربتی نیم مثقال با آب نیم کرم ناشتا و در
نسخه دیگر شربتی مابین یکدانک تا دو مثقال و در نسخه دیگر شربتی مثل فلفلی و غن
سوسن حل کرده بر موضع مار گزیده طلا نماید دفع زهر بکند و اگر اندکی بشمی بآن آلوده
ملطخ بخور دبکرد بادهای غلیظ که در رحم بوده باشد بتحلیل برد و تعدیل کند ولد
و حیض نماید و اگر بنفع حل نمایند غذا از آن بنوشد و آن بخور کند بچه را نگاه کند و بچه
در رحم سینه و سرفه و درد کلیه و مثانه و هر که از سردی باشد مقدار نخودی بشراب صرف
بنجهه نخحه یکمثقال الشراب صرف بنوشند این ترکیب سیزده جز واست وزن ادویه سیصد و
هفتاد و دو درم و نیم مزاجش کرم است در آخر دو درجه خشک است در اول درجه سیم

امروسیا

امروسیا صلابت جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید و ادرار و بول کند و سنگ گرده بریزاند
و اند را ابتدای استسقا سخت سود دارد اخلاط آن دو دق زیره کرمانی عود بلسان سلیخه قرنجمانا
نفاح اذخر تخم کرفس از هر کدام یکی درم دارفلفل قسط فلفل سفید از هر یک نیم درم مر سه درم حب
الغار ده عدد وج زعفران از هر یک دو درم با انگبین بسرشند چنانکه سه سهمست شربتی مقدار
فندقی الله تعالی اکرم این نسخه چهارده جز است وزن آن پانزده درم و نیم مزاج گرم است در اول سنه درجه
خشک است در آخر دو درجه انقردیا و انرا بلادری گویند نافع است جمیع امراض مزمنه را اجزای آن

انقردیا

هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سی و شش درم شونیز بیست و چهار درم طباشیر شش درم
هیل هفت درم سعد هشت درم عسل بلادر شش درم فلفل دار فلفل زنجبیل بلقلوبه انیسون

کردم

از هر یک دوازده درم اجزا را کوفته و بیخته با هشتصد درم فانید که در آن حل کرده باشند
معجون سازند و در ظرف چینی یا نقره یا شیشه کرده در میان جو پنهان سازند و بعد از
شش ماه بیرون آورده استعمال نمایند این نسخه موافق است با نسخه صاحب تحفه اجزای آن سیزده
است وزن اجزا دویست و هفده درم مزاج گرم است در یکم درجه و نیم خشک است در آخر دو

انقردیا دیگر

درجه معجون انقردیا منقول از منهاج الادویه نفع میکند استرخا عصب و درد
و نسیان و صرع و صداع و اوجاع معده و سینه و جمیع اوجاع بارده بادرار اخلاط آن سنبل
الطیب ساج هندی مر صاف سلیخه زعفران شیخ ارمنی افتیمون اذخر ریوند چینی حب
البان مقشر قرنفل از هر یک یک اوقیه مصطکی عسل بلادر از هر یک ده مثقال حب بلسان
زنجبیل صبر سقوطری از هر کدام یک اوقیه غاریقون هشت درم ابرساد و اوقیه پوست بیخ
رازیانه سه رطل سرکه انگوری پنج رطل ادویه آنچه خشک است بکوبند و بیخته سوی
پوست بیخ رازیانه که آن را در سرکه میباید خوابانید سه روز بعد از آن در دیگ پاکیزه
میباید جوشانید تا دو سه جوش بخورد و از نفخ آمده و صاف نمایند با نیم درم سرکه
در دیگ میباید کرد و سه رطل عسل در آن ریخته و با آتش نرم جوش داده تا قوامش غلیظ
شود بعد از آن ادویه کوفته را در آن میباید ریخت و بیکدیگر خوب مخلوط ساخت و در ظرف
چینی یا نقره یا شیشه کرده و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یک درم تا نیم گرم این
نسخه

نسخه نوزده جز است وزن ادویه چهارصد مثقال تخمینا بحساب درم یا نصد و هفتاد درم
مزاج گرم است در یکم درجه و ربع خشک است در یکم درجه و نیم معجون بلادری صغیر بجهة بهق

بلادری صغیر

و بهص و نسیان بغایت نافع است اجزای آن هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سه درم کندر
زوفا زنجبیل فلفل عسل بلادر از هر یک پنج درم عسل بقدر احتیاج این نسخه هشت جز است
وزن آن صد و پانزده درم مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در آخر دو درجه

ارسطون کبیر

ارسطون کبیر و معنی ارسطون فاضل نافع است نفع میدهد سردی بدن را و سل و درد
شکم و تبهای مختلط و ربع و قولنج و درد رحم را اخلاط آن فرفیون زعفران سلیخه حماما
افیون اقاقیا اسطوخودوس سنبل صمغ عربی تخم خس ورع جند بیدستر تخم الجزر مقل کندر دوقو
سماق کبریت زرد صمغ سایله فلفل سفید از هر یک پنج درم عاقرقرحا تخم غرطنیثا گل
سرخ خشک تخم سداب تخم کرفس تخم اترج تخم الخواه تخم طرحشقوق از هر یک چهار درم
بن یا مجرب یک درم بزر البنج ده درم قردمانا زنجبیل از هر یک دو درم و بعضی فلفل سفید
اضافه میکنند اخرا آنچه خشک است بکوبند و آنچه تر است در ماء العسل یا شراب
بجوشانند سه روز تا خوب نرم شود و با عسل بقدر کفایت بسرشند و بعد از آن روغن
بلسان یک اوقیه در آن ریخته در دیگ سنگین کنند و بر بالای آتش نهند تا دو سه جوش برآورد
بعد از آن از بالای آتش فرود آرند و تا شش ماه بگذارند و بعد از آن استعمال نمایند شربتی تمام وزن
یک مثقال هرچند کهنه تر شود بهتر است این نسخه سی و سه جز است با روغن بلسان و وزن
آن بغیر روغن بلسان صد و چهل و هفت درم مزاج گرم است در یکم درجه و نیم خشک است

دوا

در دو درجه و نیم معجون دحمرثا سده جگر و سپرز بگشاید و بادها بشکند و سرفه بلغمی و ضیق
النفس را و استرخاء زبان که از سرد باشد زایل کند و حیض فرود آرد اجزای آن تخم هزار اسفند
بکوبند و نیم کنند ده درم زراوند طویل ریوند چینی از هر یکی بیست درم زرنباد درونج از هر یک
چهار درم مصطکی حب البلسان زعفران اکلیل الملک سنبل الطیب از هر یکی ده درم افیون زنجبیل
سلیخه قسط از یکی سه استار و در نسخه سه اوقیه ... چهار جز فا از هر یک دوازده درم است
بسفایج ده درم صبر سقوطری چهار درم قرنفل شش درم خربق سفید گل سرخ شونیز از هر یک
شش استار فلفل ده درم و در نسخه سه اوقیه فلفل نیست عسل بقدر جمیع ادویه
این نسخه بیست و دو جز است وزن آن نهصد و بیست و هفت درم مزاج گرم است

در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه و نیم معجون بادمهرج منفعت این ترکیب چون منفعت
دحمرثا است اخلاط آن زرنباد درم و پنج افیون جند بید ستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه
هوم المجوس بزر البنج سفید قسط لبنی جاوشیر زعفران از هر یک شش درم حلیه هشت درم
زراوند ناسفته دو درم باد درم از هر یک دوازده درم انگبین دو مقدار مجموع ادویه این
نسخه هجده جز واست وزن آن یکصد و هجده درم مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در دو درجه
و ربع معجون غیاثی نافع است درد سر کهنه را چون بشراب ممزوج با عسل و آب نیم گرم بنوشند
وکسی را که صرع بوده باشد چون از آن بنوشد نفع یابد و همچنین نافع است هذیان و ورم صلب را
و قطع فضول میکند که متوجه چشم است اخلاط آن مرسلیخه دارفلفل دارچینی سیسالیوس
حماما از هر یک چهار درم سنبل فقاح اذخر از هر یک دوازده درم زعفران پنج درم افیون پانزده
درم تخم کرفس جبلی سی و پنج درم انیسون تخم کرفس از هر یک بیست درم فلفل سی و هشت درم
لبنی قسط قوه اسارون از هر کدام یک درم عسل بقدر حاجت آنچه خشک است نرم بکوبند
و آنچه تر است در شراب تحلیل بسایند بعد از آن همه را بیکدیگر مخلوط ساخته معجون سازند
شربتی یک درم با آب نیم گرم بناشتا این نسخه هجده جز واست وزن آن یکصد و هشتاد و پنج درم
مزاج گرم است در ثلث درجه خشک است در آخر سه درجه معجون اصفر سلیم نافع است
امراض مره سوداء درد بادهای غلیظ و خفقان و اوجاع صبیان و اوجاع رحم را اجزای آن فلفل
سفید زنجبیل نمک هندی از هر یک شش درم افیون فرفیون جند بید ستر قرنفل زعفران
مصطکی عاقرقرحا از هر یک پنج درم قسط شش درم است فاشرا فاشرا سلیخه سعد زرنباد در
و پنج زراوند طویل از هر یک دو درم روغن بلسان آب کافور را از هر یک چهار درم عسل بقدر
حاجت شربتی از آن بقدر مزاج هر شخص این ترکیب نوزده جز واست وزن آن هفتاد و نه درم
مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در دو درجه و نیم معجون اسود سلیم
نفع میدهد فالج و مره سوداء جمیع عللها بدهد را اخلاط آن تخم حرمل صد و بیست درم
جاوشیر هشتاد درم اشق بازرد تنا مرجحا از هر یک شصت درم سکبینج اشق زراوند
طویل زراوند مدحرج خردل ازرق خربق پنج هندبا جند بید ستر پنج حنظل کبریت زرد تخم
جرجیر تخم کشت سداب جبلی از هر یک چهل درم افیون فرفیون پنج فلفل سفید کندش
ملح هندی سرخ ملح نفطی شاه پنج تفاح پنج پنج عاقرقرحا مر صبر لبان سیطرج از هر یک
بیست

اصفر سلیم

اسود سلیم

بیست درم سنبل مصطکی زرنباد در و پنج از هر یک هشت درم زعفران سه درم اجزا آنچه خشک است
بکوبند و صمغ غراد و قطران شامی آن قدر که حاجت باشد تحلیل بسایند بعد از آن نرم ساخته
با ادویه مخلوط سازند و در خاکستر دفن کنند تا دو ماه بعد از آن بر آورده استعمال نمایند شربتی
از آن قوی مزاج را سه درم و ضعیف مزاج را یک درم و هر چیز که بآن محتاج باشد بقدر یک فلفل این
نسخه سی و نه جز واست با قطران وزن آن هزار و دویست و نود و پنج درم مزاج گرم است در یک درجه
و سه ربع خشک است در دو درجه و ربع معجون ابی سلیم و آن را فریاد رس نیز گویند مجرب در
و مسکن دردهاست از هر بادی و نافع است جمیع دردها را که غالب شده باشد بر مزاج و سواس را
و جمیع دردها را دفع و می نشاند اجزای آن افیون بزر البنج سفید از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران
سنبل عاقرقرحا سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک پنج مثقال اجزا کوفته و بیخته با عسل آنقدر
که کفایت کند معجون سازند شربتی قوی مزاج و جوانان را نیم مثقال و ضعیف مزاج و اطفال را
یک دانگ این نسخه نه جز واست وزن آن پنجاه و پنج مثقال مزاج معتدل است در گرمی و سردی
خشک است در دو درجه و نیم معجون سیر نافع است بهق را و سرخیها را و خام بلغم را قوت
زیاده کند و رنگ را صاف گرداند و بهیت جوانان نماید و نافع جمیع دردهاست چون
در زمستان بنوشند اخلاط آن نخود شامی یک قفیز سیر یک رطل شیر گاو آنقدر که چهار
انگشت از سر نخود و سیر زیاده باشد و روغن گاو تازه آنقدر که کفایت کند عسل صاف
سفید صاف آنقدر که چهار انگشت بر سر همه باشد پس بازای هر یک رطل سیر دوازده
مثقال تودری سرخ تودری سفید و سه مثقال فلفل و ده مثقال [illegible] و ده
مثقال زیره کرمانی و ده مثقال خولنجان و ده مثقال دارچینی و پنج مثقال دار
فلفل کوفته اضافه نمایند طریق پختن آن چنان است که قفیز نخود شامی را که هشت
ده مثقال بوده باشد یک شبانروز در آب شیرین تحلیل بسایند پس بآتش آهسته بپزند
تا آن آب سیاه شود و نخود از هم فرو ریزد و بعد از آن آب نخود را صاف کنند
و یک رطل سیر کوفته پاکیزه سازند و دانه دانه از هم کنند و در آن نخود طبخ نهند آب
آنقدر که سیر پخته نرم شود پس شیر گاو آنقدر که چهار انگشت بر بالای آن باشد
در دیگ ریخته بآتش آهسته جوش دهند تا آن شیر بالتمام تحلیل رود ظاهر

ابا سلیم و [illegible]

نباشد بعد از آن روغن گاو تازه آنقدر که کفایت کند بر آن ریزند و بآتش جوش دهند تا آن روغن نیز
نشف شود و ندا اجزا پس آن اجزا را بوبکابکن زده مخلوط و خمیر سازند بعسل سفید چندانکه چهار
انگشت بر سر آن بایستد بریزند باز طبخ نمایند تا منعقد شود بعد از آن ادویه طافویه ایجه مدقو
شد کوفته و بیخته بر آن ریزند و مخلوط سازند و در مرطبان چینی کرده بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی مقدار جوزی این نسخه سیزده جز واست مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است
در آخر یکدرجه و نیم اثاناسیا بزرک بیماریهای جگر و سپرز و معده را که از سردی و بلغم و
رطوبتهای رحم که از بلغم شوریده و از سوء و شرف بلغمی و تنگی نفس واسود دارد و خون دبی
اسیر و خون حیض و قی و خون نفث خون باز دارد و اسهال بلغمی را بر طرف سازد و درد
گرده و مثانه را سود دارد و بالجمله منفعت این معجون و منفعت فلونیا یکیست اجزای آن
مر زعفران افیون جند بید ستر بزر البنج قسط قرد ما نا نخواه خشخاش سنبل عاقرقرحا شاخ است
بر سوخته جگر کولنه خشک کرده اجزا مساوی یکدیگر جمله را بکوبند و بیزند و با انگبین سرشته
شربتی از پس شش ماه از نیم درم تا یکدرم در شیر کاشنی یا رب سیب و آب و مانند آن استعمال
نمایند این نسخه دوازده جزواست مزاج سرد است در ربع درجه اول خشک است در آخر
دو درجه اثاناسیا کوچک منفعت این چون منفعت اثاناسیا بزرکست اخلاط آن
میعه زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث هشت درم رب سوس
دوازده درم با انگبین سرشته شربتی مقدار فندقی و در نسخه مر و عود بلسان از هر یک چهار
درم اضافه کرده اند این نسخه هشت جز واست و بنابر نسخه دیگرده جز و وزن ادویه
بنابر اول چهل و چهار درم و بنابر ثانی پنجاه و دو درم سرد است در سه ربع درجه اول
خشک است در آخر دو درجه دواء الکرکم ترکیب جالینوس نفع میدهد دردهای کهنه را
که در جگر و سپرز باشد از سردی و مواد غلیظ و میکشاید جمیع سدها را که در مجاری
غذا بوده باشد و بر طرف میسازد بادهای غلیظ را و ادرار بول میکند و درد گرده
و مثانه و رحم را که از مواد غلیظ بوده باشد نفع میدهد و نرم میسازد صلابتی که
در گرده و مثانه و رحم باشد و نفع میدهد استسقا را اجزای آن زعفران دوازده درم
مو فولیتیون دو قفا لسان ثور زراوند چینی قطراسالیون از هر یک چهار درم سنبل هشت درم
قسط سلیخه نقاح اذخر حب بلسان از هر کدام یکدرم فوه دو درم رب سوس غافث
جعده

جعده اسقولوقندریون از هر یک سه درم روغن بلسان نیم اوقیه مرچهار درم و در نسخه دیگر بدل
حب بلسان حب بان یکدرم و کبر رومی سه درم کرده اند اجزا کوفته بیخته و بروغن بلسان چرب کرده
بعسل معجون سازند شربتی یکدرم بشراب عسل این ترکیب بیست جز واست وزن آن هفتاد و سه
درم مزاج گرم است در دو درجه و ثلث خشک است در آخر دو درجه دواء الکرکم کوچک نافع است
ضعف جگر و سپرز و معده را و صلابت آنها را نرم میسازد و اگر ابتدا استسقا بوده باشد منع آن مینماید
و زیان دو دوانیکو میسازد و نافع است اکثر امراض مزمنه را اجزای آن زعفران سلیخه سنبل مر قسط
نقاح اذخر دارچینی اجزا مساوی یکدیگر همه را بکوبند و بیزند مر را یکشبانروز در شراب ریحانی
بیاشامند پس اجزا را بعسل کف گرفته آنقدر که کفایت کند معجون سازند و در نسخه دیگر
بدل سنبل ناردین کرده شربتی از یکدرم تا مثقالی این نسخه هفت جز واست مزاج گرم و خشک است
در آخر دو درجه دواء اللک الاکبر منقول از قانون و ذخیره منافع این ترکیب و منافع
دواء الکرکم یکیست اخلاط آن لک پاک کرده هشت درم مغز بادام تلخ مقشر دارچینی
ساذج هندی قرنفل از هر یکی پنج درم کما فیطوس موفو مرزنجوش خشک از هر یک
چهار درم سنبل دوازده درم دوقو تخم کرفس قطراسالیون زیره کرمانی زنجبیل از هر یک
هشت درم خطیانا زراوند مدحرج از هر یک هفت درم زعفران سه درم اسارون هفت درم
فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطکی حماما انیسون زیره مقل ازرق از هر یک هفت درم
رب سوس دوازده درم و نیم ریوند چینی پانزده درم جعده اذخر از هر یک سه درم
دار و های خشک را بکوبند و آنچه باید گداخت لک را در شراب انگوری یا ماء العسل
که موافق باشد این ترکیب سی و چهار جز واست وزن ادویه دویست و سی و چهار
درم و نیم مزاج گرم و خشک است در اول درجه سیم در ذخیره خوارزمشاهی نسخه
دیگر ذکر میکند و میگوید که این نسخه معتمد است در آن نسخه صبر سقوطری دوازده
درم و کند ر سه درم و دار فلفل و زراوند طویل از هر یک هفت درم داخل است

دواء اللك صغير

واندك تفاوتي در وزن هم هست دواء اللك صغير نافع است ضعف جگر و معده و سردي و صلابت آن را و صلابت وسختي سپرز را و تفتيح سده ميكند اخلاط آن لك قسط حب الغار ترمس حلبه فلفل از هر يك دو درم ريوند سه درم عسل بقدر الاحتياج شربتي يكدرم باب طبيخ انيسون و در نسخه ديگر بدل حب الغار فقاح اذخر كرده اند اين نسخه هفت جزو است و وزن آن بانزده درم مزاج گرم و خشك است در آخر درجه دوم

معجون قوقي

معجون قوقي نافع است سعال وسختي جگر و سپرز را اجزاي آن مر علك البطم از هر يك چهار درم سنبل زعفران دارچيني سليخه از هر كدام يكدرم فقاح اذخر قصب الذريره مقل از هر يك دو درم و نيم مويز منزوع دانه بيرون كرده و پوست دور كرده بيست و پنج درم عسل بقدر كفايت شربتي يكدرم بطبيخ زوفا اين نسخه ده جز واست وزن آن دويست و چهل و چهار درم و نيم مزاج گرم است در يكدرجه و سه ربع خشك است در يك درجه و نيم

معجون طرسوسي

فلونيا رومي طرسوسي بطريقي كه در منهاج و ذخيره و باقي كتب معتبره مذكور است صاحب ذخيره ميگويد كه اين معجون مباركست نزلها را باز دارد و همه بيماريها ساكن كند خاصه درد قولنج را وقي خون واسهال خون وقرحه حيض و هيضه باز دارد اخلاط آن زعفران پنج درم فلفل سياه بنج البنج از هر يك بيست درم افيون ده درم خطوا سالتون سنبل الطيب از هر يك چهار درم تخم كرفس نطي سه درم سادج هندي سليخه عاقرقرحا حب بلسان فرفيون از هر كدام يكدرم دارو ها را كوفته و بيخته بروغن بلسان چرب كرده باشد چندان عسل كف گرفته معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمايند شربتي مانند نخودي با نبهر قولنج و درد كرده باب كرفس صاحب ذخيره ميگويد شربتي كشتر از شش ماه از نيم مثقال تا يك مثقال اما از جهة درد قولنج اندر طبيخ نبيت دهند و از جهة درد جگر اندر طبيخ جعده و از جهة درد معده اندر طبيخ باديان و از جهة باز داشتن خون اندر طبيخ سماق دهند و بعضي از اطبا بدل تخم كرفس دوقو ميكنند و قوة اين معجون از سه ماه تا سه سال باقيست اين نسخه ده جزو است وزن آن هفتاد و يكدرم مزاج سرد است در سه ربع درجه خشك است در آخر

فلونيا رومي

درجه سيم فلونياي رومي كه شيخ در قانون ذكر كرده اخلاط آن فلفل سفيد بنج البنج از هر يك بيست مثقال افيون ده مثقال زعفران پنج مثقال فرفيون سنبل عاقرقرحا از هر كدام يكمثقال عسل بقدر حاجت شربتي مقدار نخودي باب نيم گرم اين نسخه هفت جزو است

جز واست وزن آن پنجاه و هشت مثقال مزاج سرد است در يك درجه خشك است در آخر درجه سيم اين نسخه بعينه نسخه بن شعثا است اما شيخ در قانون بطريقي فلونياي رومي طرسوسي ذكر كرده و حكيم عماد الدين محمود رحمه الله تعالى در رساله افيون بعبارة ذكر اين تركيب ميگويد كه بعضي اين نسخه بن شعثا را منسوب بابو البركات بغدادي ساخته اند و اين غلط است زيرا كه شيخ در قانون جالينوس حكايت ميكند كه من اين دوا را در خواب ديدم گفت من از نسخه عات فيلن طبيب طرسوسي ام و منفعت من كسي را كه بمن دن نزديك باشد عظيمست و باصلاح ميآورد دردها را كه در امراض مزمنه حادث شده باشد اگر صاحب درد قولنج از من بكيفيت تناول نمايد نفع مييابد و پسرب و نفس الانتصاب موذي و سل و تشنج و درد پهلو كه از آن خوف هلاك باشد بر طرف ميسانم و كسي را كه نفث دم باشد يا خون قي كرده باشد و از من قدري تناول نمايد حايل ميشوم ميان او و موت و هر دردي را كه در امعا و احشا حادث شود و سعال و خناق و خواق و نوازلي كه از سر و دماغ بحلق و سينه مي ريخته باشد ساكن ميكردانم فلونياي فارسي نافع است ترف طمث و بواسير و نرمي طبيعت و انبعاث دم را و حيض را مدد نرنان آبستن را و بادهاي كه در رحم حادث ميشود و محافظت مينمايد جنين را و فم رحم را مستحكم ميكرداند اجزاي آن فلفل سفيد بنج البنج از هر يك بيست درم افيون طين مختوم از هر يك ده درم زعفران پنج درم فرفيون سنبل عاقرقرحا از هر يك دو درم خند بيدستر يكدرم زرنباد درونج مرواريد ناسفته مشك از هر يك نيم درم كافور يكدانك و نيم عسل بقدر الاحتياج شربتي مقدار يكدرم با شربه كه موافق باشد اين نسخه چهارده جزو است وزن آن هفتاد و چهار درم و يكدانك و نيم مزاج سرد است در نيم درجه خشك است در درجه و نيم

معجون فلونيا فارسي

معجون كاكنج

معجون كاكنج خداوند قرحه كليه و مثانه و بول الدم را سود دارد اخلاط آن بزر البنج تخم كرفس تخم باديان از هر يك هفت درم مغز تخم خيار پنج درم شوكران بزر الحماض افيون مغز حلغوزه بريان كرده مغز فندق بريان كرده مغز بادام تلخ بريان كرده زعفران از هر يك سه درم حب كاكنج بيست و پنج عدد كثيرا چهار درم در نسخه صمغ عربي كثيرا نيست و مغز خيار دو درم است جمله اجزا را بكوبند و بيخته بسر سرشته شربتي يكدرم

با [illegible] خند بقون یا ماء العسل بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب سیزده جز واست وزن

دواء الخطا لطیف

آن پنجاه ویک درم مزاج سرد است در یک درجه ونیم خشک است در آخر دو درجه دواء الخطا لطیف
نافع است خناق واوجاع حلق واوجاع بالای سینه را اجزای آن انیسون تخم کرفس نانخواه فقاح
اذخر بیخ سوسن آسمانجونی دارچینی ماماز راوند طویل شب یمانی هزار اسفند اصل السوس سلیخه
زعفران از هر کدام یک اوقیه معجون قرقوسما تخم گل یا گل خشک کرده از هر یک دو اوقیه قسط ماد
الخطا لطیف تازه از هر یک سه اوقیه سنبل کشاشه کندر از هر یک نیم اوقیه مازوی نارسیده نه
کوچک نه بزرک بلکه میانه در مقدار هشت عدد اجزا را کوفته وبیخته بعسل کف گرفته آنقدر
که حاجت باشد معجون سازند شربتی نیم مثقال تا یک درم در کشکاب که در وی بیخ سوسن
وبیخ بادیان پخته باشند یا در طبیخ انیسون بنوشند یا در کشکاب حل کنند وبران موضع طلا
کنند سود دارد این ترکیب بیست وپنج جز واست وزن آن بیست وپنج اوقیه مزاج گرم است در

نسخه قرقوسما

یک درجه ونیم خشک است در اول درجه سیم نسخه قرقوسما که داخل این ترکیب است
اخلاط آن زعفران دارچینی از هر یک دو درم گل خشک حماما قسط از هر کدام یک درم چهار
درم اصل سوسن آسمانجونی سادج هندی از هر کدام دو درم ونیم اجزا بماء العسل خمیر
کرده قرص سازند ودر سایه خشک کنند این نسخه هشت جز واست وزن آن شانزده

رماد الخطا لطیف

درم مزاج گرم است در اول سه درجه خشک است در آخر دو درجه صفت رماد الخطا لطیف
صاحب ذخیره خوارزمشاهی گوید که بچه پرستوک را بکشند وپاک کنند ونمک سوده بر آن
کنند ودر شیشه نهند وشیشه را بگل حکمت اندر گیرند وسر شیشه را استوار کنند ودر تنور
گرم نهند یک شبانروز ودیگر روز آن را بگشایند بچه پرستوک سوخته را بسایند رماد

دواء الکبریت

الخطا لطیف این باشد دواء الکبریت این ترکیب نافع است حمیات بارده را وحمی ربع وحمی
بلغمی وسعال خصوصا کهنه را ونفث مده وضیق نفس را نفع میکند کزاز واستسقا
وسپرز را مدر بول است واخراج سنگ از گرده ومثانه میکند ونافع است گزیدن مار وافعی
وعقرب را نفعی ظاهر ودفع ضرر باد ویر کشنده مینماید ونزدیکست که این ترکیب در نفع
معادله نماید با تریاق فاروق اخلاط آن کبریت زرد بی [illegible] سفید [illegible] میعه
مار از هر یک هشت درم سداب قسط از هر یک ده درم افیون زعفران از هر یک دو درم

سلیخه

سلیخه دوازده درم فلفل سفید بیست ودو درم اجزا را کوفته وبیخته بعسل معجون سازند
وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از آن پیش از ظاهر شدن تب یک درم با آب نیم گرم وبجهت تب
ربع وتب بلغمی با آب کرفس ودانه یا نه این ترکیب یازده جز واست وزن آن نود وهفت درم مزاج

معجون حلتیت

گرم است در آخر دو درجه خشک است در نصف آخر درجه سیم معجون حلتیت خداوندان تب
سرد را وتب ربع را سود دارد خاصه که مدتی دراز برآمده باشد ومادّه بد رنجته ومضرت
زهر کند درم ودینار بان دارد اجزای آن حلتیت فلفل مر برابر سداب اجزا مساوی یک یک
با انگبین مصفا بسرشته شربتی یک درم خداوندان تب را پیش از نوبت بیکساعت بدهند با

معجون ملح هندی

سکنجبین واز جهت دفع مضرت زهرها با شراب گرم یا ماء العسل دهند این نسخه چهار
جز واست مزاج گرم است در دو درجه ونیم خشک است در دو درجه وربع معجون ملح
هندی معده را پاک کند وقوت باه دارد خاصه بلغمی وسوداوی را وعلت دوار بلغمی
وسوداوی زایل کند اخلاط آن هلیله سیاه بلیله آمله هلیله کابلی اسطوخودوس
از هر یک سه درم افیتمون چهار درم نمک نفطی دو درم ایارج فیقرا ده درم غا
ریقون چهار درم بسکنجبین بسرشته شربتی از آن سه درم اندر آب نیم گرم بیاشامند
این نسخه نه جز واست وزن آن سی وپنج درم مزاج گرم است در یک درجه وربع خشک است

دواء القسط

در اول درجه سیم دواء القسط نافع است درد جگر ومعده را اجزای آن دارچینی
سلیخه قسط از هر یک سی درم انیسون تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست
ونه درم زعفران هشت درم ریوند چینی ده درم فقاح اذخر از هر یک بیست وچهار
درم عسل سه وزن ادویه اجزا را کوفته وبیخته بعسل کف گرفته معجون سازند این
ترکیب ده جز واست وزن آن دویست وپنج درم مزاج گرم است وخشک در دو درجه
ونیم این نسخه در منهاج الادویه بدین وجه است اخلاط آن دارچینی قسط وسلیخه
از هر یک هفت درم انیسون تخم کرفس اسارون از هر یک سی وسه درم فقاح اذخر
مصطکی از هر یک سی درم عیدان سلیخه زعفران زراوند مدحرج زراوند چینی

قباد الملک

از هر یک بیست درم عسل سه وزن ادویه مزاج نزدیک است بمزاج نسخه قانون
معجون قباد الملک اوجاع مفاصل ونقرس را مفید است وخداوندان تبهای کهن

ودرد سپرز و بادهاي غليظ وسرفه وضيق النفس نافع وح امعارا كه از بلغم بود وسودا ودم
وخداوند درد چشم ودرد كلو را سود دارد وتند رستي بر مردم نگاه دارد اخلاط آن تخم
سداب دشتي فراسيون اسقنقور ديون كمافيطوس جاوشير خطيانا اسطوخودوس فوتنج دماغ
ميعه سائله از هريك پنج مثقال مر زعفران قسط تلخ فلفل سفيد اذخر سنبل الطيب فو فيون بوست
بيخ لفاح اشق بوست دوغه تخم باديان تخم كرفس تي كل سرخ حب بلسان از هريك سه مثقال
دارچيني هشت مثقال سليخه يك اوقيه عصاره غافث كاشم تخم جند قوقي صمغ بادام از
هريكي چهار مثقال افيون بنج بالنيج از هريك شش مثقال صمغ وعصاره بشراب با ماء العسل
حل كنند وداروهاي خشك كوفته وبيخته با انگبين مصفا بسرشند شربتي يكدرم اين تركيب
سي ديگر نوشته است و وزن آن يكصد وسي مثقال ونيم مزاج گرم است در آخر درجه اول وخشك است
در آخر درجه دوم ودر منهاج الادويه تا دين سه مثقال وتند جهاد رفتها الا اضافه شده
كلكلانج كبير ضعيفي معده راكه از سردي ورطوبتي بود وبنتهاي كهن راسود دارد وبادا
كوفتني وبول بگشايد وبهق وبرص وسرفه وبلغمي وتنگي نفس را به بود وخداوند حكي بسرد
صلب وخداوند ناسور وقولنج وخداوند استسقا ولخناق رحم وبيماريهاي آن را و
خداوند صرع ومزاج سرد را سود دارد اجزاي آن هليله كابلي بليله امله پاك كرده از هريك
هفت درم فلفل دار فلفل زنجبيل فلفلمون نمك هندي سرخ نمك هندي سياه نمك
اندراني نمك طبرزد نمك حبي لسان العصافير شيطرج سعد جاو شير قرفه قرنفل بر
كابلي مقشر صعتر فارسي بسفايج حب النيل زيره كرماني ساذج هندي تخم كرفس كشنيز خشك
از هريك پنج درم تربد سفيد صد وپنجاه درم فلوس خيار شنبر تازه ده درم مويز منقا نيم
من شير امله پاك كرده يكمن وامله اندر دوازده من آب بپزند تا دو بهره برود ويك بهره
بماند وبپالايند وخيار چنبر اندر وي حل كنند وسه من وده استار فانيذ سكوه درين آب
بگدازند بآتش نرم ونيم من روغن كنجد تازه با وي بياميزند ويك جوش ديگر بدهند تا قوام
گيرد بعد ازان داروهارا بدان بسرشند شربتي چهار درم تا پنج درم اين تركيب سي وسه جز است
يعني فانيذ وروغن كنجد ووزن آن شش صد وشصت وهفت درم ونيم تقريبا مزاج گرم است
در آخر درجه اول خشك است در سه يك درجه معجون كلكلانج صغير خداوند استسقا
وبيماريهاي جگر وسپرز را سود دارد وبسته دقولنج را نافع است اخلاط آن ملك مقسول
سنبل

كلكلانج كبير

كلكلانج صغير

سنبل گل سرخ دوقوا فطوا ساليون فو ديوند چيني نمك هندي بيخ سوسن آسمانگوني غا
ريقون از هريك شش درم كمافيطوس سيساليوس زراوند طويل اسارون مصطكي عود
بلسان خطيانا ابرنك كابلي مقشر سليخه از هريك چهار درم عصاره غافث عصاره افسنتين
سعد اذخر از هريك پنج درم تخم كشوث سرمق اصل سوسن رب سوس سقمونيا از هريك
ده درم تخم كرفس قسط وج تخم باديان انيسون از هريك سه درم تربد صد و پنجاه
درم زيره كرماني چهار درم حماما رانكوبند وبه بيزند پس بگيرند هليله زرد مقشر
بيست درم هليله سياه مقشر از هريك پانزده درم آمله مقشر يكمن ونيم خرماي هندي
پنجاه درم مويز نيم من همه را اندر پانزده من آب بپزند تا سه بهره آب برود ويك بهره بماند
وبپالايند پس بگيرند فلوس خيار چنبر نيم من واندرين آب بگدازند وباز بپالايند ودو من
فانيذ سكوه اندرين آب بگدازند وبجوشانند تا بقوام انگبين آيد وسي استار روغن
كنجد تازه با وي بياميزند پس بيست درم مازريون بگيرند واندر آب وسه اوقيه
روغن كنجد با روغن بادام شيرين بپزند تا آب برود وروغن بماند آن را بفشارند
وبپالايند وداروهاي كوفته را اندرين روغن بمالند پس فانيذ بقوام آورده
بسرشند شربتي ازچهار درم تا پنج درم با شير شتر يا با آب عنب الثعلب بد هند اين
نسخه جهل وسه جز واست يعني فانيذ وروغن كنجد ووزن ادويه يكهزار دويست وهفت
درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشك است در يك درجه و ربع معجون كلكلانج
معتدل منقول از قرابادين قلانسي اين نسخه از ثابت بن قره است اجزاي آن ورق
مازريون در سركه خيسانيده يكهفته پوست هليله زرد غاريقون از هريك
پنج عصاره افسنتين سه درم ابريسم گل سرخ تخم خيار مقشر تخم كاسني رب سوس
از هريك دو درم تربد تخمين منقا فلوس خيار چنبر نمايند از هريك پانزده از اين ادويه
ايخه قوانست بآب حل كنند وبپزند تا غليظ شود وباقي ادويه خشك را كوفته وبيخته
بآن جمع نمايند ومعجون سازند شربتي از دو درم تا سه درم اين نسخه دوازده جزو است
با فانيذ ووزن ادويه با فانيذ هفتاد وسه درم مزاج چنانكه در الاقسرائي اشاره نموده
معتدل است در گرمي وسردي اما خشك است در يك درجه معجون نيز نوش
قولنج را بگشايد وبادهاي غليظ را بشكند وپيچيدن شكم وغثيان وترشي كاذب را معلقاتها

كلكلانج معتدل

زنان حامله را که از سردی بود سود دارد اخلاط آن فرفیون عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک
هفت درم افیون بنج زالبیخ از هر یک بیست درم با انگبین بسرشند و پس از شش ماه بکار دارند
این نسخه ششجز(?) است وزن آن شصت و هشت درم مزاج سرد است در اول درجه دوم خشک
است در آخر درجه سیم معجون معروف بکندی زعفران ده مثقال مر اسارون فو... دار
چینی دوقو فطراسالیون از هر یک چهار مثقال سنبل هندی سنبل رومی از هر یک
شش مثقال قسط سلیخه تفاح اذخر از هر کدام یک مثقال حب بلسان سه مثقال و نیم فو
هشت مثقال رب سوس اسقولوقندریون جعده عصاره غافث از هر یک سه مثقال عود
بلسان شش مثقال اخلاط اند بکوبند وزن پنج مثقال عسل بقدر کفایت شربتی یک مثقال
فندقی با جلنجبین عسل یا وقیه این نسخه بیست جز است با قرص اند و وزن آن
آن هفتاد و پنج مثقال و نیم مزاج گرم است و خشک در آخر دو درجه و نیم معجون پودنه
درد معده و جگر و تبهای کهن و تب سرما را سود دارد اجزای آن پودنه دشتی پودنه
کوهی فطراسالیون سلیسالیوس از هر یک بیست درم تخم کرفس با پودنه حاشا از هر یکی
چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم اند بعضی نسخها بیست و
چهار درم با انگبین مصفا بسرشند این نه جز است و وزن آن یکصد و پنجاه و یک درم
مزاج او خشک است در دو درجه و نیم معجون البزور درد معده و جگر و سپرز را
سود دارد و بادها را بشکند اخلاط آن سلیخه حماما سنبل نانخواه تخم بادیان تخم کرفس
انیسون سلیسالیوس ... تخم شبت زراوند طویل مصطکی اسارون ذکر و با
اجزا همه مثل یکدیگر با انگبین مصفا بسرشند این نسخه چهارده جز است مزاج گرم و خشک
است در اول درجه سیم معجون یاقوت ترکیب ابو علی وسواس و خفقان و ضعف
دل و علتهای مزمن چون علتهای دماغ و معده و جگر و سپرز و قوت بخشد و اوجاع مفاصل
و تبهای کهن را سود دارد اجزای آن بگیرد یاقوت رمانی یک مثقال سنگ یشب و
عقیق از هر یک یک درم طلا دو دانگ نقره یک دانگ این جوهرها بکوبند و بسایند و طلا
و نقره مدبر کرده را با جواهر بر صلایه بسایند و شراب بر می چکانند تا مهیا شود
پس بگیرد غاریقون و انیسون و فلفل و زنجبیل و قرنفل و مرزنگوش از هر یک مثقال
نیم

معجون ... (margin)
معجون پودنه (margin)
معجون بزور (margin)
معجون یاقوت ... (margin)

نیم وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند حجر ارمنی و حجر لاجورد و نمک نفطی و زرنباد و درونج
و بهمن سرخ و لسان الثور از هر یک ثلث وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند سنبل اقریطی که
آن ناردین است و حماما و وج و ساذج هندی و دارچینی و صعتر و حاشا و زوفا و زرنباد
از هر یک ربع وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند مشکطرامشیع و فطراسالیون و حجر الیهود و تخم
کرفس و مر و کندر و زعفران و فلفل سفید از هر یک سدس وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند
عاج ثلث وزن آن همه را بکوبند و بسایند و بیامیزند و با عسل بلادر بسرشند شربتی یک مثقال
این ترکیب سی و هفت جز است مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در یک درجه
و نیم مفرح معتدل منقول از ذخیره خوارزمشاهی اخلاط آن مروارید پنج درم ابریشم پنج
درم کهربا دو درم و نیم صندل سرخ و سفید از هر یک چهار درم لسان الثور پنج درم فلنجمشک
سه درم تخم کاسنی دو درم و نیم درونج یک درم ساذج هندی دو درم افیمون سه درم آمله
چهار درم گل سرخ سه درم زرنباد دو درم طباشیر چهار درم سنا مکی سه درم تخم فرنجمشک
تخم بادرنجبویه از هر یک دو درم زعفران یک درم کافور دو دانگ عنبر چهار دانگ عود
یک مثقال کشنیز خشک دو درم بنفشه دو درم گل ارمنی دو درم بشراب سیب بسرشند این
ترکیب صحیح و مجرب بیست و شش جز است وزن آن شصت و هشت درم و نیم تخمینا مزاج معتدل است
در گرمی و سردی خشک است در یک درجه و نیم معجون اکبر نافع است بیماریهای قصبه
شش و قروح آن را و نفث القیح و نفث الدم و ماده که نزدیک بنضج شود بنضج و عسر نفث
اجزای آن صمغ البطم زعفران کندر مر دارچینی از هر یک چهار مثقال حماما سه مثقال افیون
کبابه چهار مثقال اصل السوس مقشر چهار مثقال سنبل شامی دو مثقال و نیم سلیخه
سیاه دو مثقال کثیرا سه مثقال شحم التمر الشامی سه مثقال لب ... که آن را کوکب
کوبند چهار مثقال بازرد صافی سی مثقال مصطکی چهار مثقال عسل چهار مثقال ...
که دویست و هشتاد درم باشد عسل و صمغ البطم را در ظرفی بریزند چون بقوام آید باید در آن
با آن مخلوط سازند و طبخ نمایند چندانکه اگر قطره از آن بر روی سطحی افتد منعقد شود
بعد از آن از بالای آتش فرود آورند و سرد نمایند و باقی ادویه را خوب کوفته و بیخته
در آن بریزند و بر هم زنند چندانکه خوب بهم مخلوط شود پس از آن استعمال نمایند این نسخه
پانزده جز است وزن آن هفتاد و نه مثقال و نیم مزاج گرم است در اول درجه سیم

مفرح معتدل (margin)
معجون اکبر (margin)

ارسطوماخس

خشک است در یکدرجه وسه ربع معجون ارسطوماخس علتهای سینه والتهاء دم زدن را
و قرحه که اندرون التهاب پدید آید وخون ونیم برآمدن را وآماس عضلهای سینه وعضلهای
دم زدن را وخداوند هیضه وخداوند نواسیرها را لذا علتهای مثانه واختناق رحم وربهای
کهنه را سود دارد ومضرت زهرهای جانور وان زهرها بازدارد اخلاط آن دارچینی قسط
باد رنجبویه بیهسترا ابیون فلفل سیاه دارصینی سلیخه از هریک یک اوقیه عسل بکفسط که یکصد
هشتاد درم باشد باز دو با عسل بکدازنه و دار وهابان بسرشته واند بظروف آبگینه
یا نقره یا چینی کرده نگاه دارند شربتی مقدار یک باقلی اند بماء العسل وسه مطبوخ درغن
شیر بجت بروی چکانیده این ترکیب هشتجز واست وزن آن هشتاوقیه مزاج گرم است

معجون خنطیانا

در نیم درجه خشک است در دو درجه ونیم معجون خنطیانا نافع است صلابت وسده
ودرد جگر ومعده وسپرز وربهای کهنه را اخزاء آن خنطیانا ی رومی فلفل از هریک
ده درم قسط تلخ ساذج هندی سنبل ریوند چینی از هرکدام یک اوقیه اجزا را کوفته
و بیخته بعسل کف گرفته آن قدر که احتیاج باشد معجون سازند شربتی از آن یکدرم
با آب سداب بخته این نسخه شش جز واست وزن آن شصت وسه درم مزاج گرم است

عطیة الله

وخشک در اول درجه سیم معجون عطیة الله این نسخه شریفاست بنا بر آن انرا
عطیة الله نامیده اند در خزانه یکی از پادشاهان ماتقدم یافته اند نافع است بوی
اسیر وفساد معده وسردی بهارا واشتهها را طعام وجماع آورد ومدرّ است وحفظه
صحت مینماید وهرگاه که در زمان بهار و زمستان سه ماه در هر جمعه از هر ماه بنوشند
اخلاط آن هلیله سیاه بلیله آمله زرا و فد مدحرج زراوند طویل وج مثقا قل
هیل قاقله قرنفل حب بابونه زنجبیل کبخه پوست نا کنده از هریک شش اوقیه جوز
بوا سنبل تربد سفید موفود وقواسار ون تخم کرفس جبلی فرفیون از هریک دو
اوقیه نانخواه مغز گندم تخم کراث نود ربی سفید خشخاش زرنباد درونج
بیخ زرشک حاماعا قرقرحا طباشیر مثیسالیوس حلتیت منتق زیره کرمانی از هریک
سه اوقیه شل فل بل دارچینی سیطرج هندی فارسی فلفلمون افسنتین سعد بیخ
نیلوفر حار فلفل ترقه الطیب جندبیدستر از هر یک پنج اوقیه جاوشیر سکبینج از هریک
چهار

چهار اوقیه پوست بیخ کبر هشت اوقیه خبث الحدید پاک کرده که سه هفته ترتیب کرده باشند
یکهفته بشکر ویکهفته بآب عسل ویکهفته بسرکه باز ابتدا کرده یکروز در سرکه یکروز در
شکر ویکروز در آب عسل نحوی بسایند تا سه هفته باین نحو عمل نمایند بعد از آن در سایه
خشک کرده چندان بسایند که چون سرمه نرم شوند و با تجاد ویه راین خوب کوفته و
بیخته بازای هر سه جز دارو یک جز وازدویه یک جز واز خبث الحدید اضافه نمایند
وبروغن گاو اجزا را خوب چرب کنند ومعجون سازند بعسل خوش طعم بعد از آن بوزن
خبث الحدید فانید بکدازند تا بقوام عسل شود درداخل نمایند وخوب برهم زنند
تا بیکدیگر مخلوط شود بعد از آن در ظرف آبگینه چینی یا نقره کرده سر شرا به بندند
ودر میان جو پنهان کنند وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی مقدار ما زوی بناشتا
وبعد از آن تا سه ساعت طعام نخورند وبعد از سه ساعت طعامی که معتدل باشد در
در گرمی وسردی میل نمایند وبعضی از اطبای دانا را اعتقاد آن است که این دوا باید
شربتم قاتلرا معمورث صحت است باذن الله تعالی این ترکیب بنجاه وسه جز واست بغیر فانید
ووزن آن بغیر خبث الحدید وفانید دویست ونوزده اوقیه است وخبث هفتاد و سه
اوقیه وفانید نیز مثل خبث مزاج گرم وخشک است در دو درجه ونیم معجونی که
نافع است ضعف جگر ونفث دم را اجزای آن جلنار دم الاخوین ورق اللصف شب
یمانی اجزا مساوی یکدیگر اجزا را باید کوفت وخوب نرم کرده بیخت وآب آن را صاف کرده
ونیم گرم باید آشامید این نسخه چهار جز واست مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک
است در آخر درجه دوم معجون بنوما طیب نافع است فساد مزاج ودرد جگر را و
مقوی معده است ورنگ روی را صاف کند اخلاط آن هلیله مصطکی از هریک
بیست وپنج درم زنجبیل دارچینی از هریک ده درم فلفل سفید چهار ده درم
طالیسفر سه درم خولنجان ده درم نارمشک شش درم عصیر افسنتین پنج درم
بماء العسل یا بشراب خمیر کرده حب سازند مقدار فلفل شربتی از آن وزن
دو درم بآب نیم گرم این نسخه نه جز واست وزن آن یکصد و هشتاد درم مزاج گرم است
وخشک در اول درجه سیم معجون اسری نافع است کوفتگی بول را و درد لیست

معجون ضعف جگر و نفث دم

معجون بنوما

اسری

انزا

وضعف کرده و مثانه را و سنگ بریزاند اجزای آن خشخاش تخم کراث تخم نشسته تخم کو
تخم سوسن تخم کاهو تخم کاسنی تخم خرفه بهمن سفید بهمن سرخ لسان العصافیر تخم بید انجیر
کسیله تخم شاهسفرم تخم مرزنگوش بوزیدان کابلی فلفل سیاه بزر بد حب الرشاد تخم مرو اشنه
اشنق تفاح اذخر تخم جعده دکینه بن والبیخ صعتر زرنب فلنجه حب البلسان سنط کرویا
بن و قطونا ابهل ماش لبان تخم حزنبی سلیخه تخم کتان نمک هندی تخم سداب تخم خطمی
سرخ تخم خطمی سفید نیوه کرمانی قرفه تخم فرنجمشک مغاث سناء مکی سورنجان
افتیمون انیسون تخم سمنه سرخس فلا از هر یک سه درم تودری سرخ تودری سفید
نانخواه زرنباد جبه تخم رازیانه دارچینی هلیله زرد هلیله کابلی تخم خرفه حب الاس
شهدانه کنجد مقشر حلبه تخم کرفس از هر یک پنج درم شقاقل زنجبیل از هر یک چهار درم
مصطکی فلفل سیاه سفید قرنفل سنبل شکوفه حنا عاقرقرحا از هر کدام یک درم و
نیم سقونباد و دانک تخم خربزه دانه تخم خربزه کو از هر یک ده درم روغن کنجد چهار درم
عسل دو رطل ادویه را کوفته و بیخته بعسل و روغن کنجد معجون سازند شربتی از آن
دو درم با آب نیم گرم این نسخه هشتاد و پنج جزو است بغیر عسل و روغن کنجد وزن آن
دویست و هفتاد و نه درم و دو دانک گرم و خشک است در یک درجه و نیم معجون
که صنوبری تعریف آن کرده فالج و لقوه و همه بیماریهای بلغمی ابرد و بر عضو مفلوج — صنوبری
طلا کنند سود دارد اجزای آن افیون بزرالبنج جند بیدستر فرفیون دارچینی دارفلفل
سنبل زنجبیل زعفران اجزا بالسنا داست بالکینن بسرشته شربتی از آن نقد را احتمال
علیل و اگر عضو بی مسترخی را بآن طلا نمایند نفع خواهد کرد و این ترکیب نه جزو است — معجون مسمن
مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در دوم درجه و نیم معجون مسمن مجرب
صنعت شیخ الرئیس اخلاط آن مغاث جوز جندم بهمن زرنباد کثیرا که هر با خشخاش
از هر یک سه درم جمله بکوبند و بر روغن گاو بریان کرده تا خشک شود و در من بست گندم
با آن بیامیزند و بکیرند شکر قوالب ده هر وزن بیست درم از این معجون در نیم من شیر تازه
بپزند و حسو می سازند با مقداری روغن گاو و لبس تا آنکه از حمام برآید بخورند
این نسخه هفت جزو است بغیر بست گندم و روغن گاو شکر وزن آن بیست و یک درم
اما

امّا در ذخیره خوارزمشاهی بهمن سرخ و سفید هر دو ذکر کرده حکیم گیلانی اجزا هشت باشد
وزن آن بیست و چهار درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در دوم درجه
اول ذکر مفرحات قرابادین قلانسی مفرح حار که بیاشند درم زعفران سه درم لسان — مفرح حار
الثور ده درم قشور ده درم آمله شش درم بادرنجبویه هفت درم ساذج چهار درم
تخم بادرنجبویه پنج درم گل سرخ ده درم زرنباد سه درم عود سه درم مشک یک درم
درونج دو درم عنبر اشهب دو مثقال اسطوخودوس دو درم دارچینی چهار درم حجر
ارمنی مغسول یک درم یاقوت رمانی یک درم کهربا دو درم و نیم تمام دو درم مروارید
بلیت درم سنبل سلیخه خیربوا قاقله از هر کدام یک درم مرجان سه درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل مصفا بقدر حاجت بسرشته از نسخه بیست و پنج جزو است وزن ادویه یکصد و
دو درم و نیم مزاج گرم است در دو نیم درجه خشک است در یک درجه و نیم یاقوتی بارد — یاقوتی بارد
از بعضی متاخرین اجزای آن صندل مقاصری پنج درم طباشیر سه درم عصاره زرشک
سه درم خشب الکل دو درم نیلوفر دو درم مروارید سه درم مرجان سه درم
یاقوت دو مثقال الیتم دو درم حجر لاجورد مغسول حقیق که با کشنیز خشک پوست
ترنج ریوند چینی عود هندی از هر یک دو درم ابریشم مقرض یک مثقال گل سرخ سه درم
طین مختوم سه درم تخم کاشنی سه درم کافور دو باجی دو مثقال مغز تخم خیار
مغز تخم کدو خشخاش تخم کاهو از هر یک سه درم رب انار رب سیب رب به
از هر یک سی درم شکر طبرزد صد درم اجزا کوفته مخوب نرم کرده بعسل بقدر
کفایت معجون سازند این نسخه بیست و پنج جزو است بغیر رب وزن آن شصت
و پنج درم و نیم مزاج سرد است و خشک در اوایل درجه دوم ایضا مفرح بارد نافع — مفرح بارد
است خفقان و ضعف دل را و نفع میکند خمار دکاهی که با بعضی از رطوبت بود باشند
اخلاط آن گل سرخ نیلوفر از هر یک ده درم مروارید نسبد که هر با الثانی الثور طباشیر
صندل سفید و سرخ خشب الکل از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ تخم فر
نجمشک تخم شاهسفرم تخم خرفه تخم بادرنجبویه تخم شاهسفرم تخم کاهو تخم کاسنی
تخم خیار بادرنگ تخم خیار بادرنگ از هر یک دو درم کافور نیم مثقال شکر طبرزد

چهل درم این بیست و دو جزو است بعینه شکر وزن آن شصت و شش درم و نیم مثقال مزاج
بارد است در نیم درجه خشک است در آخر درجه اول مفرح معتدل نافع است توحش نوع دیگر
و مواد سوداوی را واین ترکیب از تألیف قوام الدین ساعد المهینی است اجزای آن گل سرخ
چهار درم نیلوفر دو درم لسان الثور کشنیز خشک بادرنجبویه تودری سفید تودری
سرخ بسفایج از هریک سه درم طباشیر دو درم بهمن سفید بهمن سرخ صندل سفید و
سرخ فنجنکشت تخم فرنجمشک عود سعد خولنجان از هریک دو درم حجر ارمنی مغسول
حجر لاجورد مغسول تخم کشوث تخم کاسنی مغز خربزه یاقوت لعل نیم درم و پنج حبه
بقا جوزبوا زرنباد از هر کدام یکمثقال بسد مروارید مرجان کهربا عنبر اشهب از هریک
دو درم هلیله سیاه پنج درم قشر آمله پانزده درم افتیمون چهار درم قرنفل سنبل الطیب
سادج از هر کدام یکدرم کافور چهار دانگ مشک دو دانگ اجزا را کوفته با نبات که بعرق
گاوزبان و رب سیب بقوام آورده باشند معجون سازند شربتی یکمثقال این ترکیب چهل
و پنج جزو است وزن آن هشتاد و چهار درم دوازده مثقال مزاج معتدل است مایل
بحرارت خشک است در اوایل درجه دوم مفرح معتدل مروارید پنج درم بسد سه ایضاً
درم یاقوت رمانی عقیق لاجورد مغسول از هر کدام یک درم کهربا صندل سفید
و سرخ بهمن سفید و سرخ ابریشم مقرض سادج هندی زرنباد کشنیز خشک تخم
فرنجمشک تخم بادرنجبویه خشخاش سفید بنفشه طین ارمنی از هریک دو درم لسان
الثور پنج درم قشر آمله پنج درم فرنجمشک گل سرخ طباشیر تخم کاسنی سنا مکی سرطان
نهری مرجان از هریک سه درم درونج یکدرم زعفران تخم خرفه چهار درم عنبر اشهب
چهار درم یا چهار دانگ کافور دو دانگ عود هندی دو مثقال مشک یکدانگ نبات
یکرطل رب سیب نیم رطل این نسخه سی و پنج جزو است بعینه نبات و رب سیب وزن
آن هشتاد و سه درم اگر عنبر چهار درم باشد و اگر چهار دانگ باشد هشتاد درم مزاج ایضاً
معتدل است در حرارت و برودت خشک است در یک درجه و نیم مفرح معتدل
نافع است اسهال را اخلاط آن مروارید کهربا بسد از هریک سه درم مرجان یکدرم
ونیم

ونیم عقیق دو درم لعل یکدرم بهمن سرخ بهمن سفید صندل سرخ و سفید طباشیر طین
مختوم تخم خرفه قشر آمله ورد آس حب آس از هریک پنج درم تخم حماض ریوند چینی عصاره
امبرباریس تخم کاهو بری سرطان نهری لک مغسول از هریک دو درم عود یکدرم کشنیز
خشک یکدرم و نیم زعفران نیم درم پوست ترنج یکدرم زرنباد نیم درم تخم کاسنی سه
درم تخم گل سه درم رب به معجون سازند این نسخه بیست و نه جزو است وزن آن هشتاد و
شش درم مزاج سرد است در نیم درجه اول خشک است در یک درجه و ثلث مفرح
معتدل طباشیر زرشک گل سرخ مروارید مرجان کهربا بسد از هریک سه درم صندل ایضاً
سرخ و سفید حجر ارمنی مغسول نیلوفر بنفشه بهمن سرخ و سفید بادرنجبویه فرنجمشک
عود هندی از هریک دو درم لاجورد مغسول یکدرم و نیم عقیق یکدرم لسان الثور
چهار درم آمله پنج درم ابریشم یکدرم و نیم اشنه سادج هندی قرنفل زرنب از هر کدام
یکدرم کافور ربع درم زعفران یکدرم عنبر اشهب چهار دانگ مشک یکدانگ شراب
انار شکر از هریک ربع من این نسخه سی و یک جزو است بعینه شراب انار و شکر وزن آن
شصت درم و دو دانگ مزاج معتدل است در گرمی و سردی خشک است در آخر
یک درجه مفرح معتدل فایق لسان الثور بسد کشنیز خشک مروارید بهمن سفید پوست ایضاً
ترنج کهربا ابریشم تخم خرفه اجزا مساوی یکی بعسل هلیله مربا معجون سازند
شربتی دو درم این نسخه نه جزو است مزاج معتدل است در حرارت و برودت خشک است
در آخر دو درجه مفرح بارد نافع است مرض صفرا و اسهال را اجزای آن گل سرخ طباشیر نوع بارد
کهربا کشنیز خشک از هریک سه درم مروارید یکدرم و نیم طین مختوم دو درم کافور
ربع درم اجزا را نرم کوفته برب سیب ترش معجون سازند شربتی یکدرم و نیم با آب سیب
این نسخه هفت جزو است وزن آن پانزده درم و چهار دانگ و نیم مزاج سرد است در سه
ربع درجه خشک است در دو درجه مفرح بارد مروارید ده درم صندل سفید نوع بارد
و سرخ از هریک دو درم بسد هشت درم قشر آمله چهار درم تخم کاسنی دو درم
کافور یکدرم طین مختوم یکدرم طباشیر سه درم گل سرخ پنج درم یاقوت رمانی ورق
آس حب آس از هر کدام یکدرم قشر هلیله کابلی دو درم کشنیز خشک یکدرم طباشیر
سه درم گل سرخ هلیله سیاه دو درم حجر ارمنی مغسول چهار دانگ نیلوفر دو درم

اجزا کوفته و بیخته با رب سیب و نبات و گلاب بقوام آورده معجون سازند شربتی یکمثقال
این نسخه هجده جز واست و وزن آن چهل و هشت درم و چهار دانگ مزاج سرد است در اوّل
درجه دوم خشک است در یک درجه و نیم ذکر بعضی از معاجین اختیارات بدیعی مفرح
یاقوتی خفقان و وسواس سوداوی را سود دارد و دل را قوت دهد و نشاط آورد و در خاصیت آن
بسیار است لیکن مختصر کردیم اخلاط آن مروارید ناسفته هشت درم بسد چهار درم
یاقوت رمانی دو درم طلای محلول نقره محلول از هر کدام یکمثقال لاجورد یکمثقال و نیم
لعل عقیق حجر لشب از هر یک سه درم طباشیر سفید صندل مقاصری از هر یک پنج درم
کهربا گل نیلوفر زرشک بیدانه از هر یک سه درم صندل سرخ طین مختوم از هر یک
دو درم کشنیز خشک تخم گل از هر یک سه درم و در بعضی نسخها افتیمون شش درم
میکنند و در بعضی نمیکنند سادج زرنباد درونج از هر یک یکدرم و نیم عود هندی
پوست اترج گاوزبان بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک سه درم بادرنجبویه ریوند
چینی از هر یک دو درم تخم کاسنی کافور قیصوری عنبر اشهب از هر یک سه درم
مشک ترکی نیم مثقال ابریشم محرق سه درم شیر آمله بیست درم هلیله کابلی
بیست درم گلاب یکمن نبات یکمن شراب سیب انار شیرین از هر یک ده مثقال
شراب سیب و به و آب انار با آن بقوام آورند و داروها بدان بسرشند چهل
روز در میان جو نهند و بعد از آن استعمال نمایند این ترکیب سی و پنج جز واست
و وزن آن صد و سی و سه درم مزاج سرد است در دو ثلث درجه خشک است
در اوّل درجه دوم مفرح معتدل خفقان و وسواس و ضعف دل را زایل کند و نشاط
آورد اجزای آن مروارید ناسفته بسد از هر یک پنج درم کهربا دو درم صندل سرخ
و سفید آمله مقشر طباشیر از هر یک چهار درم گاوزبان پنج درم تخم کاسنی دو درم
درونج یکدرم سادج دو درم افتیمون ورق گل سرخ از هر یک سه درم زرنباد
تخم بالنکو تخم فرنجمشک از هر یک دو درم در بعضی نسخها سنا مکی سه درم میکنند
زعفران عنبر اشهب از هر کدام یکدرم کافور و نیم مشک ترکی دانگی عود خام پنج درم
کشنیز خشک دو درم و نیم خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک دو درم زرد
ورق

یاقوتی

مفرح معتدل

و ورق نقره و ورق از هر کدام یکدرم اگر یکمثقال کنند شاید لعل نیم مثقال جمله اجزا کوفته
و بیخته بشراب سیب خالص یا بشراب حماض بسرشند اگر نیمی شراب سیب و نیمی شراب
حماض کنند بهتر باشد مجموع صد و هشتاد مثقال باید کرد شربتی از یکدرم تا یکمثقال
این ترکیب بیست و هشت جز واست و وزن آن شصت و نه درم و اگر اسناد داخل نمایند
بیست و نه جز خواهد بود و وزن هفتاد و دو درم مزاج معتدل است در حرارت و برودت
خشک است در آخر درجه اوّل مفرح بارد خفقان گرم را سودمند بود و قوت دل
دهد اخلاط آن ورق گل سرخ طباشیر از هر یک دو درم کشنیز خشک بریان کرده
و صندل مقاصری از هر کدام یکدرم مغز تخم خیارین مغز دانه کدو از هر یک چهار
درم تخم خرفه بوزیدان بهمن سفید گاوزبان از هر یک دو درم زرشک بیدانه
شش درم مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک نیم درم و در بعضی نسخها کافور نیم درم
زعفران دانگی میکنند مجموع اجزا کوفته و بیخته و جواهر را صلایه کرده و نبات بعرق
بید مشک بقوام آورده و داروها بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یکمثقال این ترکیب
چهارده جز واست بغیر کافور و زعفران و وزن آن بیست و نه درم و نیم نبات دو وزن
دارو مزاج سرد است در نیم درجه بغیر کافور و زعفران و با کافور سرد است در آخر درجه
خشک است در اوّل درجه دوم مفرح گرم خفقان سرد و ضعف دل را سود دارد
اخلاط آن گاوزبان بالنکو بهمن سرخ و سفید از هر یک هشت درم آمله مثلث
خوب سائیده بریان کرده بیست درم تخم فرنجمشک هشت درم عود قماری ده درم
گل مختوم مروارید ناسفته از هر کدام یکمثقال زعفران یکدرم قرنفل بسد کهربا زرنب
کشنیز خشک از هر یک دو درم کبابه سه درم گل سرخ صندل مقاصری از هر یک پنج
درم عسل هلیله بلیله چهار یک شصت و چهار درم باشد یاقوت زر محلول نقره
محلول از هر یک نیم درم دارچینی دو درم زرنباد سه درم درونج یکدرم و نیم
منقی نیم من که صد و بیست و نه درم باشد قند سفید یکمن و نیم که سیصد و هشتاد
پنج درم باشد کهربا بسد باید که سوخته باشد داروها کوفته و بیخته قند صافی

مفرح بارد

اوّل

مفرح گرم

کنند و بقوام آورند و عسل هلیله و منقی کوفته بر سر آن کنند و حل کنند و دارو ها بدان
بسرشند شربتی یکمثقال این ترکیب بیست و پنج جزو است بغیر منقی و قند و وزن آن صد و
شصت و نه درم تخمینا مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در اول درجه دوم
مفرح بارد
مفرح سرد خفقان و ضعف دل که از گرمی باشد زایل کند اجزای آن طباشیر ده درم گاو
زبان ده درم شیر آمله پانزده درم عصاره زرشک پنج درم صندل مقاصری سه درم بهمن
سرخ و سفید از هر یک دو درم ورق گل سرخ پنجدرم درونج عقربی دو درم کشنیز
خشک پوست بیرون پسته مروارید ناسفته کهربا سوخته بسد سوخته ابریشم سوخته
از هر یک دو درم زعفران نیم درم یاقوت چهار دانگ زر ورق نقره ورق از هر کدام یکمثقال
آب سیب ترش چهل درم آب حماض چهل درم قند صافی کرده دومن بقوام آورده و دارو
ها بدان بسرشند شربتی یکدرم این نسخه نوزده جزو است و وزن آن شصت و دو درم
مفرح گرم
مزاج سرد است در ثلث درجه اول خشک است در آخر درجه اول مفرح گرم خفقان
و ضعف دل که از سردی بوده باشد زایل کند اجزای آن زرنباد درونج گاو زبان از
هر یک شش درم بادرنجبویه سه درم کوفته و بیخته بشراب سیب مثلث ادویه بسرشند
بعد از آن عسل کف گرفته دو وزن ادویه معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه چهار
جزو است و وزن آن بیست و یکدرم مزاج گرم است در آخر درجه خشک است در
مفرح جواهر رشید
یکدرجه و نیم مفرح جواهر خواجه رشید خفقان و وسواس و ضعف دل را سودمند
بود و جگر و گرده و مغز را قوت دهد و لون را بغایت صافی کند و نشاط تمام آورد
و بادهای سودا را دفع کند و بجهت قوت دل بغایت سودمند بود و خواص آن
بسیار است اینجا بهمین اختصار نمودیم اخلاط آن یاقوت سرخ دو مثقال یاقوت زرد
چهار مثقال یاقوت کبود و سفید از هر یک چهار مثقال لعل سه مثقال فیروزه سه
مثقال زمرد یکمثقال و نیم عقیق چهار مثقال حجر یشب سه مثقال مروارید ناسفته
چهار مثقال بسد دو مثقال کهربا دو مثقال لاجورد دو مثقال تخم فرنجمشک پنج
مثقال ابریشم محرق سه مثقال ورق قرنفل سه مثقال پوست بیرون پسته چهار
مثقال آمله مقشر ده مثقال پوست هلیله کابلی باده مثقال بادرنجبویه چهار
مثقال گل نیلوفر سه مثقال صندل سرخ صندل سفید تخم بادرنجبویه قرنفل
دارچینی کبابه از هر یک سه مثقال گاو زبان پنج مثقال عصاره زرشک پانزده مثقال
عود

عود قماری چهار بادروج دو مثقال درونج عقربی چهار مثقال طین ارمنی دو مثقال طین
مختوم چهار مثقال طباشیر سفید پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک ترکی یکمثقال زر ورق
نقره ورق گل دارچینی از هر یک چهار مثقال کافور قیصوری نیم مثقال قاقله کبار سه مثقال
سنبل الطیب سادج بهمن سرخ از هر یک دو مثقال بهمن سفید چهار مثقال آب سیب اصفهانی
یکمن آب به اصفهانی یکمن آب حماض نیم من گلاب یکمن عرق بید مشک دو من نبات مصری
دو من نبات با عرقها و آب سیب و به بقوام زیاده آورند و چون فرو گیرند آب حماض بر آن
بریزند و دارو ها بدان بسرشند شربتی نیم درم تا یکدرم این ترکیب چهل و شش جزو است و وزن
آن صد و هفتاد مثقال مزاج معتدل است در حرارت و برودت خشک است در اول درجه دوم
مفرح دلکشا
مفرح دلکشای مستعمل ضعف دل و وسواس سودائی و خفقان زایل کند و دل را قوت دهد
و نشاط تمام آورد اجزای آن مروارید ناسفته سه درم بسد یکدرم کهربا لعل یکمثقال یاقوت زرد
نیم مثقال قرنفل یکدرم بهمن سفید دو درم کبابه چینی بهمن سرخ از هر کدام یکدرم زرنباد
نیم درم تخم بادرنجبویه سه درم سادج هندی یکدرم درونج عقربی نیم مثقال پوست بیرون
پسته سه درم بوستان افروز سه درم گاو زبان پنج درم صندل سرخ و سفید از هر یک سه درم
کشنیز خشک دو درم زر ورق نقره ورق از هر یک نیم مثقال ورق گل سرخ سه درم دارچینی
یکدرم آمله مقشر پنج درم عصاره زرشک ده درم طین ارمنی دو درم تخم فرنجمشک سه
درم طباشیر سفید دو درم عود خام یکمثقال کافور قیصوری نیم درم زعفران دانگی عنبر
اشهب نیم مثقال مشک ترکی دانگی و نیم شراب حماض نیم من شراب سیب اصفهانی چهل مثقال
شراب به اصفهانی بیست مثقال دارو ها کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب
یاقوتی
سی و چهار جزو است و وزن آن شصت و هشت درم مزاج سرد است در دوم درجه اول خشک
در یکدرجه و نیم مفرح یاقوتی خاص این نسخه مشهور است بمفرح صندلین اخلاط آن مروارید
ناسفته یکدرم و نیم کهربا یکدرم و نیم بسد یکدرم یاقوت رمانی لعل آتشی حجر یشب زر محلول
نقره محلول مصطکی زعفران از هر کدام یکمثقال درونج چینی دو درم صندل سفید شش درم
صندل سرخ سه درم بهمنین شش درم تخم خرفه پنج درم تخم کاسنی پنج درم آمله مقشر کشنیز
خشک از هر یک پنج درم زرشک بیدانه هشت درم طباشیر سفید ورق گل سرخ از هر یک چهار
درم خشخاش سفید پنج درم تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته پنج درم درونج عقربی

یکمثقال مشک خالص دو درم عنبر اشهب پنج درم عود قماری پنج درم مصطکی یکمثقال پوست
ترنج سه درم آب به آب سیب از هریک بیست درم عرق بیدمشک پنجاه درم عرق گاوزبان
پنجاه درم گلاب پنج درم نبات سفید بکوبند نبات با عرقها بقوام آورند آب سیب و آب به اضافه
نمایند ادویها کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یکمثقال این ترکیب سی و یک
جزو است بغیر اشربه و نبات و عرق و گلاب و وزن آن نود و هشت درم مزاج گرم است در نیم
درجه خشک است در اوایل درجه دوم یاقوتی خاصه نوعی دیگر مروارید ناسفته دو درم
کهربا یکدرم بسد یاقوت رمانی لعل یشب حجر لاجورد از هریک دو درم زر محلول نقره
محلول مافوقین زعفران ریوند چینی از هرکدام یکمثقال صندل سرخ صندل سفید بهمن سفید
تخم خرفه تخم کاسنی از هریک سه درم آمله مقشر کشنیز خشک از هریک پنج درم گاوزبان سه
درم زرشک بیدانه پنج مثقال طباشیر سفید چهار درم ورق گل سرخ چهار درم خشخاش
سفید سه درم تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته پنج درم درونج عقربی مشک خالص
از هرکدام یکمثقال عنبر اشهب عود قماری از هریک پنج درم مصطکی یکمثقال پوست ترنج سه
درم عرق بیدمشک عرق گاوزبان گلاب از هریک پنجاه درم آب سیب آب به از هریک
بیست درم نبات بکوبند با عرقها بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بدان
بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب سی و دو جزو است و وزن آن نود و دو درم مزاج گرم است
قریب بنصف درجه خشک است در اول درجه دوم ایضا مفرح یاقوتی خاصه مروارید
ناسفته کهربا بسد از هریک سه درم یاقوت رمانی لعل آتشی از هریک یکمثقال حجر یشب
عقیق از هرکدام یکدرم حجر لاجورد یکمثقال ورق گل سرخ طباشیر سفید گاوزبان صندل
سرخ و سفید زرشک بیدانه کشنیز خشک از هرکدام سه درم ابریشم مقرض دو درم
قاقله کبار سادج هندی از هرکدام یکدرم پوست ترنج سه درم فرنجمشک حب الاس از هریک
دو درم مصطکی یکدرم درونج عقربی یکمثقال پوست بیرون پسته آمله مقشر از هریک
دو درم عود قماری سه درم دارچینی یکمثقال سعد یکمثقال سنبل یکدرم تخم خرفه زر
محلول نقره محلول از هرکدام یکمثقال حجر ارمنی یکدرم تخم کاسنی یکمثقال بهمن سرخ
بهمن سفید از هریک سه درم طین مختوم زعفران از هرکدام یکمثقال بادرنجبویه دو درم
مشک

یاقوتی

یاقوتی

مشک خالص نیم درم عنبر اشهب نارمشک از هرکدام یکدرم ماه مافوقین یکمثقال آب به آب سیب از
هریک بیست درم عرق بیدمشک عرق گاوزبان از هریک پنجاه درم گلاب سی درم نبات و عسل
بکوبند و عسل با عرقها بقوام آورده و آب سیب و آب به اضافه نمایند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر
صلایه کرده بدان بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب چهل و نه جزو است و وزن آن هفتاد و دو درم هشتاد
مزاج گرم است قریب به نیم درجه خشک در یک درجه و ربع مفرح دلگشای نوعی دیگر
پوست ترنج پنج درم بهمن سرخ و سفید از هریک دو درم و نیم هلیله سیاه دارچینی از هریک
سه درم ورق گل سرخ پنج درم قرنفل دو درم زعفران سه درم بادرنجبویه گاوزبان از
هریک پنج درم مغز بادام کنجد سفید خشخاش سفید از هریک سه درم مغز تخم خربزه مغز
تخم خیار بادرنگ از هریک پنج درم کرفس یکدرم مشک ترکی یکمثقال روغن بادام پنجاه درم
نبات بکوبند ترنجبین سفید نیم من این نسخه هجده جزو است و وزن آن شصت و دو درم تخمینا
مزاج گرم است و خشک در اواخر درجه اول مفرح معتدل خفقان و ضعف دل زایل
کند و قوت هرچه تمامتر و نشاط ببخشد و در اخلاط آن بهمن سرخ بهمن سفید از هریک
پنج درم پوست هلیله کابلی دو درم گاوزبان شاهترج بادرنجبویه از هریک ده درم
کشنیز خشک طباشیر از هریک سه درم ابریشم مقرض پوست ترنج پوست بیرون پسته
از هریک دو درم بسد کهربا از هرکدام یکدرم عود خام یکمثقال مروارید ناسفته دو درم
زرنباد یکدرم درونج عقربی نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته آب انار و آب زرشک آب
به از هریک ده درم قند سفید صد مثقال شراب سیب صد مثقال قند صافی کنند و بیست
باینها بقوام آورند و نیم مثقال نقره محلول و نیم مثقال زر محلول در آن حل کنند و داروها
بدان بسرشند شربتی یکدرم این نسخه هفده جزو است بغیر آب میوه و قند و طلا و نقره
و وزن آن شصت و یکدرم مزاج معتدل است در حرارت و برودت و خشک است در
اواخر درجه اول مفرح سرد خفقان و ضعف دل گرم را سودمند بود اجزای آن طباشیر
بهمن سفید و سرخ ورق گل سرخ گاوزبان از هریک چهار درم بهمن سرخ بسد
کهربا مروارید ناسفته از هرکدام یکدرم صندل سفید کشنیز خشک از هریک دو درم

دلگشا

مفرح معتدل

مفرح بارد

تخم نیلوفر هشت درم زرشک بیدانه دوازده درم زر و ورق نقره از هر یک نیم درم پوست
بیرون پسته یک درم قند سفید یکمن عرق بیدمشک نیم من قند با عرق بقوام آورده داروها
بدان بسرشند شربتی یک درم تا یک مثقال این نسخه پانزده جزو است یعنی قند و عرق وزن
آن چهل و شش درم مزاج سرد است در نیم درجه خشک است در آخر یک درجه ایضا مفرح
سرد مروارید ناسفته کهربا بسد سوخته گاوزبان گل ارمنی از هر یک دو درم طباشیر
یک درم مشک ترکی نیم دانگ قند سفید ده درم اجزا کوفته و بیخته بگلاب بسرشند شربتی
یک درم خفقان و سودا را در این نسخه هفت جزو است با قند وزن آن بیست و یک درم و نیم
دانگ مزاج سرد است در اوایل درجه اول خشک است در یک درجه و نیم معجون اسرار
الاطبا این نسخه از املاء اعظم مسیح الزمان شمس الملة والدین ابن هلال اردبیلی است نور الله
مرقده خاصیت این معجون بسیار است اما مخصوص است بچند چیز است اول آنکه باه را زیاده
کند و مجامعت و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و قضیب را محکم کرداند و
گونه نیکو کند استعمال کنند بعد از مجامعت تا از عرق النسا و نقرس و نقصان مجامعت و نقصان
منی و از جمله مرضهای عصبانی ایمن گردند شربتی از سه درم تا سه مثقال اجزای آن شقاقل
خولنجان خصیة الثعلب بهمن سرخ و سفید و نخود بی سرخ و سفید لسان العصافیر
از هر یک سه درم سره سقنقور و سه مثقال حب البان حب البلسان فلفل سفید مغز تخم
خربزه مغز تخم خیارین تخم جرجیر کز تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست خشخاش سفید خسک
دانه تخم ترتیزک تخم شبت تخم کزر شامی که جوقو باشد تخم هلیون تخم کتان خسک سرپا
از هر یک دو درم نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز حب صنوبر کبار مغز حب الخضرا مغز
حب القطن کنجد سفید مقشر از هر یک هفت درم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون
بسباسه کبابه چینی سعد کوفی قرفه دارفلفل جوز الطیب [illegible] مشک ترکی دانگی و نیم زنجبیل
بوزیدان مسطکی [illegible] مغز حب الزلم درونج عقربی از هر یک دو درم ادویه را باهم بکوبند
و مغزها را باهم بکوبند و عنبر و مشک و زعفران باهم بسایند بعد از آن با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند و در ظرف چینی یا کاشی نگاه دارند و این معجون در زن خاص که
دکو شده [illegible] مجرب است این ترکیب پنجاه و پنج جزو است وزن آن صد و چهل
وهفت

مفرح سرد

اسرار الاطبا

وهفت درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در سه ربع درجه معجون بقراط
حکیم این معجون را مفرح محزون خوانند و این نسخه حنین بن اسحق از زبان یونانی بعربی نقل
کرده بخدمت مامون خلیفه فرستاد و این معجون خاصیت بسیار دارد در امراض بلغمی و
سودائی و ضعف قلب و خفقان و نسیان و وسواس و فکر و سعال قدیم و سل و دق
و صرع و بهق و برص و خفت دماغ و نقرس و مفاصل و درد معده و جراحات و در
ماسیل و ذات الجنب و داء الفیل و داء الثعلب و عرق [illegible] و یرقان و صداع و
بواسیر و زحیر و درد جگر و سپرز و تاریکی چشم را زایل کند و باه را زیادت کند و
خاصیت این معجون بسیار نوشته بود ما اختصار کردیم اخلاط آن [illegible] رومی
قسط [illegible] مشک تخم فرنجمشک حب الغار زراوند طویل از هر کدام یک درم انیسون
جند بیدستر حب بلسان اسارون سلیخه مصطکی از هر یک یک درم و نیم مرمکی و ج
زرنباد درونج عقربی تخم کرفس از هر یک دو درم زعفران جوزبوا قرنفل ریوند
چینی قاقله کبار بسباسه اشنه دارچینی سنبل الطیب از هر یک سه درم بادرنجبویه
صبر سقوطری ده درم تربد مجوف سفید خراشیده بیست و پنج درم اسطوخودوس خام
دوازده درم لک مغسول و ورد احمر از هر یک پنج درم سعد سفید حب محلب از هر یک
چهار درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک شش درم تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا
از هر یک دو درم [illegible] شیطرج هندی اسقیل مشوی از هر یک سه درم
مجموع کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کرده با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
و در ظرف چینی یا آبگینه کنند و شش ماه در میان جو نهند بعد از آن استعمال نمایند
و چندانکه کهنه تر گردد بهتر شود شربتی از دو درم تا هفت درم و با احتیاط باشند
این ترکیب چهل و پنج جزو است وزن آن صد و پنجاه و نه درم و نیم مزاج گرم است در آخر
درجه دوم خشک است در اوایل درجه سیم معجون لؤلؤیی این نسخه از جالینوس است
و این معجون را هفت خاصیت است قضیب محکم کند و اوعیه گشاده گرداند و اعصاب
دماغی را قوت دهد و شهوت را زیاده کند و خون تعینی عظیم پیدا کند چنانکه
منی بلذت هر چه تمامتر بیرون آید و تعوظ بسیار شود و وقتی مرد در دل زن پیدا

[illegible]

[illegible]

کنند اجزای آن مروارید ناسفته بسد از هر کدام یکمثقال انیسون بهمن سفید از هر یک یکدرم
کاکنج اصل السوس از هر یک نیم مثقال فقاح اذخر سعد کوز مازو از هر یک نیم درم سلیخه
دارچینی اسارون مصطکی از هر یک دانگی و نیم صمغ عربی کتیرا از هر یک دانگی با مثل ادویه
عسل کف گرفته بسرشند و در ظرف چینی یا آبگینه کنند و در وقت هنگام مجامعت
یکمثقال با آب نیم گرم بخورند این بغایت خوب است و در الذخیره ذکر رفت مجرب است این نسخه مانند
جو است وزن آن نه درم مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشک است در یک درجه و ثلث
معجون انفع این معجون از جمله مفرحات است و از معاجین کبار است و بعضی اطبا این معجون را
از تریاق شمرده اند اخلاط آن قرنفل زنجبیل خولنجان سنبل الطیب دارفلفل خیربوا جوز
بوا قاقله کبار شیطرج هندی دارچینی لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه لسان
الثور مصطکی خولنجان زرنباد مروارید ناسفته صندل زراوند مدحرج سلیخه یاقوت
رمانی ورق کل سرخ از هر یک دو درم بسباسه شش درم بهمن اترج سه درم زعفران
پوست بلیله از هر کدام یکدرم بهمن سرخ نیم درم عنبر اشهب مشک تودری از هر یک نیم دانگ
مجموع ادویه را کوفته و بیخته و بغایت سحق کرده بعسل مصفا دو برابر ادویه بسرشند
شربتی یکمثقال این ترکیب بسی و یک جزو است و وزن آن پنجاه و نه درم و چهار دانگ مزاج گرم
و خشک است در دوم درجه معجون شیادریطوس خاصیت این ترکیب بسیار است سودمند
مند بود تباهی مزاج سرد را و درد جگر و معده و سپرز و درد گرده و رحم و حیض که
بسته باشد بگشاید و قولنج را نافع است و این معجون مسهل است بی‌مشقت و مرضهای
کهن و امتلا که از بلغم لزج غلیظ بود دفع کند و نسیان و تاریکی چشم و عسر النفس را
زایل کند و خلطهای فاسد پاک کند و بدن را قوت دهد و فربه کند و تعدیل در مزاج
بهم رساند و بادهای بشکند و سده جگر و سپرز بگشاید و درد سینه و ضعف نفس
و دل زایل کند و سودمند بود کسی را که رنگ روی وی زرد شده باشد از نقصان
خون سودمند است در حبس خون در عرق چون از سردی بود و سودمند بود
در استسقائی که از ضعف جگر بود و سردی آن سودمند بود جهت ربوا و درد سر
و جز

معجون انفع

شیادریطوس

جذام و برص و خلطهای که در گرده و مثانه بود بگدازد و خلطهای سیاه و سوخته و بلغم را بسد
عفن را پاک کند و قوت حرارت غریزی بدهد و زیاده کند و این معجون را خاصیت بسیار است جا
لینوس گوید که این معجون پیش از زمان ما ترکیب کرده اند باسم ملکی که در آن زمان بوده
از ملکان یونانی شربتی چهار مثقال در مطبوخ افتیمون و غاریقون استعمال نمایند اجزای آن
صبر سقوطری بیست درم زعفران غاریقون دارچینی و ج تربد مصطکی روغن بلسان حب
بلسان فو جنون فلفل سیاه دارفلفل خطیانا فقاح اذخر حماما از هر یک ده درم قسط کما
دریوس افتیمون اقریطی از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقوقندیا از هر یک شش درم
سنبل الطیب سه درم اجزا را کوفته و بیخته با دو وزن و نیم عسل کف گرفته بسرشند قوت
وی تا چهار سال باقی ماند این ترکیب بیست و دو جزو است و وزن آن نود و نه درم مزاج
گرم است در یک درجه و ربع خشک است در دو ثلث برشعثا جهت درد دندان چون
بر وی نهند عظیم نافع بود و بجهة قولنج نیم درم فو و بر دن اش تمام دارد و درد ها ساکن
گرداند و قطع خون بکند و این نسخه منسوب است بشیخ الرئیس و بعضی فلوبیاد وی ذکر
کرده در قانون چنانکه پیش از این اشاره رفت واقع شد اخلاط آن فلفل بیز زنجبیل از هر یک
بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر کدام
یکمثقال با انگبین مصفی بعد ارکفایت بسرشند این نسخه هفت جزو است و وزن آن پنجاه و هشت
مزاج سرد است در یک درجه خشک است در آخر درجه سیم و این نسخه بعینه نسخه برشعثا
مرفوذ است که صاحب جامع ذکر کرده و منسوب بشیخ ابو البرکات بغدادی ساخته و
حکیم عماد الدین محمود در رساله افیون ذکر کرده با این عبارت نزد یکیست که بشما
این خبر رسیده باشد که در زمین هند درابی کوچک متشابه در شکل متساوی
و در مقدار هستند یکی از ایشان بری حبشی و آن دیگر جوانیست رومی یکی از جوانب
روی مقدار معلوم و وزنی محدود دانج سفیدان کیاهی که او را خداعة الرجال گویند
ترتیب دهنده مردان مقداری مساوی اول و از دموع جاری از دیده سیاه
مثل وزن داروی اول بعد از آنکه بپیندازند و مقداری را که اگر این مقدار را اضافه کنند
بمثل آن مساوی اول شود دو وزن و از شعر ... و اگر چه دو نفاحی بلاد ایشان

سفید

تمیز ربید مقداری که نسبت مقدار ثانی از قبیل نسبت مقدار ثانی باشد باول اند و آبی که در شکنبه گو
مینهند بود بعث و آن را حافظ الاطفال مینامند و از پنج گوهری که کیفیت اکرم است وفعل او در زبان
انسان ضد فعل است و در سایر اعضای بدن و از پنجی که بر آن حد وغ بسته اند و خوشبوی است
از هر یك ازین حدها بگیرند مقداری که اگر اضافه کنند دو بار و در پنج ضرب کنند مساوی
مقدار اول میشود که مفروض بود و از چیزی که نه جماد است و نه نبات و نه حیوان مشترك
است میان نبات و حیوان در اتحاد مقدار طول شهر تا موخ داخل و بعد از آن بود بعینه همگی
جمله را در ظرفی که ضیق المسام باشد و باطن او املس باشد و سر او را نیك بپوشند و بعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو دانك بعد از آن میگوید که مراد از ربید فلفل سفید
و فلفل سیاه است و از حافظ الاطفال مقصود پنج است چون تغییر عقل میدهد بخداع نسبت
یافته و دموع جاری از چشم سیاهان افیون است و شعر بصقالبه زعفران است و دوائی
که در شکنبه گوسفند مینهند تا محفوظ بماند و متاکل نشود فرفیون است عرق حلی
عاقر قرحا است اصل مکن و ب علیه سنبل الطیب است و آنچه نه جماد و نه نبات و نه حیوان
است عسل است که با وجود غلیظ قوام از مسام تنك بیرون میآید اما وزن اول
که فلفل سفید است بیست درم که بزرالبنج است مثل اول سیم که افیون است ده است که
دیگر با او اضافه میکنند بیست میشود چهارم که زعفران است وزن آن پنج است که
نسبت او بثانی که افیون است از قبیل نسبت افیون است باول که فلفل سفید باشد و
چون بزرالبنج نیز وزن فلفل است اعتبار نکرده و بزرالبنج را دو درم خوانده و باقی را وزن
بکلیست که در تضعیف اول دو میشود و در تضعیف ثانی چهار و چون چهار را در پنج
ضرب میکنند بیست میشود ذکر بعضی از معاجین متداوله که شیخ در قانون ذکر نکرده
و در ذخیره و باقی کتب معتبره مثل منهاج و جوامع و غیر آن مذکور است معجون
خیارشنبر قولنج بگشاید و خداوند مزاج گرم و خشک را موافق است اخلاط آن تربد
چهل درم بنفشه بیست درم نمك هندی رب سوس از هر یك هفت درم تخم بادیان
انیسون مصطکی از هر یك پنج درم سقمونیا دوازده درم عسل خیار چنبر صد درم فانید
وعسل

وعسل از هر یك صد درم عسل و فانید بهم بگدازند و عسل خیار چنبر و پنج استار روغن گاو
بآن بیامیزند و داروهای خشك کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی هفت درم اندر
آب بادیان صاحب جوامع میگوید که در کفایه سقمونیا پنج درم است و بنفشه چهل درم
و بجای روغن گاو قند ری روغن بادام ذکر کرده این نسخه نه جزو است و وزن آن دویست
و یکدرم مزاج گرم است در آخر درجه خشك است در آخر درجه اول معجون سکبینج

معجون سکبینج

سکبینج تخم کرفس از هر یك جز وی سقمونیا نیم جز و سقمونیا بروغن بادام بسایند و سکبینج
اندر انگبین حل کنند و سقمونیای سوده با آن بسایند اندر هاون تا هموار شود پس داروهای
های خشك بدان بسرشند شربتی از سه درم تا سه مثقال این نسخه سه جزو است مزاج
گرم است و خشك در آخر درجه سیم معجون حجر الیهود سنك گرده و مثانه بریزاند و پاك

معجون حجر الیهود

کند اجزای آن مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز تخم خربزه کاکنج از هر یك پنج درم حجر الیهود
پنجاه درم با انگبین بسرشند شربتی دو درم این نسخه پنج جزو است وزن آن هفتاد درم
مزاج سرد است در یکدرجه و نیم خشك است در یکدرجه و سه ربع معجون عقرب سنك

معجون عقرب

مثانه بریزاند و پاك کند اخلاط آن عقرب سوخته سه درم خطمیا یکدرم و نیم زنجبیل
یکدرم فلفل دار فلفل از هر یکی دو درم و نیم تخم کاکنج پنج درم و نیم جند بیدستر چهار درم
با انگبین بسرشند شربتی بالغ را دانگی اندر آب کرفس و زنیس شتمام و نابالغ را نیم دانگ این
نسخه هفت جزو است وزن آن بیست درم مزاج گرم است در نصف درجه اول خشك است

معجون قفی

در اول درجه سیم معجون قفی خداوند سرفه کهن را و درد سینه و حلق و شوصه
و خداوند درد معده را سود دارد و التهابی در زدن را پاك کند و آواز صافی کند
و ادرار بول کند و خداوند درد سپرز را سود دارد اخلاط آن هوبرقوبه دانه بیرون
کرده بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر کدام یکدرم
قصب الذریره فقاح اذخر علك البطم مقل از رق از هر یك دو درم و نیم مر چهار
درم انگبین مصفا شانزده درم مقل را بشراب صافی یا عنقی حل کنند و هوبر
دانه را بیرون کنند و بشراب صافی تر کنند یکروز پس بکوبند و بهم بسرشند

شربتی از جهت سینه و آلت دم زدن یک درم با شراب زوفا و از جهت درد معده و حکه و سپرز
با آب گرم و اند بعضی نسخهها داروشیشعان نیست و علك البطم چهار درم است این نسخه دوازده
جز است با انگبین وزن شصت درم مزاج گرم است در آخر دو درجه خشك است در یکی درجه
و نیم معجون اصطمخیقون نباهی مزاج درد معده ضعیفی و آن را سودا در اخلاط آن قسط
تلخ حماما سنبل الطیب سلیخه مصطکی از هر یك دوازده درم زراوند طویل فلفل سیاه تخم
شبت تخم کرفس انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقو فطراسالیون کاشم اسارون افسنتین
رومی تخم کتان سیاه پودنه دشتی نعناع از هر یك چهار درم با انگبین کف گرفته سرشته این ترکیب
بیست جز است وزن آن بیست درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشك است در آخر
درجه سیم معجون مقل باد بواسیر را و بادی که اندر دو هافق لدکند بشکند و آماس
مقعد را که خون آید سود دارد اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله تخم سنداب سفید تخم
کندنا تخم شاهسفرم از هر یك پنج درم مقل پنجاه درم مقل را باب کند تا حل گشت و داروها
بدان بسرشتند شربتی دو درم این نسخه هفت جز است وزن آن هشتاد درم مزاج گرم است
در یکی درجه و نیم خشك است در آخر دو درجه برشعثا نسخه ابو البرکات بغدادی سود
مند بود مرضهای قلبی را از همه نوعی و درد معده که از باد گرم و سرد بود و مراری و سو
داوی و وسواس و مالیخولیا و استسقا و بعضی دیگر را سودمند بود و خاصیت این ترکیب
بسیار است صاحب منهاج ذکر آن کرده با آنجا رجوع نمایند اخلاط آن فلفل سفید ماشرا
فرفیون بنج زنجبیل از دق از هر یك ده درم زعفران زراوند طویل خبطیانا بصل
الفار مشوی جدوار از هر یك چهار درم حب الغار افیون مر از هر یك هفت درم عاقرقرحا
سنبل الطیب ناردین از هر یك دو درم جند بیدستر فرفیون از هر کدام یك درم با انگبین
مصفا بقدر حاجت بسرشتند این نسخه هجده جز است وزن آن نود و نه درم مزاج گرم است
در سه ربع درجه خشك است در دو درجه و نیم ذکر معاجین متناوله مستعمله که
در عرف اطبا در این قلانسو مذکور است معجون بسد نافع است افراط طمث را که از حدت دم
حادث شده باشد اجزای آن بسد مجوف شادنج عدسی مغسول کهربا جلنار طین
ارمنی طین مختوم دم الاخوین سنبل یمانی اجزا مساوی یکدیگر بربوب به انقدر که کفایت
باشد

معجون اصطمخیقون

معجون مقل

برشعثا ابو البرکات

معجون البسد افراط طمث

مغشوش

باشد ممزوج سازند شربتی دو درم تا پنج درم با آب سماق یا عصاره لسان الحمل یا عصاره بقلة
الحمقا و در طبیخ اشیای قابضه لنشیند و ضمادات و شیافات قابضه نفع میکند این ترکیب هشت
جز است مزاج سرد است در سه ربع درجه خشك است در آخر دو درجه معجون اهلیلج سیاه
هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله افتیمون اجزا مساوی یکدیگر کوفته و بموبز دانه بیرون کرده
مخلوط سازند شربتی مثل کردکانی این نسخه چهار جز است مزاج گرم است در نیم درجه
خشك است در دو درجه و نیم معجون طین لمنیع دارد و خلا و ندقو بنجر انفع کند اخلاط
آن تربد صمغ ده درم زنجبیل دو درم فانید دوازده درم اجزا را کوفته بفانید مخلوط
سازند و در وقت خواب یك درم از آن فرو برد این نسخه دو جز است بغیر فانید وزن
آن دوازده درم است مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشك است در سه ربع درجه
معجون نجهه بوی دهن که از بلغم شود حادث شود اجزای آن ماذو اطراف آس زرنباد
آمله سعد سنبل پوست ترنج تفاح اذخر مصطکی اجزا مساوی یکدیگر مسك قرنفل
جوزبوا کبابه هیل بوا زنجبیل از هر یك نصف اجزای مذکور موبز دانه بیرون کرده
مثل جمیع ادویه شربتی از آن مثل کردکانی بعد از آن که قی کرده باشد و مسهل خورده
باشد مکرر و از غذاهای چرب و لزج احتراز نماید این نسخه پانزده جز است بغیر موبز
مزاج گرم است در یکی درجه و نیم خشك است در دو درجه و نیم معجونی که یحیی بن
خالد برمکی بجهت اوجاع مفاصل امتحان نموده و اثر آن را ظاهر شده اخلاط آن ده درم
اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هر یك دو درم عسل مصفا بسرشتند شربتی
دو مثقال با آب نیم گرم این ترکیب پنج جز است وزن آن هجده درم مزاج گرم و خشك است
در یکی درجه و نیم معجونی که نافع است درد معده را که از حرارت حادث شود اجزای
آن گل سرخ از هر یك پنج درم عود خام سه درم زرشك پنج درم مصطکی زعفران
رامك از هر یك سه درم سنبل زیره کرمانی از هر یك دو درم بشکر طبرزد معجون
سازند شربتی دو درم بشراب سیب این نسخه نه جز است وزن آن سی و یك درم
مزاج گرم است در آخر درجه اول خشك است در یکی درجه و ثلث معجون گل که انرا

معجون اهلیلج سیاه

معجون طین

معجون نجهه بوی دهن

معجون نقرس

معجون ورد

گلنجبین

جلنجبین عسل گویند اجزای آن گل سرخ خشک پنج رطل ریزه ریزه کنند و با ده رطل عسل در قاروره
کرده چهل روز در آفتاب بگذارند و هر روز یکمرتبه آن را حرکت دهند نافع است بثورهای بلغمی بعد
از آنکه ماده را نضج داده باشند در هفته یکبار ازین معجون نفع شود مزاج این جلنجبین باید که
معتدل باشد لیکن گرم است در آخر درجه اول بواسطه آنکه کسب حرارت از آفتاب کرده
چنانکه در کتب طبی مذکور است خشک است در آخر درجه دوم معجونی که سنگ گرده و مثانه

معجون عقرب

بریزاند اخلاط آن عقرب سوخته سه درم و نیم خطمیا نادونخی نیم درم زنجبیل فلفل
فلفل از هریک دو درم و نیم پنج کاکنج پنج درم و نیم جندبیدستر چهار درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل مصفا بقدر حاجت معجون سازند شربتی یکمثقال و نیم بعد از شش ماه استعمال
نمایند این نسخه هفتم است وزن آن بیست و یکدرم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث

معجون مسهل صفرا و بلغم

خشک است در آخر درجه دوم معجونی که مسهل صفرا و بلغم است با هم کراهیتی ندارد
و نیکوست بجهت شخصی که ادویه کریهه را نتواند آشامید اجزای آن سقمونیای مشوی
بنجه مقشر مشوی مغز بادام شیرین مقشر مغز قرطم از هریک سه مثقال شکر طبرزد
بیست مثقال زعفران دو درم جمیع ادویه را کوفته و بیخته بعسل مصفا معجون سازند
شربتی از یکدرم تا یکمثقال این نسخه ششم است با شکر وزن آن سی و دو مثقال

مسهل ماء اصفر

و دو درم مزاج گرم است در دو درجه و ثلث خشک است در آخر دو درجه معجون
ماء اصفر هلیله زرد ده درم آمله چهار درم مازریون مدبر یک اوقیه فلفل
پنج درم زنجبیل چهار درم بعسل مصفا معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه پنج
جزو است وزن آن سی و سه درم بخش از هفت بخش یکدرم مزاج گرم است در دو درجه

معجون حب صنوبر

و نیم خشک است در آخر سه درجه معجون حب صنوبر بجهت گرفتگی بول اخلاط آن دوقو
ریوند چینی حب بلسان اذخر انیسون سنبل سلیخه زعفران دارچینی اسارون قطرا
سالیون کمافیطوس سه درم نعناع خشک نیم صنوبر حب صنوبر الکبار سی درم
بعسل مصفی معجون سازند شربتی سه درم این ترکیب چهارده جزو است وزن
آن شصت و شش درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است در آخر
درجه

معجون زوفا ربو

درجه دوم معجون زوفا نافع است ربو و ضیق النفس را اجزای آن زوفای خشک رب
سوس برسیاوشان از هریک ده درم قردمانا فلفل از هریک سه درم بادام تلخ زراوند
مدحرج از هریک پنج درم بعسل مصفا معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه هفت جزو
است وزن آن چهل و شش درم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است

معجون حب الغار استسقا و قولنج

در یک درجه و ربع معجون حب الغار بادهای غلیظ را تحلیل میبرد و نافع است
استسقای طبلی و قولنج ریحی و جمیع علل بادی را و ایضا میبرد درد پهلو را و همه
دردی که در شکم باشد اجزای آن حب الغار صد درم کاشم قطر اسالیون بادام تلخ
فلفل دار فلفل وج فوتنج از هریک سه درم جندبیدستر جاوشیر سکبینج از هریک دو درم
بعسل مصفا بسرشند شربتی یکمثقال تا سه درم با آب نیم گرم این معجون یازده جزو است
وزن آن یکصد و بیست هفت درم مزاج گرم است در آخر درجه سیم خشک است

معجون مانع مستی

در دو درجه و سه ربع معجونی که منع میکند مستی را اخلاط آن شاخ برنسوخته
مغز بادام تلخ کرنب نبطی فودنج جبلی ملح نفطی سداب خشک نانخواه اجزا با یکدیگر
مساوی بعسل طبرزد معجون سازند این نسخه هفتم است مزاج گرم است در یک درجه
و نیم خشک است در دو درجه و ربع معجونی که پاک میسازد گرده را از سنگ

معجون مفتت حصاه

و می شکند سنگ را بی وزن مثانه را اجزای آن تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم
کدو تخم کاکنج از هریک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم اجزا را کوفته بنرم کرده بعسل
کف گرفته آن قدر که حاجت باشد معجون سازند دو درم تا سه درم این نسخه
پنج جزو است وزن آن هفتاد درم مزاج اگر حجر الیهود معتدل است مایل بسردی
و اگر بارد است در آخر درجه اول و بهر تقدیر خشک است در آخر درجه اول معجون

معجون بواسیر

بربکی نافع است بواسیر و ضیق النفس و درد بواسیر و درد حلق را و حب القرع
مشاورد اخلاط آن تربد سفید مجوف سه درم هلیله کابلی آمله برنج کابلی مقشر

از هر یک درمی فانید و زن ادویه را که اخته ادویه را نرم کوفته و در آن ریزند و معجون سازند
شربتی از چهار درم تا ده درم با آب موبز این ترکیب چهار جزو است وزن آن شش درم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه معجون سنبل نافع است صلابت جگر و معده را
اجزای آن سنبل الطیب مصطکی تلخ نقاح اذخر حب البان ریوند موبزی دانه بیرون کرده از هر یک
چهار درم زعفران مرصافی انیسون فلفل از هر کدام یک درم از رق دو درم سلیخه پنج درم
ادویه را بالتمام کوفته و بیخته مقل و موبز را در مثلث بخیسانند و مجموع را در عسل
کف گرفته بقدر کفایت معجون سازند این نسخه پانزده جزو است وزن آن سی و
یک درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم معجون حلتیت نافع است تب ربع را
و نفخ سده میکند و بادها را تحلیل میبرد و نفع میکند لسع هوام را اخلاط آن
حلتیت فلفل مرسا را اجزا باین همه را نرم کوفته و بجز [illegible] بیخته بعسل کف گرفته سه
وزن ادویه معجون سازند شربتی یک درم این نسخه چهار جزو است مزاج گرم است
و خشک در آخر درجه سیم معجون افسنتین نافع است سده معده را و مفتح سده
و سیر زا است و ادرار بول مینماید اجزای آن انیسون تخم کرفس اسارون افسنتین
دوی مغز بادام مقشر اجزا مساوی یکجا مجموع ادویه را کوفته و بیخته بعسل
کف گرفته سه وزن ادویه معجون سازند این نسخه پنج جزو است مزاج گرم است
در سه ربع درجه خشک است در اول سه درجه معجونی که مسهل صفرا
و بلغم است ترید سفید محکوک نرم کوفته بیست درم سقمونیا پنج درم لباب
قرطم ده درم کنجد مقشر مغز بادام شیرین مقشر از هر کدام سه درم شکر
سلیمانی ده درم اجزا را نرم کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند و زعفران
دو دانگ در آن ریزند شربتی پنج درم تا شش درم وقت خواب با آب نیم گرم این
نسخه هفت جزو است با شکر وزن آن پنجاه یک درم و دو دانگ مزاج گرم است
در آخر دو درجه خشک است در اول درجه سیم معجونی که مسهل رطوبات است
از

معجون سنبل صلابت جگر

معجون حلتیت

معجون افسنتین

مسهل صفرا و بلغم

مسهل رطوبات [illegible]

از مفاصل و بلغم از معده پاک میسازد و اعضا را از اخلاط آن اجزای آن ایارج فیقرا افتیمون
از هر کدام پانزده غاریقون سفید نیم اوقیه شحم حنظل یک درم و نیم جمیع ادویه را کوفته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه چهار جزو است وزن آن بیست و
هفت درم و نیم و پنج حبش و نیم از هفت حبش یک درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم
خشک است در اول درجه سیم معجون هندی منافع این ترکیب نزدیک است بمنافع
نوشدارو و نور چشم را زیاد میکند و معده را پاک میسازد و طبع را نرم میدارد و نفع
میکند اصحاب بواسیر را اخلاط آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه قشر بلیله قشر و
آمله منقی زیره [illegible] اجزا مساوی یکجا ادویه را کوفته و بروغن گاو چرب کرده بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال این نسخه شش جزو است مزاج گرم است
در آخر دو درجه خشک در اول درجه سیم معجون ریوند نافع است خناق و سعال
بلغمی و ضیق النفس را و پاکیزه میسازد معده و شش را از خلط غلیظ اجزای آن رب
السوس زوفاء خشک پرسیاوشان از هر یک دو درم قرد مانا فلفل دار فلفل سفید
مغز بادام تلخ زراوند مدحرج تخم الجزر از هر یک پنج اجزا را کوفته بعسل مصفا معجون
سازند شربتی سه درم بطبیخ زوفا این نسخه نه جزو است وزن آن سی و شش درم
مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در اول درجه سیم معجون خیار
چنبر نافع است قولنج را و موافق محرور دی مزاج است اخلاط آن ترید سفید محکوک
چهل درم بنفشه پسته درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت درم تخم رازیانه
مصطکی انیسون از هر یک پنج درم سقمونیا دوازده درم عسل خیار چنبر صد درم
فانید صد درم عسل صد درم اجزا را کوفته بروغن بادام چرب کنند و معجون
سازند شربتی هفت درم با آب رازیانه این نسخه نه جزو است یعنی فانید و
عسل وزن آن دویست و یک درم مزاج گرم است و خشک در آخر دو درجه و در
کفایه سقمونیا پنج درم است و بنفشه چهل درم بنابرین مزاج گرم خواهد بود در
یک درجه و دو ثلث خشک است در یک درجه و ثلث معجون بنفشه مسهل صفرا
و بلغم است و نفع میکند قولنج را اجزای آن بنفشه چهل درم سقمونیا اصل

معجون هندی [illegible]

معجون ریوند [illegible]

معجون خیار چنبر [illegible]

معجون بنفشه [illegible]

السنوس المقشر از هر یک بیست درم گل سرخ ده درم کثیرا تخم رازیانه از هر یک پنج درم زعفران
دو درم و نیم شکر طبرزد صد درم عسل صد درم شکر را باید پخت تا بقوام آید بعد از آن
عسل در آن ریخته طبخ دهند و ادویه را کوفته با آن مخلوط ساخت شربتی چهار درم تا پنج درم این نسخه
هفت جزو است بغیر شکر و عسل وزن آن یکصد و دو درم و نیم مزاج گرم است و خشک در
آخر درجه دوم ایضا معجون بنفشه قولنج را بگشاید و مسهل بلغم و صفرا بود اخلاط آن
شکر ترنجبین منقی فلوس خیار چنبر از هر یک پنجاه درم بنفشه ده درم مصطکی پنج
درم تربد سفید بیست درم رب سوس پنج درم مغز بادام مقشر ده درم شکر و ترنجبین را
صاف نموده باقی اجزا را با آن مخلوط سازند شربتی چهار مثقال تا ده مثقال این نسخه
هشت جزو است وزن آن دویست درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است
در یک درجه و ربع ایضا معجون بنفشه مسهل صفرا و بلغم است و قولنج را نافع است اخلاط
آن تربد سفید چهل درم سقمونیا هفت درم بنفشه سی درم گل سرخ ده درم تخم رازیانه
کثیرا از هر یک پنج درم زعفران دو درم و نیم شکر طبرزد صد درم شکر را گداخته و عسل را
با آن مخلوط سازند و بعد از آن ادویه را خوب نرم ساخته با آن معجون سازند شربتی پنج
درم این نسخه هفت جزو است بغیر شکر و عسل وزن آن نود و نه درم و نیم مزاج گرم است
و خشک در یک درجه و نیم معجون مقوی شهوت ردیه را چون گل خوردن و انگشت و
نمک خوردن و مثل آن را برطرف سازد اجزای آن ایارج فیقرا دوازده درم قشور
هلیله کابلی بلیله آمله نمک نفطی از هر یک دو درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل مصفا
معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم بطبیخ فواکه این نسخه پنج جزو است وزن
آن بیست درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در دو درجه و ثلث
معجونی که ملین طبیعت در هر وقت و حفظ صحت میکند اخلاط آن لب القرطم
هشت درم انیسون یکدرم مغز بادام مقشر هشت درم اجزا را بکوبند و بعسل معجون
سازند این نسخه سه جزو است وزن آن هفده درم مزاج گرم است در آخر یک درجه
خشک است در یک درجه و نیم معجونی که دماغ را پاک کند منسوب است بیونس
شاهر

معجون دیگر قولنج

معجون دیگر قولنج

معجون مقوی شهوت ردیه

معجون ملین طبع

مقوی دماغ یونس

ساهر اجزای آن ایارج فیقرا شش درم شحم الحنظل مصطکی محموده انیسون غاریقون از هر کدام
یکدرم اسطوخودوس دو درم ملح هندی نیم درم اجزا را کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند
شربتی یکمثقال این نسخه دوازده جزو است وزن آن بیست و شش درم مزاج گرم است در آخر
درجه دوم خشک است در آخر درجه سیم معجونی که نافع است قولنج را و مجرب است اخلاط آن
سکبینج ده درم لب قرطم پنجاه درم بفانیذ معجون سازند شربتی پنج درم این نسخه دو جزو است
وزن آن شصت درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم معجونی مختص نافع است زلق
امعا را اجزای آن نانخواه کندر جلنار پوست بیخ و پسته از هر یک سه درم اجزا را کوفته بعونی
که بادانه کوفته باشد مخلوط سازند شربتی مثقالی ده کانی این نسخه چهار جزو است مزاج گرم است
در یک درجه و ربع خشک است در یک درجه و نیم مفرح کبیر که مولانا فخر الدین طبیب بجهت
سلطان یعقوب بدل شراب ترتیب داده اخلاط آن یاقوت زرد یاقوت رمانی از هر یک
شش درم بسد کهربا بادرنجبویه از هر کدام یکدرم گاوزبان پوست اترج از هر یک شش درم
بهمن سرخ و سفید سنبل الطیب قرنفل کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم زنجبیل چهار درم دار
مشک دو و پنج عقربی از هر یک سه درم قاقله کبار یک درم زرنباد قاقله صغار از هر یک
یکدرم و نیم سادج سعد شقاقل از هر کدام چهار درم طباشیر شش درم صندل سرخ
و سفید از هر یک سه درم زرشک نیلوفر از هر یک چهار درم گل محقق گل ارمنی از
هر کدام یکدرم زعفران چهار درم ابریشم مقرض شش درم عنبر سه درم مشک دو درم
فادزهر سه درم حب ... یکدرم و نیم ورق طلا یکدرم ورق نقره یکدرم و نیم آب به آب
انار از هر یک صد و بیست درم گلاب عرق گاوزبان از هر یک سه درم نبات مصری شصت
درم نبات را در آبها و گلاب و عرق گداخته و بقوام آورده اجزا را کوفته و بیخته در آن ریزند
و معجون سازند و در ظرف چینی یا آبگینه کرده بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب
سی و شش جزو است بغیر از گلاب و عرق و آبها وزن آن یکصد و چهار درم و نیم مزاج
گرم است در نیم درجه خشک است در اول آخر درجه اول مفرح کبیر که حکیم افضل کبیر
بجهت نواب خلد مکانی ابراهیم قطبشاه نور الله مرقده ترتیب داده اجزای آن یاقوت
سرخ مروارید ناسفته بسد نارمشک شقاقل طباشیر صندل سرخ صندل سفید
تخم کشنیز پوست هلیله کابلی آمله مقشر تخم کاسنی از هر یک دو مثقال لعل بدخشی بهمن سرخ

معجون نافع قولنج مجرب

معجون مختص زلق الامعا

مفرح فخر الدین

مفرح حکیم افضل کبیر

بهمن سفید سنبل قرنفل کبابه چینی درونج عقربی قاقله کبار قاقله صغار عنبر گل مختوم گل
ارمنی یا زهر حیوانی ما هی فرنفل خطائی از هر کدام یکمثقال زنجبیل زرنباد سادج هندی
سعد کوفی زرشک بیدانه نیلوفر مصطکی از هر یک سه مثقال گاوزبان پوست ترنج
باد رنجبویه عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال مشک نیم مثقال ورق طلا
ده مثقال و ورق نقره پنج مثقال آب به آب سیب مطلی آب انار کلاب عرق بید مشک عرق
گاوزبان از هر یک چهار مثقال نبات یکمن اجزا را نرم کوفته و بحریر بیخته بعسل نقد یا
کفایت معجون سازند این ترکیب چهل و پنج جز واست بغیر نبات و عسل و کلاب و عرق
و آب فواکه وزن آن نخود و چهار مثقال و نیم مزاج گرم است در اوایل ربع دوم دو
اول خشک است در سه ربع درجه اول معجون قداديقون منقول از اختیارات — قداديقون
اخلاط آن زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز حلغوزه از
هر یک شش درم مغز بادام تلخ کندر از هر یک دو درم فلفل هشت درم اجزا را کوفته
بعسل بقدر احتیاج معجون سازند این نسخه ده جز واست وزن آن پنجاه و چهار
درم مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است در آخر دو درجه ایضاً معجون
قلاديقون زعفران کاشم تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز حلغوزه از هر یک شش درم — قداديقون دیگر
قرنفل فلفل قرنفل جوز الطیب دارچینی از هر یک سه درم وج انیسون عود الصلیب
از هر یک پنج درم عسل سه وزن ادویه این ترکیب چهارده جز واست وزن آن
شصت و شش درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم مفرح معتدل علاء
الدین محمود ترتیب داده اجزای آن یاقوت رمانی مروارید ناسفته بسد کهربا از — مفرح علاء الدین محمود
هر کدام یکمثقال گاوزبان صندل سفید از هر یک سه مثقال صندل سرخ دو مثقال
گل سرخ چهار مثقال مصطکی فرنجمشک درونج عقربی تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک
دو مثقال سادج هندی یکمثقال زرنباد دو مثقال کشنیز خشک سه مثقال شقا
قل دو مثقال گل مختوم گل ارمنی سنبل دارچینی قرنفل از هر کدام یکمثقال ابریشم
مقرض پوست ترنج از هر یک دو مثقال شیره زرشک پنج مثقال شیره آمله هشت
مثقال زعفران چهار مثقال کافور یکمثقال عنبر سه مثقال مشک طلا از هر یک
یکمثقال.

یکمثقال نقره دو مثقال عسل و قند سه برابر اجزا این ترکیب سی و پنج جز واست وزن آن هفتاد و شش — مفرح ابو علی سینا
مثقال مزاج گرم است در اوایل درجه اول خشک در اواخر آن مفرح یاقوتی شیخ الرئیس که در رساله
قلبیه ذکر کرده و منقسم بسه قسم ساخته قسم اول که اصل و وسطست این است اخلاط آن مروارید
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق از هر کدام یکمثقال و یکدانگ
لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم بادرنجبویه ورق
بادرنجبویه از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ عود هندی حجر ارمنی لاجورد مصطکی — مجرب
سلیخه دارچینی زعفران هیل بوا قاقله کبار کبابه بسباسه از هر کدام یکمثقال افتیمون دو درم
و نیم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال درونج دو مثقال تخم کاسنی پنج درم بزر القثا
چهار درم ترنجبین ده درم گل سرخ چهار درم مشک دو مثقال کافور نیم مثقال عنبر
یکمثقال سنبل سادج از هر یک دو درم عسل دو وزن و نیم ادویه این نسخه سی و هفت جز واست
وزن آن هشتاد و پنج درم و یکدانگ مزاج گرم است در سه ربع درجه اول خشک است
در یک درجه و نیم قسم دوم که بجهة محرور دی مزاج قرار داده این است اجزای آن مروارید
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم سرطان نهری محرق از هر کدام یکمثقال و — ایضاً
یکدانگ لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم
بادرنجبویه ورق بادرنجبویه از هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید عود هندی
حجر ارمنی حجر لاجورد مصطکی سلیخه دارچینی از هر کدام یکمثقال زعفران نیم درم هیل
بوا قاقله کبار کبابه بسباسه از هر کدام یکمثقال شاهتره پنج درم سناء مکی چهار
درم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال درونج دو مثقال تخم کاسنی پنج درم
بزر القثا چهار درم ترنجبین ده درم مشک نیم مثقال کافور نیم مثقال عنبر یکمثقال — درم
سنبل دو درم سادج دو درم تخم بقلة الحمقا هشت درم طباشیر پنج درم تخم کاهو ده درم
صندل سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه این نسخه چهل و دو جز واست وزن آن
یکصد و دوازده درم و نیم تخمینا مزاج گرم است در نصف درجه اول خشک است در نصف
آخر درجه دوم قسم سیم که بجهة مبرود دی مزاج قرار داده این است اخلاط آن مروارید — ایضاً
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم یکمثقال و یکدانگ سرطان یکمثقال و یکدانگ
لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم بادرنجبویه ورق

بادرنجبویه از هریک سه درم بهمن سرخ و سفید عود حجر ارمنی حجر لاجورد مصطکی سلیخه
دارچینی از هرکدام یکمثقال زعفران نیم درم هلیله بوا قاقله کبابه بسباسه
هرکدام یکمثقال افتیمون دو درم ونیم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال و ربع
دو مثقال بن زالهند با بجد درم بن زالقنا چهار درم ترنجبین ده درم گل سرخ چهار
درم مشک دو مثقال کافور ربع مثقال عنبر یکمثقال سنبل ساذج از هریک دو درم
قشور نجوا قشور اترج عود بلسان زنجبیل قلفل از هریک سه درم جند بیدستر
دو مثقال عسل مقدار احتیاج این ترکیب چهل و سه جزو است و وزن آن شصت
وسه درم و پنج دانگ و بیست و دو مثقال و سه دانگ و نیم که مجموع یکصد و دو درم
باشد تخمینا مزاج گرم است در یک درجه خشک است در نصف آخر درجه دوم مفرح
یاقوتی مایل الحرارة منقول از شرح سدیدی اخلاط آن لسان الثور بادرنجبویه
بن زرنباد درونج بهمن سرخ و سفید از هریک هفت درم دارچینی کشنیز خشک طباشیر
کهربا بسد عود هندی ابریشم خام مروارید ناسفته از هریک دو درم زعفران
یکمثقال قرنفل دو درم زرنباد درونج از هریک سه درم طلا نقره یاقوت سرخ
مشک از هریک نیم مثقال زرنب دو درم کبابه قاقله از هریک سه درم آمله با کیره
کرده و در شراب خولیسا بخیسانند و در شراب سایه خشک کرده بیست درم گل سرخ
پنج درم جاده صندل سفید سه درم ادویه را نرم کوفته و جواهر را جدا گانه خوب
نرم کرده و بشیر سماق و عسل هلیله کابلی مربی نیم رطل و جلابی که بقوام عسل
باشد یکمن و نیم و باید که در جلاب آب سیب و گلاب داخل کنند و ادویه را با آن بسرشند
و در ظرف چینی یا مثل آن نگاه دارند و بعد از آن شش ماه استعمال نمایند شربتی
یکمثقال تا دو مثقال این ترکیب بیست و هفت جزو است و وزن آن نود و نه درم تخمینا
مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است قریب بیک درجه و نیم ایضا مفرح
یاقوتی اخیار اول ایضا منقول از سدیدی اجزای آن قرفه قرنفل دارچینی سنبل الطیب
درونج از هریک ده درم زرنباد کبابه قاقله از هریک پنج درم فادزهر مشک
عود هندی اسارون ساذج از هریک سه درم زعفران مصطکی از هر کدام یکمثقال

عنبر

مفرح یاقوتی سدیدی

ایضا منه

عنبر اشهب یکمثقال مشک نیم مثقال ورق طلا ربع مثقال آمله مربی سرخ خولیسا بخیسانند و در سایه
خشک کرده ده درم ادویه را نرم کوفته بعسل هلیله مربا آنقدر که کفایت کند خمیر سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از یکمثقال تا دو درم این نوزده جزو است و وزن آن یکصد و
دو درم و یک دانگ و نیم مزاج گرم است در دو درجه خشک است در دو ربع مفرح بارد منقول
از شرح سدیدی اخلاط آن خشخاش سفید طباشیر گل سرخ از هریک ده درم بن زالقنا بن زالبلخ
کشنیز خشک عصاره زرشک طین ارمنی شیر آمله لسان الثور از هریک پنج درم نقره یکمثقال
صندل سفید مروارید ناسفته بسد کهربا از هریک سه درم بادرنجبویه بهمن سفید سرخ
در ونج ابریشم خام پوست بیخ و زن پسته از هریک دو درم فرنجمشک عود هندی از هرکدام
یکمثقال یاقوت سرخ ربع مثقال کافور نصف مثقال زعفران نیم درم بشراب سیب خمیر
کنند شربتی یکمثقال این ترکیب بیست و هفت جزو است و وزن آن یکصد درم مزاج سرد است در ثلث
درجه اول خشک است در یک درجه و ثلث مفرح صغیر بارد منقول از شرح سدیدی
اخلاط آن کشنیز خشک دو درم گل سرخ طباشیر از هرکدام یک درم کافور دو قیراط بشراب
سیب بسرشند شربتی یکمثقال بشراب سیب یا حماض این ترکیب چهار جزو است و وزن آن
چهار درم و دو قیراط مزاج سرد است در دو درجه خشک است قریب به سه درجه مفرح معتدل
منقول از شرح سدیدی تقویت دل میکند و نشاط میآورد و نفع میکند خفقان را و
رنگ روی را نیکو کرداند و اشتهای طعام بدید آورد و فکر را درست کرداند و نفع میکند لهیب
و تشنگی را اخلاط آن مروارید ناسفته بسد از هریک ده درم کهربا پنج درم صندل سرخ
و سفید از هریک هشت درم لسان الثور و گل لسان الثور از هریک هفت درم فرنجمشک
شش درم گل سرخ هفت درم زرنباد چهار درم طباشیر هشت درم تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه
از هریک چهار درم زعفران عنبر از هریک دو درم کافور رقیحلو نی یک درم مشک
تبتی نیم مثقال عود خام ده درم کشنیز خشک پنج درم خشخاش چهار درم بنفشه خشک
چهار درم طین ارمنی چهار درم اجزا را بالتمام نرم کوفته بحریر بیخته بشراب سیب شکری
معجون سازند این ترکیب بیست و شش جزو است و وزن آن یکصد و شصت و هفت درم و نیم مثقال
مزاج گرم است در اوایل درجه اول خشک است در یک درجه و سه ربع مفرح افتون طین
که حکیم عماد الدین محمود ترکیب داده اجزای آن عود سه درم سنبل قرنفل هیل بوا زعفران

ایضا مفرح

ایضا منه

مفرح افتون

ازهریك پنج درم زرنباد ده درم درونج خصیة الثعلب ازهریك سه درم تخم شلغم تخم ترب ازهریك
پنج درم تودری سرخ وسفید خولنجان ازهریك مایه شتر اعرابی سناء مکی ازهریك سه
درم حلغوزه نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز تخم خیار مغز تخم خربزه ازهریك
پنج درم فلفل بزر البنج ازهریك ده درم افیون پانزده درم مصطکی سه درم جدوار دو
درم جوزبوا بسباسه ازهریك پنج درم مشك سه قیراط یاقوت سرخ بیجاده عنبر دو درم
سمکه صیدا سه درم الحجو کبابه چینی دارچینی ازهریك پنج درم ورق طلا ورق نقره ازهریك
ده درم عسل سه وزن ادویه این ترکیب سی وهفت جز واست وزن آن یکصد وهشتاد و
چهار درم وسه قیراط مزاج گرم است درابتدای درجه اول خشك است در دوم درجه مفرح حار
منقول از قرابادین نجیبی نافع است خفقان و وحشت ومالیخولیا را اخلاط آن بادرنجبویه
قشر اترج قرنفل قرفه زعفران مصطکی جوزبوا قاقله ازرمشك بهمن سفید زرنباد درونج
تخم بادروج تخم فرنجمشك اجزا مساوی یك یك مثقال عشر جز بعسل هلیله واملج مربا حب
سازند این نسخه هفده جز واست مزاج گرم است وخشك در اول درجه سیم مفرح معتدل
ایضا منقول از قرابادین نجیبی اجزای آن لسان الثور کهربا مروارید کشنیز خشك بهمن سفید گل
سرخ پوست اترج ابریشم سفید تخم خرفه ازهریك دو درم بعسل هلیله مربا بسرشند این
نسخه نه جز واست وزن آن هجده درم عسل هلیله دو وزن ادویه مزاج معتدل است
درگرمی وسردی خشك است قریب به نصف درجه مفرح بارد نافع است خفقان وضعف
دل که حادث از حرارت باشد واز تب واز خمار وتشنگی را بنشاند اخلاط آن گل سرخ ورق
نیلوفر ازهریك ده درم مروارید ناسفته بسد کهربا لسان الثور صندل سرخ وسفید
طباشیر خشبا الکند کشنیز خشك پوست درخت کافور ازهریك سه درم بهمن سرخ
وسفید تخم فرنجمشك بزر شاهسفرم تخم بادرنجبویه تخم خرفه تخم کاهو تخم کاسنی
تخم قثا تخم قند ازهریك دو درم کافور یك مثقال شکر طبرزد که بکیره سیب ابعوا آورده
باشند معجون سازند این ترکیب سی وسه جز واست وزن آن هفتاد درم و یك مثقال
مزاج سرد است درسه ربع درجه خشك است در آخر یکدرجه معجون لبوب
منقول

مفرح صندل

معجون لبوب

منقول از قرابادین نجیبی کلیه وانثیین را به کند وباه را زیاد کند اجزای آن مغز فندق مغز پسته مغز حب
صنوبر کبار مغز بادام کنجد مقشر تخم خربزه خشخاش سفید ازهریك شش درم تخم قثا تخم قند ازهریك
سه درم شقاقل بوزیدان بهمن سرخ وسفید لسان العصافیر خولنجان دارچینی ازهریك دو
درم فانید ده استار عسل نصف فانید شربتی پنج درم مداومت نمایند این ترکیب شانزده
جز واست وزن آن شصت ودو درم فانید شصت وپنج درم عسل سی ودو درم مزاج
گرم است در یکدرجه ونیم خشك است در سه ربع درجه معجون لبوب کبیر منقول از اختیارات
بدیعی خاصیت این معجون آن است که دل ودماغ را قوت دهد ونشاط زیاده کند ومنی بیفزاید
وگرده ولیشترا محکم گرداند ونعوظ تمام آورد ودر مجامعت قوت ... تمامتر دهد اخلاط
آن مغز بادام مغز فندق مغز پسته مغز حبة الخضرا مغز کوکنار مغز جوز هندی مغز انجلك
مغز حلغوزه مغز تخم خربزه مغز حب الزلم کنجد مقشر خشخاش سفید ازهریك ده درم کبابه
قرنفه خولنجان قرنفل شقاقل مصری ازهریك پنج درم مصطکی بسباسه لسان العصافیر
سنبل الطیب ازهریك سه درم بهمن سرخ وسفید تخم هلیون تودری زرد تودری
سرخ وسفید بوزیدان مغاث تخم جرجیر تخم شلغم تخم اسفست تخم پیاز تخم کندنا ازهریك
شش درم خصیة الثعلب قرفه ده مثقال تخم الجزر خشك مربا کش خرما قضیب کاو خشك
کرده وسوده ازهریك چهار درم مغز دماغ گنجشك نر که دروقت هیجان گرفته باشند
ده درم زعفران زنجبیل نارمشك فرنجمشك دارفلفل ازهریك سه درم عسل بقدر
حاجت شربتی دو مثقال غذا نخود آب باقلیه یا زرده تخم مرغ نیم برشت یا کباب یا بریان
خام با آب گوشت مناسب بود وازماست وترشی وسردی احتراز کنند این ترکیب چهل
وپنج جز واست وزن آن دویست وهفده درم ونیم تخمینا مزاج گرم است در یکدرجه ونیم
خشك است در اوایل ربع آخر درجه اول معجون لبوب مستعمل خاصیت وی آن است
که منی بیفزاید وگرده را قوت دهد ونعوظ تمام آورد وسردی وریك از مثانه پاك
کند وهر بیاست اجزای آن مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز نارجیل مغز حلغوزه
مغز حبة الخضرا مغز حب الزلم مغز حب فلفل کنجد مقشر تودری زرد وسرخ تخم شلغم
تخم کزر تخم اسفست تخم پیاز لسان العصافیر تخم انجره بهمن سفید زنجبیل دارفلفل
کبابه بهمن سرخ دارچینی خصیة الثعلب قرفه شقاقل مصری خولنجان هلیون ازهریك

لبوب کبیر

لبوب دیگر

ششم درم عسل بقدر حاجت و بعضی از اطبا از تجربه امتحان نمایند بسبب سمّیتی که در وی هست
صاحب اختیارات بدیعی میگوید که من بسیار تجربه کرده ام در قوّت باه بعد از خصیة الثعلب
هیچ چیز با تجربه نمیرسد خاصّة اگر با شیر گاو و نارمشک زنند سه روز بیاشامی اگرچه صاحب
منهاج آورده که چون با مثلث خورند مقوّی باه بود لیکن اکثر آنست که شیر اصلاح آن میکند
و دفع سمّیت آن مینماید شربتی ازین معجون یکمثقال تا دو درم این ترکیب بیست و هفت جزوست
وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج گرم است در آخر دوم درجه خشک است در آخر
یکدرجه معجون لبوب نوعی دیگر نسخه غریب خاصیتش آنست که منی بیفزاید و لغوظ تمام
آورد و گرده و مثانه را قوت دهد اجزای آن مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه نارجیل
از هریک پنج درم مغز بادام کهنه مقشر از هریک ده درم لسان العصافیر حب الرشاد تخم شلیف
از هر کدام یکدرم فانید ده درم زنجبیل کبابه دار فلفل کندر از هریک دو درم بهمن سرخ
و سفید تودری سرخ و زرد از هریک چهار درم خسک مربّا تخم کزر تخم شلغم تخم پیاز
تخم الجزره از هریک دو درم عسل بوزن ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال این نسخه بیست و
سه جزوست با فانید وزن آن هشتاد و هفت درم مزاج گرم است در اول آخر درجه دوم
خشک است در آخر یکدرجه نوعی دیگر معجون لبوب خاصیت وی آنست که گرده را قوت
دهد و لغوظ تمام آورد و منی بیفزاید اخلاط آن مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه
کهنه مقشر از هریک پنج درم هیلون شقاقل از هریک شش درم تودری سرخ و سفید
بهمن سرخ و سفید از هریک سه درم تخم تره تیزک تخم پیاز تخم الجزره تخم کزر تخم شلغم لسان
العصافیر از هریک دو درم تخم اسپست تنه سفید از هریک بیست درم عسل سه وزن
ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال این ترکیب نوزده جزوست با قند وزن آن یکصد و
یکدرم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم معتدل است در یبوست و رطوبت نوعی دیگر
معجون لبوب خاصیت وی آنست که منی بیفزاید و لغوظ تمام آورد و محرورمزاجرا
بغایت سود دهد و مجرّب است اجزای آن مغز بادام مغز فندق مغز چلغوزه مغز بن
مغز نارجیل مغز حب الزلم مغز حب القلقل مغز پسته از هریک ده درم زنجبیل دار
فلفل نارمشک از هریک دو درم و نیم فانید که آنرا کعب الغزال گویند سه وزن ادویه
فانید

فانید را با قدری آب بگدازند و ادویه کوفته و بیخته بدان بسرشند و آن فانید که آورده اند
میباشد میباید که قطعا استعمال نکنند این نسخه یازده جزوست وزن آن هشتاد و هفت
درم و نیم مزاج گرم است در اول آخر درجه دوم خشک است در سه ربع درجه نوعی دیگر
معجون لبوب خاصیت وی آنست که عروق را نیکو دارد و قضیب را سخت کند و هم محروری
مزاج را شاید نیست بود اخلاط آن مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز بادام مغز حب الزلم مغز پسته
کهنه مقشر شقاقل مصری خشخاش سفید تودری زرد و سفید بهمن سرخ و سفید از هریک
پنج درم ادویه که خشک باشد جدا کوفته و هرچه لبوب باشد جدا کوفته بوزن مجموع قند
کوفته اضافه کنند و با ترنجبین معجون سازند شربتی دو درم این نسخه سیزده جزوست
وزن آن شصت و پنج درم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در ربع سیم درجه
اوّل معجون بزر و البآء مستعمل صاحب اختیارات این معجون در امر مجامعت فعل عجیب میکند
و درین باب بغایت است اجزای آن تخم کزر تخم شلغم پیاز تخم کندنا تخم تره تیزک تخم اسپست
تخم جرجیر تخم هلیون مغز چلغوزه مغز حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان مسطکی شیرین
تودری سرخ و سفید و زرد لسان العصافیر شقاقل بهمن سرخ و سفید دار فلفل
حب الرشاد حلتیت قرفه از هریک شش درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند
شربتی سه درم با شیر تازه بیاشامند این نسخه بیست و سه جزوست وزن آن یکصد و
سی و هشت درم مزاج گرم است در اوایل درجه سیم خشک است در اواخر درجه اول معجونی
که باه را زیاده کند منقول از قرابادین خمسه تجربه باه را زیاده کند و دل را تقویت
دهد اخلاط آن گل سرخ سه درم لسان الثور تیز دو درم تخم شاهسفرم چهار درم
تخم خرفه سه درم بهمن سرخ و سفید از هریک دو درم تودری زرد و سرخ از هریک
دو درم و نیم تخم خرفه تخم خربزه تخم کدو کنار تخم خیار از هریک سه درم ترنجبین
با شکر معجون سازند این نسخه پانزده جزوست وزن آن سی و سه درم مزاج گرم است
و رطب قریب به نیم درجه فلفل مونا بادها را بشکند و طبیعت را نرم سازد و دردها را
فرو نشاند و خواب آورد اخلاط آن فلفل نانخواه و ورق سداب فوتنج زیره حبه
سوداء حب الغار انیسون بیخ و بزر والبیز اجزا مساوی یکی بکوبند ثلث جزو
اجزا را کوفته و بیخته بعسل مصفا را درین معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه یازده

ایضا فلونیا

جزو است مزاج معتدل است در گرمی و سردی خشک است در آخر درجه مقیم ایضا فلونیا این ترکیب
مسهل نیست بلکه دردها را فرو می‌نشاند و بادهای غلیظ را میشکند اجزای آن فلفل نانخواه
شونیز حب الغار حند بیدستر زروند افیون بذر البنج رومی از هریک اوقیه بعسل معجون سازند
این نسخه نه جزو است وزن آن نه اوقیه که نوزده قسط درم و نیم باشد عسل چهار اوقیه مزاج معتدل
است در گرمی و سردی خشک است در دوم درجه نیم ذکر نسخه چند که سید الفضلاء علامة
العلماء میر محمد باقر داماد بهند فرستاده اند ان الجمله تریاق ربع الفتحه مخلصه اصطهبانی قرص

تریاق ربع الفتحه

اسقیل از هریک بیست و هشت مثقال قرص اند روحی زرون فلفل سیاه طر فلفل دارچینی
سیلانی از هریک بیست و چهار مثقال زعفران و ریوند شهری سی مثقال آمله هلیله کابلی
ابریشم مقرض عود خام سمند رومی مصطکی رومی روغن بلسان مصری عنبر الشمسی روغن
نارجیل از هریک بیست مثقال افیون مصری پنجاه و هشت مثقال فلفل ابیض درونج عقربی
از هریک دوازده مثقال زرنباد شرین چهارده مثقال تخم شلغم بری تخم بری پوست
اترج حضیض النغلب شامی ریوند چینی غاریقون سفید انیس زنجبیل چینی بهمن سفید هیل
بوا ورق گل سرخ از هریک دوازده مثقال تخم بادرنجبویه شش مثقال ورق بادرنجبویه
لسان الثور کلانی باخراسانی از هریک هجده مثقال گل لسان الثور شش مثقال اشنه سفید
خونسوی تخم فرنجمشک وج ترکی لسان العصافیر قاقله کبار قرنفل از هریک ده مثقال
جدوار خطائی مجرب چهارده مثقال جوز بوا بسباسه بهمن سرخ فراسیون از هریک ده مثقال
مرصاف مکی دوازده مثقال حب الغار سلیخه السود دارچینی نعناع خشک خولنجان مصری
کندر ذکر از هریک ده مثقال سعد کوفی از هریک دوازده مثقال انیسون ده مثقال نانخواه
رازیانه اسارون اسطوخودوس راین ساصل سوس سفید آزادکی و باشطح هندی فاشرا
سنبل ارمال عاقرقرحا افسنطین قصب الذریره ذونب خطیانانی رومی شقاقل مصری تفاح
اذخر کبابه چینی ساذج هندی پوست بیته مشکطرامشیع نار مشک بذر البنج سفید دوشیر
شترین ودولماشیر سفید زرشک عنقی قطراسالیون از هریک شش مثقال کتیرا صمغ عربی از
هریک ده مثقال سایله ذکجا الوامحه بیست و چهار مثقال رب السوس دوازده مثقال کما
فیطوس کمادریوس صندل سرخ و سفید وارید ناسفته بسد کهربا شمعی طین ارمنی طین
مختوم قفر الیهود مقل ازرق از هریک شش مثقال مومیائی کانیدا بابجر دیگ مغسول

ازهر

از هریک هفت مثقال مغاث افتیمون سیسالیوس لاجورد مغسول از هریک پنج مثقال تخم کرفس
حب بلسان مصری عود بلسان زراوند مدحرج شامی زراوند طویل حماما حوف بابلی حلتیت
لبنی صعتر بری کشنیز خشک فودنج دو مثقال از هریک چهار مثقال سکبینج قنه از هریک پنج مثقال
عصاره لحیة التیس ده مثقال اشق یاقوت سرخ رمانی زمرد عقیق از هریک سه درم زبرجد
شفاف دو مثقال فادزهر اصطهبانی عنبر اشهب مشک خالص تبتی از هریک هفت مثقال ورق
طلا چهار مثقال و ورق نقره پنج مثقال نبات سفید مصری سه چهار یک عرق جدوار خطائی
عرق مخلصه اصطهبانی عرق زرنباد شرین بمقدار حاجت در حل مموغ عرقیها عرق فتنه
عرق قرنفل عرق دارچینی از هریک هفتاد و پنج مثقال گلاب مکی عرق بیدمشک صفاهانی از هریک
صد درم عسل بقوام آمده سه وزن مجموع ادویه روغن بادام تلخ و شیرین بمقدار حاجت
مموغ را جمیعا الا مصطکی در عرق مخلصه و عرق جدوار و عرق زرنباد تجویف بسایند و اندک
عسلی در آن ریخته بکشتانر وبن بگدازند و عنبر را علیحده در عسل بگدازند و همچنین مومیائی را
جداگانه در عسل بگدازند و ادویه را بی روغن بلسان و میعه سایله و روغن نارجیل و روغن
بادام چرب کنند و مشک را بکوبند جداگانه و همچنین زعفران و جدوار هریک جداگانه بکوبند
بعد از آن فادزهر را بکوبند و افیون را در عرق قرنفل و عرق دارچینی و عرق فتنه مخلوط
بسایند و چون عسل بقوام آید از آتش بردارند و اول مموغ را در آن حل کنند پس جواهر
که خوب نرم کرده باشند بعد از آن ابریشم مقرض پس عنبر گداخته و مومیائی و فادزهر
و جدوار و افیون و زعفران با این ترکیب که مذکور شد بعد از آن ادویه خوب کرده پس
مشک آنگه ورق طلا و نقره بعد از آن جهد و مبالغه نمایند که اجزا خوب بهم مخلوط
شود و در ظرف نهاده خوب بکوبند پس در ظرف چینی یا زجاجی کرده بگذارند

معجون الاربع

و بیش از شش ماه استعمال ننمایند شربتی از آن از یک دانگ است تا یک مثقال و دو مثقال
این ترکیب یکصد و بیست و چهار نخود است سوی نبات و عرق و گلاب وزن آن یکهزار
و دویست و بیست و هفت مثقال مزاج معتدل است مایل بحرارت خشک است در اول
درجه سوم معجون مطلیة الاربع فلفل سیاه بیست مثقال فلفل سفید دوازده مثقال
زنجبیل پانزده مثقال پوست اترج هفت مثقال دارچینی سیلانی دوازده مثقال
پوست نارنج پنج مثقال تخم رازیانه سنبل الطیب اشنه سفید از هریک ده مثقال ساذج

محوق

هندی لسان الثور کیلانی از هریک هفت مثقال گل لسان الثور رسوس زاد لسانی قردمانا نادر
از هریک پنج مثقال ورق بادرنجبویه سطوخ هلیله سیاه از هریک هفت مثقال آمله منقی
هفده مثقال تخم شلغم بری نعناع خشک پوست بلیله از هریک هفت مثقال جوز بوا بسباسه
کندر ذکر از هریک ده مثقال بهمن سفید هفت مثقال بهمن سرخ پنج مثقال کبابه چینی شش مثقال
پوست بیرون پسته هفت مثقال وج ترکی ده مثقال تودری سرخ هفت مثقال تودری زرد
خاشا مغاث تخم بری نار دمشک از هریک پنج مثقال مصطکی رومی سی مثقال سعد کوفی
حب الغار نانخواه از هریک هفت مثقال زرنب قصب الذریره تخم فرنجمشک قاقله کبار دکار در
فوس کامافیطوس از هریک پنج مثقال زرنباد شیرین خصیة الثعلب از هریک دوازده مثقال
حب بلسان عود بلسان افتیمون غاریقون از هریک پنج مثقال لسان العصافیر اسارون
از هریک هفت مثقال زراوند طویل زراوند مدحرج از هریک پنج مثقال لک مغسول هفت
مثقال سکبینج پنج مثقال رب السوس ده مثقال صمغ عربی مقل ازرق کتیرا از هریک پنج مثقال
گل سرخ افتیمون سطوخودوس از هریک هفت مثقال فوتنه سلیخه السودا از هریک پنج مثقال
قسط سفید بحری هفت مثقال دو پنج عقرقرحا رصاص مکی از هریک ده مثقال فرفیون
انیسون از هریک پنج مثقال پوست هلیله زرد هفت مثقال دارفلفل دوازده مثقال
هیل بوا قرنفل از هریک ده مثقال عاقرقرحا پنج مثقال هلیله کابلی هفت مثقال خولنجان
مصری مشکطرامشیع از هریک پنج مثقال شقاقل مصری هفت مثقال ریوند چینی ده مثقال
خطبانای رومی پنج مثقال تخم کرفس بیست مثقال بزرالبنج سفید شیرین ده مثقال عود
هندی خام جدوار مجرب خطائی از هریک دوازده مثقال زعفران زیران شهری شصت
و شش مثقال ابریشم مقرض طین ارمنی از هریک دوازده مثقال صندل سفید هفت
مثقال صندل سرخ مومیای قفرالیهود مروارید ناسفته از هریک پنج مثقال بسد کهربا از هریک
چهار مثقال طباشیر سفید زرشک منقی فادزهر اصطخسانی از هریک پنج مثقال یاقوت
سرخ سه مثقال زبرجد شفاف دو مثقال لاجورد مغسول عنبر اشهب از هریک پنج
مثقال کشته عنبرین هفت مثقال عنبر پنج مثقال زمرد عتیق سه مثقال مشک خالص تبتی
شش مثقال ورق طلا چهار مثقال ورق نقره پنج مثقال روغن بلسان سی و دو مثقال
میعه سائله روغن نارجیل از هریک بیست و مثقال افیون مصری یکصد و پنجاه و پنج مثقال

عرق

عرق بهار دیکهارنک عرق بید مشک گلاب از هریک دویست و پنجاه درم عرق فتنه یکصد و بیست
درم عرق گاوزبان یکصد و پنجاه درم عرق قرنفل پنجاه درم عرق دارچینی هفتاد و پنج درم
نبات مصری یکصد و پنجاه درم عسل مصفا بقوام آمده چهار وزن ادویه طریق
ساختن همچنانست که در تریاق درع الصحه مذکور شد مفصلا این ترکیب یکصد و سیزده
جز واست بغیر عرق و گلاب و نبات و عسل وزن آن یکهزار و نود و یکمثقال مزاج گرم است
در اول درجه اول خشک است در اول درجه سیم معجون درع المنشب هلیله سیاه — درع الشیب
آمله منقی پوست بلیله از هریک شصت و پنج مثقال فلفل سیاه فلفل سفید از
هریک ده مثقال زنجبیل چینی دارفلفل رصاص مکی از هریک پانزده مثقال زوفای
مصری کندر ذکر دارچینی سلیخه قرنفل زرنباد شیرین ریوند چینی حب الغار
از هریک دوازده مثقال سعد کوفی وج ترکی اسارون سطوخ هندی بازیانه
پوست هلیله زرد سونیز از هریک ده مثقال مصطکی زعفران زیران شهری از
هریک بیست مثقال لاجورد مغسول مشک خالص تبتی عنبر اشهب زرشک منقی
از هریک پنج مثقال روغن بلسان میعه سائله از هریک دوازده مثقال عسل
بلادر دوازده مثقال و نیم روغن جوز و روغن بادام شیرین و روغن بادام تلخ
آن قدر که جمیع اجزا را بآن خوب چرب نماید بعد از آن عسل مصفی را بقوام آورده
چهار وزن ادویه و جمیع ادویه را در آن ریخته خوب مخلوط سازند و در ظرف
چینی یا آبگینه کرده بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب سی و یک جز واست
وزن آن چهارصد و چهل و هفت مثقال و نیم مزاج گرم است در یک درجه و نیم — حب البهجه
خشک است در دو درجه و سدس حب البهجه فلفل سیاه بیست مثقال فلفل
سفید پنج مثقال دارچینی زرنباد از هریک دوازده مثقال سنبل نه مثقال
دارفلفل هشت مثقال دواله نه مثقال سعد کوفی دوازده مثقال درنج

عقربي نه مثقال زنجبيل چيني مصطكي از هريك پانزده مثقال زعفران وبيان شهري
سي مثقال عود قماري قرنفل هيل بوا از هريك نه مثقال سادج تخم كرفس بيست دو مثقال
جوزبوا بساسه از هريك هفت مثقال كبابه چيني اسارون حب الغار مرصافي از هريك
شش مثقال جدوار خطائي پنج مثقال صمغ سايله دوازده مثقال مشك خالص سه مثقال
ورق طلا يكمثقال ورق نقره دو مثقال عنبر اشهب زرشك منقي از هريك سه مثقال دهن
بلسان هفت مثقال افيون خالص مصري سي ودو مثقال صمغ وكلاب بقدر احتياج
اين نسخه سي ودو جزو است وزن آن سيصد وهفده مثقال مزاج كرم است در اوايل درجه
دوم خشك است در درجه دوم وخمس جوارشات جوارش زيره نسخه علوي صهار بخت
نافع است اوجاع احشاء را كه از برودت حادث شده باشد ودفع بلغم كند زيره اراني ومقوي
معده وهاضم طعام است وشهوت كلبي وجشاء حامض را زايل كند ونافع است بتهاي
سرد سوداوي وبلغمي ياشربتي از آن مقدار نيم مثقال است با آب گرم اجزاي آن زيره مدبر
يكمن سداب خشك فلفل زنجبيل از هريكي چهار استار بوره ارمني بيست درم با انگبين
مصفا بسرشند اين نسخه پنج جزو است وزن آن چهارصد وشصت وهفت درم مزاج كرم
وخشك است در درجه دوم وجوارش زيره جالينوس نافع است بادهاي سرد را
ومحلل آن است ونفع ميدهد كسيرا كه طعامش هضم نشود اخلاط آن بوره نصف جزو
وزيره كرماني مدبر كرده فلفل سفيد وسياه دارفلفل از هر يكجزو وعسل بقدر حاجت
اين نسخه پنج جزو است مزاج كرم است در آخر درجه سيم خشك است در درجه دوم
جوارش كموني ديكر مصلح سردي معده وجشاي حامض كلبي ونفخ قلب كه از فضلات
كيموسات غليظه وبلغميه باشد ونافع است بتهاي كهنه را كه از سردي وبدي هضم
باشد اجزاي آن زيره كرماني مدبر پانزده استار فلفل زنجبيل سداب خشك قند دو
از هريك بيست درم عسل بقدر كفايت اين نسخه پنج جزو است وزن آن يكصد وهفتاد
پنج درم مزاج كرم است در درجه دوم خشك است در درجه دوم ونيم جوارش
زيره منقول از ذخيره خوارزمشاهي اخلاط آن زيره مدبر يكمن فلفل زنجبيل از
هريك نيم من بوره ده استار با انگبين مصفا بسرشند اين نسخه چهار جزو است وزن
آن

آن نود استار كه پانصد وهفتاد درم باشد مزاج كرم است وخشك در درجه دوم ونيم ايضا
نسخه ديكر زيره مدبر صد درم فلفل زنجبيل بوره از هريك ده استار سداب خشك
چهار درم با انگبين مصفا بسرشند اين نسخه پنج جزو است وزن آن دويست ونود وچهار
درم مزاج كرم است وخشك در درجه دوم ونيم ايضا نسخه ديكر معده را كرم كند وبادها
بشكند وآروغ ترش را ببرد وسده بكشايد واكر كسي را از نفخ رنج باشد بسي سنه
اين معجون را بكار دارد از نفخ رنج ايمن شود اجزاي آن زيره مدبر صد درم زنجبيل بيست درم
فلفل ده درم افتيمون سي درم بوره نان هشت درم با انگبين مصفا بسرشند اين نسخه
پنج جزو است وزن آن يكصد وشصت وهشت درم مزاج كرم است وخشك است در درجه
دوم ونيم جوارش فوتنج نسخه جالينوس اخلاط آن فوتنج نهري فوتنج بري فطرا
ساليون از هريك دوازده درخمي زنجبيل شش درخمي تخم كرفس انجماع حاشا از هريك
چهار درخمي كاشم شانزده درخمي فلفل چهل وهشت درخمي سكبينج
پنج درخمي عسل بقدر كفايت اين تركيب نه جزو است وزن آن يكصد ونوزده درخمي
نزد بعضي درخمي درم است نزد بعضي مثقال مزاج كرم است وخشك در درجه دوم
ونيم جوارش حب الآس نافع است نرمي طبيعت را وتذفي كه از بلغم ورطوبت باشد
وسوء هضمي كه از معده باشد ومعده را تقويت كند واسهال وقي بلغمي باز دارد
اجزاي آن حب الآس خشك يكمن هليله سياه بليله آمله طباشير از هريك هفت
درم فلفل دار فلفل زنجبيل از هريك ده درم مصطكي قردمانا اسطوخودوس وايانيسون زيره
كرماني سنبل سليخه قاقله از هريك شش درم جوزبوا تخم كرفس نانخواه از هريك پنج درم
سادج هندي حماما از هريك چهار درم عسل بقدر حاجت شربتي يكدرم اين تركيب
بيست ودو جزو است وزن آن چهارصد وچهل وچهار درم ودو دانك مزاج كرم است
در درجه خشك است در اول درجه سيم جوارش خوزي حب الآس كابليه ونيم
سنبل سه اوقيه جوزبوا با پوست نيم رطل قرنفل قاقله انيسون بوداده از
هريك دو اوقيه ونيم سليخه چهار اوقيه هليله كابلي بليله آمله از هريك سه اوقيه

اجزا اسماء العسل بدل شراب ریحانی جوش دهند بعد از آن خشک کنند و دیگر باره با آب جوش
دهند و خشک کنند پس از آن کوفته و بیخته بمیبه بسرشند و وزن آن هزار و هشتاد و دو درم
مزاج سرهاست در ربع ذر درجه خشک است در اول درجه سیم جوارش متوکل که ملکشی است
بسلیوبه نافع است بدی هضم را و مقوی جگر است و اسرائیل متوکل همیشه از این تناول کردی
زیرا که نفع آن بتجربه معلوم شده اجزای آن سنبل قرنفل دارچینی جوز بوا قاقله سلیخه از
هر یک یک مثقال فلفل سفید زنجبیل جند بیدستر از هر یک دو و درمی لسان ذکر سفید جهار
درمی شکر طبرزد مثل تمام ادویه اجزا را کوفته و بیخته با شکر مخلوط ساخته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی سه مثقال این نسخه پانزده جزو است با شکر و وزن
آن یعنی شکر شش مثقال و ده درمی یک درم باشد ده درمی هفت مثقال باشد پس
وزن ادویه سیزده مثقال باشد و اگر ده درمی یک مثقال باشد وزن آن شانزده مثقال
باشد و بر هر تقدیر شکر مثل ادویه مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است
در آخر درجه جوارش کمونی نافع است درد شکم را که از بس و رخ باشد و تب ربع
و شهوت کلب و تبهای بلغمی و سوداوی را و از بلغم بسیاری که بی انواع عارض میشود
و شدت بر و درد معده و خشای حامض و آب از دهن رفتن که از کثرت و فضول
بلغمی باشد اجزای آن زیره کرمانی مدبر شداب خشک زنجبیل فلفل از هر یک ده
استار بوره ارمنی ده درم عسل بقدر کفایت شربتی مقدار فندقی با آب گرم این نسخه
پنج جزو است و وزن آن دویست و شصت و هفت درم و یک دانگ مزاج گرم و خشک است
در دو درجه و نیم جوارش کمونی دیگر زیره تازه هفت اوقیه یکشبانروز در سرکه بنهند
خو بسانند بعد از آن خشک کرده با آتش نرم اندک بریان باید کرد فلفل سه اوقیه زنجبیل
جهار درم بوره ارمنی دو درم عسل بقدر احتیاج این نسخه جهار جزو است و وزن آن
یکصد و سیزده درم و یک دانگ مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه
و سه ربع جوارشات تلا فلی نافع است سردی معده و جگر و لسیا ریح بلغم و رطوبت را
که در بدن غالب باشد و بدی هضم که از سردی و بادهای غلیظ بهم رسیده باشد
و تب ربع و بلغم را و ادرار بول کند اخلاط آن فلفل سیاه و سفید دار فلفل از هر یک سه
اوقیه قاقله نعنع خشک ذو اوقیه عود بلسان یک اوقیه سنبل الطیب حماما از هر یک جهار
درم

جوارش متوکل ملکشی

کمونی

کمونی دیگر

جوارش تلا فلی

دردم زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس رومی سلیخه اسارون راسن از هر کدام یک درم عسل سه وزن
ادویه شربتی یک درم با آب نیم گرم بناشتا این نسخه دوازده جزو است و وزن آن یکصد و بیست
و یک درم و یک دانگ مزاج گرم است در آخر درجه سیم خشک است در دو درجه و نیم جوارش
فنادیقون نافع است ضعف جگر و درد پشت و معده را و ضعف معده را که از سردی که مولد
ریاح است بهم رسیده باشد اجزای آن زنجبیل فلفل خشک سنبل الطیب از هر یک شش درم مصطکی
نانخواه از هر یک جهار درم تخم کرفس نعناع از هر یک پنج درم زیره کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا
از هر یک دو درم ساذج یک درم عسل کف گرفته سه وزن ادویه شربتی نیم مثقال این نسخه دوازده
جزو است وزن آن جهل و پنج درم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه
و نیم جوارش خوزی نافع است قبض شکم و بدی هضم و ضعف معده و سردی آن را اخلاط آن
قسط قرنفل سنبل الطیب حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوزبوا پنج عدد قاقله قرنفل انیسون
اکلیل الملک شیطرج هندی از هر یک جهار درم لسان سه درم برنج کابلی هشت درم راغست
جهار درم زراوند طویل بهونه حسینی اشنه از هر یک دو درم سعد زنجبیل از هر یک ده استار قصب
الذریره فلفل دار فلفل از هر یک نیم درم هلیله سیاه دو استار بلیله ده عدد حب الاس نیم رطل
شکر آنقدر که کفایت کند بعد از آنکه معجون سازند در ظرف چینی یا آبگینه کرده مگذارند
تا برسد و بعد از دو ماه استعمال نمایند این ترکیب بیست و پنج جزو است وزن آن یعنی جوزبوا
و بلیله بیچهار ان و نیم صد و سی درم و یک دانگ جوزبوا پنج عدد بلیله ده عدد مزاج معتدل
در گرمی و سردی خشک است در یک درجه و ثلث انقا جوارش خوزی نافع است ضعف
جگر و معده و سردی انها و قبض شکم و بدی هضم و نفخ میدهد کسانی را که در مزاج زدا
باشد مادر را بول میکند اجزای آن قسط قرنفل سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز
بوا پنج عدد قاقله قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی دارچینی از هر یک جهار درم
برنج کابلی هشت درم دو نه زراوند طویل اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه کابلی منقی
النوبی دو استار بلیله ده عدد حب الاس وزن جمیع ادویه اجزا را نرم کوفته خون بعسل
طبرزد آنقدر که کافی باشد بسرشند شربتی مقدار ماز و با آب سرد و در نسخه دیگر
زنجبیل ده استار اضافه نموده اند این نسخه بیست جزو است وزن آن یعنی جوزبوا و بلیله
و حب الاس یکصد و سیزده درم حب الاس مثل آن جوزبوا پنج عدد بلیله ده عدد مزاج گرم است
در آخر یک درجه خشک است در یک درجه و نیم جوارش خسروی و آن را جوارش عنبری
گویند ملوک عجم همیشه استعمال میکرده اند نفع میکند امراض بادرده را خصوصا کلیتین را

فنادیقون

خوزی

خوزی

جوارش خسروی

وباه را زیاده کند ونفع میدهد فالج ولقوه و رعشه وخفقان را وحفظ وذهن را زیاده میکند
ونشف رطوبت معده میکند وهضم را نیکو میگرداند وبغایت موافق مزاج بدانست اخلاط
آن قاقله کبار قاقله صغار بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل دار فلفل از هر یک
دوازده درم اشنه دو درم قرنفه یک درم قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوزبوا نخود درم
سنبل الطیب مصطکی عنبر از هر یک دو درم مشک تبتی بزر البنج سفید افیون از هر کدام یک درم
روغن بلسان شش درم افیون بگلاب بخوبی بسایند وحل کنند وعنبر را در روغن بلسان بگدا
زند وداروها کوفته وبیخته بروغن بلسان چرب کنند وبعسل کف گرفته بسرشند ومعجون
حل کرده در آن ریزند ونیک یکدیگر مخلوط سازند ودر ظرف چینی یا آبگینه کنند وبعد از دو
شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکمثقال این نسخه هفده جزو است ووزن آن هشتاد
سه درم مزاج گرم است وخشک در آخر درجه دوم نسخه دیگر که صاحب ذخیره خوارزمشاهی
ذکر کرده وگفته که در شهر بلخ شخصی را دیدم که درد معده داشت بسیار علاج کردند هیچ
طور شفا نیافت باین جوارش شفا یافت اجزای آن پوست ترنج عود هندی قرنفل کبابه
قاقله جوزبوا از هر یکی پنج درم نارمشک انیسون تخم کرفس خبث بیدستر افیون بزر البنج سفید
از هر یکی سه درم روغن بلسان دو درم برگ بادرنجبویه تخم مرزنگوش زعفران از هر یکی سه
درم عنبر اشهب یکمثقال عنبر را با روغن بلسان بگدازند وافیون را بگلاب حل کنند وهمه داروها
با انگبین بسرشند ودو ماه بنهند تا برسد ونیکو هی شش ماه بنهند شربتی دو درم خفقان را
ودرد معده وبیماریهای رحم را سود دارد وبیماری این نسخه موافق بود این نسخه هفده جزو است
ووزن آن شصت درم ونیم تخمینا مزاج گرم است در یک درجه ونیم خشک است در دو درجه
وثلث جوارش شهریاران معده وجگر سرد را وکسی را که بیم استسقا باشد سود دارد و
اسهال کند اجزای آن شیطرج هندی زنجبیل فلفل دار فلفل قرنفه قاقله کبار دارچینی سنبل
سلیخه نانخواه تخم کرفس بادیان انیسون از هر یکی شش درم افیمون تربد از هر یکی دوازده
درم سقمونیا ده درم شکر طبرزد سپید ... درم با انگبین مصفا بسرشند این نسخه بیست و
سه جزو است با شکر ووزن آن یکصد وشصت وهشت درم مزاج گرم است وخشک در دو
درجه ونیم جوارش شهریاران نخودی که در کتاب منهاج الادویه مذکور است نفع میدهد
سردی معده وجگر را ودماغ اصغر ومره سودا را ونفع میدهد قولنج را اخلاط آن
زنجبیل

زنجبیل قرنفه دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هیل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یکی
چهار درم ونیم سقمونیا سه درم تربد هشت درم حب النیل هشت درم شکر سلیمانی مثل جمیع ادویه
اجزا را کوفته وبیخته با انگبین کف گرفته بسرشند شربتی چهار درم این نسخه پانزده جزو است با شکر
ووزن ادویه بغیر شکر شصت وهشت درم ونیم شکر مثل آن مزاج گرم است وخشک در اول
درجه سیم جوارش تمر هندی این جوارش نفعش مخصوص است بقولنج وجمیع سردیها را وعسر البول
نیز نافع است اجزای آن بوره ارمنی زیره کرمانی فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم
ونیم سقمونیا پنج درم خرمای هندی وزن اندازه پاک کرده بادام شیرین مقشر ورق سداب از هر یک
ده درم خرما را بکشانند در سرکه انگوری بخوبی بسایند بعد از آن خوب بکوبند وادویه را
کوفته وبیخته با یکدیگر مخلوط سازند وبعد وزن ونیم عسل کف گرفته معجون سازند شربتی
چهار درم تا شش درم این نسخه نه جزو است ووزن آن چهل وهفت درم ونیم مزاج گرم وخشک است
در دوم درجه ونیم جوارش تمر هندی دیگر تمر هندی ... یکصد عدد بکشانند دو روز
در سرکه انگوری بخوبی بسایند بعد از آن بدست مالیده صاف کنند سداب خشک زنجبیل از
هر یک سیزده درم فلفل سفید سه درم بوره ارمنی پنج درم بادام تلخ مقشر یکصد وپنجاه عدد
سقمونیا پانزده درم تربد سفید ده درم با انگبین مصفا بسرشند این ترکیب هفت جزو است وزن آن
شصت ونه درم بغیر تمر وبادام مزاج گرم است در دو درجه وربع خشک است در اول درجه سیم
جوارش تمر هندی دیگر نافع است تبهای کهنه را ودر تابستان ودر زمستان توان خورد این ترکیب
مسهل مسهلیست یعنی مستفرغ اخلاط آن زنجبیل فلفل سفید از هر کدام یک اوقیه سقمونیا
دو اوقیه ونیم خرمای هندی وزن منقاد را وقیه بادام شیرین مقشر ورق سداب از هر یک چهار
اوقیه ادویه را علیحده بکوبند وخرما را در سرکه انگوری بخوبی بسایند وادارا جدا جدا بکوبند و
بعد از آن جمیع ادویه را باهم مخلوط سازند وبعسل کف گرفته بسرشند چنانکه رسم است
شربتی دو درم این نسخه هشت جزو است وزن آن چهارده اوقیه ونیم که یکصد وپنجاه وپنج درم
ودو دانگ باشد مزاج گرم وخشک است در دو درجه ونیم جوارش دیگر ونفعش نافع است
بادهای غلیظ وبواسیر را ومقوی معده است وتقویت باه و رنگ روی را صاف میسازد
وکلیه را گرم میگرداند ونافع است بادهای رحم را وترف دی که از بواسیر باشد اجزای آن
هلیله کابلی هلیله زرد شیطرج تخم کرفس از هر یک شش درم بلیله آمله نانخواه تودری
سرخ وسفید دار فلفل نخود مقشر از هر یک چهار درم قرنفه سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه

از هر یک هشت درم جوز بوا اسطوخودوس سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان نارمشک از هر یک شش درم سعد
ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید مربا مثل جمیع ادویه روغن کاو ده استار انگبین
کف کرفته بسرشند شربتی دو درم به ماء گاو که اندک نوشیده باشد و مسکه اش کرفته
باشند با نبید موبختج دو هفته بخورد این نسخه بیست و شش جز واست یعنی خبث الحدید
وزن آن یکصد و چهل و هشت درم و نیم تخمینا خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است در
دو درجه وسه ربع جوارش کند این جوارش را عیسی صهاربخت جوارش نیز گویند ناصح
معده را گرم کند و طعام بگوارد و اسهال بلغمی باز دارد اخلاط آن کبابه شصت درم فلفل دار
فلفل از هر یکی ده درم شکر شصت درم زنجبیل خولنجان از هر یکی ده و از ده درم جوزبوا
قرنفل خیربوا از هر یکی پنج درم مشک نیم درم با انگبین مصفا بسرشند شربتی سه درم
این نسخه ده جز واست وزن آن صد و هفتاد و نه درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه
سیم خشک است در یک درجه و نیم جوارش طالیسفر نافع است سردی معده و بادهای
غلیظ را اخلاط آن طالیسفر پنج درم زنجبیل بیست درم فلفل دوازده درم قرنفه از هر یک شش درم
شکر طبرزد پنج رطل این نسخه پنج جز واست یعنی شکر وزن آن چهل و نه درم شکر وزن آن چهل و
نه درم شکر پنج رطل که ششصد و چهل درم و نیم باشد مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک
است در سه ربع درجه جوارش اسقف قولنج بگشاید و حیض باز دارد و باه زیاده کند و بادها
و بواسیر را سود دارد و اسقف که این معجون ساخته سوگند خورده که از دین و ایمان خویش
بیزار باشم که عمدا ام دوائی را که انفع از این ترکیب باشد اجزای آن سقمونیا انطاکی تربد
سفید مجوف از هر یکی پنج مثقال فلفل قاقله از هر یک سه مثقال زنجبیل دارچینی آمله قرنفل
بسفایج جوزبوا از هر یک دو مثقال و نیم و در نسخه دیگر سقمونیا و تربد از هر یک سه مثقال
کوده اند اجزا را کوفته و بیخته یکی رطل شکر نرم کرده در آن ریزد و بعسل کف کرفته معجون
سازند شربت تمام از آن چهار مثقال و در قرابادین قلانسی هندی واست که شربتی از آن
بجهة هضم دو درم و بجهة اسهال شش درم این ترکیب ده جز واست یعنی شکر وزن
آن سی و یک مثقال شکر یک رطل که یکصد و بیست و هشت درم و نیم است مزاج گرم و خشک
است در اول درجه سیم جوارش بلادر ذهن و دماغ و معده سرد را سود دارد و در فع نسیان
کند و رنگ روی سرخ گرداند و ذهن و تفکر را لطیف کند این جوارش حکما گویند و نطقی

کوبند که این جوارش سلیمان پیغمبر علیه السلام است اجزای آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه بلیلهٔ آمله
جند بیدستر از هر یکی چهار درم قسط بلادر بزر الکابلی شکوطبرزد حب الغار از هر یکی دو از ده
درم سعد هشت درم داروهای خشک را بکوبند و به بیزند و بروغن گاو چرب کنند و بلادر را بعسل
بگدازند و بیامیزند و بهم بسرشند عسل دو وزن جمله داروها شربتی دو درم پس از شش ماه
الله دفیح کی فس و بادیان و شخص که این جوارش را بکار دارد خود را از پنج سخت و ریاضت و جنبم
وغم نگاه دارد و از مباشرت بسیار و شراب بسیار پرهیز کند و طعام وی اسفیدباج باشد این ترکیب
دوازده جز واست وزن آن نود و دو درم مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است
در اول درجه سیم جوارش فنجنوش معده ضعیف را و خدا وند بواسیر را سود دارد و کونه روی
صاف کند و قوت باه زیاده کند اخلاط آن هلیلهٔ کابلی بلیله شیر آمله فلفل دار فلفل زنجبیل سعد
شیطرج هندی سنبل از هر یک ده درم تخم اسبست تخم کندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
شوده و چهار ده درم زنجبیل که در غار کرده و خشک کرده بریان عوجه صد درم با انگبین و روغن
گاو بسرشند و در منهاج بدل او روغن بادام شیرین آورده و دو درم مشک زیاده کرده
بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم این ترکیب دوازده جز واست وزن آن یکصد و
نود و هشت درم مزاج گرم است در دو درجه و سه ربع خشک است در آخر درجه سیم
معجون فنجنوش دیگر مسک مقوی معده و مسخن آن است و نفع میدهد بواسیر را و باه را زیاد
میکند و مجرب است اجزای آن هلیلهٔ کابلی بلیلهٔ آمله فلفل دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی
تخم شبت تخم کرفس تخم کندنا تخم جرجیر تخم شلغم تخم گزر دار فلفل کل سرخ سلیخه سعد دارچینی
قرنفل جوز بوا از هر کدام یک درم بسباسه هیل قاقله سنبل عود خام مشک تبتی از هر یک دو
درم حب الرشاد سفید سه اوقیه جمیع ادویه بعسل کف کرفته بسرشند شربتی دو درم این
نسخه بیست و هفت جز واست یعنی خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است در آخر درجه
سیم جوارش فنجنوش دیگر منقول از قرابادین قلانسی بجهة صاحب معده گرم موافق است
اخلاط آن هلیله کابلی بلیلهٔ آمله اصل سوسن پوست کندر کل سرخ از هر یک ده درم
خبث الحدید مدبر مثل جمیع ادویه شکر طبرزد آنقدر که ادویه را بر آن جمع شود شربتی
دو درم بشراب سیب این نسخه شش جز واست یعنی خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است

جوارش خبث الحدید

دو درجه و نیم جوارش خبث الحدید منقول از جامع الادویه زنجانی نافع است بجهة صاحب
معده سرد و بواسیر و سر بیماران و رنگ روی را صاف کند و اشتهای بد بیارد و دوا اجزای آن هلیلهٔ
کابلی بلیله آمله پنج شونیز زنجبیل عود خام جوزبوا سک گل سرخ سنبل اذخر مصطکی از هر یک
ده درم خبث الحدید مصری هفت شبانروز در سرکه خیسانیده و بعد از آن خشک کرده
وزن داده مثل جمیع ادویه بشکر طبرزد بسرشته شربتی ده درم این ترکیب دوازده جز
یعنی خبث الحدید وزن آن یکصد و بیست درم خبث الحدید مثل آن مزاج گرم است و خشک
در دوم درجه و دو ثلث جوارش سفرجل مسهل نفع میدهد قولنج را و خشک میکند فضول
سفرجل مسهل — بدن را اخلاط آن به پوست کنده اند درون تخم پاک کرده یک رطل عسل کف گرفته دو رطل
زنجبیل دار فلفل از هر یک چهار درم دارچینی ده درم هیل قاقله زعفران از هر یک سه درم
مصطکی پنج درم سقمونیا ده درم تربد سفید مجوف صمغی ده درم اجزا را کوفته و بیخته و به را
بسرکه انگوری خوب پخته بعد از آن از آتش فرود گرفته یکساعت بگذارند که رطوبت بالکلیه
برود بعد از آن به را خوب بکوبند و عسل را با آتش آهسته طبخ نمایند و اندک اندک حرکت
دهند تا نزدیک با انعقاد شود بعد از آن به کوفته را در آن بریزند و بر هم زنند تا عسل
بجمیع اجزای به رسد و رطوبتش برطرف شود پس از آن از آتش فرود گرفته ادویه در آن بریزند
و برهم زنند تا خوب یکدیگر مخلوط شود پس ظرف چینی را بروغن بادام یا روغن شیره
چرب کنند و آن معجون را بر سطح آن بریزند و بدست هموار کنند و دو سه روز بگذارند
تا خشک شود و سخت گردد بعد از آن بکارد ببرند و پارچه پارچه نمایند هر پارچه چهار
مثقال و در ظرفی کرده سر آن را ببندند و در وقت حاجت بکار برند و بعضی از
اطبا مشک دو درم داخل این ترکیب مینمایند این نسخه ده جز واست یعنی عسل وزن آن
یکصد و نود و دو درم عسل دویست و پنجاه و شش درم مزاج گرم است در یکم درجه و
نوع دیگر — سه ربع خشک است در اول درجه سیم ایضاً جوارش سفرجلی مسهل سفرجل خوشبو
چهار درم فلفل زنجبیل از هر یک دو دانگ سقمونیا یک درم با انگبین مصفا بسرشتند شربتی
یک درم این نسخه چهار جز واست وزن آن پنج درم و چهار دانگ مزاج گرم است در دوم درجه
سفرجل ممسک — و ربع خشک است در دوم درجه و نیم جوارش سفرجلی ممسک طبیعت تا ببندد و نفع
دهد

عسل
دهد ضعف معده و قی و بدی هضم را و رنگ روی را نیکو گرداند اجزای آن سفرجل مقشر
کف گرفته از هر یک دو رطل فلفل دار فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم هیل هشت درم قاقله
قرنفل سنبل الطیب دارچینی زعفران از هر یک دو درم بطریقی که در جوارش سفرجلی
مسهل مذکور شد مستعمل نمایند این نسخه ده جز واست یعنی عسل وزن آن دویست و
نود درم عسل دو رطل که دویست پنجاه و هفت درم باشد مزاج گرم است در سه ربع درجه
سفرجل — اول خشک است در یک درجه و سه ربع معجون سفرجلی معمول بعصاره سفرجل نافع است
بطلان شهوت را و کسی را که جگر ضعیف باشد و بغایت خاص معده نماید اخلاط آن سفرجل
بی دانه درون دانه پاک کرده بکوبند و شیره آن بگیرند و قسط رومی که چهار صد درم
باشد عسل کف گرفته مثل آن سرکه انگوری یک قسط و نیم که سیصد درم باشد از هر سه
بر سر آتش نرم طبخ نمایند و کف بگیرند بعد از آن زنجبیل سه اوقیه فلفل سفید دو اوقیه بکوبند
و بیزند و در آن ریزند و استعمال آرند این نسخه با عسل پنج جز واست وزن آن یکهزار و صد و
سفرجل — پنجاه و سه درم و نیم مزاج گرم است قریب به سه ربع درجه خشک است در سه درجه و ربع
ایضاً جوارش سفرجلی نسخه دیگر مشهی طعام و مقوی معده است اجزای آن عصاره سفرجل
سه رطل عسل سه رطل سرکه انگوری دو رطل زنجبیل پنج درم فلفل سفید و سیاه دار
فلفل از هر یک سه درم دارچینی دو درم عود خام سه درم شربتی مثل فندقی پیش از
طعام بنوشند و بعد از دو ساعت طعام بخورند این نسخه نه جز واست با عسل و وزن آن هزار
و چهل و هفت درم مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشک است در آخر درجه
جوارش هندی — جوارش هندی نافع است قولنج و درد مفاصل و نقرس و درد پشت را اخلاط آن سقمونیا
ده مثقال خیربوا قاقله زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنج مثقال
تربد صد مثقال شکر صد مثقال عسل بقدر حاجت و این جوارش را جوارش تربد
مینامند شربتی از پنج درم تا ده درم این ترکیب پانزده جز واست وزن آن یعنی شکر
نوع دیگر — یکصد و پنجاه مثقال شکر صد مثقال مزاج گرم است در دوم درجه و ربع خشک است
در اول درجه سیم ایضاً جوارش هندی صاحب ذخیره خوارزمشاهی میفرماید که
این جوارش خداوند قولنج و وجع مفاصل و نقرس را و خداوند ضعف معده را سود
دارد اجزای آن سنطوج هندی ساذج هندی از هر یک چهار درم جوزبوا ناخواه از هر

دو استار فلفل دار فلفل از هر یک پنج استار هلیله سیاه سی استار نارمشک دو استار قرنفل پنج درم
بسباسه چهار درم فانید چه استار شربتی دو درم بانبید کهنه این نسخه ده جزو است و وزن آن سیصد و
هشت درم و دو دانگ مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است در دو درجه و ربع جوارشن
الملوک این ترکیب را دواء السنه نیز گویند یکسال تمام هر روز باید خورد و باقی عمر هرگاه
که اخذ نمایند مفید است و کسی که بآن مداومت نماید باقی عمر نماند در بدنش دردی الا آنکه
این ترکیب برطرف میسازد آنرا و نمیگذارد که موی سفید شود و این ترکیب را پادشاهان
ما تقدم استعمال مینموده اند نافع ناسور سیاه و سرخ و سفید را و جمیع سرفها را و
ضربان مفاصل را و جلای باصره میدهد و رنگ را صاف میکند و قوت جماع میدهد و
مطلقا آنرا ضرر و رنلیت و کسی را که آنرا تناول نماید باید که گرسنه نماند اخلاط آن هلیله
سیاه بلیله آمله از هر یک سی و شش مثقال شونیز بیست و چهار مثقال فلفل اشق
دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک دوازده مثقال نارمشک قاقله سعد از هر یک
دو مثقال کابه بالحداد از هر یک شش مثقال فانید سنجری ششصد مثقال اجزا را نرم کوفته
و بیخته بفانید معجون سازند و آنرا حب کنند هر یک مقدار دو مثقال و ربع و هر روز
یکی از آن حب را با آب سرد فرو برند و در وقت حب کردن دست را بروغن بادام
کاو چرب باید کرد و صاحب منهاج الادویه و جامع زنجانی گویند که هو سید الادویه
یعنی این ترکیب بهترین ترکیبات است در نفع این ترکیب چهارده جزو است نعی فانید
و وزن آن دویست و ده مثقال مزاج گرم است در آخر درجه خشک است در آخر
درجه و نیم جوارشن سقمونیا مسهل است و نفع میدهد نقرس و درد پشت
و جمیع امراض بارده را اخلاط آن سقمونیا دارچینی شیطرج زنجبیل از هر یک هشت درم
فلفل شش درم تربد ده درم دار فلفل شش درم قاقله قرنفل تخم کرفس نانخواه
از هر یک چهار درم نوشادر نمک هندی از هر یک دو درم فانید شکر از هر یک
بیست درم حلتیت دو درم و نیم سقمونیا سه درم عسل بقدر حاجت
شربتی دو درم تا چهار درم با آب نیم گرم این ترکیب هفده جزو است و وزن آن یکصد و
نوزده درم و نیم مزاج گرم است در درجه و نیم خشک است در دو درجه و ثلث

جوارشن الملوک

جوارشن سقمونیا مسهل

جوارشن کمون

جوارشن کمون مقشر زیره کرمانی زنجبیل از هر یک ده درم دار فلفل فلفل از هر یک پنج درم
دارچینی دو درم قاقله هیل از هر یک سه درم شکر طبرزد فانید از هر یک شصت درم
این نسخه هشت جزو است و وزن آن چهل و هشت درم مزاج گرم است در آخر درجه و نیم
خشک است در دو درجه و ربع ایضا جوارشن کمون نجویی که صاحب منهاج الادویه
ذکر کرده و آنرا سفوف حامل نیز گویند نفع میدهد زنان آبستن را و از ایشان شهوت
بچون گل و انگشت خوردن وغیر آن دور مینماید و تقویت معده میکند و اشتهای
طعام مشتاق رد و رنگ رو را نیکو کرداند اخلاط آن زرنباد تخم کرفس نانخواه از هر یک
دو درم کند در کوس سه درم زیره کرمانی دو درم کمون مقشر ده درم زنجبیل فلفل
دار فلفل هیل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد یک رطل ادویه را خوب
کوفته و بیخته بشکر معجون سازند این ترکیب دوازده جزو است و وزن آن سی و نه درم
شکر طبرزد یک رطل که یکصد و بیست و هشت درم و نیم است مزاج گرم است در آخر
دو درجه خشک است در یک درجه و نیم جوارشن حب الخضرا نافع است بواسیر و برد
معده و بدی هضم و نرمی طبیعت را اخلاط آن حب الخضرا عسل بلادر کمون مقشر از
هر یک شش استار شکر طبرزد بیست و چهار استار هلیله کابلی بلیله آمله مویز
النوبی زنجبیل دار فلفل بزرنج کابلی ساذج هندی شیطرج از هر یک چهار درم مرزنگوش
بسباسه از هر یک دو درم عسبل و روغن کاو بقدر احتیاج معجون سازند و بعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بدوغ کاو و غذای وی مادام که این ترکیب
میخورده باشد شیر برنج این ترکیب پانزده جزو است و وزن آن سیصد و چهار درم مزاج
گرم است در دو درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم جوارشن انجدان نافع است
نفع شکم و معده و بادهای غلیظ را اخلاط آن فلفل تخم کرفس از هر یک دوازده
درم انجدان سیاه چهار درم قطر اسالیون مامیران فو تخم جاشا سلیس انیسون از هر یک
هشت درم انجدان سفید سیزده درم عسل کف گرفته سرشته این نسخه نه جزو است
و وزن آن نود و یک درم مزاج گرم است و خشک در دو درجه و ربع نسخه دیگر
نافع است معده و جگر سرد را و کسی را که جگر صلب شده باشد و کرده سرد را سود

نوعی دیگر

جوارشن حب الخضرا

جوارشن انجدان

نوعی دیگر

دارو و استسقا را سود دارد اخلاط آن انجدان سیاه ده درم تخم خرجیر تخم کندنا از هر یک
هشت درم زنجبیل بلیله آمله از هر یک هفت درم نانخواه تخم کرفس انیسون قاقله صعتر
زیره کرمانی دارچینی از هر یک پنج درم هلیله سیاه هفده درم قرفه هفت درم فلفل
دار فلفل از هر یک چهار درم سنبل دو درم قرنفل یکدرم با انگبین مصفا بسرشند
شربتی دو درم اندر طبیخ بادیان و انیسون و سنبل و مصطکی این نسخه هجده جزو است وزن
آن یکصد و دو درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در درجه دوم و ربع
جوارش کافور
جوارش کافور نافع است ضعف معده و جگر را و دفع بادهای غلیظ کند و یاری دهد
هضم را اجزای آن کافور زعفران عود قاقله خیربوا کبابه کاشم قرفه قرنفل اشنه سنبل
بسباسه صندل سفید فلفل دار فلفل دارچینی شیطرج نارمشک سقاقل خولنجان
جوزبوا زنجبیل سعد فلفلمویه اجزا مساوی بکوبند شکر بوزن جمیع ادویه این نسخه
بیست و چهار جزو است مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در دو درجه
و ربع نسخه دیگر نافع است بدی هضم و ضعف معده و بلغم غلیظ را اخلاط آن فلفل جوز
نوعی دیگر
بوا زنجبیل قرنفل بسباسه دارچینی قرفه باغست فلفلمویه نارمشک قرنفل بستانی کافور
زعفران از هر یک دو درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه سیزده جزو است وزن
آن بیست و شش درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در دو درجه و نیم
ایضا نسخه دیگر اقوی از اول اخلاط آن زنجبیل فلفل دار فلفل دارچینی قرفه ساذج هندی
نوعی دیگر
سنبل الطیب شیطرج جوزبوا صندل حب بلسان قاقله بسباسه قرنفل نارمشک طالیسفر
سعد طباشیر عود هندی از هر یک نیم اوقیه کافور ریاحی مشک تبتی از هر یک دو درم
و نیم شکر طبرزد ده اوقیه نیم عسل کف گرفته آن قدر که حاجت باشد بسرشند این نسخه
بیست و یکجزو است یعنی وزن ادویه یکصد و هفت درم تخمینا شکر ده اوقیه و نیم که
یکصد و دوازده درم باشد مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در دو درجه
جوارش عود
درجه و ربع جوارش عود مقوی معده و مسخن آن است بغیر افراط و هضم طعام کند
و نشف رطوبت از معده مینماید اخلاط آن سنبل الطیب سنبل رومی تخم کرفس انیسون
مصطکی از هر کدام یکدرم عود سه درم قرنفل دو درم بسباسه دو درم و نیم قرفه
از هر

از هر یک دو درم هلیله کابلی فرنجمشک از هر یک دو درم و نیم جوزبوا یکدرم و نیم مرباجوز سه
درم گل سرخ قصب الذریره از هر یک دو درم بمیبه خام کنند شربتی دو مثقال این ترکیب شانزده
نوعی دیگر
جزو است وزن آن سی درم مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در آخر درجه ایضا
جوارش عود صنعت شیخ الرئیس اجزای آن عود سه درم کافور ربع درم مشک ثلث درم
بسباسه نارمشک سعد فرنجمشک زرنب زرنباد از هر کدام یکمثقال دارچینی مصطکی زنجبیل
فلفل قرنفل از هر یک دو درم لسان الثور دبخید درم تخم بادرنبویه تخم کرفس وج سنبل از هر یک
سه درم بعسل مصفا بسرشند این نسخه نوزده جزو است وزن آن سی و نه درم و نیم
دانگ مزاج گرم و خشک است در آخر دو درجه ایضا جوارش عود صنعت شیخ الرئیس
نوعی دیگر
اخلاط آن هیل زنجبیل دارچینی سلیخه زعفران فلفل فرنجمشک زرنباد از هر یک پنج
درم سعد زرنباد ساذج هندی قرنفل از هر یک سه درم عود خام هفده درم عنبر
یکمثقال لاجورد یکمثقال کافور دو دانگ تربد چهار درم نمک هندی یکدرم بعسل مصفا
با شکر بیامیزند این نسخه هجده جزو است وزن آن شصت و هفت درم مزاج گرم و خشک
است در آخر درجه دوم جوارش جالینوس منقول از ذخیره این جوارش را خاصیت
جوارش جالینوس
بسیار است همه اندامها را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیاری
بول که از سردی مثانه باشد باز دارد و سرفه بلغمی را ببرد و باه را قوت دهد و لون را
صافی کند و بادهای ناصور و دیوانگی ببرد و درد سر که از سردی باشد و نقرس
و فق یا و بهق را سودمند بود و بواسیر و ریاح کرده باد دفع کند و سیاهی موی را نگاه
دارد و هر کس که بیست و یک روز استعمال نماید این بیماریها که ذکر کرده ایمن گردد و بعد
از ده روز که ساخته باشند استعمال توان کرد اجزای آن سنبل قرنفل سلیخه دارچینی
خولنجان زنجبیل زعفران فلفل سعد قسط بحری دارفلفل سعد بلسان حب الآس
اسارون قصب الذریره از هر یکی جزوی مصطکی پنج جزو شکر مثل جمیع اجزا بعسل
کف گرفته بسرشند و هفته نگاه دارند شربتی دو مثقال بناشتا و اگر از پس طعام
بساعتی خورند روا باشد هر چند کهنه تر شود بهتر باشد این نسخه هجده جزو است

باشکر مزاج گرم وخشک است در آخر درجه دوم جوارش دارچینی نافع است ضعف جگر
ومعده وکلیه را واخلاط غلیظ را پاک میسازد وبادهای غلیظ را دور کند اخلاط آن دارچینی
عود راسن از هریک شش درم قرنفل فلفل سیاه دارفلفل سنبل اسارون از هریک پنج درم
زنجبیل بلسان وقیه نعناع هشت درم خیربوا قرنفه از هریک دو درم مصطکی انیسون تخم
رازیانه سلیخه از هریک سه درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه شانزده جزو است
وزن آن هفتاد وهفت درم ونیم مزاج گرم وخشک است در دوم درجه ونیم جوارش
هندی نافع است ... معده ... مفاصل ونقرس را اخلاط آن شیطرج
سادج از هریک چهار درم ... از هریک ده استار فلفل دارفلفل از هریک
پنج استار زنجبیل پنج استار هلیله سیاه سی استار ... مشک دو استار قرنفل پنج درم
خیربوا دو استار ... سه چهار درم فانید ده استار شربتی دو درم این ترکیب سیزده
جزو است وزن آن چهار صد وشانزده درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک
در ... درجه ونیم جوارش زنجبیل نافع است بادهای غلیظ را وطعام بگوارد
واسهال باز گیرد وخداوند هیضه را سود دارد اخلاط آن زنجبیل ... درم صمغ
عربی خیربوا از هر یکی ده درم قرنفل دارچینی از هریک پنج درم خولنجان یک درم
زعفران یک درم نشاسته کندر چهل درم شکر طبرزد ... این نسخه
هشت جزو است وزن آن نود وسه درم شکر یک رطل که صد و بیست وهشت درم چهار
سبع یک درم باشد مزاج گرم است در یکم درجه ونیم خشک است در یکم درجه وسه ربع
جوارش مشک ضعیف معده وبادهای که اندر معده و روده ها بود ... باد
ناسور وخفقان را سود دارد اخلاط آن مشک تبتی نیم مثقال خیربوا قاقله قرنفل
زنجبیل دارفلفل از هر یکی ده درم دارچینی سه درم عود هندی ... زعفران
دو درم شکر ... جمیع ادویه با انگبین بسرشند شربتی دو درم این نسخه نه جزو است
وزن آن شصت ونه درم ونیم شکر مثل آن مزاج گرم است وخشک در دوم درجه
ونیم جوارش اترج بادها را بشکند وطعام بگوارد وبوی دهان خوش کند اخلاط
آن پوست ترنج خشک ... درم قرنفل جوزبوا دارفلفل فلفل ... دارچینی
خو

خولنجان زنجبیل از هریک یک درم مشک تبتی یک دانگ نیم با انگبین مصفا بسرشند چنانکه
رسم است شربتی دو درم این نسخه ده جزو است وزن آن سی و هشت درم و یک دانگ
مزاج گرم است وخشک در اول درجه سیم جوارش ... نافع است قولنج و... را
واخراج فضلات غلیظ لزج نماید ونفع دهد ... اخلاط آن دارفلفل زنجبیل هلیله
... از هریک دوازده درم تخم کرفس ... از هریک
شش درم شکر شانزده درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه ده جزو است وزن آن با شکر
یکصد درم مزاج گرم وخشک است در دوم درجه ونیم جوارش اسقنقور ... را
اخلاط آن تخم هلیون تخم ... تخم شلغم تخم رطبه تخم کندنا تخم کزر تخم ... تخم الجرجیر
... حبة الخضراء لسان العصافیر ... تخم ... و سفید حب الصنوبر
... از هریک سه درم زنجبیل شقاقل خولنجان دارفلفل از هریک پنج درم دارچینی
... سرخ وسفید از هریک دو درم سقنقور پنج درم اسقیل مشوی سه درم
فانید وزن جمیع ادویه بعسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم ... بماء العسل
... این ترکیب بیست وهفت جزو است ... فانید وزن آن هشتاد وهفت درم فانید مثل
آن مزاج گرم است در دوم درجه وربع خشک است در یکم درجه ونیم جوارش دیگر خفقان را
ومقوی معده وهاضم طعام است ... اخلاط آن هلیله کابلی پانزده درم
... پنج درم ... سلیخه از هریک سه درم ... درم
درم فانید ... درم بعسل کف گرفته بسرشند شربتی سه درم این نسخه هشت جزو است
با فانید وزن آن هفتاد و دو درم مزاج گرم است در آخر دوم درجه خشک است در
دوم درجه وربع ذکر بعضی انجوارشات که در ... جوارش
نافع است اوجاع معده را اخلاط آن ... از هریک پنج درم عود خام سه درم
... پنج درم مصطکی زعفران ... از هریک سه درم سنبل دو درم ...
معجون سازند شربتی دو درم بشراب ... این نسخه هشت جزو است وزن آن بیست و
نه درم مزاج گرم است در یکم درجه خشک است در یکم درجه وسه ربع جوارش مسمن
مغز بادام مغز فندق مغز پسته حبة الخضراء جلغوزه ... اجزا مساوی یکدیگر

بعسل کف گرفته معجون سازند ومعجون را حب سازند هریک مقدار نخودی شربتی پنج حب تا ده حب بنا شتا و آب گرم بنوشند بدن را فربه میکند و رنگ روی را صاف میسازد و باه را زیاد میکند این نسخه شش جزو است مزاج گرم و خشک است در یک درجه و نیم جوارش سکنجبین مستعملست در قولنج گاهی که غشیان استیلا یابد و آنچه صاحب قولنج خورده بقی دفع کند اخلاط آن سقمونیا مصطکی قرنفل سکو فلفل زنجبیل قرفه جوز بوا دار فلفل همه مساوی بکوبند شربت بر آن [illegible] عسل مساوی هر دو را با هم ممزوج ساخته طبخ نمایند چندانکه بقوام آید بعد آن [illegible] نداد و به حیا کرده اجزا را با آن بسرشند شربتی از یک تم تا دو درم و نیم این نسخه ده جزو است مزاج گرم است در آخر درجه دوم و در درجه خشک است در درجه دوم و نیم جوارش که مسهل بلغمی وصفرا است بمستقا اجزای آن عود صافی پنج درم مصطکی پنج درم تربد سفید بیست درم سقمونیا انطاکی دو درم و نیم اجزا را کوفته و بیخته و بعسل طبرزد یا عسل کف گرفته معجون سازند شربتی پنج درم این نسخه چهار جزو است وزن آن سی و دو درم و نیم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم جوارش مسهل آب به چهار درم آب سیب چهار درم عسل پنجاه درم شکر پنجاه درم مجموع را طبخ نمایند تا بقوام آید بعد از آن این ادویه را که مذکور میشود نرم کوفته و بیخته در آن ریزند و خوب مخلوط سازند اجزای آن مصطکی عود خام زنجبیل انیسون چهار درم تربد سفید تراشیده پانزده درم مجموع ده درم شربتی چهار مثقال این نسخه پنج جزو است بغیر آبها وزن آن بیست درم مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در سه ربع درجه ایضا جوارش مسهل مناسب است کسانی را که محرور المزاج باشند اجزای آن تربد سفید ده درم سقمونیا یک درم طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک یک درم و نیم عسل طبرزد شانزده درم چنانکه رسم است معجون سازند شربتی دو مثقال این نسخه پنج جزو است وزن آن پانزده درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در اول درجه ایضا جوارش مسهل تقویت معده میکند و طبیعت را نرم میسازد و اطلاق با سانی میشود اخلاط آن تربد سفید ده درم محموده مشوی دو درم مصطکی چهار درم عود هندی سه درم اجزا را کوفته و بیخته در بیست درم رب سیب خمیر سازند شربتی پنج درم این نسخه چهار جزو است وزن آن نوزده درم

جوارش خوزی
درم مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است در آخر درجه دوم جوارش خوزی رازی محمد بن زکریا رازی نفخ میکند و ملایمست معده را معاونت معا را و قرا قر را که در آن باشد اخلاط آن دانه مویز که در سرکه خیسانیده باشند و نرم نرم چون سرمه کوفته سی درم حب الآس شصت درم خرنوب نبطی جلنار کندر از هر یک ده درم کنار نانخواه مصطکی سعد سنبل از هر یکی پنج درم سماق بشکر بقوام آورده یا بعسل مصفا بسرشند شربتی سه درم تا چهار درم این نسخه ده جزو است وزن آن یکصد و چهل و پنج درم مزاج سرد است در ربع درجه خشک است در آخر درجه دوم جوارش خرنوب خرنوب نبطی بلوط جلنار از هر یک جزو و حب الآس دو جزو دانه انگوری که از سرکه بر آورده باشند یک جزو سویق حب الرمان یک جزو و نیم به خمیر نمایند این نسخه شش جزو است مزاج سرد است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر درجه دوم جوارش خوزی نافع است ضعف ماسکه معده را اخلاط آن هلیله سیاه مقل از هر یک ده درم حوف بو داده پنج درم نانخواه صعتر فارسی از هر یک سه درم خبث الحدید مدبر بسرکه ده درم بعسل کف گرفته معجون سازند این نسخه شش جزو است وزن آن چهل و یک درم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه و ثلث جوارش شهریاران نافع است معده و جگر سرد را و قولنج را بگشاید و سوداوی و بلغمی و ذات بیا اجزای آن سنبل قرفه فلفل دار فلفل انیسون قاقله جوزبوا از هر یک دو درم زنجبیل مصطکی ناردین مشک دارچینی شیطرج هندی از هر یک سه درم سقمونیا ده درم مغز حب النیل چهار درم بسفایج پنج درم نمک هندی سه درم تربد سفید بیست درم افتیمون ده درم فانید بیست درم خیار چنبر ده درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند شربتی از وی تا هفت درم ضعفا را پنج درم این نسخه بیست جزو است وزن آن یکصد و سه درم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در یک درجه و ثلث جوارش استسقا تالیف محمد بن زکریا رازی اخلاط آن سنبل مصطکی گل سرخ لک ریوند چینی از هر یک یک جزو ماذریون در سرکه انگوری خیسانیده دو جزو و نیم در میان سرکه و عسل معجون سازند شربتی یک مثقال این نسخه هفت جزو است مزاج گرم است در درجه سیم خشک است در دو درجه و نیم جوارشی که نافع است رطوبت قلب را اجزای آن بسد کهربا شکر

مرباديد فرنجمشك قشور آمله قشور اترج از هريك شش درم ابريشم خام بادرنجبويه لسان
الثور از هريك ده درم سنبل رومي سه درم كشنيز خشك دو درم بادروج دو درم بهمن
سرخ وسفيد از هريك پنج درم مشك يك درم عنبر اشهب يك درم مصطكي سه درم بعسل كف
گرفته معجون سازند شربتي يك مثقال اين نسخه هجده جزو است وزن آن نود و چهار درم
مزاج گرم است در آخر درجه اول خشك است در يك درجه و نيم جوارش بزور مقوي معده
و هضم طعام ميكند و دفع بادهاي غليظ مينمايد اخلاط آن تخم كرفس نانخواه از هريك دو
درم مصطكي خولنجان قرفه قرنفل از هريك سه درم حب الآس نشادر نوداده بيست درم انجيل
پنج درم بعسل مصفا بسرشند شربتي سه درم اين نسخه هشت جزو است وزن آن چهل و
يك درم مزاج گرم است در ثلث اول درجه سيم خشك است در يك درجه و نيم جوارش مطلق
مسهل كم ميكند صفرا و بلغم را و مناسب است گرم مزاجان را اخلاط آن تربد يك مثقال سقمونيا
يك دانگ گل سرخ طباشير زعفران از هر كدام يك دانگ نيم عسل طبرزد سه درم مجموع
اين يك شربت است اجزاي اين نسخه بغير عسل پنج است وزن آن يك مثقال و پنج دانگ و نيم
مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشك است در اول درجه سيم جوارش مقل نافع است شقاق
معده و بواسير و وجاع معده را اجزاي آن هليله كابلي بليله آمله مقل صمغ النوي انيسون
مصطكي از هريك ده درم نانخواه پنج درم اجزا را كوفته بروغن تفتا گاو چرب كنند و بيست
درم مقل در آب گندنا بسايند و دواها را با آن بسرشند شربتي سه مثقال با آب گرم اين نسخه
هفت جزو است وزن آن هفتاد و پنج درم مزاج گرم است در اوايل درجه دوم خشك است
در يك درجه و نيم جوارش جهت كسي كه بول ميكند در خواب از غلبه حرارت اخلاط آن هليله
زرد بليله آمله حفت بلوط جلنار گل سرخ اجزا مساوي يك بيك بعد از كوفتن اجزا را
بروغن گاو چرب كنند و بعسل طبرزد معجون سازند شربتي دو درم با آب ريباس اين نسخه
شش جزو است مزاج سرد است در اول درجه خشك است در آخر آن جوارش جهت كسي
كه بول ميكند در خواب از غلبه برودت اجزاي آن ... تخم كتان هليله كابلي از هريك
ده درم پنج خطمي هفت درم اقاقيا كندر ماميثا از هريك دو درم شب يماني بوداده
سه درم بعسل كف گرفته معجون سازند شربتي دو درم اين نسخه نه جزو است وزن آن
چهل و هشت درم مزاج گرم است در اواخر درجه اول خشك است در يك درجه و نيم جوارش
سماق

سماق نافع است اسهال صفرا و بلغم را اخلاط آن سماق سي درم سويق جو سويق كنار سويق سيب كعك
بغدادي خرنوب شامي از هريك ده درم بشراب سيب با شكر طبرزد بسرشند شربتي پنج درم اين
نسخه شش جزو است وزن آن هشتاد درم مزاج سرد است در آخر يك درجه خشك است در آخر دو
درجه جوارش زرعوني منقول از قرابادين نجيبي تقويت باه ميكند اجزاي آن تخم هليون
شقاقل بهمن سرخ و سفيد تودري سرخ تودري گلگون سره سقنقور لسان العصافير از
هريك پنج درم زنجبيل بزر اللفت بزر الرطبه بزر الفجل حب بزر العصل بزر الشهدانج بزر
الجزر بزر الكراث خولنجان جوزبوا دارچيني دار فلفل بوزيدان اسفيداج مشوي از هريك سه
درم بزر الجزر ده درم فانيذ بوزن جميع اجزا همه را كوفته بعسل كف گرفته معجون سازند
اين نسخه بيست و چهار جزو است وزن آن هشتاد و دو درم فانيذ مثل آن مزاج گرم است
در اول درجه سيم خشك است در يك درجه و ربع اطريفل اطريفل بزرگ معده و امعا
سر را قوت دهد و گرم كند و طعام بگوارد و مثانه را قوي كند و قوت باه بيفزايد اخلاط
آن هليله كابلي بليله آمله بوزيدان بسباسه شيطرج شقاقل از هريك جزوي تودري
سرخ و سفيد و بهمن سرخ و سفيد لسان العصافير از هريك نيم جزو اجزا را كوفته و بيخته بروغن
گاو چرب كرده با انگبين بسرشند اين تركيب دوازده جزو است مزاج گرم است و خشك در يك درجه
و نيم اطريفل كبير نافع است سوء هضم و درد معده را خصوصا استرخاي معده و مثانه را و باه را
زياده كند اخلاط آن هليله سياه مقشر شش درم بليله آمله تخم كرفس جبلي شيطرج هندي
نانخواه صعتر فارسي از هر كدام يك اوقيه سنبل حماما هيل وج از هريك سه درم دارچيني
چهار درم فلفل سفيد و سياه ناردمشك نمك هندي از هريك نيم اوقيه خبث الحديد سه اوقيه
خردل قرنفل از هر كدام يك اوقيه و نيم نوشادر نيم درم اجزا را كوفته و بيخته بروغن بادام چرب
كرده بعسل كف گرفته بقدر كفايت معجون سازند شربتي يك ملعقه اين نسخه بيست جزو است
وزن آن يكصد و هفتاد و دو درم و نيم مزاج گرم است در دوم درجه و نيم خشك است در آخر
درجه سيم اطريفل ديگر كه طبع را نرم دارد و معده را از بلغم و صفرا پاك ميكند اخلاط آن هليله
زرد هليله كابلي بليله آمله از هريك ده درم اصل السوس پخته مغز تربد سفيد بيست درم

زنجبیل شیطرج از هر یک سه درم شاهترج دو درم گل سرخ پنج درم بانکبین مصفا بسرشته
شربتی از چهار درم تا پنج درم این ترکیب ده جز واست وزن آن هفتاد و هفت درم مزاج گرم است
در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم اطریفل میانه هلیله زرد چهل درم

نوعی دیگر

هلیله کابلی سی درم بلیله آمله بیست درم شاهترج پانزده درم سنا مکی ده درم گل
سرخ بسفایج اسطوخودوس انیسون مصطکی از هر یک پنج درم اجزا را بکوبند و بروغن بادام چرب کنند و بانکبین بسرشته
اگر رطوبتی باشد شش درم تربد با آن یار کنند و اگر سقمونیا نقد زحاجت با آن یار کنند اسهال
بیشتر کند این نسخه نه جز واست وزن آن یکصد و پنجاه و یک درم و دو دانگ مزاج گرم است
در اول درجه اول خشک است در آخر درجه دوم نسخه دیگر مختصر هلیله سیاه هلیله

نوعی دیگر

کابلی بلیله آمله زنجبیل کوفته مقشر شکر اجزا مساوی همه یکی یکی بروغن گاو چرب کنند
و بانکبین مصفا بسرشته این نسخه هفت جز واست مزاج گرم است و خشک در آخر درجه
اول اطریفل افتیمون هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله از هر یک ده درم سنا مکی

اطریفل افتیمون

افتیمون تربد از هر یک پنج درم شیطرج سه درم بسفایج یک درم انیسون نمک نفطی از
هر یک دو درم بانکبین مصفا بسرشته شربتی چهار درم این ترکیب ده جز واست و وزن
آن شصت و سه درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در اول آخر درجه دوم
اطریفل عددی هلیله سیاه پانزده درم بلیله آمله تربد از هر یک هفت درم افتیمون

اطریفل عددی

ده درم بسفایج اسطوخودوس سنا مکی از هر یک پنج درم شیطرج زرنباد غاریقون از
هر یک سه درم انیسون مصطکی جوز بوا قرنفل قرفه سنبل جوز بوا از هر یک دو درم نوشادر
سه درم غدد خشک کرده که بز کردن گوسفند باشد پنج درم بانکبین بسرشته شربتی پنج درم
این بیست جز واست و وزن آن نود و دو درم مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است
در اول درجه سیم اطریفل مقل هلیله کابلی بلیله آمله اجزا مساوی مقل مساوی همه

اطریفل مقل

دارو ها مقل را باب کنند تا حل کند و بانکبین مصفا بسرشته شربتی چهار درم این نسخه چهار
جز واست مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم اطریفل ملکهان

اطریفل ملکان

بد هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله از هر یک ده درم بزنگ پانزده درم شیطرج سعد
زنجبیل

زنجبیل از هر یک سه درم سادج پنجه درم بسفایج اسطوخودوس از هر یک هفت درم غا
ریقون شش درم قسط سه درم کندر مصطکی قرنفل خیربوا انیسون از هر یک دو درم
فلفل دار فلفل نانخواه مشک از هر یک چهار درم بانکبین مصفا بسرشته شربتی سه درم تا چهار
درم این ترکیب بیست جز واست وزن آن یکصد و چهارده درم مزاج گرم است در یک درجه
و سه ربع خشک است در اول درجه سیم اطریفل کشنیزی خداوند صداع گرم را سود دارد

اطریفل کشنیزی

و بخارها از سر باز دارد اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله کشنیز خشک از هر یک جز وی
همه را بکوبند و بروغن بادام چرب کنند و بکشمش تر بسرشته و بعضی کشنیز مساوی همه هلیلها
کنند شربتی یک مثقال تا دو مثقال صاحب اختیارات میگوید که باشد و وزن ادویه عسل
بسرشته تا بدین مزاجش سرد خواهد بود در آخر درجه و اگر با کشمش بسرشته سرد
خواهد بود در یک درجه و خشک در اول درجه سیم اطریفل دیگر حب القرع را سود

نوعی دیگر

دارد اخلاط آن برنگ کابلی ده درم تربد حب النیل قسط تلخ از هر یکی پنج درم قنبیل
افسنتین درمنه افتیمون شیح ارمنی ملح هندی خردل سفید شحم حنظل سعد راسن خشک
از هر یک نیم استار بانکبین مصفا بسرشته شربتی از ده درم تا چهارده درم این نسخه چهارده
جز واست وزن آن پنجاه و شش درم و چهار دانگ مزاج گرم است و خشک در اول درجه

دیگر

سیم اطریفل دیگر خداوند عرق مدنی را سود دارد اجزای آن هلیله کابلی بلیله
آمله تربد زنجبیل فنبیل اجزا مساوی و یک یکی فانید مثل دارو ها بعسل کف گرفته

اطریفل خبث الحدید

بسرشته و ده درم زیباجی سوشند این نسخه شش جز واست مزاج گرم است در اول
درجه دوم خشک است در آخر آن اطریفل خبث الحدید نافع است اوجاع بواسیر و استرخای
مثانه و معده را و باه را زیاده کند و تسخین معده نماید اخلاط آن هلیله سیاه بلیله
آمله منزوع النوی شیطرج هندی تخم کرفس نانخواه صعتر فارسی از هر کدام یک
اوقیه سنبل الطیب حماما هیل وج از هر یک نیم اوقیه خردل یک اوقیه و نیم نوشادر

اطریفل صغیر

نیم درم خبث الحدید سه درم عسل در روغن گاو آنقدر که کفایت باشد این نسخه نوزده
جز واست وزن آن صد و سی و دو درم مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است
در دوم درجه و نیم اطریفل کوچک نافع است استرخای معده و رطوبت آن را و ریاح
بواسیر را و زنگ روی را نیکو گرداند اخلاط آن هلیله کابلی بلیله آمله بلیله منزوع

المقوی تیطرج هندی تخم کرفس نانخواه صعتر فارسی از هرکدام یک اوقیه سنبل الطیب
حماما هیل و ج از هریک سه درم دارچینی چهار درم فلفل دار فلفل نارمشک نمک هندی
از هریک نیم اوقیه خولنجان یک اوقیه و نیم نوشادر نیم درم خبث الحدید سه درم عسل و روغن
کافی قدر که کفایت باشد این نسخه نوزده جزو است و وزن آن صد و سی و دو درم مزاج گرم است
در اول درجه سیم خشک است در دوم درجه و نیم اطریفل دیگر نافع است سترخای
معده و رطوبت آن را و دفع ریاح بواسیر را و رنگ روی را نیکو کند اخلاط آن هلیله
کابلی شیر آمله بلیله مقشر و تخم النوی اجزا مساوی بکوبند و بروغن گاو چرب کنند و بعسل
مصفا بسرشند این نسخه سه جزو است مزاج سرد است در ربع درجه خشک است
در آخر دوم درجه اطریفل مقل مسلّین پوست هلیله سیاه و هلیله زرد آمله مقشر
اسطوخودوس افتیمون بسفایج از هریک ده درم مقل فلوس خیار شنبر از هریک سی درم
با انگبین مصفا بسرشند مقل و خیار شنبر در آب حل کرده و عسل کف گرفته بر سر آن کنند
و باقی ادویه بهم بسرشند این ترکیب هشت جزو است و وزن آن یکصد و بیست درم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم اطریفل شاهترج منقول از قرابادین
شاه خوارزمی آن هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم بلیله آمله از هریک ده درم
سنا مکی ده درم شاهترج سی درم ریوند چینی چوب چینی از هریک دو درم مجموع اجزا
کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده وزن ادویه کشمش بسرشند شربتی از یک مثقال
تا چهار درم این نسخه هشت جزو است وزن آن صد و سی و چهار درم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در آخر دوم درجه اطریفل اکبر نافع است سترخای معده
و باد بواسیر که در بدن باشد و باه را قوت دهد اخلاط آن هلیله سیاه بلیله
آمله دار فلفل فلفل از هریک سه جزو زنجبیل بو زیدان شیر آمله شیطرج هندی
شقاقل و در نسخه دیگر یافت شده بسباسه از هریک یک جزو و در بعضی سورنجان سفید
لسان العصافیر تخم انار دیری که آن را حب القلقل گویند تخم مقشر شکر طبرزد
از هریک دو جزو بهمن سرخ و سفید از هریک نیم جزو بعسل کف گرفته بسرشند
این ترکیب نوزده جزو است مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در یک درجه
و نیم

ایارجات صاحب ذخیره میگوید که اهل یونان ایارج داروی مسهل را گفته اند و تفسیر
ایارج داروی الهی است و این نام داروی مسهل را از بهر آن نهاده اند که اسهال داروی
مسهل بجرم او نیست بلکه بقوت آن است و آن قوت الهی است از بهر آنکه طبیعت و اخلاط
مسخر قوت دارو شوند تا اثر و فعل وی پدید آید و نخستین مسهل معروف ایارج روفس
بوده است پس بروزگار مسهلهای دیگر ساخته اند و ایارج نام نهاده اند و
ایارج از بهر آن ساخته اند که از داروهای مسهل چون خربق و شحم حنظل می ترسیده اند
هر وقت خواستند که استفراغی کنند داروهای مسهل را با داروهای دیگر که بعضی
مصلح آن است و بعضی باد زهر آن و بعضی بدرقه ترکیب کردند پس تدریج داروی
مسهل بیختند و طبیخ آن دادند یا داروی که مصلح آن باشد و تأخیر دلیری شدند
و جوارشها ساختند و از ساختن ایارج و بسیاری داروهای آن مستغنی شدند اما
شربت ایارجات چهار مثقال داده اند و تحتی نمک که آن را ملح العجین گویند با آن ترکیب
میکنند و با طبیخ افتیمون میدهند صفت طبیخ افتیمون افتیمون چهار درم مویز
دانه بیرون کرده ده درم هلیله سیاه هفت درم اسطوخودوس سه درم اندر
یک من و نیم آب بپزند تا دو بهره برود و یک بهره بماند بعد از آن بپالایند و ایارج اندر
وی کنار زنند و بدهند و سه روز از پس استفراغ زیرباج فرموده اند و شراب ترنج
و ایارجات بدین ترتیب داده اند این نسخه چهار جزو است و وزن آن بیست و چهار
درم مزاج گرم است در آخر دوم درجه اول خشک است در آخر دوم درجه ایارج روفس
همه بیماریهای بلغمی و سودائی را و داء الثعلب و سحدار را اخلاط آن شحم حنظل بیست
مثقال کمادریوس ده مثقال غاریقون ده مثقال سکبینج جاوشیر از هریک هشت
مثقال فطراسالیون فلفل سفید و سیاه زراوند مدحرج از هریک پنج مثقال
دارچینی سلیخه اسطوخودوس زعفران جعده مر از هریکی چهار مثقال صمغها
حل کنند و همه را با انگبین مصفا بسرشند شربتی چهار مثقال با طبیخ افتیمون و در
بعضی نسخه سلیخه و اسطوخودوس از هریک هشت مثقال کرده اند این نسخه پانزده
جزو است و وزن آن یکصد مثقال مزاج گرم است در دوم درجه و نیم خشک است
در دوم درجه و ربع نسخه دیگر از شابور بن سهل اجزای آن شحم الحنظل بیست درم

صبر بخید درم خولنجان ده درم کماذریوس بسیف درم سکبینج جاوشیر از هریک هشت درم
زراوند مدحرج قطراساليون فلفل سیاه وسفید از هریک پنج درم سنبل سلیخه دارچینی
زعفران زنجبیل مرجعده از هریک دو درم بانگبین مصفا سرشته و در نسخه صهار بخت
این سه جز قاضافه است کافیطوس غاریقون فراسیون از هریک ده درم این نسخه هفده
جزو است وزن آن یکصد و پنج درم مزاج گرم وخشک است در درجه دوم و نیم ایارج لو
غاذیا نسخه معروف این دارویی است مبارک و منفعت آن بسیار است مادتهای بد
از قعر تن بکشند واسهال او بی رنج باشد همه بیماریهای سرد و دیوانگی و صرع و
کریوا وفالج واسترخا وسکته را ببرد ومعده را پاک کند وسده جگر بگشاید وحیض
آورد وتنگی نفس را ببرد و همه بیماریهای بلغمی را که از بلغم خام تولد کنند ببرد و تبهای
مختلف را و بیماریهای سوداوی را واوجاع مفاصل را و نقرس و عرق النسا را و
داء الثعلب را و علتهای کهنه را که بر سر باشند و بهق و برص وقوبا و تقشر و جذام
و خنازیر و همه اماسهای سرد و سرطان را ببرد اخلاط آن شحم حنظل بخید درم حب
الفار مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق اسقوردیون از هریکی چهار
درم افتیمون کماذریوس مقل صبر از هریکی سه درم حاشا هیوفاریقون سادج هندی
فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید و سیاه دارفلفل دارچینی زعفران بسفایج حاوی
جندبیدستر قطراساليون مر زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل حاما
زنجبیل از هریکی دو درم خطیانا اسطوخودوس از هریکی یک درم و نیم بانگبین مصفا
سرشته چنانکه رسم است شربتی چهار مثقال با یک درم ملح العجین پس از شش ماه
الله در طبیخ افتیمون این نسخه سی و شش جزو است وزن آن نود درم مزاج گرم وخشک است
در درجه دوم نسخه دیگر این نسخه نصرفی است که استاد احمد فرج کرده و حصرفی
نیکوست اجزای آن شحم حنظل پانزده درم حب الفار مشوی هشت درم غاریقون
ده درم سقمونیا پانزده درم خربق سیاه اشق ده درم اسقوردیون پنج درم کما
دریوس هفت درم مقل هشت درم صبر پانزده درم حاشا دو درم هیوفاریقون
هفت درم فلفل سیاه و سفید دارفلفل زعفران از هریکی چهار درم دارچینی
مر قطراساليون از هریکی چهار درم جاوشیر عصاره افسنتین از هریک پنج درم اسفلیخ
هشت

لوغاذیا

بوعدیکر

صبر

هشت درم جندبیدستر زراوند طویل سنبل زنجبیل خطیانا از هریکی سه درم فرفیون دو درم
حاما دو درم اسطوخودوس بخید درم بانگبین مصفا سرشته چنانکه رسم است این نسخه
سی و پنج جزو است وزن آن دویست ده درم مزاج گرم است در درجه دوم و نیم خشک است
در درجه سیم ایارج ارکاغانیس این نسخه معروف و همه بیماریهای بلغمی و سوداوی را
و خلطهای غلیظ و خام را سود دارد و ابتداء آب فرو آمدن چشم را باز دارد و درد
گلو و تنگی نفس و کوفتگی اعضا را ببرد خداوند درد معده و درد شکم و رحم الله را طبیخ
سداب سود دارد خاصه اگر بسه قیراط جندبیدستر بروی زیادت کنند و خداوند درد
پشت و کلیه و خصیه را در طبیخ کرفس سود دارد و خداوند عرق النسا را در طبیخ قنطوریون
سود دارد خاصه اگر چهار قیراط عصاره قثاء الحمار در وی ترکیب کنند و اندر آب قیصوم
هم سود دارد و کسی را که سگ دیوانه گزیده باشد با تنبل درم سرطان بحری محرق بدهند
سود دارد و خداوند جرب و حکه را اندر طبیخ شاهتره سود دارد اجزای آن شحم حنظل بیست
دو درم فراسیون اسطوخودوس خربق سیاه کماذریوس سقمونیا فلفل سفید دارفلفل
از هریکی ده درم حب الفار مشوی فرفیون صبر زعفران خطیانا قطراساليون اشق
جاوشیر از هریکی یک اوقیه جعده دارچینی سکبینج مر سنبل اذخر دوقو هی زراوند مدحرج
از هریکی دو درم بانگبین سرشته چنانکه رسم است شربتی چهار مثقال در نسخه صهار
بخت کماذریوس نیست این نسخه بیست و چهار جزو است وزن آن دویست و هشتاد و
سه درم و چهار دانگ مزاج گرم وخشک است در آخر درجه سیم ایارج جالینوس منافع
این ترکیب از منافع لوغاذیا و تیادریطوس تمامتر است و لطیف تر خداوند لقوه و فالج و
تشنج و خداوند استرخای مثانه را سود دارد و بول آمدن بیماران را باز دارد و خلطهای
غلیظ و لزج از تن پاک کند اخلاط آن شحم حنظل غاریقون حب الفار مشوی اشق سقمونیا
خربق سیاه هیوفاریقون فرفیون از هریکی شانزده درم بسفایج افتیمون مقل کماذریوس
سلیخه از هریک هفت درم سکبینج زراوند طویل زراوند مدحرج فلفل سفید و سیاه
دارچینی جاوشیر جندبیدستر قطراساليون از هریکی چهار درم و بعضی طبیبان زعفران
و صبر از هریکی چهار درم اضافه کردند اجزا را بکوبند و با انگبین مصفا سرشته شربتی پس
از شش ماه چهار درم و اند و بعضی نسخها فراسیون آورده اند و وزن بسفایج و افتیمون

ومعقل وكمادريوس وسليخه وفراسيون نه درم كرده اند اين نسخه بليت وچهار جزو وزن
آن دويست وهفت درم مزاج گرم وخشك است در دوم درجه ونيم ايارج نيا ذر بطوس بزرك
نام اين تركيب نام ملكي است كه اين تركيب در عهد وي ساختند واز داروهاي شريف
وقديم است بشنو از عهد جالينوس ساخته اند همه انواع سوء المزاج را كه از سردي وتري
بود سود دارد وقولنج بگشايد واسهال بيرنج كند وحيض برود آورد وفراموشكار
زايل كند وبرص وجذام واستسقاي كه از سردي وضعف جگر باشد باز دارد ودرد
جگر وسپرز وكليه ورحم را سود دارد وخداوند صرع را چند بكار برد يعني ناب شقا نوحلي
كنند واند يعني حكايت كنند وخداوند لقوه را همچنين سود دارد شربتي چهار مثقال اين
ابليع افتيمون وغاريقون بسپايج بست وشش ماه اجزاي آن صبر سقوطري پانزده درم غاريقون
بليت درم زعفران دارچيني مصطكي دوغن بلسان ازهر يك سه درم ديوند چيني
يك درم ونيم عود بلسان حب بلسان فرفيون فلفل سفيد وسياه دار فلفل خيطيانا
رومي فقاح اذخر ازهر يكي دو درم وسط تلخ كمادريوس افتيمون ازهر يك چهار درم
اسارون سليخه سقي نيا ازهر يك شش درم سنبل سه درم ونيم حماما ازهر يك يك درم
بانگبين بسرشتند اين تركيب بليست وپنج جزو است ووزن آن يكصد وسه درم مزاج گرم است
وخشك در اول درجه سيم ايارج شيخ ابو علي خربق سياه يك درم شحم حنظل يك مثقال
صبر نيم مثقال ملح هندي يك درم غاريقون دو مثقال حجر ارمني نيم مثقال كل شربت يك درم
فلفل سفيد يك مثقال زنجبيل دو مثقال وج حماما اسارون حب بلسان حاشا صعتر
بين ذكر شود وقوت تخم كرفس ازهر يك سه درم لسان الثور ده درم شاهسفرم تخم تخمشك
تخم بادرنجبويه ازهر يك دو درم تخم اترج چهار درم نعناع خشك دو درم افتيمون
يك درم ونيم بانگبين مصفا بسرشتند وبعد از شش ماه استعمال نمايند اين تركيب بليست وپنج جزو
ووزن آن هفتاد درم مزاج گرم وخشك است در آخر يك درجه ايارج فيقرا فيقرا بلغت
يوناني تلخ است چون اصل اين ايارج صبر است فيقرا ايشان سبب خواندندش وآن نسخه ما است
اخلاط آن سنبل سليخه مصطكي دارچيني اسارون حب بلسان عود بلسان زعفران
ازهر يك جزوي صبر اسقوطري دو مثل داروها كنند وبعضي صبر مثل داروها
كنند شربتي دو درم نسخه معروف اين است وديگر خواص آن گفته شد مزاج
گرم

ايارج شيخ

فيقرا

گرم وخشك است در اول درجه سيم واطبا از بهر بيماري بصر في كرده اند وچنين دانند ونيد بعضي
داروها امساك كرده اند اما دارچيني از لطافت نافع احشاست ومصطكي از بهر نفع معده است
سليخه وزعفران از جهة بوانيدن اخلاط است واز جهة قوت دل ومعده اما خداوند صداع گرم را
زعفران كم كنند ويا بعوض آن گل سرخ كنند وهمچنين از جهة خداوند غثيان وقي زعفران را
تبديل كرد بعوض آن گل كنند واسارون با اسهال ياري دهد ورطوبتها را دفع كند از احشا
سود دارد وگاه باشد كه بعضي اسارون كابه كنند از جهة لطافت آن حب بلسان عود
بلسان معده را قوت دهد وتحليل كند وبعضي طبيبان فقاح اذخر اند در افزايند تا سحج
كه از صبر افتد باز دارد وبعضي مردمان ايارج خشك بكار دارند وبعضي به مقدار
داروها انگبين بسرشتند وانچه بانگبين سرشته باشد اسهال زودتر كند وشيخ ابو
علي صفر ميگويد كه من صواب آن بينم كه مقل حل كنم واز آن آب مقل بسرشتم واقراص كنم
وبعضي صبر مغسول كنند از جهة بهر وطان ليكن اسهال كمتر كند وكسي را كه تب سخت
گرم نباشد شايد داد شيخ صفر مايد كه ايارج حنفرا صبر آن مغسول تا گرد وكساني كه تب
بر دارند بعضي ترسانيد واسهال ايارج اندك باشد ودير بود وباشد كه اسهال
زود دوم وماده را از اعضا دور كند چون معده ورودها واز حكيمي نقل كنند كه خداوند
كنند ورطوبتها را از دماغ بيرون آورد وخداوند لقوه وگراني زبان واسترخاي اندامها
وخداوند اوجاع مفاصل وخداوند نقرس را سود دارد ودر نسخه ديگر از نسخه يحيي بن ماسويه
از جهة خداوند بواسير وخداوند تبهاي كهن ساخته اند وصداع بلغمي وسوداوي
ببرد اجزاي آن مرانيسون حنطيانا وسط قصب الذريره سليخه عصاره افسنتين شاهسفرم
زعفران جعده ازهر كدام يك درم حضض عصاره غافت ازهر يك سه درم شربتي يك درم
ونيم اين نسخه دوازده جزو است ووزن آن شانزده درم مزاج گرم است در يك درجه
ونيم خشك است در يك درجه وسه ربع نسخه ديگر تبهاي كهن را زايل كند وحكيمي
سيرا پاك كند اخلاط آن اسطوخودوس پنج درم مصطكي سه درم فقاح اذخر
عصاره افسنتين عصاره غافت ازهر يكي دو درم ونيم جعده سه درم سنبل دارچيني
اسارون سليخه عود بلسان حب بلسان زعفران ازهر يكي دو درم صبر مثل

ایارج بوقفراطیس

همه داروها این نسخه چهارده جزو است وزن آن شصت و پنج درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه دوم ایارج هو فقراطیس و هو بقراط الحکیم اجزای آن خنطیانا سنبل زراوند مدحرج سلیخه دارچینی فطراسالیون کمادریوس اسطوخودوس فلفلمون مصطکی از هر کدام یکدرم چهار درم حب البان زعفران از هر کدام یکدرم و نیم صبر همچند درم شحم حنظل شش درم با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه پانزده جزو است و وزن آن چهل و یکدرم مزاج گرم و خشک است در دوم درجه و ربع

ایارج بقراط

ایارج دیگر از بقراط حکیم اجزای آن قثاء الحمار فلفل سفید و سیاه دار فلفل کمادریوس از هر یک پنج مثقال زعفران سقمونیا از هر یک دو درم اشق یکدرم با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه نه جزو است وزن آن چهل و دو درم و نیم مزاج گرم است در دوم درجه و سه ربع خشک است در دوم درجه و نیم خوب حب الذهب خداوند درد سر و درد چشم را سود دارد اجزای

حب الذهب

آن بیست درم هلیله زرد ده درم مصطکی کتیرا سقمونیا زعفران از هر یک سه درم گل سرخ پنج درم جمله بکوبند و بیزند و بگلاب بسرشتند و حب کنند شربتی دو درم و نیم این نسخه هفت جزو است وزن آن چهل و هفت درم مزاج گرم است در یکم درجه و نیم خشک است در آخر درجه دوم حب اصطمخیقون تن را از بلغم غلیظ و سودا و مادتهای پاک کند اخلاط

حب اصطمخیقون

آن هلیله کابلی شش درم ملح هندی افسنتین رومی غاریقون سقمونیا از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یکی دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارج فیقرا هفت درم قرنفل یکدرم خانیذ چهار درم با بیندازند در آب یکدانه و بقوام آرند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشتند و حب سازند هر یک چون فلفل شربتی دو مثقال این نسخه دوازده جزو است یعنی نایند وزن آن چهل و چهار درم مزاج گرم است در اول درجه و نیم خشک است در دوم درجه و ربع حب قوقایا نسخه جالینوس خداوند درد سر و درد چشم را سود دارد و تن از فضول پاک کند اخلاط آن مصطکی عصاره افسنتین اگر عصاره نباشد

قوقایا

افسنتین صبر سقمونیا شحم حنظل اجزا مساوی یکدیگر بکوبند و بیزند و با آب کرفس بجوشانند و صافی کنند و داروها بدان بسرشتند و حب سازند شربتی از یک مثقال تا یکدرم این نسخه پنج جزو است مزاج گرم است و خشک در دوم درجه و نیم حب سورنجان منقول از منهاج

حب سورنجان

وجع مفاصل نافع است اوجاع مفاصل و نقرس را اجزای آن قنطوریون باذیلنج پنج درم تربد سفید هفت درم سورنجان صد درم سکبینج چهار درم عاقرقرحا دو درم صبر اسقوطری شش درم شحم حنظل غاریقون فوه از هر یک سه درم جند بیدستر یکدرم اجزا را کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه ده جزو است وزن آن یکصد و سی درم مزاج گرم است و خشک در یکم درجه و ثلث حب منتن اخلاط

حب منتن

غلیظ را کم کند و سده میگشاید و نفع میکند وجع مفاصل و خاصره را و بهق و جذام و داء الفیل را سود رسانند و این حب معروف است مجرب ما هانی اخلاط آن اشق سکبینج جاوشیر مقل صبر هلیلج شحم حنظل از هر یک هشت درم شیرم افتیمون فرفیون شیطرج سورنجان از هر یک چهار درم تربد ده درم جند بیدستر دو درم سقمونیا سه درم غاریقون دو درم زعفران سنبل قاقله پنج خطمی سفید مصطکی دارچینی خولنجان از هر کدام یکدرم صموغ را در آب بجوشانند تا حل شود و باقی اجزا را کوفته با آب صموغ حب سازند این ترکیب بیست و چهار جزو است وزن آن یکصد و هشت درم مزاج گرم است در دوم درجه و ربع خشک است در دوم درجه و نیم حب منتن اکبر نافع است

منتن کبیر

وجع و قولنج و نقرس و درد پشت و زانو را پاک کند بدن را از خلط غلیظ لزج اجزای آن مقل سکبینج جاوشیر بزر حرمل شحم حنظل صبر افتیمون از هر یک ده درم سقمونیا شش درم دارچینی سنبل زعفران جند بیدستر از هر یک دو درم فرفیون یکدرم صموغ را با آب کنند تا حل کنند و باقی اجزا را با آن بسرشتند شربتی دو درم این نسخه سیزده جزو است وزن آن هشتاد و پنج درم مزاج گرم است در دوم درجه و سه ربع خشک است در دوم درجه و نیم حب منتن اصغر پاک میسازد خلط غلیظ لزج را از پشت و زانو

منتن صغیر

اخلاط آن سکبینج اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شحم حنظل دوازده درم صموغ را حل ساخته اند اجزا را کوفته و بیخته با آن حب سازند شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه هفت جزو است وزن آن هشتاد درم مزاج گرم است در دوم درجه و نیم خشک است در دوم درجه و ربع حب منتن نسخه تحذی

منتن صغیر

نفع میکند وجع مفاصل و نقرس را و هر دردی که از بلغم خام و صفرا و سودا باشد و نافع است فالج را اجزای آن صبر هلیله زرد حنظل لوعا لنوی حرمل افتیمون

لباب تربد اشق جاوشیر سکبینج مقل الیهود از هریک چهار درم شحم حنظل سه درم سقمونیا
دو درم فربیون جند بیدستر دارچینی زعفران از هر کدام یک درم همه را با آب کنند تا با آب
کوبند نیکو و زنه یک شب بخیسانند بعد از آنکه فی الجمله حل شود نیکو بزنند چندانکه همه
چون مرهم شود پس از آن ادویه را نیکو بکوبند و بیخته با آن حب سازند هر کدام فلفلی و در سایه
حب شیطرج
خشک کنند شربتی دو درم در اول با آب نیم گرم فرو برند این نسخه پانزده جزو است وزن
آن چهل و پنج درم مزاج گرم و خشک است در دوم درجه و نیم حب شیطرج اکبر خداوند
درد سرین و عرق النسا را و درد پشت و گردن را سود دارد و خلط لزج را دفع کند
اخلاط آن سکبینج اشق مقل جاوشیر فربیون از هر کدام یک درم صبر افتیمون غاریقون
از هر کدام یک درم و نیم زراوند مدحرج قنطوریون باریک جند بیدستر از هر یکی دو درم
دار فلفل زنجبیل نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم کرفس مر زعفران از هر یک چهار
دانگ هلیله زرد سورنجان پنج ماهیزهره از هر یک دو درم و نیم خردل شیطرج
شحم حنظل عود وج ملح هندی از هر یک چهار دانگ با آب کاکنج حل کنند و حب سازند
شربتی دو درم این نسخه بیست و هفت جزو است وزن آن سی و یک درم و چهار
نوع دیگر
دانگ مزاج گرم و خشک است در آخر درجه حب شیطرج اصغر هلیله زرد
ده درم صبر بیست درم زنجبیل دو درم فلفل دار فلفل از هر کدام یک درم خردل
سه درم شیطرج ملح هندی شحم حنظل از هر یک دو درم فانید چهار درم با آب کوبند
حب سازند این نسخه ده جزو است وزن آن چهل و هفت درم مزاج گرم است در
نوع دیگر
آخر درجه خشک است در اول درجه سیم نسخه دیگر صبر سورنجان تربد
از هر یک ده درم شیطرج وج ملح نفطی شحم حنظل غاریقون هزار اسفند سکبینج مقل
از هر یک دو درم زنجبیل دار فلفل مصطکی فلفل خولنجان انیسون قسط نانخواه تخم
هر کدام یک درم افتیمون هلیله سیاه از هر یک پنج درم با آب کرفس و کاکنج حب سازند
حب غافث
شربتی دو درم این نسخه بیست و یک جزو است وزن آن شصت و چهار درم مزاج
گرم است و خشک در آخر درجه حب غافث خداوند درد جگر و ... را
سود دارد اخلاط آن صبر عصاره غافث هلیله زرد اجزا مساوی یکی یکی با آب
کوبند

است
خشک
کوبند حب سازند شربتی دو درم این نسخه سه جزو است مزاج گرم است در نیم درجه
حب جاثلیق
در آخر درجه حب جاثلیق این حب ... است جاذب بلغم و سودا ... و ... بادی
که موجب ضعف هضم باشد ... و در زمستان و تابستان میتوان خورد اخلاط آن
دارچینی زعفران قسط سنبل حماما کادریوس حب البان محلب قرنفل غاریقون از هر یک
دو درم ... از هر یک سه درم صبر سی و نه درم در تابستان با گلاب حب سازند
و در زمستان با شیره کوبند شربتی دو درم پیش از طعام و بعد از یک ساعت غذا باید خورد
... این نسخه سیزده جزو است وزن آن چهل و ... درم مزاج گرم است در اول درجه
حب برمکی
سیم خشک است در آخر درجه دوم حب برمکی سر را و اطراف را پاک کند و نافع است
اورام را بعد از خوردن باید که بخوابد تا مواد را از همه اعضا جذب تمام نماید اخلاط آن صبر
سقوطری شحم حنظل از هر یک هفت مثقال زعفران سنبل دارچینی حب بلسان اسارون
مصطکی افسنتین رومی سقمونیا تربد از هر کدام یک مثقال سلیخه نیم مثقال اجزا کوفته و بیخته
با آب نیم گرم حب سازند و در حال ساختن دست را به روغن بادام شیرین چرب سازد
و استعمال آن ... و خشکی طبیعت ... اقل آن سه حب است و اکثر آن پانزده
حب ابن الحارث
و شربت تام دو درم است در وقت خواب باید این ترکیب دوازده جزو است وزن آن
بیست و سه مثقال و نیم مزاج گرم است و خشک در دوم درجه و نیم حب ابن الحارث
بتهای بلغمی و جمله دردهای بلغمی ببرد و ... شربت دفع بهق سیاه و سفید کند
حب ابن هبیره
اخلاط آن هلیله سیاه هلیله زرد انزروت مقل سکبینج شحم حنظل از هر یکی پنج ...
خردل سفید صعتر فارسی شونیز زیره کرمانی نمک طبرزد ... از هر یک
جزوی همه را در آب حل کنند و داروها را با آن ... و حب کنند مقدار فلفلی
هر بامداد مثقالی از آن بخورند و طعام زیرباج خورند این نسخه سیزده جزو است مزاج گرم است
و خشک در آخر درجه حب ابن هبیره ظاهر النفع است در دفع ریاح و صفرا و باد
بواسیر و بلغم خام و بهق و جرب و در زمستان و تابستان توان خورد اخلاط آن هلیله
زرد و سیاه بلیله ... النوع از هر یک دوازده مثقال آمله شش مثقال شیطرج
هندی دار فلفل از هر یک پنج مثقال ... ملح ... از هر کدام یک مثقال تربد سفید صبر از هر یک

سه مثقال مجموع اجزا را کوفته و بیخته بروغن بنفشه حب سازند و در سایه خشک کنند
شربتی نیم مثقال نصف شب با آب گرم بنوشند نفع عجیبی بر آن مترتب خواهد شد این ترکیب
ده جز واست وزن آن شصت مثقال مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر
درجه دوم حب جامع بزرجمهر نفع میدهد بیرون آوردن بلغم و مره صفرا و مره سودا و همچنین سر را
نفع میدهد هرگاه که در سر یکی ازین فضلها باشد و میگشاید گرفتگی زبان را که ازین فضلها
بهم رسیده باشد و نفع میدهد معده را بانکه ملسا زند و نفع میدهد جگر را و تقویت آن
میکند و نفع میدهد ثقل سمع و بیتهای کهنه را و ساکن میگرداند جمیع اخلاط را و تسقامیدهد
انفاع قروح و جرب را و کسیرا که بواسیر داشته باشد و محتاج بخوردن این حب شود باید
که ابهام و مشابه آن بروغن بادام شیرین حب سازد و حب برابر آن دو انگشت چوب کند
و بخورد چون چنین کند نخواهد کرد اجزای آن ایارج فیقرا بیست و چهار درم هلیله
سیاه و زرد از هریک شش درم مصطکی افسنتین عصاره غافت عصاره افسنتین از هریک
دو درم گل سرخ چهار درم اجزا را کوفته و بیخته و با آب حب سازند مقدار فلفلی شربتی دو درم
و نیم چون دو ساعت از اول شب بگذرد بیش از خوابیدن بخورد بخوابد در شب دو سه
مرتبه اطلاق واقع میشود و باقی عمل در روز خواهد بود این نسخه هشتجز واست وزن آن
چهل و هشت درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در دوم درجه و ثلث حب
سکبینج خناق و درد زانو و درد سرین و تهیگاه را سود دارد اخلاط آن تخم کرفس هزار
اسفند از هر کدام یک درم سکبینج و مقل از هریک دو درم ایارج فیقرا ده درم شحم حنظل
غاریقون از هر کدام یک درم تربد شش درم شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه هشتجز واست
وزن آن شانزده درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم نسخه دیگر خناق و
قولنج و بیماریهای که از باد بود خاصه غلیظ سود دارد و حیض بگشاید و ... و
اجزای آن سکبینج صبر تخم کرفس انیسون دوقو هلیله زرد از هر یکی پنج درم تربد بیست
درم شحم حنظل سه درم سقمونیا دو درم شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه هفت
جز واست وزن آن پنجاه درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم نسخه دیگر
قولنج را سود دارد و بگشاید اخلاط آن سکبینج حنظل از هریک ده درم سقمونیا سه درم و دو دانگ
با آب

حب جامع بزرجمهر

حب سکبینج

نوع دیگر

نوع دیگر

با آب سداب حب کنند شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه سه جز واست وزن آن بیست و سه درم
و دو دانگ مزاج گرم است و خشک در آخر سه درجه نسخه دیگر بیماریهای بلغمی را و
فالج و لقوه را و اوجاع مفاصل را سود دارد اجزای آن سکبینج اشق مقل جاوشیر شحم حنظل از هریک
ده درم زنجبیل فلفل دارفلفل شیطرج نانخواه جند بیدستر از هر یکی دو درم هلیله کابلی
بلیله آمله از هریک سه درم تربد پنج درم زعفران دو درم سورنجان سه درم صبر
بیست درم با آب گندنا حب کنند شربتی از دو درم تا سه درم این ترکیب نوزده جز واست
وزن آن صد و شش درم مزاج گرم است در اول و آخر درجه دوم خشک است در اول درجه
سیم حبی که کرمان دراز و حب القرع را فن و ... دو کیل دارو فلفل سفید بزر کتان کابلی
مقشر قنبیل نمک هندی از هریک پنج درم ترمس هفت درم شیح ده درم تربد سفید
با نوزده درم قسط مر از هریک هفت درم شربتی پنج درم با آب ... این نسخه ده جز واست
وزن آن هفتاد و یک درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم حبی دیگر تربد
قنبیل بوده خشک بزر کابلی کیل دار و از هریک ده درم تربد زرنباد ده درم
قرد مانا هشت درم شربتی سه درم تا پنج درم با طبیخ شیح یا با سرکه و سیر این نسخه هفتجز واست
وزن آن شصت و هشت درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم حب صبر
خناق و ذکر و خارش را سود دارد اخلاط آن صبر یک درم هلیله زرد یک درم سقمونیا
یک دانگ و نیم گل سرخ یک دانگ و نیم کتیرا نیم دانگ با آب کاسنی یا با آب شاهتره حب کنند
و این یکشبه بکشد این نسخه پنجز واست وزن آن دو درم و سه دانگ و نیم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در آخر درجه دوم حب فرفیون خناق و ... استسقاء زقی را
سود دارد اجزای آن ماذریون مدبر نیم درم ... دو دانگ فرفیون دانگی و نیم
سکبینج یک درم ملح هندی دانگی سرگین کبوتر دانگی این یک شربت قوی باشد این نسخه
شش جز واست وزن آن دو درم و دو دانگ و نیم مزاج گرم است در دوم درجه و در
خشک است در دوم درجه و نیم حب ماذریون خناق و ... استسقای زقی را سود
دارد اخلاط آن ریوند عصاره غافت تخم کاسنی از هر یکی سه درم غاریقون پنج درم
ماذریون مدبر ده درم حب کنند چنانکه رسم است شربتی دو درم و نیم این نسخه

نوع دیگر

حب صبر

حب فرفیون

حب ماذریون

[حب السعال]

درجه ونیم

پنج واست و وزن آن بیست وچهار درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در درجه
حب السعال خداوند سل و دق را سود دارد اجزای آن صمغ عربی کثیرا مغز دانه آبی تخم خطمی
پاک کرده از هر یکی سه درم مغز بادام شیرین سفید کرده با قلای خشک مغز تخم خیار از هر یکی
پنج درم رب السوس سه درم تخم کدوی شیرین مغز پنج درم نشاسته سه درم تخم کاهو تخم
خرفه از هر یک سه درم شکر ده درم جمله را بکوبند و بلعاب اسبغول بسرشند و حب کنند
نخود و پیوسته در دهان میدارند این نسخه دوازده جزو است همه بی شکر و وزن آن چهل و
چهار درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم رطب است در نیم درجه حبی دیگر حرارت بنشاند

[نوع دیگر]

و سینه نرم کند و تشنگی را ببرد اخلاط آن رب السوس ده درم تخم خرفه ده درم تخم کاهو پنج درم
صمغ کثیرا از هر یک هفت درم مغز بادام شیرین ده درم نشاسته و آرد جو مغز تخم
از هر یک هفت درم تخم خیار پاک کرده پانزده درم تخم خربزه پوست باز کرده ده درم تخم
خشخاش پنج درم مغز دانه آبی هشت درم شکر طبرزد ده درم بلعاب اسبغول بسرشند
و حب کنند این نسخه دوازده جزو است بغیر شکر و وزن آن یکصد و یک درم مزاج سرد
است در یک درجه و ثلث رطب است در دو ثلث درجه اول حب اللبوب اندر بوده

[حب اللبوب]

تبهای گرم مانند سرسام و دهان که ببندد تشنگی بنشاند خاصه اگر با [illegible] و رب عنب
و رب انار و مانند آن بسرشند اخلاط آن تخم خیار هفت درم تخم کدوی هفت درم تخم خرفه
پاک کرده از هر یکی خرفه تخم کاهو نیم [illegible] و رب السوس نیم [illegible] همه را بکوبند و بلعاب
اسبغول بسرشند و بآب برگ خرفه وحب کنند و در سایه خشک کنند و باز بکوبند
و برب میوه بسرشند این نسخه پنج واست مزاج سرد است در دو درجه و ربع
رطب است در دو درجه حب السعال سرفه که سرفه بنشاند و سینه را از خلط

[حب السعال]

غلیظ پاک کند اجزای آن [illegible] یک درم [illegible] رب السوس یک درم افیون
یک دانگ و نیم حب کنند هر یکی دانگی بشب اندر دهان نهند این نسخه چهار جزو است
وزن آن چهار درم و یک دانگ و نیم مزاج گرم است در آخر یک درجه خشک است
در یک درجه و ربع نسخه دیگر از بهر سرفه که شب بیقرار دارد و سود دارد اخلاط

[نوع دیگر]

آن رب السوس پنج درم فلفل [illegible] مغز بادام تلخ از هر یک دو درم بماء العسل
بسرشند و حب کنند این نسخه شش جزو است و وزن آن پانزده درم مزاج گرم و
خشک است در آخر دو درجه حبی که اسهال بلغمی باز دارد [illegible] جند بید ستر

[حب ...]

افیون

افیون را استارا حب کنند بمقدار فلفلی شربتی هفت حب با آب سرد و کودکان را دو حب تا سه تا پنج حب بقوت
و آنگاه کنند و سال و بچه این نسخه سه جزو است مزاج گرم است در سه یک درجه خشک است در دو درجه
و نیم حبی که اسهال خون باز دارد در دمان و ثمرة الطرفا افیون را استارا جمله بکوبند و بآب صمغ

[حبی که اسهال خون باز دارد]

بسرشند و حب کنند شربتی دو دانگ این نسخه سه جزو است مزاج سرد است در دو درجه و ثلث
خشک است در دو درجه و ثلث حبی دیگر افیون جزوی اقاقیا جزوی ثمرة الطرفا

[نوع دیگر]

سماق حب الآس از هر یکی چهار جزو و جمله را بکوبند و برب آبی بسرشند شربتی یک درم این نسخه
پنج جزو است مزاج سرد است در آخر دو درجه خشک است در یک درجه و نیم حبی که بوی دهان

[حب بخور]

خوش کند جوزبوا قاقله قرنفل دارچینی خولنجان از هر کدام یک درم کافور نیم درم مشک
دو دانگ حب کنند چون نخود و اندکی زیر زبان نهند دهان را خوش کند [illegible]
حب [illegible] مشک و کبابه و زنجبیل و بسباسه در افزایند صواب باشد و اگر [illegible]
و نیم درم نمک هندی در افزایند رطوبتها کمتر کند اصل این نسخه هشت جزو است و وزن آن
شش درم و پنج دانگ مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در دو درجه و سه

[نوع دیگر]

ربع و در منهاج الادویه این نسخه را باین طریق ذکر کرده جوز بوا قاقله قرنفل کافور
دارچینی خولنجان فوفل از هر کدام یک درم مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه
از هر یک یک مثقال سعد دو درم اجزا را کوفته و بیخته و مسک را علیحده کوفته بعد از آن
داخل اجزا نموده بگلاب یا بآب سیب یا بآب به [illegible] و در دهن گیرند این نسخه بیست
دوازده جزو است و وزن آن چهارده درم تخمینا مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشک
در دو درجه و نیم حب نفط خداوند فالج و لقوه و نقرس و قولنج و بیماریهای بلغمی را

[حب نفط]

سود دارد و بادهای غلیظ را بشکند اخلاط آن هلیله زرد پیه صبر شحم حنظل ما
هیزهره ها را سفید جند بید ستر انزروت اشق مقل سکبینج جاوشیر صمغ سداب
نفط سفید از هر یک پنج درم صمغها را بنفط حل کنند و داروهای کوفته بدان بسرشند
و حب کنند شربتی دو درم و نیم بآب گرم این نسخه هیجده جزو است و وزن آن شصت
و پنج درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم

[نوع دیگر]

اقراص قرص کوکب این دارو نیست که طبیبان ما تقدم [illegible] شده و منافع آن

بسیارست معده ضعیف که فضلها میپذیرد و از دیگر اندامها بدو می‌آید قوّت دهد تا آن
فضله را دفع کند و از دوغ ترشرا طلا کنند و خوردن و بر پیشانی طلا کردن با سرکه
درد سر را بنشاند و تبها را باز دارد و با زرده بایی بسرشند و بدندان کرم خورده
شده باشد اندر دهند سود دارد و بکوبانند و بچکانند با آب مرزنگوش درد
گوش بنشاند و سرفهٔ کهن را و خون بر آمدن را که از سرفه بر آید سود دارد و
خداوند تبهای کهن را با آب مرزنگوش بدهند تب زایل کند و کسی را که جانوری
زهرناک گزیده باشد یا زهری داده باشند با شراب آبی بدهند یا آب سداب
واگر با شراب آبی بدهند اسهال خون باز دارد و ریش و رودها را که از بلغم
شور بود و ریش مثانه را سود دارد و اگر با میفختج غرغره کنند خناق بلغمی
باز دارد نخاعی آن مرصافی جند بیدستر سنبل سلیخه زنجبیل گل مختوم دوست بیخ لفاح
از هر یکی چهار درم افیون زعفران تلخ کوه کف الارض که آنرا الملوکو نیز از هر یک
بیخ درم خشخاش سفید هفت درم و فوتنج نسیون سیساليوس بزر البنج میعه ترنج کرفس
از هر یک هشت درم میعه و افیون بشراب ریحانی حل کنند و داروهای خشک بکوبد
و بهم بیزند و بدان بسرشند و اقراص کنند هر یک نیم درم و در سایه خشک کنند و از
پس شش ماه بکار دارند و بعضی نسخه او کف الارض چهار درم است این نسخه هفده
جزو است و وزن آن نود و نه درم مزاج گرمست در ثالث درجه و اول خشک است در

قرص ورد

دوم درجه و ثلث قرص گل نسخه معروف خداوند درد معده را سود دارد و طعم
تبهای معده را بنرم آید و بیماریهای بلغمی را نیز اخلاط آن برگ گل سرخ بیست درم
سنبل السبیل از هر یکی ده درم ثلث بسرشند و اقراص کنند و در سایه خشک
کنند شربتی دو درم با سکنجبین ساده یا نبیذ و دیگر این نسخه سه جزو است وزن
آن چهل درم مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در سه ربع درجه قرص

نوعی دیگر

گل مسهل اسهال صفرا کند اخلاط آن گل سرخ ده درم رب سوس نیم درم
سنبل سه درم سقمونیا سه دانگ مصطکی دو درم بسرشند و قرص کنند شربتی
دو درم و نیم این نسخه پنج جزو است و وزن آن بیست درم مزاج گرم است در دوم درجه
وثلث

قرص کافور

وثلث قرص کافور تب گرم را و درد معده را که از گرمی بود سود دارد و تشنگی بنشاند و خداوند
یرقان سود دارد اخلاط آن زرشک دانه بیرون کرده طباشیر گل سرخ از هر یک هفت درم
تخم کدو تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو و بی شیرین از هر یک
پنج درم صندل سفید دو درم کثیرا سه درم رب سوس دو درم کافور یک درم بلعاب
اسبغول بسرشند و اقراص کنند شربتی دو درم با سکنجبین این ترکیب دوازده جزو است
وزن آن چهل و هشت درم مزاج سرد است در دوم درجه خشک است در اول درجه و سیم

نوعی دیگر

نسخهٔ دیگر سده جگر بگشاید و تبهای گرم را ببرد اخلاط آن بنفشه خشک نیلوفر خشک
از هر یک سه درم تخم خیار بادرنگ طباشیر زعفران از هر یک دو درم گل سرخ سه درم
ریوند چینی لک مغسول از هر یک دو درم کثیرا یک درم رب سوس دو درم کافور نیم
مثقال ترنجبین ده درم اقراص و با سکنجبین بدهند این نسخه سیزده جزو است وزن آن
سی و چهار درم و نیم مثقال مزاج سرد است در دوم درجه ثلث خشک است در اول

نوعی دیگر

درجه دوم نسخهٔ دیگر ترکیب شیخ ابو علی سینا خداوند تبهای محرقه و تب دق را سود
دارد و قی و خون و اسهال خون باز دارد اخلاط آن تخم کاسنی کاهو تخم خرفه از
هر یک ده درم تخم کدو شیرین تخم خیار از هر یک دو درم و دو دانگ رب کدو و اگر
نباشد صندل از هر یک دو درم و دو دانگ سرطان محرق زعفران رب سوس کافور
از هر یک یک درم گل سرخ چهار درم و اگر کسی طباشیر سه درم مغز کدو و شیرین دو درم
تخم خشخاش سفید دو درم اندرین قرص زیادت کند صواب باشد این نسخه یازده جزو است

قرص طباشیر

وزن آن بیست و یک درم مزاج سرد است در یک درجه و سه ربع خشک است در آخر
دوم درجه قرص طباشیر اسهال صفرائی باز دارد و تشنگی بنشاند و تبهای گرم را سود
دارد اخلاط آن طباشیر گل سرخ سماق پاک کرده از هر یک ده درم بزر الحماض بزر بقلة
الحمقا از هر یک پنج درم بسد دو درم گلنار پنج درم صمغ عربی گل ارمنی از هر یک
سه درم اقراص کنند شربتی دو درم با شراب به یا سیب حب و شکر واگر بدل سماق
زرشک پاک کرده کنند و دو درم نشاسته بلوط زیادت کنند روا باشد این نسخه
نه جزو است و وزن آن پنجاه و سه درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است

در دو درجه و نیم نسخه دیگر سود نفث دل و سینه را و تبهای گرم را سود دارد داروهای آن
نوعی دیگر
گل سرخ شش درم طباشیر کثیرا از هر یک چهار درم تخم خیار تخم خیار بادرنگ تخم کدو
تخم خرفه از هر یک شش درم زعفران دو درم رب سوس سه درم نشاسته ده درم
کافور یک درم بلعاب اسبغول بسرشند شربتی با سکنجبین بخورند این نسخه پانزده
جزو است وزن آن چهل هفت درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است در
یک درجه و ثلث قرص زرشک بیماریهای جگر گرم و تبهای گرم را سود دارد داروهای
قرص زرشک
آن زرشک پاک کرده ده درم تخم کاسنی تخم خرفه تخم خیار مقشر از هر یک سه درم
گل سرخ پنج درم ریوند چینی یک درم سنبل نیم درم شربتی یک مثقال تا دو مثقال با سکنجبین
دهند این نسخه هفت جزو است وزن آن بیست و پنج درم و نیم مزاج سرد است در آخر
یک درجه خشک است در اول دو درجه نسخه دیگر بیماریهای جگر را که نابت بود
سود دارد و یرقان را ببرد و سده بگشاید داروهای آن زرشک پاک کرده پنج درم
نوعی دیگر
ترنگبین پاک کرده سه درم تخم کشوث ده درم عصاره غافث ده درم تخم خیار
مقشر سه درم سنبل یک درم طباشیر سه درم زعفران لک ریوند از هر کدام یک درم
رب سوس دو درم ترنگبین را با آب کاسنی بگدازند و داروها بدان اقراص کنند
و با سکنجبین بدهند یا با آب کاسنی این نسخه یازده جزو است وزن آن چهل درم
مزاج سرد است در یک درجه و دو ثلث خشک است در یک درجه و نیم نسخه دیگر
ترکیب شیخ الرئیس اماس جگر و سده را تحلیل کند اخلاط آن زرشک پاک کرده
نوعی دیگر
یا عصاره او پنج درم عصاره غافث طباشیر از هر یک دو درم لک مغسول کنند
سنبل عصاره افسنتین ریوند چینی لسان الثور از هر یک دو درم و نیم زعفران
یک درم با آب کاسنی بسرشند چنانکه رسم است این نسخه ده جزو است وزن
آن بیست و پنج درم مزاج گرم است در نصف درجه اول خشک است در یک درجه
و سه ربع قرص لک بیماریها و سده جگر را سود دارد و طعام بگوارد داروهای
قرص لک
آن لک مغسول ریوند چینی مصطکی از هر یک سه درم سنبل تخم کرفس نانخواه
اذخر اهل بادام تلخ قسط فوه عصاره غافث اسارون خطمیا از هر کدام یک درم و نیم

بیست
و نیم اقراص کنند هر یکی نیم مثقال و با سکنجبین بزوری بدهند این نسخه چهارده جزو است
وزن آن بیست و پنج درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در آخر
دو درجه نسخه دیگر بیماریهای جگر و سده آن را سود دارد اخلاط آن لک
نوعی دیگر
مغسول فوه انیسون تخم کرفس افسنتین اسارون مغز بادام تلخ قسط دارچینی زراوند
طویل عصاره غافث از هر یکی استاردست و اندر بعضی نسخها رب سوس و عصاره
زرشک زیادت کرده اند این نسخه یازده جزو است مزاج گرم است در یک درجه و نیم
خشک است در آخر دو درجه قرص ریوند اماس جگر و سپرز و زخمی که بر تن مردم
قرص ریوند
آید سود دارد داروهای آن ریوند چینی هشت درم فوه لک مغسول از هر یک چهار
درم تخم کرفس غافث انیسون از هر یک سه درم همه را بکوبند و بیزند و به ترنجبین
بسرشند و اقراص کنند هر یک یک مثقال شربتی یک قرص این نسخه شش جزو است و وزن آن
بیست و پنج درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر دو درجه
نسخه دیگر خداوند جگر سرد را سود دارد اخلاط آن ریوند چینی ده درم سنبل
نوعی دیگر
مصطکی غافث افسنتین انیسون تخم بادیان از هر یک دو درم و نیم به آب بادیان
بسرشند و اقراص کنند هر یک یک مثقال این نسخه هفت جزو است وزن آن بیست و پنج درم
مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در یک درجه نسخه دیگر اسهال
نوعی دیگر
خون باز دارد داروهای آن ریوند چینی یک مثقال گل ارمنی صمغ عربی یک مثقال و نیم این
جمله شربت باشد در آب کاسنی دهند یا اندر آب لسان الحمل این نسخه سه جزو است
وزن آن چهار مثقال مزاج سرد است در ربع درجه خشک است در یک درجه
و سه ربع قرص افسنتین خداوند تبهای کهن را سود دارد و سده بگشاید و ادرار
قرص افسنتین
بول آرد و شهوت طعام پدید آورد اخلاط آن افسنتین رومی انیسون تخم کرفس اسارون
مغز بادام تلخ اجزاء همه مساوی یکدیگر اقراص کنند شربتی یک مثقال تا دو درم این نسخه
پنج جزو است مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در دو درجه و ربع
نوعی دیگر
نسخه دیگر خداوند درد معده را که از پس طعام خوردن پدید آید و تا قی نکند
ساکن نشود نافع است و این قرص را قرص ایلاقی گویند داروهای آن افسنتین رومی
ده درم تخم کرفس انیسون از هر یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل چند بید ستر

افیون از هر یک دو درم اقراص کنند هر کدام یک درم با شراب بی دهند و مانند آن دهند این
نسخه هشت جز واست و وزن آن چهل و هشت درم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است
در دو درجه و نیم قرص کبر خداوند درد سپرز را سود دارد اجزای آن پوست بیخ کبر چهار
استار زراوند طویل دو استار تخم بیخ انگشت فلفل سیاه از هر یک شش استار اسفر الجمر [illegible]
حل کنند هر یک دو درم و با سکنجبین بدهند این نسخه پنج جز واست و وزن آن بیست و دو استار
که یکصد و چهل و یک درم باشد و سه تخمین از هفت تخمین یک درم و این بنا بر قول صاحب
ذخیره است اما بنا بر قول صاحب جوامع الادویه یکصد و سی و نه درم و دو دانگ است
مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم قرص غافث نفع
میکند تبهای گرم و کهن را و نفع تشنگی و سده و ورم جگر و سپرز را دفع میکند و
یرقان را سود دارد اجزای آن عصاره غافث شش استار گل سرخ منقی مع الاقماع یا
سنبل الطیب از هر یکی دو استار تخم کاسنی پاک کرده شش استار طباشیر چهار درم [illegible]
کوفته و بیخته قرص سازند این نسخه پنج جز واست و وزن آن یکصد و هفت درم تخمینا بنا
بر قول صاحب ذخیره اما بقول صاحب جوامع الادویه یکصد و پنجاه درم و دو دانگ
مزاج سرد است در سه ربع درجه خشک است در یک درجه و نیم قرص کهربا نافع است
نفث دم و تپ قدیم را اخلاط آن کهربا بسد مروارید تخم خرفه از هر یک پنج درم شاخ گاو کوهی
سوخته پوست تخم مرغ سوخته کثیرا صمغ عربی از هر یکی سه درم گشنیز بو داده خشخاش
سفید خشخاش سیاه از هر یک شش درم و دم سوخته [illegible] سفید از هر یک دو درم
اجزا کوفته و بیخته با آب [illegible] قرص سازند هر یک مثقالی این نسخه سیزده جز واست
وزن آن پنجاه و چهار درم مزاج سرد است در آخر یک درجه خشک است در یک درجه
و ربع قرص کاکنج خداوند قرحه کلیه و مثانه را و خدا و نیز تقطیر بول را سود دارد
اجزای آن بزر البنج [illegible] از هر یکی شش درم تخم بادیان دو درم زعفران بزر
حماض مغز چلغوزه افیون مغز بادام تلخ از هر یک سه درم حب کاکنج بیست و پنج عدد
تخم خیار پاک کرده دوازده درم اجزا را کوفته بید و شراب انگوری سرشته قرص نمایند
این نسخه یازده جز واست و وزن آن بغیر حب کاکنج چهل و هفت درم مزاج سرد است
در یک درجه و نیم خشک است در اواخر درجه دوم قرص خشخاش سرفه را و [illegible] سینه
و نیز خون بر آمدن سرفه را و اسهال خون را سود دارد اخلاط آن گل سرخ صمغ
عربی از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا از هر یک دو درم تخم خشخاش سفید تخم خشخاش
سیاه

قرص کبر
قرص غافث
قرص کهربا
قرص کاکنج
قرص خشخاش

سیاه از هر یک سه درم طباشیر رب السوس از هر یک دو درم زعفران دو دانگ بلعاب
[illegible] اقراص کنند از یک درم تا یک مثقال و بعضی نسخها سه درم حب الآس بریان
کرده افزوده اند زعفران نیم درم خداوند سرفه را با شراب زوفا دهند و با آمدن
خون را با شراب خشخاش و خداوند تپ را با جلاب دهند یا با شراب بنفشه و قوت این
قرص تا شش ماه باقیست بعد از آن ضعیف میشود این نسخه نه جز واست و وزن
آن بیست و دو درم و دو دانگ مزاج سرد است در یک درجه و ربع خشک است
در یک درجه و دو ثلث نسخه دیگر اسهال خون و ذحیر را نافع بود خاصه اسهالی که از جگر
باشد اجزای آن گلنار قرظ سماق پاک کرده بلوط حب الآس بریان کرده از هر یک بیست
درم [illegible] دو درم صمغ سه درم گل [illegible] درم طباشیر سه درم کهربا چهار درم
اقراص کنند و با آب [illegible] دهند این نسخه ده جز واست و وزن آن یکصد و هفتاد درم مزاج
سرد است در یک درجه و سه ربع خشک است در اواخر درجه دوم سفوفات
سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد اخلاط آن گل سرخ طباشیر از هر یک سه درم
گشنیز خشک دو درم بسد مروارید کهربا از هر یک نیم درم کافور یک دانگ شربتی
دو درم با سکنجبین سفرجلی این نسخه هفت جز واست و وزن آن نه درم و چهار
دانگ مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه و ثلث
سفوف طین نفع این سفوف چون سفوف طباشیر است اجزای آن گل ارمنی گشنیز
خشک از هر یک درم طباشیر از هر یک نیم درم کافور نیم دانگ این یکشربت تمام بود
با دوغ گاو دهند این نسخه پنج جز واست و وزن آن سه درم و نیم دانگ مزاج سرد است
در یک درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم نسخه دیگر که در جوامع
منهاج مذکور است نفع میدهد سحج و اسهال مرارا اخلاط آن بزر قطونا تخم
[illegible] نشاسته صمغ عربی طین ارمنی از هر یک جزو صمغ عربی و طین
ارمنی و نشاسته را بو داده نیم کوفته [illegible]
حب ساخته استعمال نمایند شربتی سه درم [illegible] سفرجلی [illegible] این نسخه
شش جز واست مزاج سرد است و خشک در اواخر درجه اول سفوف ارسطاطالیس
که بجهت [illegible] ساخته نفع میکند ذرب و فساد معده و [illegible]

سفوف طباشیر
سفوف طین
سفوف ارسطاطالیس

نسیان کند و طعام بگوارد و بوی دهان خوش کند و مفرح است اجزای آن قرنفل سادج هندی
عود هندی هیل سار مصطکی هلیله کابلی مقشر تخم کشک نار مشک زیره کرمانی
دارچینی اشنه فلفل دارفلفل زنجبیل قرنفل نار دانک جوزبوا قاقله از هر یک دو درم
مشک عنبر کافور از هر یک یک درم شش مقدار همه دار و ها شربتی از یک درم تا سه
درم بلبش از طعام و بعد از طعام توان خورد این نسخه بلبیف و دو جز واست یعنی
شکر و وزن آن چهل و یک درم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است در
دو درجه و ثلث سفوف عبادة معده سرد و تر را سود دارد و جگر ضعیف را — سفوف عبادة
قوی کند اخلاط آن لک عیدان حب الآس بلوط مصطکی نار پوست ماز و از هر یک جزوی
کند ر زنجبیل از هر یک ربع جزو شکر طبرزد دو وزن همه دار و ها در جوامع شکر
بگو واست مساوی مصطکی و باقی اجزا شربتی یک مثقال یا دو مثقال یک هفته بکار دارند
روزی دو بار یکبار صباح ناشتا و یکبار دیگر وقت خواب و در بیان مدت که این سفوف
میخورند گوشت نخورند این نسخه نه جز واست یعنی شکر مزاج گرم است در سه درجه — سفوف مقلیاثا
خشک است در اول درجه سیم سفوف مقلیاثا سحج و قرحه امعا را سود دارد اخلاط
آن صمغ عربی بریان کرده هفت درم نشاسته بو یاتیک کرده چهار درم اسبغول بریان
کرده ده درم تخم مرو بریان کرده شاهسفرم بریان کرده شاه بلوط بریان کرده
جبالاس از هر یکی شش درم شربتی سه درم با شراب مورد در نسخه دیگر تخم
خشخاش و تخم خرفه آورده اند این نسخه هفت جز واست و وزن آن چهل و پنج درم
مزاج سرد است در آخر یک درجه خشک است در دیگر ربع درجه نسخه دیگر که در
ذخیره مذکور است سحج او بواسیر را سود دارد اخلاط آن اسفندان سفید بریان — نوع دیگر
کرده سی درم زیره کرمانی یک شبانروز در سرکه خیسانیده و خشک کرده
تخم کتان بریان کرده تخم کندنا بریان کرده از هر یک ده درم مصطکی سه درم
هلیله کابلی بریان کرده هفت درم مصطکی و زیره را بکوبند و با تخمها کوفته
بیامیزند شربتی سه درم و در منهاج و جوامع نیز این نسخه مذکور است اما در
وزن تفاوتی دارد این نسخه شش جز واست و وزن آن هفتاد درم مزاج گرم است — سفوف برنج
در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه و دو ثلث سفوف برنج معده را
سود دارد و کرم دندان رو دها پاک کند اجزای آن هلیله کابلی آمله پاک
کرده

کرده برنج کابلی از هر یک ده درم تربد سفید کوفته و بیخته سی درم فانید دو مقدار
مجموع دار و ها شربتی دو درم این نسخه چهار جز واست یعنی فانید و وزن آن شصت درم — سفوف سورنجان
مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در آخر دو درجه سفوف سورنجان
خداوند نقرس را و اوجاع مفاصل را سود دارد اخلاط آن سورنجان هفت درم
زیره بریان کرده پودنه جو بیابانی از هر یک دو درم فلفل یک درم مقدار همه دار و ها
شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه چهار جز واست و وزن آن دوازده درم مزاج گرم است
و خشک در یک درجه و ثلث لازمه و آن مشتمل است بر فاید و ذیلی خاتمه در بیان
اوزان و مکاییل چون حضرت استادی علامی مد ظله السامی در رساله اوزان — [illegible]
نحوی استقصای مکاییل و اوزان فرموده اند که مزیدی بر آن متصور نیست ما نیز
تیمنا بکلام الشریف بهمان اقتصار نموده ایم حبه یک جو میانه است طسوج که بفارسی تسو
گویند مقدار دو جو میانه است قیراط چهار جو است خرنوب شامی یک قیراط است کنکجی
که در بلاد هندوستان در ذکر آن و بعضی دیگر مستعمل است شش جو میانه بود دانک است
دانق که بفارسی دانک گویند هشت حبه است و به حسب یا تر مشهور دو قیراط است اوبوله
سه قیراط است ... یکدانک و نیم است ... یک درم و نیم است و نزد بعضی سه قیراط است
نواة در ذخیره گفته که ... دانک است ... نزد ... در جوامع الادویه گفته که نواة
سه مثقال است و بعضی گفته اند که نصف درهم است و این قول الحق و صواب نزد ... است
بولوس در ذخیره گفته که یکدانک است ... و در قرابادین قلانسی مذکور است
که ... شش یک مثقال است یا هفت یک مثقال درهم که بفارسی درم گویند مقدار
چهل و هشت حبه است باقلاء یونانیه در جوامع الادویه و ذخیره بیست چهار جو
بیان کرده که نصف درهم باشد باقلاء مصری در جوامع مذکور است که چهل و
هشت جو است که یک درم باشد باقلاء اسکندریه را نه قیراط گفته که سی و شش
جو باشد مثقال شش دانک و هشت جو میانه جو است و چهار حصه از یک جو که آن را
هفت حصه برابر کنند بنابر نحوی که در ذخیره و جوامع الادویه مذکور است
یک درهم و سه ... و بعضی گفته اند که یک مثقال است جو نه بنطیه در جوامع مذکور است
که جو نه بنطیه عبارت از بندقه است و در ذخیره گفته که جو نه بنطیه یک مثقال است

اند
درخمی در جوامع مذکور است که آن یک مثقال است و نیز در جوامع آورده که بعضی گفته
که درخمی فارسی درهم است و شیخ در قانون بعد از آنکه بر این وجه بیان نموده که
درخمی یک مثقال است در اواخر بیان اوزان درخمی ابر این وجه بیان کرده شده که
درخمی شش ادبولوس است و هر ادبولوس سه قیراط است و هر قیراط را چهار جو گفته پس درخمی
بنابرین بیان هفتاد و دو جو باشد و در ذخیره باین عبارت گفته که درخمی یک مثقال است
و نیز در ذیل بعضی یک درهم است فلنجیون در جوامع مذکور است که دو مثقال است خامی
الکبیر سه مثقال است خامی الصغیر دو مثقال است و در ذخیره نیز گفته که این
مذکور است چون در جوامع و بعضی دیگر از کتب طبیه آن را دو حصه از سه حصه مثقال
بیان نموده اند استار چهار مثقال و نیم است صاحب جوامع الادویه گفته که استار شش درم
و دو دانگ است یا چهار مثقال و نیم و صاحب ذخیره بحساب مثقال موافق کتب مذکوره او
اما بحسب درهم فرموده که استار شش درم و سه خمس از هفت خمس درهم است قانون نیز
در جوامع الادویه آن را شش درم و نیم گفته نیطل در جوامع آورده که شش درهم است
و شیخ در قانون فرموده که نیطل دو استار است و صاحب ذخیره گفته که نیطل هفت درهم
و نیز بعضی دو استار است جوزه مطلقه بخوبی که در ذخیره و جوامع الادویه مذکور است
نه درخمی است و در هر دو کتاب مذکور را از نیز نقل شده که نزد بعضی چهار مثقال است
جوزه ملکیه شش درخمی است چمچه در جوامع چهار مثقال گفته ملعقه از مقیاسات
و از عسل هفده چهار مثقال است و از دار و هانقه یک مثقال ما بالجمله ثلث اصابع در
جوامع گفته که دو درخمی است اما بالجمله الکف شش درخمی است توله که از اوزان
متعارف هندوستان است گاهی در وزن بیست و پنجاه و دو جو موافق آمده است
و بجهة تفاوت جو در بزرگی و خوردی گاهی کمتر از این و گاهی بچند جو بیشتر موافق
بوده بنابرانکه دو بیست و پنجاه و دو جو باشد یک توله پنج درم و سه قیراط و جو
بود و بحساب مثقال سه مثقال و نیم و سه قیراط اوقیه که آن را وقیه نیز خوانند
در صحاح و قاموس مذکور است که اوقیه یک استار است و دو خمس از سه خمس یک
استار است و در ذخیره و جوامع الادویه مذکور است که اوقیه بحساب مثقال
هفت

هفت مثقال و نیم است و بحساب درهم ده درم و پنج خمس از هفت خمس یک درم است
قوابوس در جوامع الادویه گفته که یک اوقیه و نیم است و شیخ در قانون فرموده
که قوابوس از روغن زیتون دوازده درخمی است و از شراب یک وقیه و نیم در درخمی
و ثلث است و از عسل دو اوقیه و ربع است اکسوبافن در قانون نقل از بعضی نیز
کتب شانزده درخمی گفته و در ذخیره و قرابادین قلانسی مذکور است که اکسوبافا
هم در کیل مستعمل میشود و هم در وزن در کیل هجده درهم است و در وزن هشت
قیراط و در جوامع نیز هجده درخمی گفته رطل صاحب صحاح و قاموس دوازده اوقیه
گفته اند بنابرانچه در بیان اوقیه گذشته دوازده اوقیه بحساب مثقال نود
مثقال میشود و مراد از این رطل رطل عراقیست و رطل مکی دو برابر رطل عراقیست
و رطل مدنی یک رطل و نیم عراقیست و شیخ نیز در قانون فرموده که رطل بیست
استار است صاحب ذخیره گفته که رطل بغدادی دوازده اوقیه است و بیست
استار و نود مثقال و یکصد و بیست و هشت درم و چهار سبع یک درم و در جوامع
الادویه رطل را بحساب مثقال موافق ذخیره نود مثقال بیان نموده اما بحساب
درهم یکصد و بیست و هشت درهم و نیم است و سخن صاحب ذخیره درین باب به
صواب منتها و در بعضی کتب طب طوطون یا طالون در اوزان مذکور است در ذخیره و
جوامع الادویه مذکور است که آن نه اوقیه است همچنین قوطولی و قوطیل هفتاد و
دو مثقال است ناطل در جوامع مذکور است که نصف رطل است مسطون کبیر سه وقیه است
و مسطون صغیر شش درخمی است و همچنین در قانون و ذخیره نیز به همین وجه
مذکور است سکرجه صغیره در قرابادین قلانسی و در جوامع مذکور است که سه
وقیه است و سکرجه کبیره که آن را صدفه نیز گویند و وقیه است سکرجه مطلقه شش
استار و چهار یک استار است و صاحب ذخیره به همین تفصیل اشاره نموده اما بجای
سکرجه سکره مذکور است ساخته سکره و سکرجه ظرفی و پیمانه خاص است که بزبان
فارسی سکره میگفته اند و چون لفظ مذکور را عربی ساخته اند سکرجه گفته اند
قوبوطی شیخ در قانون گفته از روغن زیتون نه اوقیه است و از شراب ده اوقیه
و از عسل سیزده اوقیه و نیم است و در جوامع نیز به همین تفصیل مذکور است منن
که بزبان عربی منا نیز آمده بنابرانچه در صحاح و قاموس و مهذب اللغه مذ
کور است دو رطل است و کلام اطباء معتبر نیز با این موافق است شیخ در قانون

نموده که من چهار استار است صاحب ذخیره من الحساب ده درهم دویست و پنجاه و هفتاد درم
و یک بخش از هفت بخش یک درم گفته و بحساب مثقال یکصد و هشتاد مثقال و بحساب
رطل دو رطل بغدادی گفته و بحساب استار چهل استار و بحساب اوقیه بیست و چهار
اوقیه بیان نموده و در جامع الادویه نیز موافق همین تفصیل مذکور است و در ذخیره
من رومی دویست و یک اوقیه و من انطاکی و مصری را شانزده اوقیه بیان نموده
و در قرابادین قلانسی از قرابادین چنین نقل نموده که من رومی بیست اوقیه است
و شیخ در قانون نیز از بعضی کتب برین وجه نقل نموده و نیز در قرابادین قلانسی
مذکور است من رومی دویست و شصت درهم است و من انطاکی مصری شانزده او
قیه است مدّ که در کتب فقه بتقریب تحقیق زکوة مال و زکوة فطر و بعضی کفارات
و غیر آن مذکور است بنا بر آنچه در صحاح و قاموس مذکور است دو رطل عراقی است
و معتبرین فقها چون شیخ جمال الدین مطهر در ارشاد و شیخ شهید در کتاب دروس
مد را دو رطل و ربع عراقی بیان نموده اند پس هر مد بنا بر قول فقهای عظام دویست
و نود و دو درهم خواهد بود چنانچه از حساب رطل عراقی مخفی نیست و در
دروس تصریح باین نموده و بنا بر تفسیر و بیان اهل لغت یکصد دویست و پنجاه و
هفت درم و یک بخش از هفت بخش یک درم است و صاحب قاموس در بیان مد
آورده که آدمی و انگشتان او در بزرگی و کوچکی میانه باشد هرگاه که هر دو دست
خود را از غله پر سازد چنانکه انگشتان را دراز کرده باشد مقدار پیمانه مذکور را
که مد باشد و دعوی کرده که من تجربه کرده ام و آنرا موافق یافته ام و جامع
رساله اوزان مد الله ظلاله العالی فرماید که آنچه صاحب قاموس آورده وفق
دعوی تجربه نموده ملاحظه آن واقع شد در برنج و ذرّه و بعضی اجناس هوا
آنچه گفته ظاهر نشد و مقدار مذکور کمتر از دو رطل بود بعضی نزدیک بربع سیر
از دو رطل کم ظاهر شد و بعضی ازین کمتر آنچه گفته در گندم بقدر موافق است
چراکه مقدار گندم که هر دو دست از آن خواست پر کنند گاهی دو سیر و دو توله و گاهی
اندکی ازین بیشتر و گاهی اندکی ازین کمتر ظاهر و یافت و دو رطل نزدیک باین است
چنانکه سابقا بیان شد پس اگر در بیان صاحب قاموس اندک تقیید و تخصیص
میبود اولی و اوضح بود و در جامع الادویه زنجانی در دو ورق رطل دانسته
گفته

گفته که یک من و نیم باشد و شیخ در قانون نیز گفته که دورق سه رطل است و قسطان عسل
دو رطل و نیم است و صاحب ذخیره گفته که قسط انگبین نزد یک اهل یونان یک رطل است
و نزد بعضی یک رطل و نیم است کوز که عبارت از کوزه باشد آن را نیز سه رطل گفته و در
جامع گفته که کوز الدهن چهل و هشت استار است و کوز الطلا و الخمر شبیه بآن است شصت
استار است همان بیست و پنج استار است و صاحب ذخیره نیز موافق صاحب جامع الادویه
ذکر کرده اما شیخ در قانون از بعضی کتب بر این وجه نقل نموده که همین پنج استار است
و بیست درهم و چهار اوبولوس و هم در قانون ذکر نموده که ابان عسل دو رطل و نیم است
س وسد و ابا روغن یک من و نیم است و نیز در قانون ذکر نموده که قسط نزد اهل روم نه رطل
و نیم است پس اوقیه باشد و قسط انطاکی یک رطل و نیم است و من انطاکی و مصری
شانزده اوقیه است و نیز در قانون از بعضی دیگر کتب نقل نموده که قسط از روغن
زیتون شانزده اوقیه است و از شراب هشتاد رطل است و از عسل یکصد و هشت
رطل و قلانسی در قرابادین خود گفته که قسط رومی یک رطل است و نیم و بعضی
گفته اند بیست اوقیه است و قسط مصری شانزده است و قسط انطاکی نیز اینچنین است
و قسط قطری بیست و چهار اوقیه است کیلجه در بعضی کتب لغت گفته که آن پیمانه ایست
که در عراق معروف است گویا مقصود عراق عرب باشد که بغداد از آن جمله است
و کیلجه بنا بر آنچه در قاموس و صحاح تحقیق شده پیمانه ایست بقدر یک من و هفت بخش
از یک من که آن را هشت بخش برابر کنند در ذخیره مقدار کیلجه که بعبارت کیله
مذکور شده موافق صحاح و قاموس است ابریق در جامع میگوید که
مقدار دو من است جره صغیره نیز در جامع مذکور است که چهار قسط است
جره مطلقه بیست و چهار قسط است خوس شیخ در قانون میفرماید که خوس
از زیت نه رطل است و از شراب ده رطل و از عسل بیست و سه رطل و نیم صاع
نیم پیمانه ایست که در زمان حضرت پیغمبر علیه السلام شایع بوده و در بعضی
احادیث نیز مذکور گردیده بنابرین فقها در بعضی مباحث فقه ذکر و تحقیق آن
نموده اند صاحب صحاح و قاموس صاع را چهار مد گفته اند و چون مد را در صحاح

و قاموس دو رطل بیان نموده بنابر این صاع هشت رطل خواهد بود و در قرابادین قلانسی
نیز صاع را چهار من بیان نموده و چون منزاد در لغت و طب نیز دو رطل بیان نموده اند
الحجه قلانسی در بیان صاع گفته موافق صحاح و قاموس خواهد بود و صاع نبی علیه
السلام در کتب معتبره فقه چون ارشاد و دروس و غیرهما چنان تحقیق شده
که چهار مد است و مد بنابر قول فقهاء امامیه رضوان الله علیهم دو رطل و ربع عراقی است
چنانکه سابقا تحقیق شد پس صاع نه رطل عراقی باشد و بحساب درهم یکهزار و یکصد و
هفتاد درهم میشود چنانچه شیخ شهید علیه الرحمه در کتاب دروس در مبحث
زکوة فطره بیان نموده باین عبارت که والواجب صاع وزنه الف درهم ومائة و
سبعون درهما شرعية و بحساب مثقال هشتصد و نوزده مثقال است و بحساب
جو چهل و شش هزار و یکصد و شصت جو خواهد بود صاعی که در زکوة فطره بجهة
هر کس بمقدار یکی از آن دادن واجب است نزد علمای امامیه رضوان الله علیهم از صاع
و قدر این صاع بحساب سیر متعارف هجره سه دکن بنابر الحجه در تحقیق و بیان توله مد
کرده ذکر کرده ایم نه سیر است و هفت توله الا سه ربع یکدم چون در جوها تفاوتی حساب
بنابر آن عدد جوهائی میانه که در توله اعتبار رشد شایان زهکنی مذکور اندک
تفاوتی پیدا کند و از این جهة در صاع نیز بحساب سیر که مذکور شد اندک تفاوتی
یکی با زیادتی محتمل است که راه یابد پس رعایت جانب احتیاط در ادای واجب مقتضی
آن است که بجهة هر کس موازی ده سیر بهند سیر متعارف دکن و تحقیق صاحب قاموس
بر این وجه است که صاع نبی علیه السلام انقدر است که آدمی که دستها در بزرگی
وکوچکی معتدل باشد چهار مرتبه هر دو دست خود را پر سازد مکوک بنابر الحجه در
صحاح و قاموس مذکور است پیمانه ایست بقدر سه کیلجه و در بعضی کتب لغت مذ
کور است که مکوک پیمانه ایست بقدر دو صاع و نیم پس مکوک پنج من و پنج حصه از یکمن
شود که آن را هشت حصه برابر کنند و این یازده رطل و ربع از رطل عراقی شود قفیز
در صحاح و قاموس گفته که آن هشت مکوک است و صاحب ذخیره گفته که قفیز نیز
بر دو گونه است این هشت مکوک باشد و یکیله بلیست چهار کیلجه است و بنابر الحجه از کتب
لغت طب و در بیان قفیز نقل شد یکقفیز نود رطل عراقی خواهد بود قنطار در صحاح

صحا

صحاح گفته که بعضی گفته اند که قنطار یکهزار و دویست وقیه است و بعضی گفته اند که
یکصد و بیست رطل است و بعضی گفته اند که آنقدر قنطار آن قدر رطل است که یک پوست گاو را
از آن پر کنند و در جوامع الادویه و ذخیره و قرابادین قلانسی در بیان معنی قنطار
همین قدر مذکور است که یکصد و بیست رطل است شاید نزد اطباء دیگر این معنی
مستعمل نباشد طالیطون در جوامع و ذخیره و قرابادین قلانسی مذکور است که یکصد و
بیست و پنج رطل است از رطلی که هر یک دوازده اوقیه باشد جو همین در قانون و
جوامع الادویه و ذخیره بر این وجه بیان شده که شش قسط دو قسط است و بنابر الحجه
شیخ در قانون قسط دو من را بیان نموده که بیست اوقیه است یک جو همین یکصد و
بیست اوقیه خواهد بود دورق انطالیقی در قانون و ذخیره و قرابادین قلانسی
انطالیقی را هشت جو همین گفته اند و بنابر الحجه در جو همین مذکور شد دورق
انطالیقی نهصد و شصت اوقیه خواهد بود وسق در صحاح و قاموس مذکور است
که مقدار شصت صاع است که ترتیب چهارده من از من متعارف بعضی ولایات دکن
حرست عن الآفات والفتن خواهد بود بنابر الحجه فقها در تفسیر صاع ذکر نموده اند و
بنابر الحجه اهل لغت در بیان صاع گفته اند بحساب من دکن از الحجه مذکور شد چیزی
کمتر میشود و وسق بمعنی مقدار بار یک شتر نیز آمده چنانکه در صحاح و قاموس
مذکور است در صحاح از بعضی علماء اهل لغت نقل نموده که وسق بار یک شتر است و
وقر بار یک استر یا خر ذیل در بیان دانستن مقدار شربت هر مرکبی بعد از تحقیق
و تشخیص وزن و عدد شربات جزوی از وزن مرکب اخذ نمائیم که نسبت آن بمجموع
وزن مرکب چون نسبت واحد باشد بعدد شربات مثلا وزن مجموع مرکب سی
درم است و عدد شربات ده چون واحد را نسبت بده که عدد شربات است
نسبت عشر است از سی که وزن مرکب است عشر اخذ نمودیم که آن سه درم است
واگر فرضا عدد شربات سی باشد و وزن مرکب ده شربت آن مرکب ثلث درم
خواهد بود زیرا که نسبت ثلث درم به ده درم چون نسبت واحد است بعدد
شربات که سی است و علی
هذا القیاس تمت بعون الله
تعالی

حکماء هند و یونان گفته اند که چون کسی بیمار شود که ابتداء بیماریش باشد بر بلینید که چه روز است از ماههای
عرب از اول تا آخر بدین موجب است که در جنب نوشته معلوم کنند مجرب است اول زود صحت یابد
دویم مخوف باشد سیم مرض بطول کشد چهارم رنج سخت باشد پنجم مخوف بود ششم بعد از شش روز
صحت یابد هفتم رنج دراز کشد هشتم بعد از شانزده روز برخیزد نهم بزودی صحت یابد دهم
بعد از پنج روز برخیزد یازدهم بعد از ده روز برخیزد دوازدهم بزودی صحت یابد سیزدهم
مخوف باشد چهاردهم رنج عظیم کشد پانزدهم بعد از ده روز برخیزد شانزدهم بعد از هفده
روز برخیزد هفدهم زود شفا یابد هجدهم مرض سخت مخوف بود نوزدهم مرض دراز
کشد بیستم بعد از شش روز برخیزد بیست یکم بعد از چهار روز برخیزد بیست دویم رنج
سخت مخوف بود بیست سیم بعد از دوازده روز برخیزد بیست چهارم بعد از هفت روز
برخیزد بیست پنجم بزودی صحت یابد بیست ششم بزودی صحت یابد بیست هفتم
بعد از هفت روز برخیزد بیست هشتم بعد از هفت روز برخیزد بیست نهم بزودی
صحت یابد سیم بزودی برخیزد

